



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

اوردنی مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی



فرگس احمدزادگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قم در دوره صفویه: بررسی فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی

نویسنده:

نرگس احمدی زادگان

ناشر چاپی:

زائر - آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۳	قم در دوره صفویه: بررسی فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۱۵	تقدیم به:
۱۷	فهرست مطالب
۳۱	سخن ما
۳۳	مقدمه
۳۴	احسن التواریخ
۳۸	عالم آرای عباسی
۳۹	خلد برین
۴۰	خلاصه التواریخ
۴۳	تذکره تحفه سامی
۴۳	سفرنامه پیترو دلاواله
۴۴	تذکره نصرآبادی (تذکره الشعرا)
۴۵	سفرنامه تاورنیه
۴۶	سفرنامه اولتاریوس
۴۶	سفرنامه شاردن
۴۷	تذکره الملوک
۴۹	وجه تسمیه «قم»
۵۳	پیدایش شهر قم
۵۳	اشاره
۵۵	تاریخچه سکونت در ناحیه قم
۵۵	اشاره

۵۷	الف) قم، پیش از اسلام
۶۲	ب) قم، پس از دوره اسلامی
۶۴	آب قم
۶۶	رودخانه قم
۶۷	نهر سعد
۶۷	آب و هوای قم
۶۸	باغ ها و کشتزارها
۶۸	محلله های قم
۶۹	دروازه های قم
۶۹	سیر حوادث سیاسی
۷۰	زمینه های موفقیت صفویان
۷۸	خاندان منشی
۷۸	اشاره
۷۹	از جمله افراد متنفذ این خاندان
۷۹	قاضی احمد قمی
۸۲	فرزندان و نوادگان قاضی احمد
۸۲	میرصفی الدین محمد
۸۲	میرمحمد هاشم
۸۳	صفی الدین محمد
۸۵	پدران خویشاوندان قاضی احمد
۸۵	میرسید احمد
۸۵	قاضی شرف الدین عبدالمجید
۸۵	آقا کمال الدین حسینی مسیبی
۸۶	آقا فتوح الدین فتح الله
۸۶	شرف الدین حسین میرمنشی
۸۸	میروجیه الدین خلیل الله

۸۸	میرزا محمود
۸۸	میرسراج الدین علی قمی
۸۹	میرسیدعلی رضوی قمی
۹۰	شخصیت های سیاسی قم
۹۰	- آقا فتح الله خان کمرترین
۹۰	- آقا کمال الدین حسین
۹۱	- ابراهیم بیگ
۹۱	- القاص میرزا
۹۲	- حسین خان بیگ شاملو
۹۲	- حسینقلی بیگ
۹۳	- حسین صلابی اصفهانی
۹۴	- حیدربیک چاپوق
۹۵	- دورمیش خان شاملو
۹۵	- سلیمان خلیفه ترکمان
۹۶	- شاه قلی خلیفه
۹۷	- علیقلی سلطان ذوالقدر
۹۷	- علیقلی خلیفه ذوالقدر
۹۸	- ولی خلیفه شاملو
۹۹	توجه پادشاهان صفوی به شهر قم
۹۹	اشاره
۱۰۳	استاد
۱۰۳	اشاره
۱۰۴	سند اول
۱۰۴	سند دوم
۱۰۶	سند سوم
۱۰۶	اشاره

۱۰۹	سید شجاع‌الدین سلطان محمود
۱۱۲	امیرسلطان احمد
۱۱۲	میرشمس‌الدین نقیب رضوی
۱۱۴	میرمحمدسعید رضوی
۱۲۳	جغرافیای شهری قم
۱۲۳	شهر قم در دوره صفوی
۱۲۵	منظره شهر قم از دید سیاحان اروپایی
۱۲۶	مسابقات در قم عهد صفوی
۱۲۸	طراوت و صفای قم
۱۲۹	آب رودخانه قم در عهد صفویه
۱۲۹	ماجرای سیل مهیب قم
۱۳۲	میدان میر
۱۳۲	محلات و کوی‌های قم
۱۳۵	وضعیت اجتماعی قم در دوره صفوی
۱۳۶	سیر تطور نهاد وقف در جامعه قم
۱۳۶	اشاره
۱۴۳	وقف نامه‌ها
۱۵۲	وقف نامه‌ها
۱۵۲	اشاره
۱۵۲	الف) مدرسه نجف قلی بیک
۱۵۳	ب) مدرسه مؤمنیه
۱۵۵	ج) مدرسه خان
۱۵۶	د) مدرسه فیضیه
۱۵۸	ه) نمونه‌های دیگر وقف
۱۵۹	نقابت
۱۵۹	اشاره



- انتخاب نقیبان ..... ۱۶۰
- شرایط رسیدن به مقام نقابت ..... ۱۶۱
- تولیت ..... ۱۶۲
- متولی منصوب ..... ۱۶۲
- متولی منصوب یا متصدی ..... ۱۶۳
- تولیت در آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ..... ۱۶۳
- وضعیت اقتصادی قم ..... ۱۶۸
- مرکزیت ..... ۱۶۹
- کشاورزی اساس اقتصاد قم ..... ۱۷۱
- محصولات عمده کشاورزی ..... ۱۷۳
- صنایع قم ..... ۱۷۵
- ضرب سکه ..... ۱۷۸
- وضعیت مذهبی قم در دوره صفوی ..... ۱۷۸
- تعصب مذهبی مردم قم ..... ۱۷۹
- مسکرات در قم ..... ۱۸۰
- توجه مردم قم به امور مذهبی ..... ۱۸۱
- توجه به شعایر مذهبی ..... ۱۸۱
- برگزاری مراسم عاشورا ..... ۱۸۱
- وضعیت علمی مردم قم ..... ۱۸۲
- علمای قم ..... ۱۸۳
- (۱) ملا محمد طاهر قمی ..... ۱۸۳
- (۲) قاضی سعید قمی ..... ۱۸۸
- اشاره ..... ۱۸۸
- خدمات اجتماعی قاضی سعید ..... ۱۸۹
- (۳) شیخ احمد قمی ..... ۱۹۲
- (۴) ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی قمی ..... ۱۹۵

- ۱۹۶ ..... (۵) میرزا حسن لاهیجی
- ۱۹۷ ..... (۶) میرزا محمد قمی مشهدی
- ۱۹۹ ..... (۷) سیدصدرالدین رضوی قمی
- ۱۹۹ ..... (۸) قاضی احمد قمی
- ۱۹۹ ..... اشاره
- ۲۰۰ ..... (۱) خلاصه التواریخ
- ۲۰۰ ..... (۲) گلستان هنر
- ۲۰۱ ..... (۳) تذکره مجمع الشعرا
- ۲۰۱ ..... (۴) منتخب الوزراء
- ۲۰۲ ..... (۵) جمع الاخیار
- ۲۰۲ ..... (۶) دیوان ابراهیم میرزا صفوی
- ۲۰۲ ..... (۷) دیوان اشعار
- ۲۰۳ ..... (۸) رساله در احوال مفاخر و مناقب شهر قم
- ۲۰۳ ..... وضعیت هنر و ادب در قم
- ۲۰۴ ..... وضعیت ادبیات در عصر صفوی
- ۲۰۴ ..... اشاره
- ۲۰۵ ..... الف) مکتب وقوع و شاعران وقوع گوی قمی
- ۲۰۶ ..... ب) سبک هندی و شاعران قم
- ۲۰۷ ..... شعرا و سخنوران قم در دوره صفوی
- ۲۴۲ ..... آثار تاریخی و فرهنگی قم در دوره صفوی
- ۲۴۲ ..... مدارس
- ۲۴۹ ..... مساجد
- ۲۵۴ ..... کاروان سراها
- ۲۵۷ ..... پل های قم در دوره صفوی
- ۲۶۰ ..... توصیف حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام در دوره صفوی
- ۲۶۰ ..... محل دفن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در داخل روضه

- ۲۶۲ ..... ضریح
- ۲۶۳ ..... ایوان طلا
- ۲۶۳ ..... گل دسته ها
- ۲۶۳ ..... رواق جنوبی
- ۲۶۴ ..... مقبره شاه صفی
- ۲۶۴ ..... مقبره شاه عباس دوم
- ۲۶۵ ..... مقبره شاه سلیمان و شاه سلطان حسین
- ۲۶۶ ..... دو مقبره از خاندان صفویه
- ۲۶۷ ..... مقابر شاهزادگان
- ۲۶۷ ..... مهمانخانه آستانه
- ۲۶۸ ..... بقعه ها و امام زاده های قم دوره صفوی
- ۲۶۸ ..... اشاره
- ۲۶۸ ..... (۱) شاهزاده ابوالاحمد بن محمد حنفیه
- ۲۶۸ ..... اشاره
- ۲۶۹ ..... تاریخ بنا
- ۲۶۹ ..... (۲) مجموعه چهل اختران
- ۲۶۹ ..... اشاره
- ۲۷۰ ..... الف) شاه زاده زید
- ۲۷۰ ..... ب) مرقد موسی مبرقع
- ۲۷۱ ..... ج) بقعه چهل اختران
- ۲۷۱ ..... (۳) علی بن بابویه قمی
- ۲۷۱ ..... (۴) سکینه خاتون
- ۲۷۱ ..... (۵) بابا مسافر
- ۲۷۲ ..... (۶) سلطان محمد شریف
- ۲۷۲ ..... (۷) بقعه مجاور صحن مزار در بهشت
- ۲۷۳ ..... (۸) شاهزاده احمد

۲۷۳	.....	۹) شاه حمزه
۲۷۴	.....	۱۰) معصومه کهک
۲۷۵	.....	۱۱) شاه زاده ابراهيم
۲۷۵	.....	۱۲) شاه زاده محسن
۲۷۶	.....	۱۳) شاه زاده ابراهيم دستجرد
۲۷۶	.....	۱۴) شاه زاده اسماعيل
۲۷۷	.....	۱۵) امام زاده ابراهيم
۲۷۷	.....	۱۶) امام زاده زکريا
۲۷۸	.....	۱۷) امام زاده وشنوه
۲۷۸	.....	۱۸) شاه زاده محمد افسطی در ترخوران
۲۷۹	.....	نتیجه
۲۸۳	.....	فهرست منابع
۲۸۹	.....	فهرست مآخذ
۲۹۸	.....	مقالات
۲۹۹	.....	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: احمدی زادگان، نرگس، 1361 -

عنوان و نام پدیدآور: قم در دوره صفویه: «بررسی فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی» [کتاب] / مولف نرگس احمدی زادگان.

مشخصات نشر: قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، 1393.

مشخصات ظاهری: 280 ص.

فروست: زائر، انتشارات مقدس حضرت فاطمه معصومه؛ 476. مدیریت پژوهشی آستان مقدس قم؛ 93.

شابک: 70000 ریال: 1-92-6401-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [265] - 280؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: قم -- تاریخ -- قرن 10-12 ق.

موضوع: قم -- تاریخ

موضوع: ایران -- تاریخ -- صفویان، 907 - 1148 ق.

شناسه افزوده: آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر

رده بندی کنگره: DSR2113 / م77 الف3 1393

رده بندی دیویی: 955/1282

شماره کتابشناسی ملی: 3552099

ص: 1

اشاره

قم در دوره صفویه: «بررسی فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی»

مؤلف نرگس احمدی زادگان.

ص: 2

## تقدیم به:

از آن زمان که آموختن را آغاز کردم، سایه بزرگواری او را - که همیشه زندگی تکیه گاهم و در سختی ها مرا رهنمون بوده و مدیون خود ساخته - احساس کرده و با تمامی وجود، وجود بی کرانه اش را ستوده ام.

پدر! با تمامی عشق دست بزرگواریت را می بوسم و به پاس تمامی سال های عشق ورزیدنت، این نوشته

را به تو تقدیم می کنم.

ص:3





## فهرست مطالب

سخن ما 13

مقدمه 15

احسن التواريخ 16

عالم آرای عباسی 20

خلد برین 21

خلاصه التواريخ 22

تذکره تحفه سامی 25

سفرنامه پیترو دلاواله 25

تذکره نصرآبادی (تذکره الشعرا) 26

سفرنامه تاورنیه 27

سفرنامه اولتاریوس 28

سفرنامه شاردن 28

تذکره الملوک 29

وجه تسمیه «قم» 31

پیدایش شهر قم

تاریخچه سکونت در ناحیه قم 37

ص: 5

الف) قم، پیش از اسلام 39

ب) قم، پس از دوره اسلامی 44

آب قم 46

رودخانه قم 48

نهر سعد 49

آب و هوای قم 49

باغ ها و کشتزارها 50

محلله های قم 50

دروازه های قم 51

سیر حوادث سیاسی 51

زمینه های موفقیت صفویان 52

خاندان منشی 60

از جمله افراد متنفذ این خاندان 61

قاضی احمد قمی 61

فرزندان و نوادگان قاضی احمد 64

میرصفی الدین محمد 64

میرمحمد هاشم 64

صفی الدین محمد 65

پدران خویشاوندان قاضی احمد 67

میرسید احمد 67

قاضی شرف الدین عبدالمجید 67

آقا كمال الدين حسينى مسيبى 67

آقا فتوح الدين فتح الله 68

شرف الدين حسين ميرمنشى 68

ميروجيه الدين خليل الله 70

ص:6

میرزا محمود 70

میرسراج الدین علی قمی 70

میرسیدعلی رضوی قمی 71

شخصیت های سیاسی قم 72

- آقا فتح الله خان کمترین 72

- آقا کمال الدین حسین 72

- ابراهیم بیگ 73

- القاص میرزا 73

- حسین خان بیگ شاملو 74

- حسینقلی بیگ 74

- حسین صلابی اصفهانی 75

- حیدر بیگ چابوق 76

- دورمیش خان شاملو 77

- سلیمان خلیفه ترکمان 77

- شاه قلی خلیفه 78

- علیقلی سلطان ذوالقدر 79

- علیقلی خلیفه ذوالقدر 79

- ولی خلیفه شاملو 80

توجه پادشاهان صفوی به شهر قم

اسناد 85

سند اول 86

سند دوم 87

سند سوم 88

سید شجاع الدین سلطان محمود 91

ص: 7

- امیرسلطان احمد 94
- میرشمس الدین نقیب رضوی 94
- میرمحمدسعید رضوی 96
- جغرافیای شهری قم 105
- شهر قم در دوره صفوی 105
- منظره شهر قم از دید سیاحان اروپایی 107
- مسابقات در قم عهد صفوی 108
- طراوت و صفای قم 110
- آب رودخانه قم در عهد صفویه 111
- ماجرای سیل مهیب قم 111
- میدان میر 114
- محلات و کوی های قم 114
- وضعیت اجتماعی قم در دوره صفوی 117
- سیر تطور نهاد وقف در جامعه قم 118
- وقف نامه ها 125
- وقف نامه ها 134
- الف) مدرسه نجف قلی بیک 134
- ب) مدرسه مؤمنیه 135
- ج) مدرسه خان 137
- د) مدرسه فیضیه 138
- ه) نمونه های دیگر وقف 140

تقابت 141

انتخاب نقيبان 142

شرائط رسيدن به مقام تقابت 143

توليت 144

ص:8

متولی منصوبص 144

متولی منصوب یا متصدی 145

تولیت در آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام 145

وضعیت اقتصادی قم 150

مرکزیت 151

کشاورزی اساس اقتصاد قم 153

محصولات عمده کشاورزی 155

صنایع قم 157

ضرب سکه 160

وضعیت مذهبی قم در دوره صفوی 160

تعصب مذهبی مردم قم 161

مسکرات در قم 162

توجه مردم قم به امور مذهبی 163

توجه به شعایر مذهبی 163

برگزاری مراسم عاشورا 163

وضعیت علمی مردم قم 164

علمای قم 165

(1) ملا محمد طاهر قمی 165

(2) قاضی سعید قمی 170

خدمات اجتماعی قاضی سعید 171

(3) شیخ احمد قمی 174



4) ملا عبدالرزاق فياض لاهيجى قمى 177

5) ميرزا حسن لاهيجى 178

6) ميرزا محمد قمى مشهدى 179

7) سيدصدرالدين رضوى قمى 181

ص:9

8) قاضی احمد قمی 181

1. خلاصه التواریخ 182

2. گلستان هنر 182

3. تذکره مجمع الشعرا 183

4. منتخب الوزراء 183

5. جمع الاخیار 184

6. دیوان ابراهیم میرزا صفوی 184

7. دیوان اشعار 184

8. رساله در احوال مفاخر و مناقب شهر قم 185

وضعیت هنر و ادب در قم 185

وضعیت ادبیات در عصر صفوی 186

الف) مکتب وقوع و شاعران وقوع گوی قمی 187

ب) سبک هندی و شاعران قم 188

شعرا و سخنوران قم در دوره صفوی 189

آثار تاریخی و فرهنگی قم در دوره صفوی 224

مدارس 224

مساجد 231

کاروان سراها 236

پل های قم در دوره صفوی 239

توصیف حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام در دوره صفوی 242

محل دفن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در داخل روضه 242

ضریح 244

ایوان طلا 245

گل دسته ها 245

رواق جنوبی 245

ص: 10

- مقبره شاه صفی 246
- مقبره شاه عباس دوم 246
- مقبره شاه سلیمان و شاه سلطان حسین 247
- دو مقبره از خاندان صفویه 248
- مقابر شاهزادگان 249
- مهمانخانه آستانه 249
- بقعه ها و امام زاده های قم دوره صفوی 250
1. شاهزاده ابوالاحمد بن محمد حنفیه 250
- تاریخ بنا 251
2. مجموعه چهل اختران 251
- الف) شاه زاده زید 252
- ب) مرقد موسی مبرقع 252
- ج) بقعه چهل اختران 253
3. علی بن بابویه قمی 253
4. سکینه خاتون 253
5. بابا مسافر 253
6. سلطان محمد شریف 254
7. بقعه مجاور صحن مزار در بهشت 254
8. شاهزاده احمد 255
9. شاه حمزه 255
10. معصومه کهک 256

11. شاه زاده ابراهيم 257

12. شاه زاده محسن 257

13. شاه زاده ابراهيم دستجرد 258

14. شاه زاده اسماعيل 258

ص: 11

15. امام زاده ابراهیم 259

16. امام زاده زکریا 259

17. امام زاده وشنوه 260

18. شاه زاده محمد افسطی در ترخوران 260

نتیجه 261

فهرست منابع 265

فهرست مآخذ 271

ص: 12

قم حرم اهل بیت علیهم السلام است. فرهنگ و تاریخ تشیع با فرهنگ و تاریخ شهر مقدس قم پیوندی عمیق دارد، بطوری که پژوهش و مطالعه در موضوع تشیع و قم توأمان بوده و هر کدام بدون دیگری کامل نخواهد بود. در موضوع «قم شناسی» و تاریخ تشیع در این شهر و آداب و فرهنگ و رسوم آن آثار فاخر و ارزشمندی سامان یافته، کتاب «تاریخ قم» اثری بی بدیل در این عرصه بشمار می رود، گرچه با کمال تاسف بخش های از این گنجینه علم و معرفت مفقود شده، اما مقدار موجود حکایت از قله های کمال علمی و معنوی تمدن و حضارت در این شهر را دارد.

برای قم شناسی باید به ادوار مختلف تاریخ این شهر توجه داشت. قم از قرن دوم هجری با قم عصر آل بویه و قم در زمان سلجوقیان و قم در زمان مغول کاملاً متفاوت است. یکی از برهه های حساس و یکی از حلقه های مهم در این زنجیره گسترده و طولانی، شناخت قم و جایگاه اجتماعی، فرهنگی، دینی، اقتصادی، نظامی قم در عصر صفویه و بویژه در قرن دهم هجری است که اثر حاضر به بحث و کاوش در آن پرداخته است. آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها تاکنون چند کتاب و پژوهش در موضوع قم

شناسی را به یاری خدای متعال منتشر نموده و اینک نیز گامی دیگر در این عرصه را تقدیم خوانندگان عزیز می نماید.

در اینجا لازم است از نویسنده محترم این اثر عالمانه تشکر ویژه داشته و این نوید را به جامعه علمی و فرهیختگان عزیز کشورمان بدهیم که به خواست خداوند «دانشنامه قم» در سایه عنایات فرزند باب الحوائج الی الله علیها السلام تدوین و عرضه خواهد شد.

در پایان با سپاس از درگاه الهی به خاطر توفیق این خدمت از حمایت های حضرت آیت الله سید محمد سعیدی دامت افاضاته تولیت محترم آستان مقدس و همه محققان و پژوهشگران محترم که با این مدیریت همکاری دارند و نیز کلیه دست اندرکاران امور چاپ قدردانی می نمایم.

رییس پژوهشکده آستان مقدس

احمد عابدی

ص: 14



دولت شیعه مذهب صفوی یکی از مهمترین حکومت‌های ایران در دوره اسلامی است که با به رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع، موجب نقطه عطفی در مسیر تاریخ ایران شد. بی تردید بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی این عصر، بدون در نظر گرفتن پایگاه‌های اصلی این مذهب میسر نخواهد بود. شهر قم یکی از مراکز مهم است که از رهگذر شعار تشیع، ارزشی ویژه دارد، هر چند اطلاعات اندک و پراکنده‌ای از اوضاع عمومی آن عصر قم در دست است؛ اوضاعی که آثار خاص خود را بر سیاست‌های کلی سلسله حاکمان و فرمان‌روایان آن بر جا گذاشته و از قلم تاریخ‌نویسان محلی به دور نمانده است. در این کتاب، سعی شده است سیاست، اجتماع، اقتصاد، فرهنگ و مذهب کانون مهم تشیع ایران - قم - و تأثیرات آن بر اولین سلسله مرکزی شیعه ایران و نگاه فرمان‌روایان این سلسله به این کانون‌ها، از جمله قم و بازتاب آن با در نظر گرفتن زوایای مجهول و مبهم مسئله با دیدگاه نکته‌سنجانه تاریخی مورد بررسی قرار گیرد.

این را هم باید گفت که علی‌رغم انجام تحقیقاتی در خصوص تاریخ محلی قم و موضوعات وابسته به آن در ادوار مختلف - که هر کدام بخشی از مباحث این پژوهش را شامل می‌شود - تاکنون تحقیقی با این عنوان به صورت مستقل انجام نشده است؛ به جز برخی تک‌نگاری‌های پراکنده، و جای چنین پژوهشی در تاریخ محلی این شهر خالی بود.

از کتاب هایی که در این زمینه نوشته شده کتاب «تاریخ قم در قرن نهم» تألیف «حسین مدرسی طباطبایی» است؛ این کتاب مباحثی درباره خصوصیات جغرافیایی، موقعیت کشوری، سیاست، اقتصاد، حوادث و روی دادهای شهر قم مطالب مفیدی را دربردارد که در این نوشتار از مطالب آن بهره برده ایم.

موضوع بحث ما در این کتاب، بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی قم در دوره صفویان است. قم در زمان حکومت پادشاهان صفویه در جنبه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی تغییر محسوسی داشت و در طی این دوران، به نشاط و رونق گسترده ای دست یافت و این به علت علاقه و سیاست شاهان صفوی نسبت به مذهب تشیع و شهرهای مقدس آن بود. ما برای بررسی این مهم از کارآمدترین و پرکاربردترین منابع تاریخی در این زمینه که براساس توالی زمان مرتب شده اند، استفاده می کنیم:

## احسن التواریخ

«حسن روملو» نبره «امیرسلطان روملو» از سرداران معروف قزلباش است که در صف نظامیان عصر صفویه مشغول به خدمت بوده است. او به اقتضای شغل خویش در اغلب حوادث و وقایع زمانش حضور داشته است و به همین دلیل آنچه نقل کرده از اهمیت خاصی برخوردار است. حسن بیک روملو، مورخ دربار شاه طهماسب بود؛ اما اثر خویش را به شاه اسماعیل دوم اهدا کرده است. او از نزدیک شاهد حوادث خونین پس از مرگ شاه طهماسب در دربار بوده است و در درگیری های میان «استاجلویان» و «روملویان» بر سر جانشینی شاه طهماسب حضور داشته و از جمله کسانی بوده که به حمایت از شاه اسماعیل دوم علیه «حیدر میرزا» شمشیر کشیده است. (1)

ص: 16

---

1- (1) حسن بیک روملو، احسن التواریخ، به اهتمام عبدالحسین نوایی، ص 18-19.

وی در کتابش حیدر میرزا را مورد نکوهش قرار داده و او را دارندهٔ تخیلات نفسانی و شهوات شیطنانی (1) می نامد و در مقابل از سعی شاه اسماعیل دوم، یعنی شاهزادهٔ عالم و عالمیان، (2) در اقامهٔ نماز جمعه و جماعات و امر به معروف و نهی از منکر (3) تمجید می کند. از زندگانی حسن بیک روملو، جز اطلاعات اندکی که در احسن التواریخ موجود است مطلبی در دست نیست. وی - چنانکه گذشت - خود را حسن بیک روملو، نبیرهٔ امیرسلطان روملو و خاک اقدام مورخان (4) معرفی می کند که در سال 927 هجری قمری در بلدهٔ قم متولد شده است. امیر سلطان روملو از سرداران مشهور قزلباش دورهٔ شاه اسماعیل اول بوده است؛ از این رو، بی جهت نیست که حسن روملو نیز بر مسلک قزلباش درآمده باشد که خود آن را محنت قورچی گری (5) می داند. احسن التواریخ، یک دورهٔ تاریخ عمومی است که در دوازده جلد به نگارش درآمده؛ اما این که فقط مجلدات یازده و دوازده آن در دسترس است، برخی را اعتقاد بر آن است که شاید حسن بیک هیچ گاه مجلدات یک تا ده آن را به نگارش در نیاورده است؛ اما اشارهٔ مکرر وی به برخی مجلدات در جلدهای یازده و دوازده، منکر این فرضیه است.

جلد یازده احسن التواریخ در بردارندهٔ حوادث سال های 899-807 است و آنچه این کتاب را اثری ارزشمند در تاریخ صفویه کرده است جلد دوازده آن

ص: 17

1- (1) پیشین، ص 601.

2- (2) پیشین، ص 603.

3- (3) پیشین، ص 623.

4- (4) پیشین، صص 10، 211، 213 و 381.

5- (5) پیشین، ص 382.

است که وقایع سال های 980-900 را - که سال های اولیه قدرت گرفتن صفویان تا اندک سال های پیش از مرگ شاه طهماسب است - به خوبی پوشش می دهد. اهمیت این جلد از احسن التواریخ آن است که وقایع ثبت شده در آن، نزدیک به زمان مورخ بوده و او آنچه را از افراد حاضر شنیده یا خود شاهد بوده نگاشته است. حسن بیک روملو، برای جمع آوری اطلاعات پیرامونی که پیش از وی رخ داده، به افراد مورد اعتماد که موفق به درک آن ایام شده اند روی آورده که از آنها با تعبیر ثقات یاد می کند. (1)

برخی از این ثقات، خود در صحنه رخدادها و جنگ ها حاضر بوده اند که وی با آنان به گفت و گو نشسته و شرح ماوقع را از آنان پرسیده است. (2) در آن بخش از حوادث که به مشاهدات وی اختصاص دارد و ارزش آنها بیش از دیگر موارد تلقی می شود، حسن بیک در کنار شاه طهماسب بدین سو و آن سو می رفته و اکثر وقایع را به چشم خود (3) دیده است. مسموعات و مشاهدات حسن بیک روملو در کنار استفاده وی از منابعی چون «مطلع السعدین» عبدالرزاق سمرقندی، «دیار بکریه» قاضی ابوبکر تهرانی و «حبيب السیر» غیاث الدین محمد خواندمیر، (4) در نگارش احسن التواریخ، این اثر را منبعی پرارزش و قابل استناد کرده است. اگرچه حسن بیک رسماً عضوی از تشکیلات حکومتی صفویان بوده و کتابش را نیز به شاه زمان اهدا کرده و در بیان مطالبش نسبت به خاندان صفوی از اعزاز و تکریم آنان فروگذار نیست و از این رو مورخی

ص: 18

- 
- 1- (1) حسن بیک روملو، احسن التواریخ، ص 18.
  - 2- (2) پیشین، ص 211.
  - 3- (3) پیشین، ص 389.
  - 4- (4) حسن بیک روملو، احسن التواریخ، ص 24، مقدمه.

درباری شمرده می شود؛ همه اینها سبب نمی شود که وی صداقت و بیان حقایق را کنار نهد. از او گزافه ها و تملق های غیرعقلانی را نمی بینیم؛ چنانکه دیگر همتایانش سعی در الهی جلوه دادن حکومت صفویه داشته اند.

کتاب او از تملقات رایج درباری نسبت به پادشاهان خالی ست و سعی کرده تا جایی که ممکن است، نسبت به انعکاس نقاط ضعف و اشتباه های پادشاهان نیز تلاش کند. بی طرفی و انصاف وی، به ویژه در مورد حوادث و قضایای چالدران قابل تأمل است. (1)

سبک نگارش کتاب، حد واسطی بین مصنوع و ساده نویسی را دنبال می کند نثر کتاب ساده و روان است؛ اما از تکلفات منشیانه و هنرنمایی ادیبانه خالی نیست. در برخی موارد، عبارات متکلف و نامفهوم می شود؛ به ویژه استفاده از لغات ترکی و مغولی به دشواری فهم مطلب می افزاید. جملات کتاب گاه طولانی، با عبارت پردازی و آرایش های لفظی است. او نیز همچون دیگر مورخان عصر خویش، در بیان مطالب از اشعار، آیات، روایات و احادیث بهره فراوان برده است. اشعار به کار رفته در احسن التواریخ با گرایش به شعر حماسی، شاید نشانه ای از شغل نظامی حسن بیک روملو باشد. ضمن این که او خود نیز از ذوق شعری بهره می برد و از این رو، افزون بر استفاده از اشعار دیگر شاعران، در برخی موارد از اشعار خویش استفاده کرده است. اگرچه جای برخی حوادث اجتماعی و اقتصادی در احسن التواریخ خالی است، توجه به تاریخ نظامی و جنگ ها اهمیت خاصی می یابد. از این توجه می توان آگاهی های با ارزشی درباره سلاح ها، شیوه جنگ ها و وضعیت سپاه در این دوره به دست

ص: 19

---

1- (1) عبدالرزاق سیادت، «بررسی کتاب احسن التواریخ»، کتاب ماه و جغرافیا، ش 18، صص 26-30.

آورد. او در بیان تاریخ صفویان با روی کردی به واقع نگری، شیوه های معتدل را در بیان مطالب برمی گزیند و از نسبت دادن مطالب خلاف واقع همچون کرامات و اعجاز در حق این خاندان خودداری می کند. در کنار توجه به مسایل نظامی و سیاسی که محور کار حسن روملو بود، برخی مطالب، به ویژه در جمله پایانی این اثر از دید نویسنده پنهان نمانده است که دقت در آنها، حکایت از توجه ویژه به همه اموری بوده که در اطراف او روی می داده است.

## عالم آرای عباسی

«اسکندریک ترکمان (1043-968)» مورخ عمده عصر عباسی است. او نخست تحصیل ریاضت کرد و به حسابداری پرداخت. سپس به فراگرفتن فن انشا و نگارش مکاتبات سیاسی مشغول شد. ابتدا جزء نگهبانان شاهی شد، در سال 1001 هجری قمری در دربار شاه عباس اول به سمت منشی گماشته شد و مورد اعتماد شاه قرار گرفت. اسکندریک منشی، چون اسناد و مدارک بایگانی دولتی را در اختیار داشت و از طرفی هم در بعضی از روی دادهای آن زمان شرکت می کرد یا شاهد و ناظر آنها بود، در سال 1039 حوادث و اتفاقات دوران سلطنت شاه عباس را تحت عنوان «تاریخ عالم آرای عباسی» مشتمل بر یک مقدمه و دو صحیفه یک خاتمه، در سه مجلد تدوین کرد. مقدمه مشتمل است بر مطالبی که مؤلف از احسن التواریخ حسن روملو و دیگران اقتباس کرده و شرح حوادث تاریخی ایران را در دوران سلاطین نخستین صفویه تا سال 979 دربردارد. او در صحیفه نخست، حوادث تاریخ ایران را به تفصیل از سال 996-979، یعنی از تاریخ تولد شاه عباس اول تا جلوس وی بر تخت سلطنت شرح داده است. صحیفه دوم، مرکب از دو مقصد است: یکی در شرح وقایع سال اول سلطنت شاه عباس (1025-996) و دیگری شامل وقایع دورانی است که از

سال 1025 شروع شده و پایان آن در سال 1037، یعنی زمان درگذشت شاه عباس اول است. به استثنای مقدمه که مطالب آن از اسناد و مدارک نویسندگان گذشته اقتباس شده است. عالم آرای عباسی، حاوی اطلاعات سودمندی در ارتباط با تاریخ اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم است. مؤلف به پیروی از نویسندگان قبل از خود، به روی داده‌های نظامی توجه بسیار داشته است؛ با این وصف، زندگی نامه بسیاری از بزرگان آن عصر و طرز وصول مالیات‌ها را نیز از نظر دور نداشته است. در بخش‌های مختلف عالم آرا، درباره انواع مالکیت ارضی و قبایل چادرنشین و رؤسای آنها به تفصیل سخن رفته است؛ به همین علت، این کتاب در موضوع خود از منابع معتبر است و در زمان حیات مؤلف، مورد توجه قرار گرفته تا جایی که به وی پیشنهاد شده ذیلی بر آن بنویسد. اسکندریبیک، کار خود را ادامه داد و به شرح حوادث پنج سال اول سلطنت «سام میرزا (شاه صفی)» تا سال 1043 پرداخت؛ اما مرگ او را امان نداد. این کتاب به لحاظ ادبی با توجه به اینکه از سایر متون آن زمان بهتر است، از بی ذوقی ادبی که از ویژگی‌های نثر و نظم زمان صفوی و مولود تملق و چاپلوسی بوده، بی بهره نمانده است. (1)

### خلد برین

این کتاب، اثر «محمدیوسف قزوینی (واله)» برادر وحید قزوینی است. تولد وی سال 988 هجری قمری بوده، ولی تاریخ مرگش مشخص نیست. او در دوره شاه صفی، در دفترخانه همایون کار می‌کرد و در دوره شاه عباس دوم، در سال 1066 وزیر توپ خانه شد و تا دوره شاه سلیمان این منصب را داشت.

ص: 21

تاریخ تحریر اثر وی، سال 1087 است. اثر وی تاریخ عمومی است، شامل هشت روضه و روضه هشتم، هفت حدیقه دارد. روضه اول: تاریخ پیامبران و شاهان قبل از اسلام، روضه دوم: تاریخ پیامبر اسلام و تاریخ شیعه، روضه سوم: تاریخ امویان و عباسیان، روضه چهارم: تاریخ دودمان های ایرانی هم عصر عباسی، روضه پنجم: تاریخ چنگیز، روضه ششم: تیموریان، روضه هفتم: قره قویونلو و آق قویونلو و روضه هشتم: تاریخ صفویان، شامل حدیقه اول: تاریخ شیوخ صفوی و شاه اسماعیل اول، حدیقه دوم: تاریخ پادشاهی شاه طهماسب اول، حدیقه سوم: تاریخ شاهزاده مظفر شاه اسماعیل دوم، حدیقه چهارم: تاریخ شاه محمد خدابنده، حدیقه پنجم: تاریخ پادشاهی شاه عباس اول، حدیقه ششم: تاریخ شاه صفی اول و حدیقه هفتم: تاریخ پادشاهی شاه عباس دوم است. منبع اصلی وی در ذکر تاریخ قبل از حکومت شاه عباس دوم، «خلاصه التواریخ» قاضی احمد قمی بوده است. حدیقه چهارم از روضه هشتم، شامل وقایع سلطنت شاه عباس را تا سال 1071 شامل می شود. حدیقه هفت و هشت و روضه اول خلد برین به خط «میرزا محمد اسماعیل انصاری» و «مرتضی قمی افشار» است که از روی نسخه اصلی نوشته شده. از آثار دیگر یوسف قزوینی، ذیل عالم آرای عباسی است که تا پایان حکومت شاه صفی اول را شامل می شود.

## خلاصه التواریخ

اثر «قاضی احمد بن شرف الدین الحسینی القمی»، معروف به «قاضی احمد قمی» است. (1)

ص: 22

---

1- (1) قاضی احمد بن شرف الدین حسینی، خلاصه التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، ص 590.



وی مورخ قرن دهم هجری و پدرش در دستگاه شاه طهماسب اول خدمت می کرده است که از طرف حکومت ملقب به میرمنشی شده بود و تا زمان وفات در خدمت دربار صفویه باقی ماند. قاضی احمد نیز به علت قدرت قلم و کلماتی که داشت در دستگاه دولتی همراه پدر بود. بعد از مرگ شاه طهماسب، وی از طرف شاه اسماعیل دوم مأمور شد تاریخ صفویه را از شاه اسماعیل اول تا شاه اسماعیل ثانی بنویسد؛ ولی با مرگ شاه و نبودن حامی این کار به تعویق افتاد و سرانجام به همت خود این کار را دنبال کرد. او تا روی کار آمدن شاه عباس اول همچنان در مناصب دولتی خدمت نمود تا اینکه در سال 999 خلاصه التواریخ را به اسم شاه عباس به پایان برد. در سال 1007 هجری قمری، او در قزوین همچنان دارای پست دیوانی بود؛ ولی در این سال میان او و «میرصدرالدین محمد»، ولد «میرزا شرف جهان قزوینی» اختلاف افتاد و به سعایت میرمحمد از کار برکنار شده و به قم رفت. آخرین اطلاعی که از او در دست است، مربوط به محرم سال 1015 می شود که در قزوین با «مولانا محمد امین» از خوشنویسان معروف ملاقات کرده و از زندگانی او اطلاع دیگری در دست نیست.

خلاصه التواریخ، کتابی است در تاریخ صفویان از روزگار «شیخ صفی الدین اردبیلی» تا اوایل قرن یازدهم، یعنی نخستین سال های سلطنت شاه عباس ثانی. در واقع این کتاب، مجلد پنجم از اثر بزرگی است در تاریخ عمومی ایران که مؤلف، آن را به تاریخ صفویه اختصاص داده است. قاضی احمد به دلیل اشتغال در امر دیوانی و علاقه به علم هنر و تاریخ نویسی و دسترسی به منابع تاریخ معاصر، حوادث نزدیک به عصر خویش را به تفصیل نوشته است و از آنجا که خود در متن حوادث بوده، وقایع و اتفاقات پایتخت صفویان را با دقت بیشتر تحریر کرده و به مسایل ریز آن نیز پرداخته است. در کتاب قاضی احمد

(خلاصه التواریخ)، از تشکیل نخستین حکومت شیعه در ایران و شرح حال علمای بزرگ شیعه و آثار آنان در نخستین قرن حکومت صفوی سخن به میان آمده و در کنار آن، اندیشمندان این عصر نیز معرفی شده اند. برای نمونه او درباره میرزا شرف جهان می نویسد: «جامع اقسام علوم و تجمع انواع فضایل و کمالات بود... در روز یکشنبه در موضع درس قهپاپه دارالسلطنه قزوین رحلت فرمودند.»<sup>(1)</sup>

مؤلف از شاعران متعدد در اثر خویش نام برده و در احوال آنان مطالبی را بیان داشته است که از این احوال و اشعار، می توان تا اندازه ای به اوضاع اجتماعی و اقتصادی دوره صفویه پی برد. یکی از محاسن عمده کتاب خلاصه التواریخ، متن نامه ها و فرامینی است که از سوی پادشاهان صفوی صادر شده است. از محتوای این نامه ها، می توان اطلاعات قابل توجهی از اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه آن روز صفوی به دست آورد. مؤلف حوادث و وقایع مهم سیاسی، بر سر جانشینی شاه طهماسب اول، همچون اقدامات شاه اسماعیل ثانی در قتل و کشتار شاهزادگان و اقدامات سیاسی و نظامی سلطان محمد خدابنده را نیز به رشته تحریر کشیده است. کتاب قاضی احمد، در مجموع یک واقعه نگاری است. او بدون تحلیل از ماهیت قضا یا شرح، جنگ های صفویه را بیان می دارد. البته نویسنده با روش معینی به تنظیم کتاب پرداخته و هرچه را به خاطرش رسیده یا شنیده است، یادداشت کرده و همچون بسیاری از وقایع نگاران دیگر، تابع حکام وقت بوده است؛ هرچند در برخی موارد لحن انتقادی و صریح نیز دارد. او در برابر برخی حوادث به خود می گیرد و به انتقاد

ص: 24

آن می پردازد. برای نمونه قتل و کشتارهای وحشیانه شاه اسماعیل دوم را با لحن احتیاط آمیزی محکوم می کند.

### تذکره تحفه سامی

این کتاب از منابع مهم دوره صفوی است که «سام میرزای صفوی» آن را نوشته است. این کتاب، مجموعه ای است حاوی شرح احوال گروهی از گویندگان و سرایندگان فارسی زبان در نیمه اول قرن دهم هجری که اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و روابط عمومی آن عصر را نشان می دهد. تذکره تحفه سامی، امکان مطالعه اوضاع اجتماعی آغاز دوران صفویه را به ما می دهد و از این لحاظ اثری بسیار گران بهاست. این تذکره با سند و مدرک نشان می دهد که طی مدت پنجاه سال، هفتصد و اندی شاعر - تا آنجایی که سام میرزا به شرح حال شان دسترسی داشته - در سراسر ایران وجود داشته اند و یک نمودار ارزنده از چگونگی سطح معرفت عمومی ملت ایران در اوایل قرن دهم هجری است. (1)

### سفرنامه پیترو دلاواله

«پیترو دلاواله» ایتالیایی، از سفرنامه نویسان عصر صفوی است. وی در سال 1026 هجری قمری، از طریق قصر شیرین به همدان آمد و از آنجا به سوی اصفهان حرکت کرد. او مدت پنج سال در خدمت شاه عباس اول به سر برد. دلاواله از مسافرت به ایران دو هدف را دنبال می کرد: یکی این که در یک لشکرکشی نظامی علیه ترکان عثمانی شرکت کند تا انتقام بدرفتاری های آنان

ص: 25

---

1- (1) سام میرزا صفوی؛ تذکره تحفه سامی، تصحیح رکن الدین همایون فرخ، ص 5.

را نسبت به مسیحیان کیش خود بگیرد؛ دوم آن که اسبابی فراهم کند تا مسیحیان مقیم عثمانی که در وضع بدی به سر می بردند، به ایران مهاجرت کنند؛ زیرا شاه عباس نسبت به اتباع مسیحی و غیر آن در کمال مهربانی و رأفت رفتار می کرد.<sup>(1)</sup>

شرح او از نوروز، مراسم عید فطر، عید قربان و عاشورای حسینی بسیار دقیق و جالب است. در واقع، هنوز بخش هایی از توصیفی که دلاواله از مراسم های فوق نموده، در میان مردم ما متداول است. برای مثال او وصف مراسم عاشورا را این گونه بیان می کند: «در این روز، همه مردم غمگین و مغموم اند و لباس عزاداری به رنگ سیاه بر تن می کنند. هیچ کس سر و ریش خود را نمی تراشد و به حمام نمی رود و خود را از هرگونه خوشی و تفریح محروم می سازد.»<sup>(2)</sup>

### تذکره نصرآبادی (تذکره الشعرا)

مؤلف این کتاب «محمد طاهر نصرآبادی» است که در سال 1027 هجری

قمری به دنیا آمد. خاندان پدری او از نواده های بزرگ اصفهان بوده و مساجد عظیمی در منطقه اصفهان داشته اند. در کتاب «تذکره الشعرا» که مهم ترین نگاهش اوست، به شرح حال شعرای هم عصرش پرداخته که در لابه لای متون آن، می توان به بسیاری از آگاهی ها از زمان صفوی برخورد که شاید در متون دیگر کمتر به آن اشاره شد. مانند نکاتی درباره اصطلاحات دیوانی و مالیاتی، اسامی حرفه ها و اصناف، آداب و رسوم اجتماعی، مناصب دولتی، وضعیت

ص: 26

---

1- (1) پیترو دلاواله، سفرنامه، ج 3، ترجمه شهاب الدین ثنا، صص 76-77.

2- (2) پیشین، ص 100.

اجتماعی طبقات مختلف مردم و غیره. نصرآبادی در وصف مشاغل و اصناف آن زمان با زبانی بسیار گویا و ساده، ما را به درون بازارهای اصفهان و دیگر شهرهای عمده می برد و با جزئیات آنها آشنا می کند.

### سفرنامه تاورنیه

«ژان باسیت تاورنیه» جهان گرد فرانسوی به سال 1605 میلادی، در خانواده ای که اکثر افراد آن جغرافی دان، حکاک و نقشه نگار بودند به دنیا آمد. وی سی سال قبل از «شاردن» در سفرهای سال (1631-1668 م، برابر با 1041-1079 ه) چندین بار به ایران سفر کرد. اولین سفر تاورنیه در زمان سلطنت شاه صفی (1038-1052 ه. ق) و سفرهای دیگر او در زمان سلطنت شاه عباس دوم (1052-1077 ه. ق) و شاه سلیمان (1077-1105 ه. ق) بوده است. تاورنیه، به همه امور روزمره ای که در اطراف خود دیده توجه نشان داده و به لطف همین اشتغال ذهنی است که مثلاً از انواع خوراکی ها و افشره های آن عهد، پوشاک مردان و زنان، وصف دقیق شهرها و ساختمان ها و انواع شغل ها و شیوه زندگی صاحبان مشاغل اطلاع حاصل می کند. او هر چه را دیده، نوشته و مسایل مختلف مربوط به راه ها، روستاها و شهرهای متعدد را به خوبی تشریح می کند. تاورنیه به دلیل رفت و آمدهای مکرر به دربار صفویان، شاهد رفتارهای مستبدانه شاهان صفوی و عمال آنها بر مردم بوده است؛ لذا می توانست در این رابطه اطلاعات مفیدی ارایه دهد و بهتر از هر فرد دیگری وضعیت نابه سامان و اجحافات را که در حق مردم می شد به رشته تحریر درآورد؛ اما اطلاعات او از اراضی شاهی و رفتار مأموران شاهی با مردم چندان دقیق نیست و گویا آن قدر در فکر این مسایل نبوده است. (1)

ص: 27

## سفرنامه اولناریوس

«آدام اولناریوس» سمت منشی گری و مشاورت هیأتی را بر عهده داشت که از جانب «فردریک د. ک هوشتاین» به روسیه و ایران آمد. فردریک سوم قصد داشت که در منطقه هوشتاین کارخانه های ابریشم بافی دایر کند؛ لذا درصدد برآمد برای خرید ابریشم با کشور ایران به تجارت پردازد. (1) آدام اولناریوس و هیأت همراه در هفت ذی قعدة سال 1046 هجری قمری به اصفهان رسیدند و شاه صفی آنان را به حضور پذیرفت. اولناریوس با توجه به این که زبان های ترکی و فارسی را به خوبی آموخته بود، توانسته است مشاهدات خود را به شکل دقیقی به رشته تحریر درآورد و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. (2)

## سفرنامه شاردن

«ژان شاردن (1643-1713)» سیاح معروف فرانسوی اهل پاریس است. پدرش جواهرفروش بود. شاردن در سال 1665 میلادی که بیش از 22 سال نداشت، برای خرید جواهرات عازم هند شد. او پس از عبور از ایران به هند رسید و در فاصله سال های 1664-1677 میلادی برابر با 1075-1088 هجری، دو بار به ایران سفر کرد و در هر نوبت شش سال در ایران اقامت داشت. در این مدت، زبان فارسی را فرا گرفت. شاه عباس دوم از او حمایت کرد و در مدت اقامت خود دقیقاً اوضاع سیاسی، اجتماعی و نظامی ایران را مطالعه

ص: 28

---

1- (1) غلامرضا وهرام؛ منابع تاریخ ایران در دوران اسلامی، ص 105.

2- (2) آدام اولناریوس؛ سفرنامه، ج 2، ترجمه حسین کردبچه، ص 15-18.

کرد و به کمک نقاشی به نام «گرلو» که همراه وی بود، تصاویر نفیسی از بناهای تاریخی و لباس های آن زمان تهیه کرد و در سال 1670 میلادی با مجموعه گران بهایی به فرانسه بازگشت. در پاریس، کتاب «تاج گذاری شاه سلیمان صفوی» را منتشر کرد. وی بار دیگر در سال 1673 به اصفهان بازگشت و پس از چهار سال اقامت، عازم هندوستان شد و از طریق دماغه امیدنیک عازم اروپا گردید. در آن زمان به علت آزار و اذیت «لویی چهاردهم» نسبت به پیروان مذهب پروتستان، شاردن فرانسه را ترک کرده و به انگلستان رفت. او بقیه عمر خود را در آنجا گذراند. شاردن، در این مدت به تدریس شرح سیاحت های خود پرداخت و در سال 1686 میلادی جلد اول سیاحت نامه وی در لندن چاپ و منتشر شد؛ اما دوره کامل آن به نام «سیاحت نامه شاردن در ایران و هند شرقی» در سال 1711 میلادی اولین بار در آمستردام به چاپ رسید. در بین سیاحان اروپایی که به ایران آمده اند، کسی که توانسته است جامع ترین شرح را درباره اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران بنویسد، بی تردید شاردن است و هیچ کدام از سیاحان اروپایی به اندازه شاردن ملل مغرب زمین را با تمدن و فرهنگ ایران دوره صفوی آشنا نساخته اند. سیاحت نامه شاردن که بالغ بر ده جلد است و از مفصل ترین و بهترین سیاحت نامه هاست، یکی از مفیدترین منابع تاریخ عصر صفویه است.<sup>(1)</sup>

### تذکره الملوک

رساله ای است که سابقاً در دسترس نبود. این اثر شرح نسبتاً مفصلی است درباره تشکیلات اداری صفویان که در سال 1138 هجری قمری یکی از

ص: 29

مأموران عالی مقام ایرانی تألیف کرده است. این کتاب مشتمل بر پنج باب و یک خاتمه به شرح ذیل است:

باب اول: مقام های روحانی و دینی؛

باب دوم: شرح حال امر بزرگ؛

باب سوم: مقربان درگاه، که مؤلف آنها را به دو دسته تقسیم می کند: یکی مقربان خاقان، شامل: خواجه سرایان و هشت تن از صاحب منصبان عالی رتبه، و دیگری مقرب الحضرت، شامل: چهار تن رییس تشریفات و هجده تن اداره کننده دربار.

باب چهارم: مطالبی در ارتباط با دستگاه های اداری و مأموران مالی؛

باب پنجم: اداره پایتخت و حوزه مأموریت آنها؛

و خاتمه: مطالب سودمندی درباره پاداش مستقیم و انعام سه تن از مقام های عالی رتبه و فهرست حکام ایالات، میزان حقوق و تعداد سپاهیان تحت فرمان آنها؛ ضمناً در این قسمت از بودجه دولت صفوی هم بحث شده است. ارزش این منبع در این است که بیان کننده تشکیلات دولتی دوران صفویه است و منابع مورد استفاده مؤلف، اسناد و مدارک بایگانی دولتی و خاطرات شخصی او بوده است. (1)

سرانجام باید این مطلب را هم افزود که بنا بود به طور مجزا به هر یک از اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی شهر قم در دوره صفویه پردازیم، اما از آنجا که مباحث با هم تداخل داشتند تصمیم بر این شد آنها را در هم ادغام کنیم که تا حدی مشکل تداخل مباحث برطرف شود.

ص: 30



این پژوهش دارای چهار فصل جغرافیای تاریخی قم، اوضاع سیاسی و نظامی، اوضاع اجتماعی اقتصادی و اوضاع فرهنگی و مذهبی آن است. مطالب منسجم این پژوهش که به صورت اطلاعاتی پراکنده بودند، طی مطالعه و بررسی، از کتب مختلف جمع آوری شدند. به طوری که بسیار به هم مرتبط اند و تفکیک هر یک از دیگری مشکل است. برای مثال، زمانی که بحث از اوضاع سیاسی قم است، دامنه مباحث به حیطه اجتماعی کشیده می شود یا برعکس و زمانی که از اقتصاد سخن به میان می آید، مطالب به حیطه اجتماع یا فرهنگ وارد می شود و یا هنگامی که در قلمرو فرهنگ بحث می شود، مباحث اجتماعی پیش کشیده می شود؛ زیرا فرهنگ خود یکی از مؤلفه های اجتماعی است و اجتماع بدون فرهنگ وجود ندارد. به همین علت، تفکیک فرهنگ از اجتماع حتی در حیطه پژوهش نیز کاری دشوار است. تفکیکی که در این نوشتار صورت گرفته فقط به خاطر این است که با نظم و انسجام بهتری به مباحث پردازیم.

### وجه تسمیه «قم»

در این زمینه اقوال بسیاری ذکر شده است که بعضی از آنها را به اختصار بیان می کنیم.

مؤلف تاریخ قم می نویسد: آورده اند که قم را «قمساره بن لهراسب» بنا کرد و نام قم از قمساره گرفته شده است. (1)

ص: 31

---

1- (1) حسن بن محمد بن حسن قمی، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی، ص 23.

در جایی دیگر می خوانیم: در دوره باستان، نام شهر قم «کوانا» یا «قوانا»، «کمدان»، «کم»، «مینجان» و «کب» بوده است. این منطقه در گذشته های دور به علت جمع شدن آب در محل کنونی، منطقه ای سرسبز بوده و رودخانه هایی در این منطقه توسط دامداران و کشاورزان ساخته شد که به آن «کومه» یا «کم» می گفتند و قم معرب آن است. (1)

در روایات نیز آمده است: حضرت محمد صلی الله علیه و آله در هنگام معراج، ابلیس ملعون را دیدند که در این مکان نشسته و سر بر زانو دارد؛ پس فرمودند: «قم یا ملعون؛ برخیز ای ملعون» و از آن به بعد آنجا را قم نام نهادند. (2)

گاهی در وجه تسمیه قم می گویند که دشت قم در آغاز محل جمع شدن آب بود؛ از این روی به آن «قمقمه» و «قم» گفته اند. (3) نظر دیگر حکایت از این دارد که ابتدا نام قم «کمیدان» یا «کمدان» بوده و چهار حرف از آن حذف و به صورت اختصاری «کم» نامیده شده و بعدها معرب آن قم خوانده شده است. (4)

باز هم می گویند: در مقابل رود تیمره یا اناربار و برق رود، چشمه ای پرآب قرار داشت که به آن «کُب» می گفتند و آبی که در زمین جمع می شد از این چشمه بود و به رودخانه ای که از آن چشمه سرازیر می شد «کُب رود» می گفتند؛

ص: 32

1- (1) پیشین، ص 21.

2- (2) محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 57، ص 217؛ آوردی حسین، دیدنی های قم، ص 9؛ صفی الدین حسینی قمی، خلاصه البلدان، ص 49.

3- (3) قمی، تاریخ قم، ص 23.

4- (4) قمی، تاریخ قم، ص 12.

سپس «کُم رود» شد که قمرود معرب آن است و آن محل را مناسب با نام آن رودخانه قم گفته اند.<sup>(1)</sup> برخی از جغرافی دانان مسلمان از این شهر به نام «ارض جبل»، «ویران آباد» و «کردکواد» نیز یاد کرده اند.

ص: 33

---

1- (1) محمد حسن خان اعتماد السلطنه، تطبیق لغات جغرافیای قدیم و جدید، مصحح میرهاشم محدث، ص 9.







هرچند بررسی های انجام شده در قم، در مقایسه با دیگر نواحی فلات مرکزی ایران که حفاری هایی داشته اند، بسیار اندک است؛ همین اندازه از یافته ها هم کافی است تا مشخص شود که منطقه قم حداقل از هزاره پنجم قبل از میلاد مسکونی بوده است. قم که در مرکز فلات مرکزی ایران قرار گرفته است، دارای موقعیت ویژه جغرافیایی است؛ زیرا در دوران های تاریخی، عمده ترین راه هایی که بین النهرین و جنوب غرب ایران را به شمال شرق آن و افغانستان و چین متصل می کرد از میان این فلات می گذشت. برخلاف بین النهرین که مراکز فرهنگی در آن، کنار رودخانه های دجله و فرات شکل می گرفت، در فلات مرکزی ایران به علت نبود رودخانه ها، مراکز فرهنگی بر سر راه های ارتباطی شکل گرفته است؛ بنابراین، بیشتر محوطه های باستانی پیش از تاریخ در فلات مرکزی، در طول راه های اصلی امروزی واقع شده اند که قم یکی از آنهاست. (1)

با توجه به آنچه گذشت درمی یابیم انسان عصر سنگ که تازه از کوه فرود آمده و در دشت سکونت کرده بود، روی مسیر کمانی شکل اطراف کویر نمک

ص: 37

استقرار یافته است. مهم ترین سکونت گاه های انسانی که تاکنون شناخته شده اند در کاشان، قم، ری و دامغان قرار دارد. (1) به علاوه در بررسی قطعات سفال های منقوش به دست آمده از قلعه دختر قم و مقایسه نقوش آنها با دیگر مراکز فرهنگی فلات مرکزی، هم زمان بودن آنها را با سفال های طبقه دوم سیلک به اثبات می رساند که پرفسور گریشمن تاریخ آنها را سه هزار سال قبل از میلاد می داند. (2)

باستان شناسان براساس کاوش های خود در قمروود، تاریخچه سکونت در ناحیه قم را به هزاره پنجم قبل از میلاد می رسانند. آنان با توجه به اطلاعات گردآوری شده در محوطه پیش از تاریخی قمروود و همچنین با شش فصل کاوش علمی و تحلیل در آنها، به این نتیجه رسیده اند که در این محوطه حداقل هفت دوره ساختمانی وجود داشته است که قدیمی ترین آن متعلق به هشت هزار سال قبل و جدیدترین آنها حدوداً اواسط هزاره چهارم است. (3)

علاوه بر آن، کاوش های اخیر در تپه صرم بخش کهک، محوطه بسیار غنی و ارزشمندی را از عصر آهن نمایان ساخت که به جهت گستردگی و غنای اشیا، با تپه غیظریه تهران برابری می کند.

پیدایش شهر قم را می توان به دو دوره تقسیم کرد:

الف) قبل از اسلام؛

ب) بعد از اسلام.

ص: 38

- 
- 1- (1) گریشمن، ر. ک: ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، ص 7.
  - 2- (2) لویی، واندنبرگ، باستان شناس ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، ص 124.
  - 3- (3) میرعابدین کابلی، بررسی های باستان شناسی قمروود، ج 1، ص 124.



اظهار نظر قطعی در مورد دوره اول نیازمند تحقیقات و حفاری های همه جانبه است؛ اما آثار مکتوب اسطوره ای حکایت از پیدایش و تأسیس تشکیلات شهر قم در زمان «طهمورث دیوبند» پادشاه پیشدادی دارد. (1) نظر دیگر از تاریخ اسطوره ای ایران، تشکیل تأسیسات شهری در قم را به زمان «کیخسرو» پادشاه افسانه ای ایران نسبت می دهد. (2)

هسته های اولیه شهر در این دوره، کومه های شبانان و صحرانشینانی بوده است که دارای تشکیلات قبیله ای بوده اند و به علت موقعیت قشلاقی منطقه، امرا و فرمان روایان محلی قلعه های به صورت دژ ساخته بودند که چهل حصاران نامیده می شدند. (3) در بیشتر این دهات مرکزی، اشراف و بزرگان روستا اقامت داشته اند و در آنها تا قرن سوم هجری آتشکده های روشنی بوده است. (4)

از جمله آنها آتشکده بزرگ قم است که امروزه خرابه های آن بر روی تپه ای معروف به قلعه دختر در آستانه ورود به دشت قم، از سمت جاده اراک قرار دارد که طبق افسانه ها به دست کیخسرو ساخته شده است. مؤلف تاریخ قم در قرن چهارم می نویسد: «آثار آن الی یومنا هذا باقی است». (5)

ص: 39

---

1- (1) حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، به اهتمام محمود دبیر سیاقی، ص 67.

2- (2) محمد تقی بیک ارباب، تاریخ دارالایمان قم، به کوشش مدرسی طباطبایی، ص 14.

3- (3) پیشین، ص 49.

4- (4) پیشین، ص 58.

5- (5) پیشین، ص 61.

در جنوب شرقی شهر قم مزرعه و منطقه ای به نام شهرستان وجود دارد که بنا بر عقیده باستان شناسان یکی از تپه های باستانی این دشت، دژی به این نام است که از قرن چهارم هجری باقی مانده است(1) و ساخت آن را مؤلف تاریخ قم به «راخمانی»، دختر بهمن پسر اسفندیار نسبت می دهد.(2) پس از اسلام نواحی جدید شهری در بیرون از حصار شهرستان گسترش یافتند و با رشد شهرنشینی در قرن سوم و چهارم هجری، بخش های جدید که آن را «ربض» می نامیدند توسعه بیشتری یافت و محل های باستانی شهرستان رو به ویرانی نهاد؛ چنانکه «اصطخری» در این باره می گوید: «شهرستان بیشتر خراب و ربض آبادان».(3)

سعیدنیا معتقد است که:

«مزرعه امروز شهرستان که در قرن چهارم هجری دیده و در باستان دژ بوده است، به احتمال قریب به یقین محل باستانی شهر قم بوده که در هنگام فتوحات مسلمین به وسیله پیشگامان سپاه ابوموسی اشعری فتح و محتملاً ویران گردیده است».(4)

این شهر، یک بار دیگر نیز بنا به گفته مؤلف تاریخ قم به دست اسکندر خراب شده و این خرابی تا زمان «قباد ساسانی» باقی ماند تا اینکه قباد آن را

ص:40

---

1- (1) احمد سعیدنیا، قم خاستگاه شهرهای ایران، ج 2، به کوشش محمد یوسف کیانی، ص 147.

2- (2) قمی، تاریخ قم، ص 65.

3- (3) ابواسحاق ابراهیم اصطخری، مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، ص 170.

4- (4) احمد سعیدنیا، قم خواستگاه شهرهای ایران، ج 2، ص 147.

مجدداً ساخت و «نام این ناحیت در آخر ایام مملکت فرس از ایام قباد تا به ایام و زمان یزدجرد ویران، آبادان گرد کواد بوده است».(1)

مسلم آن است که شهر جدید در محلی به نام «میمجان» در جوار نقطه باستانی شهرستان تأسیس شده است(2) که در قرن سوم تبدیل به شهر بزرگی می شود. یعقوبی که در این قرن از آن دیدن کرده در این باره می گوید:

«شهر بزرگ قم به آن مینجان گفته می شود که شهری است جلیل القدر که گویند در آن هزار گذر است».(3)

به نظر می رسد با ورود اعراب به قم، سازمان شهری در محل اولیه خود از بین می رود؛ اما پایه های آن دوباره به دست مسلمانان ریخته می شود که این شروع دومین دوره شکل گیری شهر قم است و بررسی انجام شده نشان می دهد که به طور کلی شهرسازی اسلامی تحت نفوذ شهرسازی قبل از اسلام شکل گرفت؛ زیرا اعراب در زمینه شهرسازی تجربه با ارزشی نداشتند و در آغاز ورود آنان به امپراتوری ساسانی مسلمانان برای اسکان مهاجرین و سپاهیان شان، مجبور به ساختن اردوگاه هایی شدند که بعدها تبدیل به شهر شدند.(4) روند مکان یابی شهر قم در سال 23 هجری بدست سپاه ابوموسی اشعری تکرار شد و این شهر فتح گردید ولی این اتفاق از نظر مذهبی تحول مهمی در وضع شهر قم به وجود نیاورد و مردم این ناحیه همچنان به دین زرتشتی باقی ماندند و با پرداخت جزیه به اسلام نگریدند.(5)

ص: 41

---

1- (1) حسن قمی، تاریخ قم، ص 25.

2- (2) پیشین، ص 32.

3- (3) احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، البلدان، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، ص 49.

4- (4) حسین سلطان زاده، روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، ص 120.

5- (5) حسین مدرسی طباطبایی، قم در قرن نهم، ص 110.

هفتاد سال بعد در زمان خلافت عبدالملک گروهی از اعراب اشعری که جزء هوادارن عبدالرحمان بن محمد اشعث، امیر سیستان بودند که پس از شکست او از حجاج پراکنده شده و به قم عزیمت کردند که ورود آنان مصادف با نوروز باستانی ایرانیان بوده است.

«روز نوروز... سنه 94 هجری... سه ساعت پنج دانگ ساعتی از روز گذشته...» (1).

مؤلف تاریخ قم گوید: اعراب اشعری از بدو ورود مورد استقبال و پذیرش رییس یا دهگان دژ «ابرشتیجان» که «یزدان فاذار» نام داشت قرار گرفتند و به خواست او در این مکان ساکن شدند. (2) آنها ابتدا در صحرای قم مستقر شدند و در چادرهایی که از موی ساخته شده بود مقیم شدند. یزدان فاذار، دهگان ابرشتیجان دیه ممجان را برای مسکن آنها تعیین نمود. سپس رؤسای گمر (جمر) در شبان و سپس دیر خرابه را که در جنوب ممجان قرار داشت به اقطاع آنان واگذار کرد. (3) مهاجرین پس از مدتی به بهانه پیمان شکنی ایرانیان با آنها از در ستیز درآمدند و پس از کشتن بزرگان و اشراف عجم، اراضی وسیعی را مالک شدند.

«بعد از زمانی به جهت اختلاف دین و مذهب، مؤالفت به مخالفت شده در شب عید نوروز عجم، رؤسای عرب غلامان خود را فرا فرستاده رؤسای مجوسان را در خوابگاه مقتول ساخته صبح عید عزای همه مجوسان شد. لشکر عرب بر آنها تاخته و اموال و حشم آنها را تصرف نمودند. چون تفرقه آنها

ص: 42

---

1- (1) قمی، تاریخ قم، ص 242.

2- (2) پیشین، ص 244.

3- (3) پیشین، ص 253.

اسباب فتنه بود، بنای شهر قم را نمودند که تمام مجوسان در یک محل جمع باشند در اراضی ممجان و میان رودان بنای شهر گذاشتند و در آن وقت مشایخ اعراب عبدالله، احوص و مالک اشعری بودند. شهری بنا نمودند در هزار و پانصد ذرع عرض و دو هزار پانصد ذرع طول» (1).

مهاجرین عرب پس از تصرف اراضی وسیع اشراف عجم، برای افزایش سهم آب بری خود از رودخانه اناربار به جنگ با کشاورزان تیمره (کمره یا خمین امروزی) پرداختند، بر آنان غلبه کردند و رونق بسیاری به اقتصاد و کشاورزی منطقه دادند که بنا به گفته جغرافی دانان اسلامی، جز در قرن ششم هجری ناحیه قم هیچ وقت چنین رونقی نداشته است. در این مدت، دژ باستانی ممجان نیز رفته رفته گسترش یافت و تمام زمین های ممجان و مالون و حتی مقداری از زمین های دهات مجاور قزدان، جمر و سگن نیز جزء شهر قم شد (2) و دیر باستانی ممجان که باب شهرستان نیز خوانده می شد، در مدت دو قرن تبدیل به شهر بزرگی شد. (3) بر این اساس، می توان نتیجه گرفت زمانی که اعراب اشعری در نیمه دوم قرن دوم به قم آمدند، در شش دیه به نام های گمرو، کمیدان، مالون، قزوان، سکن و جنبادان ساکن شدند و برای خود شهری جدید در سرزمین قم به وجود آوردند و بارویی کوچک اطراف همین قسمت کشیدند که از باغ دولت تا درب نضر رودخانه را که در میان شهر بود در بر می گرفت و از این درب تا گمرو و سعدآباد در کنار رودخانه بنا شده بود. (4)

ص: 43

- 
- 1- (1) حسین مدرسی طباطبایی، راهنمای جغرافیای تاریخی قم، ص 20.
  - 2- (2) احمد سعیدنیا، قم خاستگاه شهرهای ایران، ج 6، به کوشش محمد یوسف کیانی، ص 149.
  - 3- (3) صفی الدین هاشم قمی، خلاصه البلدان، ص 198.
  - 4- (4) قمی، تاریخ قم، ص 53.

بخش کمیدان را هم با بارویی از مزدیجان و جزء آن جدا نمودند؛ به این ترتیب، شهر جدید اسلامی قم با دو بخش که یکی کمیدان و دیگری ممجان بود به وجود آمد که بین آن دو بخش رودخانه قرار داشت. دیه ممجان شالوده نخستین شهر اسلامی قم بوده است؛ چرا که مؤلف تاریخ قم آن را نفس شهر قم می خواند. (1) به طور کلی در خصوص بررسی منشأ پیدایش قم به دو دوره باید توجه نمود: 1 - دوره پیش از اسلام؛ 2 - دوره ظهور و پیدایش مدنیت اسلامی که شهر کنونی قم پیرامون تشکیلات اولیه آن گسترش یافته است. مرکزیت شهری دوره اول، نتوانست ساختار اولیه خود را چنانکه باید حفظ کند و در اثر تحولات انسانی و طبیعی از بین رفت؛ اما سازمان شهری اسلامی توانست با وجود دگرگونی های مختلف چهارده قرن گذشته، بنیان اولیه خود را حفظ کند و این ناشی از هویت اسلامی آن است. همچنین عوامل جغرافیایی و فرهنگی مؤثری چون اقلیم معتدل و قشلاقی بودن منطقه، وجود شکارگاه های طبیعی، داشتن شرایطی شبیه به محل زندگی اولیه اعراب در جزیره العرب، قرار گرفتن در مسیر راه های تجاری و مبادلاتی و وجود بارگاه مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام همه در ایجاد و گسترش شهر قم نقش به سزایی داشته است.

### **(ب) قم، پس از دوره اسلامی**

یعقوب لیث صفاری در سال 247 هجری قمری سلسه صفاریان را تشکیل داد و نخستین دولت مستقل ایرانی پس از تجزیه ایران از ممالک اسلامی

ص:44

پایه گذاری شد؛ حال به صورتی گذرا به حوادث این مقطع زمانی که در رشد شهر قم دخیل بوده است می پردازیم:

در قرون دوم و سوم هجری، به علت نافرمانی مردم قم در پرداخت خراج به حاکمان وقت (هارون الرشید و برادران و پسرانش) بین آنان و سرداران خلفا جنگ های خونینی درگرفت که منجر به سوزاندن باغ ها و خانه ها و قتل عام مردم شد. در سال 292 هجری قمری، سیل عظیمی موجب ویرانی قسمتی از قم شد.<sup>(1)</sup> بی شک حوادث طبیعی و غیرطبیعی در روند شهرنشینی مؤثر است؛ زیرا لازمه گسترش هر مکانی در همه زمان ها، فعالیت اقتصادی است که آن هم در مکان های آرام شکل می گیرد. در چنین زمان هایی به علت عدم امنیت مالی و جانی، روند رشد و توسعه شهر قم رو به افول می نهاده تا جایی که بعضی مواقع تقریباً خالی از سکنه می شده است. پس از سیل ویرانگر قرن چهارم، قم رو به آبادی نهاد و آن چنان گسترش یافت که 20 تا 30 هزار محدث و راوی در این شهر وجود داشت و از حیث جمعیت هم آنقدر رشد کرد که 52 آسیاب در آن فعالیت می کرده اند.<sup>(2)</sup>

در قرن پنجم و ششم هجری، این روند ادامه می یابد تا جایی که دو طرف شهر حدود پنج کیلومتر از یکدیگر فاصله داشته، و در دو مکان نماز جمعه برقرار بوده است<sup>(3)</sup> که خود دلیل وسعت شهر در این زمان می باشد؛ اما مانند شهرهای دیگر کشور در سال های 616، 651 و 782 هجری قمری، به ترتیب مورد تاخت و تاز چنگیز، هلاکو و تیمور قرار گرفت و تبدیل به ویرانه ای بزرگ

ص: 45

---

1- (1) سید حسین ابن رضا، قم از نظر اجتماعی اقتصادی، ص 26.

2- (2) علی اکبر فیض، گنجینه آثار، ج 1، ص 60.

3- (3) سید حسین ابن رضا، قم از نظر اجتماعی اقتصادی، ص 27.

شد. قم در قرن نهم، آبادانی مختصری پیدا کرد و در شمار شهرهای متوسط کشور درآمد؛ اما آثار ویرانی های باقی مانده از قرون هفتم و هشتم هنوز بر جا بود. در این زمان پس از یک آرامش نسبی که بعد از حمله مغول ایجاد شد، بارویی دور شهر احداث گردید و شهر اندک اندک رو به ترقی گذاشت تا جایی که در اواخر این قرن چنان توسعه پیدا کرد که در آن بیست هزار خانه وجود داشت.<sup>(1)</sup>

در زمان صفویان (1148-906 ه. ق)، از آنجا که این خاندان نسبت به قم توجه خاصی داشتند، رو به آبادی گذاشت و دارای ساختمان های زیبایی گردید و جمعیت آن به پنجاه هزار نفر رسید. در سال 1044 و در زمان شاه صفی، سیل نصف شهر را ویران کرد. بعدها در اواخر دوران صفویه، دوباره شهر پیشرفت نمود و تا اواخر سلطنت آنان به منتهای ترقی و آبادی خود رسید.<sup>(2)</sup>

## آب قم

مسئله آب در قم، همیشه مورد ابتلای مردم بوده و منازعات بسیاری از قرن دوم هجری به این سو، سر این امر مهم منطقه ای اتفاق افتاده است. قم به علت قرار گرفتن در حاشیه کویر و عدم مساعدت شرایط جوی، از نقاط خشک بوده و مردم آن غالباً از نظر آب در مضیقه قرار داشته اند. در این باره در مقدمه تاریخ قم در وصف فضایل «صاحب بن عباد» آمده است که:

ص:46

---

1- (1) سید حسین ابن رضا، قم از نظر اجتماعی اقتصادی، ص 28؛ جعفر ثامنی، فرهنگ القاب و عناوین شهرها، ص 47.

2- (2) پیشین.



«دیگر حق سبحانه تعالی او را توفیق فرمود تا چندین کاریز در قبضه قم پدید کرد و مال های بسیار در آن صرف کرد و جوی های آب بر خارج و داخل شهر روان گردانید و پیشتر از آن، آن مقدار آب که گنجشکی بدان سیراب گردد، در مجموع شهر قم مقدور یافت نمی شد. و به دشواری و مشقت از جاهای دور به کلفت می کشیدند...» (1).

نظیر این وضع در بیشتر دوره های تاریخ قم وجود داشته است و آب مزروعی آن در طول قرون، گاهی از چاه و گاهی از رودخانه ای بوده است که آب آن، چنانکه «حمدالله مستوفی» می نویسد:

«آب آشامیدنی این شهر شور مزه است و از چاه ها آب برمی کشند. برای کندن چاه آب، گودال وسیعی که فراخ تر از چاه عادی باشد، برمی کنند، از ته تا لب چاه را سنگ چین می کنند. در زمستان کاری کنند که آب باران و سیل در آن ریزد. از این شگرد آب چاه تا اندازه ای شور مزه گی اش را از دست می دهد...» (2).

«قزوینی» در «آثار العباد» می گوید:

«در قم، آبی است که از سنگی بیرون جهد که بعد از کمی جریان می بندد و نمک می گردد. بلیانس طلسم ساز، طلسمی برای این سنگ کرده که همواره آبش در جریان باشد و هیچ وقت کاهش نیابد. نمک خواهان از آن نمک برمی دارند و مجانی است؛ اما گویند اگر سالی پول نمک را بخواهند، آب از جریان می افتد و چشمه اعتصاب می کند. من از فقیهی قمی شنیده ام که فرمود

ص: 47

---

1- (1) قمی، تاریخ قم، صص 5، 6 و 42.

2- (2) زکریا قزوینی، آثار العباد، ص 211؛ حمدالله، مستوفی، نزهة القلوب، به کوشش محمود دبیرسیاقتی، ص 110.

معدن نمک در قم است. هر نمک جو که از آن نمک بردارد و پول نمک را در کنار آن نگذارد خرس در راه لنگ می شود و بارش به منزل نرسد. کان زر و نقره هم است که آن را پنهان کرده و استخراجش نمی کنند؛ زیرا می ترسند که کشاورزان اطراف کشاورزی را ول کنند و جوینده طلا شوند.»(1)

## رودخانه قم

رودخانه قم در دوران پیش از اسلام، در مسیری شرق شهر جاری بوده و آب آن به سوی سراجیه در شمال شرقی می رفته است. با گذشت زمان این مسیر بالا آمده، آب از آن به زیر افتاده، در جانب غربی شهر جریان پیدا کرد و آب آن به طرف دیه قمرود روانه شد تا با گذشت زمان این مسیر نورودخانه گردد و پس از آن هرگز تغییر نکرد.(2) 31 سال بعد مجدداً آب در مسیر قدیم جریان پیدا کرد.(3)

مسیر شرقی همان است که در زمان های بعد رودخانه صفی آباد خوانده شده(4) که تا روزگار ما به همین نام مشهور است. رودخانه قم میان شهر جاری بوده است(5) و اکنون نیز در منتهای شهر زمین های گمر و کمیدان را در دو

ص:48

---

1- (1) مستوفی، نزهه القلوب، ص 211.

2- (2) قمی، تاریخ قم، ص 50.

3- (3) پیشین.

4- (4) حسینی قمی، خلاصه البلدان، ص 200؛ قاضی احمد حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 2، تصحیح احسان اشراقی، ص 705.

5- (5) ابن واضح یعقوبی، البلدان، ص 190.

کناره رودخانه از یک دیگر جدا می‌کند. آستان حضرت معصومه علیها السلام و مسجد جامع عتیق قم نیز در کنار آن بوده‌اند. از بررسی این مطالب مشخص می‌شود که مسیر رودخانه قم از قرون نخستین اسلامی تا روزگار ما کم‌ترین تغییری نکرده است. نقشه‌ها و وصف‌های قم که در سفرنامه‌های خارجی دیده می‌شود، از جمله نقشه «آدام اولناریوس» همگی بر این مطلب صحه می‌گذارند. (1)

### نهر سعد

اولین رودی که در شهر قم روان شد، نهر سعد بود که آن را «سعد بن مالک بن احوص اشعری» از میان شهر گذراند و به مزرعه سعدآباد روان کرد که طول مسیرش از رودخانه در اراضی گمر، تا نزدیک دروازه ری بوده است. (2)

### آب و هوای قم

حمدالله مستوفی، درباره قم نوشته است: «هوایش معتدل است» (3) و از توقف‌ها و اقامت‌های زمستانی شاهان و امیران در قم، به خوبی درمی‌یابیم که به خصوص در زمستان هوای این شهر ملایم و مطبوع بوده است. البته گاهی هم هوا سرد می‌شده و افرادی را که به منظور قشلاق به این شهر روی آورده بودند آزار می‌داده است. (4)

ص: 49

---

1- (1) آدام اولناریوس، اصفهان خونین شاه صفی، ص 492.

2- (2) حسینی قمی، خلاصه البلدان، ج 2، تصحیح احسان اشراقی، ص 200؛ علی اصغر فقیهی، تاریخ مذهبی قم، ص 186.

3- (3) مستوفی، نزه القلوب، ص 74.

4- (4) قمی، تاریخ قم، ص 5، 6 و 41؛ قزوینی، آثار العباد، ص 442؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج 4، ص 397.

با وجود آنکه قم همواره با مشکل بی‌آبی مواجه بوده، بیشتر کسانی که آن را وصف کرده‌اند، از کشت زارهای وسیع و باغ‌های فراوان آن یاد کرده‌اند و خود شاهد همت و پشتکار مردم این شهر در شرایطی چنین نامساعد است. قزوینی در آثار العباد نوشته است:

«در این شهر باغ‌های بسیاری وجود دارد...» (1).

### محلله‌های قم

نام دو محله از محلات قم «سروز» و «سروزار» بوده است (2). این نام در سندی به تاریخ ربیع الاول سال 891 هجری قمری، به صورت «سروزن» آمده است. نگارنده خلاصه البلدان این نام را معادل بالاشهر و سرآبی گرفته و آن را نام یک سوی شهر دانسته است. او می‌نویسد:

«... بعد از آن بعضی از این محلات شهر را که مقسم آب بوده سروزن نام نهادند. به جهت آنکه «وزن» چوبی را گویند که بدان قسمت آب نمایند و در نهرها جایی که مقسم آب باشد نصب کنند و چون در قدیم در آن محلات به جهت قسمت آب وزن بوده به سروزن معروف شدند و در بعضی محلات دیگر که آب از محلات سرروز و زیر شهر را کوچه‌های علی حده است که هر یک به اسمی خاص خوانده می‌شود» (3).

ص: 50

---

1- (1) قزوینی، آثار العباد، ص 442.

2- (2) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 33.

3- (3) پیشین، ص 177.

اکنون سروز همان سرباز است و نزدیک میدان کهنه شهر قرار گرفته است.

## دروازه های قم

قم پنج دروازه داشته است. (1) از آن جمله «درب کنکان» بوده است. (2) و چهار دروازه دیگر، یکی دروازه ساوه در غرب، (3) دیگری درب اصفهان در جنوب و محدوده آن، دیگری درب ری در شمال و درب قلعه در جنوب غربی بوده (4) که این نیز درب پنجم بوده است.

## سیر حوادث سیاسی

یکی از مهم ترین بحث ها در هر جامعه ای، بحث تاریخ سیاسی آن جامعه است که بسیاری از تواریخ به این مقوله پرداخته اند و این به دلیل اهمیت این مقوله نزد مورخان بوده است. تاریخ سیاسی شهر قم از اهمیت به سزایی برخوردار است.

سیاست در معنای عام به هرگونه راه برد و روش برای اداره هر امری از امور شخصی یا اجتماعی اطلاق می شود و بیشتر، امری که مربوط به دولت و مدیریت و تعیین شکل و مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد، از مقوله های سیاسی است. سیاست به معنای خاص، همواره با سازمان قدرت در جامعه که نگهبان نظم موجود است سر و کار دارد. این سازمان قدرت در شهر قم افراد یا خاندانی هستند که امور سیاسی آن را بر عهده داشته اند.

ص: 51

---

1- (1) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 584.

2- (2) پیشین، ص 320.

3- (3) پیشین، ص 127 و 128.

4- (4) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 321؛ خلاصه البلدان، ص 182.

با پیدایش حکومت صفویان به خاطر شرایط سیاسی - اجتماعی که به وجود آمد، تشیع به شدت افزایش یافت. چنان که در عهد صفویه جمعیت ایران به نفع شیعیان تغییر یافت و مذهب تشیع برای اولین بار صورت رسمی به خود گرفت. در واقع زمینه های اجتماعی ای وجود داشت که این امکان را برای صفویه به وجود آورده بود که مهم ترین آن عوامل از این قرارند:

1. گسترش تصوف با رنگ و لعاب آموزه های شیعی از زمان ایلخانان که در دوره تیموری تشدید شد و این صوفیان پیرو اقطابی بودند با تشیع آشکار و گاهی غالی که توانسته بودند اقبال بسیاری از مردم ایران را با خود همراه کنند که به همین دلیل مورد احترام حاکمان بودند. برای نمونه می توان به شاه نعمت الله ولی و سید محمد نوربخش اشاره کرد. نکته دیگر که شاهد نزدیکی روزافزون تصوف به تشیع است، منتهی ساختن نسبت خرقة به امامان شیعه، چون حضرت امیرالمؤمنان علیه السلام است و اتفاقاً تشکیل طریقت «نقشبندی» در ماوراءالنهر تیموری توسط خواجه «بهاءالدین نقشبند بخارایی» واکنشی بد در برابر رشد شدید طریقت های شیعی بود.

2. رشد و تنوع قیام های شیعی یا صوفیانه با عقاید شیعه در پایان حکومت ایلخانان و دوران تیموری، همچون: سربداران، نور بخشیه، حروفیه، مشعشعیان، بابایه و... به طوری که تمامی قیام های دسته جمعی مردمی توسط شیعیان رهبری می شد.

3. وجود مناطق متعدد شیعه نشین در ایران، مانند: گیلان و مازندران، ری، قم، کاشان، سبزوار، ساوه، طوس و...

4. وجود سابقه تشیع در ایران در برخی دوره ها، مانند: حکومت آل بویه و سلطان محمد خدابنده.

5. نقش مهم تبلیغات دامنه دار و طولانی شیعی و صوفی از زمره تولاّیان و تبرّایان در بین مردم شهرها و قبیله ها در جهت گسترش تشیع.

6. فروپاشی خلافت در زمان مغولان و تمایل ایلخانانی چون: غازان و اولجایتو بر شیعه و نیز بی طرفی و خوی تسامح و تساهل دیگر ایلخانان نسبت به مذهب و نیز ادامه این سیاست در دوران تیموری به همراه گسترش معارف شیعی در آن دوران. (1)

شاهان صفوی خود را از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام می شمردند و ادعای رهبریت جهان تشیع را داشتند، به علاوه برای تضعیف حکومت عثمانی، تلاش می کردند از شمار زائران ایرانی عتبات عالیات بکاهند، از این رو، به گسترش و آبادانی قم و مشهد توجه ویژه ای می کردند و این دو شهر را به صورت پایگاه مذهبی در آوردند. آنها معمولاً به قم می آمدند و مدتی را در این شهر می ماندند و به کارهای خود رسیدگی می کردند! (2)

شهر قم در این دوره، در زمینه های سیاسی - اقتصادی و فرهنگی به اوج شکوفایی و آبادانی رسید، به طوریکه اکثر آثار تاریخی و مدارس علمیه قم مربوط به همین دوره است. قم در این دوره از لحاظ آبادانی از شهرهای مشخص ایران شد. در واقع، پس از تصرف این شهر توسط شاه اسماعیل

ص: 53

---

1- (1) مسعود صادقی، چکیده مقالات همایش صفویه در گستره تاریخ ایران زمین، صص 88-91.

2- (2) . محمد یوسف واله اصفهانی، خلدبرین، تصحیح میرهاشم محدث ص 582؛ فقیهی، تاریخ مذهبی قم، ص 173.

صفوی در سال 90 هجری قمری، اکثر پادشاهان این سلسله به قم آمده و مدتی در آن می ماندند. (1)

شاه اسماعیل صفوی، مؤسس این سلسله با رسمی کردن مذهب تشیع در ایران، به تدریج زمینه را برای نفوذ علمای شیعی در امور سیاسی فراهم کرد. او کاخ سلطنتی اوزون حسن و فرزندش یعقوب میرزا در قم را که محل نزول آنان بود، در سال 909 ه. ق پس از تزئینات لازم مقرّ خود و فرزندش شاه طهماسب قرار داد که در اقامت هاشان در این شهر از آن استفاده می کردند. قاضی احمد میر منشی در این باره می نویسد:

«... به واسطه شاه گیر که در دولت خانه قم، مسکن شاه مرحوم حسن و پادشاه یعقوب بود، معماران مهندس و طراحان حاضر کرده، در اندک زمانی یک دست حرمرای مشتمل بر چهار صنفه، ایوان ها و بالاخانه فرمود و نهایت تکلفات، زینت نقاشی و نقابی و تصویر نمود و آن عمارت دلگشا با جام لطیف و با صفا، به سرکاری خلفش آقا فتوح الدین فتح الله به اتمام رسید...» (2)

پس از اتمام آن، شاه اسماعیل به قم آمده و در آن نزول نمود. وی پنج ماه از سال های 917 و 924 هجری قمری (3) و زمستان سالهای دیگر را در این شهر سپری کرد. (4) او در طول زمان حضورش در قم، بسیار به شکار می رفته است. بیابانهای اطراف قم به خاطر دارا بودن تعداد بی شمار حیوانات کوهی و

ص: 54

---

1- (1) . محمود بن هدایت افراشته ای، نقاره آلاثار، ص 332، محمد تقی بیک ارباب، تاریخ دار الامیان قم، پیش، ص 84.

2- (2) . حسینی قمی، خلاصه التواریخ، پیشین، ص 53.

3- (3) . خواند میر، حبیب السیر، ج 3، پیشین. ص 2252.

4- (4) . پیشین، ص 116 و 917.



بیابانی قابل صید، منطقه جالبی برای شکار بوده است. یکی از برنامه های امرا و شاهانی که در این شهر قشلاق کرده و اقامت زمستانی داشته اند، شکار بوده است. (1) درباره قشلاق سال 917 ه. ق شاه اسماعیل «خواند میر» به طور بسیار اغراق آمیز که دور از واقعیت می نماید در حیب السیر می نویسد:

«فرمان واجب الاذعان مشرف نفاذ یانت که ملازمان آستان... بر صحاری و قفار نواحی قم محیط شده، جانوران شکاری را به جانب خندق آن بلده رانند... به معاونت تأثیر ایزدی آن مقدار آهو و نخجیر مجتمع گشت که کمیت آن از حساب و شمار مستوفیان در گذشت و شاه فلک اقتدار منوبت خنجر و شمشیر و تیر به آهو و گوزن و نخجیر رسانیده، در عرض یکی دو ساعت، بیست و شش هزار جانور به قتل رسید و از خون آن کشتگان در میان زمستان در ظاهر قم لاله زاری عیان گردید». (2)

سلطنت شاه اسماعیل صفوی از سال 907 هجری قمری آغاز و به سال 930 با مرگ او پایان یافت. پس از این نیز در سالهای زیادی از قرن دهم، قم محل، اقامت حرمسرای شاه طهماسب بود. وی در بسیاری از اوقات به خصوص زمانی که به عزم جنگ از دار السلطنه قزوین خارج می شده، به این شهر آمده و مدتی سکونت می کرد. او بیشتر اوقات زمستان ها را در قم قشلاق کرده و به شکار می رفته است. شاه طهماسب از میان یتیمان برای خود مشاورانی انتخاب می کرد و هر سال لباس و وسایل زندگی چهل نفر از خردسالان یتیم پسر و چهل نفر یتیم دختر را فراهم می کرد و آنها را زیر نظر

ص: 55

---

1- (1) . قمی، تاریخ قم، پیشین، ص 56.

2- (2) خواند میر، حیبی السیر، پیشین، ص 521 و 522؛ خبامدی، روضه الصنا، پیشین، ص 252 و 253.

معلم شیعه مذهب و پرهیزگار و خدمت کاران با صلاحیت قرار داده و تربیت می نمود و پس از رسیدن به سن بلوغ هر کدام را با دیگری تزویج داده و خردسال دیگری را در عوض آنان می آوردند. (1) همچنین در روز ولادت هر یک از چهارده معصوم علیه السلام مبلغ های کلانی (2) نذر می کرد؛ علاوه بر خمس و مقرری سالیانه که همه آنها را به سادات (3) شب های جمع نیز مبالغی نذر بین سادات و عالمان دینی تقسیم می کرد. جمع صدقات و خیرات سالانه او بالغ بر بیست هزار تومان می شد (4) سلطنت شاه طهماسب از سال 930 ه. ق آغاز و با مرگ او در سال 948 ه. ق پایان یافت.

شاه اسماعیل دوم، بزرگترین فرزند شاه طهماسب بود که شب 18 ذی الحجه سال 943 هجری قمری در قم به دنیا آمد. (5) او جانشین ناخلف شاه

ص: 56

- 
- 1- (1) . شاه طهماسب صفوی، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی، پیشین، ص 817؛ پارسا درست، شاه طهماسب اول، پیشین، ص 817، اسکندر بیک ترکمان، ذیل عالم آرا عباسی، پیشین، ص 123.
  - 2- (2) پیشین، ص 598، ترکمان، عالم آرای عباسی، ج 1، پیشین، ص 123، واله اصفهانی، خلدبرین، پیشین، ص 399.
  - 3- (3) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 598، ترکمان، عالم آرای عباسی ص 123؛ واله اصفهانی خلد برین، ص 399.
  - 4- (4) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، پیشین، ص 266، منوچهر پارسا درست، شاه طهماسب اول، ص 24.
  - 5- (5) . حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 266، شاه طهماسب اول، ص 783، پارسا درست، شاه طهماسب اول، ص 783، عبدی بیک شیرازی، تکمله الاخبار، ص 629.

طهماسب بود و به علت اینکه مدتی طولانی به دستور پدر در زندانهای قهقهه زندانی بود، بعد از رسیدن به پادشاهی با تمام اقدامات پدر مخالفت نمود و به علما و شهرهای مذهبی بی مهری کرد و به قم چندان توجه ننمودند، اما جانشین او محمد خدابنده، رجال و حکمرانانش را از میان مردم قم انتخاب می کرد. در سال 987 هجری قمری ابراهیم ترخان، حاکم قم را که مردی کاردان و عاقل بود با هدایا و نامه ای به سوی امپراطور عثمانی فرستاد تا با مراد سوم، سلطان عثمانی مذاکره کند. (1) او در سفری که به قم داشت، حسن بیگ روملو را که متولد بلده قم در سال 937 هجری قمری بود همراه خود کرد.

مشهورترین و مقتدرترین پادشاه صفوی، شاه عباس کبیر بود که مردم را به زیارت اماکن مقدس در قم و مشهد تشویق می کرد و خود با پای پیاده به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف شد (2) و به آبادانی این دو شهر پرداخت. شاه عباس سالی یک بار قسمتی از مالیات های دیوانی را به بهانه ای به مردم یک شهر می بخشید. در سال 1007 هجری قمری، چون بر ازبکان پیروز شده بود، حدود صد هزار تومان از مالیات مردم عراق، یعنی ولایات قزوین، قم، کاشان و اصفهان را بخشید. (3) همچنین او در سال 1014 مصمم شد قسمتی از املاک و مستغلات خود را وقف پیامبر اسلام و دوازده امام نماید که بخشی از آنها را به آستانه حضرت معصومه علیها السلام و قم وقف کرد. (4) وی شهر قم را از نظر اجتماعی و تجاری رونق زیادی بخشید و بارها جهت قشلاق و شکار به قم آمد. سلطنت

ص: 57

---

1- (1) نصرالله فلسفی، شاه عباس اول، ج 1، ص 71.

2- (2) پیشین، ج 3، ص 863.

3- (3) پیشین، ج 1 و 2، ص 457.

4- (4) پیشین، ج 3، ص 877.

شاه عباس از سال 1038 هجری قمری آغاز شد و در سال 1052 با مرگ او پایان پذیرفت.

جانشین او شاه صفی نیز در زمان خود خدماتی به قم انجام داد. مهم ترین خدمت او برگرداندن مجرای رودخانه قم بود. تا از شهر دور باشد (1) علت این کار او، سیل مهیب سال 1044 هجری قمری در قم بود. دیگر اینکه تا قبل از این زمان، شهر سیمایی کاملاً آشفته داشت و کوچه و بازار به طور کلی کج و معوج بودند:

1. خیابان حضرتی که حد فاصل پل علیخانی و مدرسه دارالشفاست؛ سابقاً در ابتدای این خیابان، بازار شهر شروع بوده، زوار و مسافرینی که به قم می آمده اند، بعد از ورود از دروازه پل علیخانی و بازار کوتاه، مستقیماً وارد خیابان حضرتی می شده اند و در این محل، کاروان سراهای متعدد برای سکونت مسافرین و چارپایان وجود داشته است؛ در واقع خیابان حضرتی راه پاکیزه و نزدیکی بوده است که مورد استفاده زوار برای زیارت قرار می گرفته است.

2. خیابان چراغ برق که حد فاصل بین خیابان حضرتی و آستان است. این خیابان سابقاً خیابان حضرتی را به مقبره شیخان، قبرستان شهر و صحن مطهر وصل می کرده است.

3. خیابان پایین، حد فاصل جلو مدرسه خان، مسجد امام و محل آب انبار سیدعرب. بعد از احداث خیابان های جدید که مهم ترین و طویل ترین آنها در شمال و جنوب غربی شهر است، خواه ناخواه شهر به اطراف این خیابان ها کشیده شد (2) و شاه فرمان داد به این وضعیت سر و سامان داده شود.

ص: 58

---

1- (1) ترکمان، عالم آرا، ج 3، ص 167.

2- (2) ابوالفضل عرب زاده، جغرافیای تاریخی قم، صص 116-118.

سلطنت شاه صفی در سال 1052 هجری قمری آغاز شد و در همان سال شاه عباس دوم جای او را بر تخت سلطنت گرفت. دیگر پادشاه صفوی که به قم توجه خاصی داشت شاه عباس دوم است که اقداماتی برای پیشرفت شهر انجام داد و حاکمانی خدمت گزار برای آن تعیین کرد. او حاکمی به نام احمدخان را که به مردم قم ستم می کرد عزل نمود. شاه عباس در سال جلوس خود به تخت شاهی از قزوین راهی قم شده است.

میرزا محمد طاهر قزوینی، در عباسنامه از آن واقع چنین می نویسد:

«از دارالمؤمنین قزوین تا بلده قم به سه روز طی شده، روز چهارم داخل بلده مزبور گشته از گرد راه به طواف آستانه مقدسه منوره معصومه و مضجع مطهر نواب خاقان رضوان مکانی مشرف گردیدند... به خصوص، اطعام فقرا و مساکین که ثواب آن به روح مقدس حضرت خاقانی فردوس مکانی رسد، اقسام مطعومات طبخ فرموده در آن روضه منیرنظام، به مضمون «صدق مشحون و لحم طیر یشتهون» ملای عام در دادند، و به جهت این خیرات و قاعده احسان اکمل باشد به جهت پژوهش احوال آن ملک دلپذیر داروغگی آنجا به «حسینقلی بیگ قورچی شمشیره تقویض یافته، امر فرمودند که چون این ارض مطهر مضجع آن خاقان عدالت پرور است و رعایای این خطه حال صید حرم دارند، ایادی ارباب جور و اعتساف را از ملهونین کوتاه و کشیده داشته، در امور دادرسی و خداترسی، دقیقه ای فرو گذاشت نمایند...»<sup>(1)</sup> شاه سپس سه روز در قم اقامت کرد و مانند پدران خود به شکار در نواحی این شهر پرداخت.<sup>(2)</sup>

ص: 59

---

1- (1) میرزا محمد طاهر قزوینی، عباسنامه، تصحیح ابراهیم دهگان، ص 21.

2- (2) پیشین، ص 265.

وی ممدتی از سال در قم می زیست و علاوه بر بنای مدارس و مساجد، به تقویت بنیه اقتصادی هم همت می گماشت. (1)

شاه عباس دوم، در یکی از مسافرت هایی که به این شهر داشت، حدود دو ماه توقف کرد و در این سفر دستور داد در کنار رودخانه، فضای وسیعی برای آزمایش توپ های سنگینی که به تازگی تهیه کرده بودند، آماده کنند. وی در همین سفر در مسجد جمعه حاضر شد و به مولانا محمد محسن فیض کاشانی، امام جمعه قم اقتدا نمود. (2)

پس از بررسی اقدامات شاهان صفوی در قم، از خاندانی که در این دوره کارهای مهم دیوانی بر عهده گذاشته شده بود یاد می کنیم.

## خاندان منشی

### اشاره

«قاضی احمد میر منشی» در شرح حال جد مادری خود «آقا کمال الدین حسین منشی» نوشته است:

«از اولاد مسیب بن علی خزاعی است و آبا و اجداد عظام او از عراق عرب به قم نقل نموده بودند و بعضی از آنها در زمان پادشاه مرحوم میرزا شاهرخ، متصدی مهمات دیوانی و معمار قم بوده اند و فرد مذکور در زمان سلاطین ترکمان، کلانتر و معمار آن ملک بود و به کثرت ملک و جمعیت و اسباب و ثروت در آن مملکت امتیاز تمام داشت... او در اواخر دوره ترکمانان - شاید به رعایت مصلحت وقت - ازوا گزیده، زاویه ای بنا نمود و در آن اقامت کرد. پس از ظهور و قیام شاه اسماعیل و استیلای او بر نقاط کشور، از

ص: 60

---

1- (1) ظهیر الدین مرعشی، تاریخ گیلان و دیلمستان، تصحیح منوچهر ستوده، ص 235.

2- (2) وحید قزوینی، عباس نامه، ص 185.

جانب وی به وزارت این منطقه برگزیده شد و امور سپاهی و ضبط اموال به فرزندش آقا «فتوح الدین فتح الله» واگذار گردید. آقا کمال الدین، تا اواخر سلطنت شاه اسماعیل در خطه فاخره قم به مهمات آن مملکت اشتغال داشت...» (1).

## از جمله افراد متنفذ این خاندان

### قاضی احمد قمی

از مورخان و تذکره نویسان برجسته دوران صفوی است و دو کتاب او «خلاصه التواریخ» و «گلستان هنر» از بهترین و سودمندترین آثار شناخته شده آن روزگار است. او در این دو اثر نام و نسب خود را نگاشته و شجره نامه ای از نواده خود صفی الدین به نام «خلاصه البلدان» آورده که در آن، نسب او تا امام چهارم به شرح ذیل بیان شده است.

«میر نظام الدین احمد مشهور به قاضی، فرزند میرشرف الدین حسین مشهور به میرمنشی، فرزند میرسیداحمد، فرزند سیدنعیم الدین، فرزند میرنعمت الله، فرزند زین الدین علی، فرزند جمال الدین علی، فرزند سیدحسن مستجاب الدعوه، فرزند سیدرضی الدین محمد آوی، فرزند سیدشمس الدین محمدشریف مکی، فرزند میرشرف الدین علی، فرزند تاج الدین محمد، فرزند حسین، فرزند علی، فرزند محمد زید، فرزند داعی، فرزند زید، فرزند علی، فرزند ابومحمد حسن کرخه، فرزند ابوالحسن علی برطله، فرزند حسین، فرزند علی، فرزند عمرنقیب، فرزند حسن افطس، فرزند علی اصغر، فرزند امام زین العابدین علیه السلام» (2).

ص: 61

---

1- (1) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 43.

2- (2) حسینی قمی، خلاصه البلدان، ص 135.

قاضی احمد، روز پنج شنبه هفدهم ربیع الاول سال 953 هجری قمری در شهر قم به دنیا آمد. (1) در یازده سالگی همراه پدرش به مشهد مقدس رفته و مدت بیست سال آنجا بود و سال های کودکی و جوانی وی تحت تأثیر تربیت پدری چون میرمنشی و حمایت ابراهیم میرزا برادرزاده شاه طهماسب و حاکم مشهد سپری شد و در خدمت علما، نویسندگان و هنرمندان مشهور آن دیار به انواع کمالات و هنرها آراسته شد. مولانا شاه محمود زرین قلم، استاد میرسیداحمد از سادات حسینی و استاد مالک دیلمی از این هنرمندان اند. (2) در ذی الحجه 974 هجری قمری، قاضی احمد به زیارت عتبات عالیات نایل شد. (3) در همین سال سلطان عثمانی فوت کرد و قاضی احمد و پدرش در جمع ادبایی که در نوشتن نامه تهنیت برای سلیم دوم دخالت داشتند، شرکت کردند:

«در خدمت والد خود میرمنشی در آن مجلس بود و چون در سرعت کتابت دستی تمام داشت، اکثر آن خدمت به او محول شد.» (4)

در سال 978، نسخه ای از «الدلائل البرهانیه» نوشته علامه حلی را در قم به خط خود نگاشت که این نسخه اکنون در دست است. (5) بعد از مرگ شاه طهماسب، قاضی احمد از طرف شاه اسماعیل دوم مأمور شد تاریخ صفویه را از شاه اسماعیل اول تا شاه اسماعیل ثانی بنویسد؛ ولی با مرگ شاه و نبودن

ص: 62

---

1- (1) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 233.

2- (2) حسینی قمی، قاضی احمد، گلستان هنر، صص 89، 93 و 94.

3- (3) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 342.

4- (4) پیشین، ص 354.

5- (5) آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ج 8، ص 249.



مشوقی دیگر و مشکلاتی که برایش پیش آمد، این کار به تعویق افتاد و سرانجام به همت خود این کار را دنبال کرد.<sup>(1)</sup>

در زمان شاه محمد خدابنده، قاضی احمد وزارت شاه غازی، مستوفی الممالک را داشت<sup>(2)</sup> و سپس به وزارت اردوغدی خلیفه و ممیزی بلوکات ورامین ری منصوب شد.<sup>(3)</sup> در سال 993 در طغیان امرای ترکمان و تکلوه علیه شاه محمد و پسرش حمزه میرزا، قاضی احمد در میدان جنگ صابین قلعه در کنار حمزه میرزا بود و برای پیروزی او سوره فتح می خواند.<sup>(4)</sup> در سال 994 به وزارت شهر قم منصوب شد و در گیر و دار آشوب های داخلی و طغیان امرای قزلباش، وقتی ترکمانان به قم حمله کردند، قاضی احمد حفاظت یکی از دروازه های شهر موسوم به نارین قلعه را بر عهده داشت و با کمک محافظین دیگر، مانع رخنه دشمن به شهر شد.<sup>(5)</sup>

در سال 996 هجری قمری، شاه عباس پدر خود شاه محمد خدابنده را برکنار کرد و خود جای او نشست. ظاهراً قاضی احمد در دستگاه جدید نیز مورد توجه بوده است. او در سال 999 خلاصه التواریخ را به نام شاه عباس به پایان برده است.<sup>(6)</sup> در سال 1004 در اردوی نظامی بوده و در سال 1005 منصب

ص:63

---

1- (1) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 4.

2- (2) پیشین، ص 520.

3- (3) پیشین، ص 524.

4- (4) پیشین، ص 536.

5- (5) پیشین، صص 61، 615 و 617.

6- (6) پیشین، ص 3.

کلانتری داشته است. (1) او در سال 1007 در قزوین شغلی دیوانی داشته است و در همین سال بین او و میرصدرالدین محمد ولد میرزا شرف جهان قزوینی اختلافی بروز کرد و به سعایت میر محمد از کار برکنار شده و به قم رفته است. (2)

آخرین اطلاعی که از قاضی احمد در دست است، مربوط به محرم سال 1015 هجری قمری می شود که در قزوین با مولانا محمد امین از خوشنویسان معروف ملاقات کرده است. (3)

## فرزندان و نوادگان قاضی احمد

### میرصفی الدین محمد

سید جلیل میرصفی الدین محمد حسینی قمی، فرزند قاضی احمد که والده ماجده ایشان صبیئه عالی مرحمت و مغفرت پناه میرسیدعلی رضوی بود (4) که نسبت رضوی پس از حسینی، دنبال نام باز ماندگان قاضی احمد به خاطر همین انتساب سببی او افزوده شده است. (5)

### میر محمد هاشم

میر محمد هاشم حسینی موسوی، فرزند میرصفی الدین و نواده قاضی احمد

ص: 64

---

1- (1) محمد تقی دانش پژوه، آستان قدس، 18:36، ص 117.

2- (2) حسینی قمی، گلستان هنر، ص 97.

3- (3) پیشین، ص 124.

4- (4) حسینی قمی، خلاصه البلدان، ص 133.

5- (5) پیشین، ص 134.

است «ایشان هم از والد ماجد و هم از جانب والده ماجده، هر دو به معصوم می رسند و والده ماجده ایشان صبیبه عالی حضرت مرحمت و غفران پناه کریمه فی عصره، امیر محمد هاشماً موسویاً قمیاً بود.»(1)

در خلاصه التواریخ و عالم آراء، در شمار سادات عظام که در درگاه شاه طهماسب بوده اند، از میر محمد هاشم قمی به نام یکی از اعیان و اکابر سادات عراق که به کثرت ملک و زراعت مشهور بود یاد می شود. او در 18 شوال سال 973 هجری قمری درگذشت.(2)

### صفی الدین محمد

فرزند میر هاشم نواده قاضی احمد، از فضلا و اهل قلم قم در قرن یازدهم بوده که در میانه این قرن به دنیا آمد. او نگارنده کتابی است در تاریخ قم که خود آن را خلاصه البلدان نام نهاده و در میان فضلاء قدیم به نام بیاض صفی الدین شناخته می شده است و این اثر را در سال 1079 هجری قمری دوره وزارت میرزا مهدی اعتمادالدوله به خواهش مولانا محمد صالح معلم قمی نگاشته است.(3)

صفی الدین، نزد نگارنده رساله تریاق قدسی در علم طب شاگردی می کرد.(4) و گویا در قم نزد ملامحسن فیض درس می خوانده و در دوره وزارت

ص: 65

---

1- (1) حسینی قمی، خلاصه البلدان، ص 134.

2- (2) حسینی قمی، گلستان هنر، ص 370.

3- (3) حسینی قمی، گلستان هنر، ص 370؛ محمد علی بن حسن نائینی قمی؛ انوار المشعشین، ج 3، ص 308.

4- (4) حسینی قمی، گلستان هنر، ص 61؛ حسینی قمی، خلاصه البلدان، ص 142.

میرزا مهدی اعتمادالدوله (1072-1081 ه. ق) همراه میرزا مطلب نواده شیخ عبدالعلی از سر جهل و غرور جوانی به غار نیاسر کاشان رفته و میرزا ابوطالب، میر محمد صالح، حکیم سدید و میرزا جان را دیدار کرده است. (1)

صفی الدین چنانکه گفته شد، مردی فاضل بوده و همان نسخه وافی را بار دیگر در سال 1073 هجری قمری با نسخه ای سنجیده شده با نسخه اصل در مجلس نگارنده ملامحسن فیض مقابله کرده (2) به جز این دو، نسخه ای از مصحف شریف در آستان قم هست که دو ثلث آن را صفی الدین محمد هاشم بن صفی الدین محمد حسینی در سال 1089 به نسخ زیبای خود نوشته و یک ثلث دیگر آن را فرزند او محمد تکمیل کرده است. نسخه سومی هم دارد که با دو نسخه قبل تفاوت هایی داشته است. او دو فرزند داشت. یکی به نام محمد که اهل فضل بوده است و ثلث پایانی نسخه قرآن شریف را که پدرش نوشته بود کامل کرده و نسخه کتاب وافی را بار دیگر در سال 1091 هجری قمری با نسخه ای دیگر سنجیده و تصحیح کرده است.

فرزند دیگر صفی الدین عبدالوهاب نام داشته که نسخه تفسیر صافی در فیضیه و شرح کافیه رضی استرآبادی در مسجد اعظم قم به خط اوست. او نیز فرزندی به نام صفی الدین محمد داشته که از او چند یادداشت به خط خود بر جا مانده است. (3) یکی از این یادداشت ها درباره میرمنشی پدر قاضی احمد است و یکی دیگر درباره میر سیداحمد، نیای او که فرمانی درباره وی در تملیک محمد بن عبدالوهاب بوده است.

ص: 66

---

1- (1) حسینی قمی، خلاصه البلدان، ص 137.

2- (2) مهدی رضوانی پور، کتاب شناسی آثار مربوط به قم، ص 54.

3- (3) حسینی قمی، خلاصه البلدان، ص 63.

**میر سید احمد**

نیای پدر قاضی احمد، میر سید احمد در روزگار شاهان ترکمان و سپس در دوران فرمانروایی صفویان، قاضی القضاة دارالمؤمنین قم و توابع آن را بر عهده داشته و مبلغ های کلی سیورغال داشت. به موجب رقم اشرف که نزد نواده ششم او صفی الدین محمد بن عبدالوهاب بن صفی الدین محمد هاشم حسین ضبط بود.

«نقابت سادات و اقصی القضاة کل ممالک محروسه به مشارالیه مرجوع بوده به نحوی که متولیان کل موقوفات ممالک محروسه خود را به عزل و نصب اقصی القضاة مشارالیه معزول و منصوب دانند.»<sup>(1)</sup>

**قاضی شرف الدین عبدالمجید**

او پدر همسر میر سید احمد و نیای مادری میرشرف الدین حسین پدر قاضی احمد است. در بیاض صفی الدین زیر نام میرشرف الدین حسین می نویسد:

«والده ایشان صبیة عالی حضرت مرحمت و مغفرت پناه قاضی شرف الدین عبدالمجید بود.»<sup>(2)</sup>

**آقا کمال الدین حسینی مسیبی**

نیای مادری قاضی احمد است که در خلاصه التواریخ در شرح ماجرای قشلاق، سال 909 هجری قمری شاه اسماعیل در قم می نویسد:

ص: 67

1- (1) حسینی قمی، خلاصه البلدان، ص 134.

2- (2) حسینی قمی، گلستان هنر، ص 34.

«جد مادری مؤلف غفران پناه آقا کمال الدین حسین مسیب بن علی خزاعی است و آبا و اجداد عظام او از عراق عرب نقل به قم نموده بود و بعضی از آنها در زمان پادشاه میرزا شاهرخ متصدی مهمات دیوانی و معماری قم بودند و آقای مذکور در زمان سلاطین ترکمان کلانتر و معمار آن بوده و به کثرت ملک، جمعیت، اسباب و ثروت در آن مملکت امتیاز تمام داشت و قبل از ظهور شاه سکندر ایشان از مهمات دنیا استغفار کرده، در خارج از درب کنکان مدینه قم زاویه ای ساخته موسوم به حسینی، مشتمل بر عمارات عالی و باغی همچون ارم ثانی و خود خرقة و جبه پوشیده در آن زاویه معتکف بودند و به خدمت علما، صلحا، فضلا، فقرا، صادرین و واردین اقدام می نمودند.»<sup>(1)</sup>

### آقا فتوح الدین فتح الله

فرزند آقا کمال الدین حسین مسیبی و دایی قاضی احمد است که بنای حرم سرای شاهی قم در سال 909 هجری قمری به سرپرستی او انجام شده و در همان سال نیز از جانب شاه اسماعیل امور سپاهی و مالی قم به عهده او گذاشته شده بود.<sup>(2)</sup>

### شرف الدین حسین میرمنشی

پدر قاضی احمد و از منشیان دستگاه دولت شاه طهماسب بود و از طرف او ملقب به میرمنشی شد. هنگامی که سام میرزای صفوی از طرف برادرش طهماسب به حکومت هرات منصوب شد، شرف الدین به سمت منشی او تعیین گردید و بعد از آن در زمان وزارت احمدبیک نور کمال، شغل انشای ممالک

ص: 68

---

1- (1) حسینی قمی، گلستان هنر، ص 36.

2- (2) پیشین، ص 36؛ حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 54.

دیوان اعلیٰ به او تفویض شد و به مدت سه سال به آن کار اشتغال داشت و پانزده سال نیز وزیر و منشی قاضی جهان قزوینی از وزرای مشهور شاه طهماسب بود.

سپس ممیز کل اعراب و اخراج ممالک محروسه شد و در دوران حکومت اسماعیل میرزا و شاه قلی سلطان استاجلو در چخور سعد، به وزارت سر کار خاصه شریفه رسید. (1)

در سال 964 که شاه طهماسب برادرزاده خود ابراهیم میرزا را به حکومت مشهد فرستاد، امور وزارت و ریش سفیدی دستگاه حکومت او را با جمیع مهمات امور ملکی و مالی به عهده میرمنشی گذاشت. (2)

میرمنشی تا سال 969 با صحت و امانت در وزارت ابراهیم میرزا باقی ماند و در این سال به اغوای معصوم بیک صفوی از بزرگان دودمان صفویه و یکی از کارگزاران حکومت از وزارت معزول و بار دیگر به قزوین منتقل شد. (3) او در سال 974 هجری قمری پس از مرگ سلیمان قانونی، سلطان عثمانی و جانشینی سلطان سلیم، شاه طهماسب تصمیم گرفت نامه مفصلی برای تهنیت به سلطان سلیم بنویسد و گروهی از فضلا و شعرا را مأمور تهیه نامه کرد (4) که این امر به رهبری میرمنشی انجام گرفت.

میرمنشی در 72 سالگی در شب جمعه هفت ذی القعدة سال 990 هجری قمری در جوار حضرت عبدالعظیم وفات یافت و همان جا به خاک سپرده شد. (5)

ص: 69

- 
- 1- (1) حسینی قمی، گلستان هنر، صص 34-35.
  - 2- (2) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 281.
  - 3- (3) پیشین، ص 324.
  - 4- (4) پیشین، ص 341.
  - 5- (5) پیشین، ص 546.

او فرزند میر سید احمد و عموی قاضی احمد است که در خط تعلیق و نستعلیق و در هنر تیراندازی و سپاهی گری و تفنگ اندازی استاد بود. شعر نیز می سرود و در مشهد در خدمت ابراهیم میرزا صفوی می زیست که پس از کشته شدن او به سال 984 هجری قمری به قم آمد و در آنجا به زراعت، عمارت، طاعت و عبادت اشتغال ورزید و در همان جا به سال 1004 در 72 سالگی درگذشت. (1)

### میرزا محمود

او فرزند میرمنشی و برادر قاضی احمد است که در خلاصه التواریخ ذیل وقایع 994 هجری قمری، از او چنین یاد می شود:

«نقابت و فضایل پناه میرزا محمود که به انواع فضایل و کمالات آراسته و به رشد و کاردانی و سپاهی گری از اقران سبقت ربوده...». (2)

### میرسراج الدین علی قمی

برادرزاده قاضی احمد است که در بیاض صفی الدین، ذیل سخن از کاریزهای قم می نویسد:

«دیگر قنات مشهور به قنات فردوسی است که گویند آن را عالی حضرت سیادت و مرحمت پناه میر سراج الدین علی موسوی قمی که جد مادری حضرت

ص: 70

---

1- (1) . حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 321.

2- (2) پیشین.



مرحومی میرسراج ولد میرصفی حسنی طباطبایی اردستانی و عم زاده والد این فقیر بوده احداث بر باغی که مشهور است به باغ فردوس [نموده] (1).

از این نوشته، چگونگی پیوند و خویشاوندی خاندان قاضی احمد با خاندان طباطبایی نیز آشکار می شود. او از بزرگان این شهر است که مدتی به نیابت امیر معصوم صفوی وزارت شاه طهماسب را نمود. (2) و مزرعه قمرود را که از بایرات قدیم قم بود، آباد و قناتی در سر رودخانه قم احداث کرد و باغ هایی بزرگ به وسعت چهارده هزار من را در اندک زمانی چنان توسعه داد که نزدیک به هزار و پانصد تومان محصول داد. همچنین قلعه خرابه قم را هموار و به باغ تبدیل کرد. (3)

میرسراج الدین علی، روز یک شنبه 27 ربیع الاول سال 985 هجری قمری به دست اجلاف و اوپاش، به تحریک بعضی از ملازمانش در مشهد محمودآباد، بیرون دروازه کنکان قم کشته شد. (4)

### میرسیدعلی رضوی قمی

وی پدر همسر قاضی احمد است. او همان میر سیدعلی رضوی قمی از سادات آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، قاضی قزوین تا سال 971 هجری قمری، تولیت آستان قدس رضوی، وزیر خراسان از این سال تا سال 944، وزیر قزوین و متصدی خالصه جات سلطانی در سال 975 تا پایان زندگی

ص: 71

- 
- 1- (1) حسینی قمی، خلاصه التواریخ ص 321؛ حسینی قمی، خلاصه البلدان، پیشین، ص 194.
  - 2- (2) ترکمان، عالم آرای عباسی، ج 1، ص 261.
  - 3- (3) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 321.
  - 4- (4) پیشین، ص 256.

است که درگذشته سال 982 و مدفون در قم می باشد. از او در فرمان مورخ 948 هجری قمری شاه طهماسب که مربوط به تولیت موقوفات آستان قم و تولیت و امامت مسجد امام حسن عسکری علیه السلام است یاد شده است. (1)

پس از خاندان ها، به معرفی عده ای دیگر از شخصیت های سیاسی که به نوعی در هیأت حاکمه و امور سیاسی به حکمرانی و وزارت و دیگر مناصب به دستور شاهان صفوی اشتغال داشتند می پردازیم.

### شخصیت های سیاسی قم

#### - آقا فتح الله خان کمترین

او در سال 915 هجری قمری به دستور شاه اسماعیل صفوی به حکمرانی قم گماشته شد. (2)

#### - آقا کمال الدین حسین

وی جد مادری قاضی احمد حسینی، نویسنده کتاب خلاصه التواریخ است. در سال 918 هجری قمری پادشاه صفوی، منصب وزارت دیوان اعلی را به وی (3) تکلیف کرد؛ ولی او از قبول آن عذر خواست و پیری و عدم تحمل سفرها را بهانه قرار داد و از آن پس به سمت وزارت و در عین حال، حکومت قم منصوب شد. (4)

ص: 72

---

1- (1) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 321.

2- (2) پیشین، ص 99.

3- (3) پیشین، ص 79.

4- (4) پیشین، ص 58؛ حسین مدرسی طباطبایی، قم در قرن نهم هجری، ص 119.

## - ابراهیم بیک

وی پسر حیدر بیک ترخان بود و در زمان پدر، منصب جباچی داشت. در سال 988 هجری قمری هنگامی که خبر مرگ حیدر بیک از قم به تبریز رسید، سلطان محمد خدابنده، ابراهیم را به جانشینی او گماشت.

«بیشتر از الکای قم و توابع، با محالات فراوان به ولد بزرگ او ابراهیم بیک شفقت فرمودند.»<sup>(1)</sup>

او نیز چون پدر، لقب سلطانی گرفت و پسرش ادهم بیک هم به منصب ترخانی رسید.<sup>(2)</sup>

## - القاص میرزا

وی فرزند شاه اسماعیل صفوی و برادر شاه طهماسب بود که در سال 956 هجری قمری با تحریک و یاری سلطان سلیمان عثمانی (معروف به قانونی) به همدان حمله برد. این در حالی بود که خود وی از سرداران سپاه صفوی بود و در نبرد تبریز با سلطان سلیمان جنگیده بود. شاه طهماسب صفوی در آن هنگام تازه از زنجان بازگشته بود. القاص در همدان، خانه کوچ بهرام میرزا را غارت کرد و به قم آمد و آنجا را به تسخیر خود در آورد. نیروهای تحت امر او پنج هزار نفر بوده اند و ظاهراً بسیار جسور و بی رحم. در مدت استیلای در قم، گروهی را برای غارت به ری فرستاد و سپس برای فتح کاشان به آن سو رفت.<sup>(3)</sup>

ص: 73

---

1- (1) پیشین.

2- (2) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 2، ص 710.

3- (3) حسن بیک روملو، احسن التواریخ؛ ترکمان، عالم آرای عباسی، ج 1، ص 121؛ شیرازی، تکمله الاخبار، ص 101؛ محسن مستوفی، زبده التواریخ، ص 71.

وی سرانجام دستگیر شد و به دستور شاه در قلعه قهقه زندانی شد. (1)

### - حسین خان بیک شاملو

او از سرداران قزلباش بود. از اواخر سال 997 هجری قمری، دست کم تا

سال 1006 در قم حکومت کرد (2) و پیش از آن حاکم نطنز بوده است. (3) از این که او را قورچی شمشیر یاد کرده اند به دست می آید که نیروهایش شمشیرزن بودند یا خودش سرپرستی تقسیم شمشیر در جنگ ها را به عهده داشته است. از مأموریت هایی که به وی داده اند، معلوم می شود که جایگاه قابل توجهی در دستگاه شاه عباس صفوی داشته است. او را از مقربان و قدیمیان و یک جهتان درگاه شاه عباس دانسته اند. (4) در سال 999 هجری قمری، از بوداق خان و فرزندان او در خراسان حرکت نابه هنجاری سرزد. بعضی از مقربان درگاه شاه، او را به سزای خود رسانیدند و ملازمان حسین خان شاملو، حاکم قم به دستور وی بر سر اردوی بوداق خان که در جاکلای ری بود، ریختند. او را گرفتند و به قم آوردند و تمامی اموال و اسباب او را به غارت و تاراج بردند. (5)

### - حسینقلی بیک

این شخص در سال 1052 هجری قمری، به دستور شاه عباس دوم به داروغگی قم انتخاب شد. شاه عباس دوم پس از به سلطنت رسیدن در سال

ص: 74

---

1- (1) روملو، احسن التواریخ، ص 439.

2- (2) ترکمان، عالم آرای عباسی، صص 690 و 850.

3- (3) پیشین، ص 687.

4- (4) پیشین، ص 889.

5- (5) پیشین، ص 676.

1052 هجری قمری در کاشان و برپایی جشن تاج گذاری به همراه اطرافیانش به قزوین مراجعت کردند و از آنجا راهی قم شدند. شاه پس از زیارت مزار حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و اطعام فقرا و مساکین، داروغگی آنجا را به حسین قلی بیگ قورچی شمشیر تفویض کرد. شاه دستور داد که چون این ارض مطهر مضجع آن خاقان عدالت پرور است و رعایای این خطه حال صید حرم دارند، ایادی ایام جور و اعتساف را از ضعفها و ملهوفین کوتاه و کشیده داشته، در امور بازرسی و خداترسی دقیقه ای فوت و فرو گذاشت نماید. حسینقلی خان احتمالاً جایگاه ویژه ای نزد شاه عباس دوم داشته است؛ (1) چرا که در ماجرای سرنگونی مرتضی قلی خان قاجار نیز شاه او را مأمور کرده بود که: «سر بی سعادت کج اندیش را از تن جدا ساخته به نظر انور رساند.» (2)

اشخاصی که شرح حال آنها بیان شد، هر یک به نوعی در سیاست قم نقشی ایفا کرده اند، وظایف سیاسی خاصی را به عهده داشته اند و امور سیاسی قم به دست آنان اداره می شده است. حال چه در سمت امیر و حاکم و چه در سمت کلاتر و وزیر و دیگر مناصب.

### - حسین صلابی اصفهانی

منابع از این شخص در ذکر حوادث سال 1015 هجری قمری یاد می کنند که شاه عباس امور محال عراق را به او واگذار کرد، به طوری که نقل شده:

«و بعضی محال عراق که معظم آن دارالسلطنه اصفهان، یزد، قم و کاشان بود، افزاز نموده، به میرجلال الدین حسین صلابی اصفهانی که سیدفاضل

ص: 75

---

1- (1) قزوینی، عباسنامه، پیشین، ص 21.

2- (2) پیشین، ص 331.

صاحب سخن از سادات شهرستان اصفهان بود و آبا و اجداد عظامش همیشه در این دودمان قدس نشان به مناصب عالیه اختصاص داشته اند، تفویض یافت» (1).

### - حیدریک چاپوق

وی از نژاد ترکان بود و به حیدریک ترخان شهرت داشت؛ چرا که به رتبه ترخانی (2) ممتاز و حاکم دارالمؤمنین قم و از جمله اعظم و امرای درگاه پادشاه سرفراز بود (3) که نخست حاکم ساوه بود. (4)

زمان آغاز حکم رانی او در قم شوال سال 977 هجری قمری بوده است و در سال 984 در زمان جلوس شاه اسماعیل دوم بر تخت سلطنت، هنوز حاکم قم بود که از سوی وی لقب سلطان گرفت و سلطان حیدر خوانده شد. (5) این گویای آن است که حکم رانی او از زمان شاه طهماسب صفوی آغاز شده بود. در همان سال 984 پسرش ابراهیم بیک به منصب جباچی (6) و ادھم بیک پسر ابراهیم به منصب قیچاچی (7) گماشته شدند. (8) پسر او که مدتی داروغه اصفهان

ص: 76

- 
- 1- (1) ترکمان، عالم آرای عباسی، ص 1175.
  - 2- (2) شاهزاده یا بزرگی که از برخی مزایا مانند معافیت از مالیات برخوردار بود و اجازه داشت هرگاه خواست به نزد سلطان برود، برخی از روحانیون نیز به این مقام می رسیدند.
  - 3- (3) قزوینی، خلد برین، ص 410.
  - 4- (4) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 563.
  - 5- (5) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 2، ص 627.
  - 6- (6) خراج گیرنده.
  - 7- (7) به معنی خیاط است؛ ولی در اینجا منظور خیاطی ویژه شاه برای دوختن لباس های فاخر است.
  - 8- (8) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 2، ص 623.

بوده، (1) شاید همین ابراهیم باشد. به هر حال، حکومت او بر قم تا زمان سلطان محمد خدابنده ادامه داشت. (2) او در بیستم صفر 988 هجری قمری در نود سالگی درگذشت و در کنار مرقد حضرت معصومه به خاک سپرده شد. (3)

### - دورمیشی خان شاملو

وی هنگام سلطنت شاه اسماعیل اول مدتی حاکم قم بوده و دست کم بین سال های 924-927 هجری قمری در این سمت بوده است. (4)

### - سلیمان خلیفه ترکمان

در سال 996 هجری قمری، حکومت قم و فراهان را به سلیمان خلیفه ترکمان دادند (5) که داماد مرشد قلی خان بود. در شرح وقایع زمان تاج گذاری شاه عباس اول در سال 996 آمده است: «بعد از چند روز از دولت خانه بیرون رفته، در منزل مرحومه خانم صبیئه شاه جنت مکان که در جنب دولت خانه بود، نشیمن ساخت و... علیقلی سلطان ذوالقدر به سمت مهرداری مفوض شد... و الکای قم به سلیمان خلیفه ترکمان تعلق گرفت.» (6)

ص: 77

---

1- (1) عالم آرای عباسی، ص 565.

2- (2) پیشین، صص 224، 350 و 407.

3- (3) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 2، ص 710.

4- (4) قزوینی، خلد برین، ص 277؛ حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ص 140.

5- (5) پیشین، ج 2، ص 781.

6- (6) ترکمان، عالم آرای عباسی، ج 1، ص 592.

در سال 997 که سلیمان خلیفه، جهت ترتیب دادن لشکر به منطقه تحت حکومت خود (قم) رفته بوده، تمامی ایل ترکمان آنجا که سابقاً در خدمت خاقان و سلاطین ترکمان بودند، در قم جمع و ملازم وی شدند. او نیز ایشان را ملازم خود کرد و به آنها مواجب داد. وی به علت بسیاری همراهان و یارانش، ستم های بسیاری در قم نمود، دست اندازی های بسیار کرد و به هر که گمان چیزی داشت از او گرفت. او مدت هفت ماه در قم با این لشکر و حشم به سر برد. چون دولت مرشد قلی خان سپری شد، دغدغه تمام در رفتن داشت. مدت سه ماه در بیرون شهر نشست و میل رفتن نداشت. مکرراً قورچیان (سربازان مسلح) در پی او آمدند تا سرانجام به دغدغه افتاد که مبادا از رفتن ترکمانان در مقام قصد او شوند. پس به ناچار از قم بیرون رفت و در اواخر ذی القعدة به ری رسید و از آنجا آهسته می رفت تا دهه نخست محرم به اردوی شاهی رسید. (1)

## - شاه قلی خلیفه

(2)

وی فرزند مصطفی سلطان بود و از آنجا که در دستگاه شاه طهماسب سمت مهرباری داشت، به شاه قلی مهربار معروف بود و لقب سلطان نیز داشت. او از طایفه قورغلو بود و از اوایل سلطنت شاه طهماسب تا سال 965 هجری قمری که درگذشت، حاکم بود. (3)

ص: 78

---

1- (1) پیشین، ص 886.

2- (2) عنوان خلیفه که برای بسیاری از امرا و سرداران صفوی به کار می رفته، عنوانی است مربوط به صفویان سرسپرده خاندان صفی ریس صفویان هر طایفه را خلیفه و ریس تمام صوفیان را خلیفه الخلفا و شخص شاه را مرشد می دانستند.

3- (3) پیشین، ص 394.



پس از وی پسرش علیقلی خلیفه ذوالقدر، عهده دار این مقام شد.<sup>(1)</sup>

### - علیقلی سلطان ذوالقدر

وی در سال 994 هجری قمری، از سوی سلطان محمد خدابنده حاکم قم شد.<sup>(2)</sup> او از طایفه قورغلو بود و خاندان او از جیره خواران دستگاه صفوی بودند. نیای او شاه قلی خلیفه مهرداد شاه طهماسب بود. شاه قلی مهرداد و علیقلی خلیفه (عموی علیقلی سلطان ذوالقدر) بیش از سی سال حاکم قم بوده اند.<sup>(3)</sup>

پس از طغیان عراق در سال 995 مدینه المؤمنین قم به او تعلق گرفت. هنگامی که ولی جان خان حاکم کاشان گردنکشی کرد، او از کسانی بود که پیشاپیش، عازم اصفهان شدند تا دیگر امرا و ارکان دولت شاه اسماعیل نیز از پی او بروند و کاشان را از سلطه ولی جان خان درآورند. وی در آن زمان حاکم قم بوده<sup>(4)</sup> و در سال 996 سمت مهرداری به او واگذار شد.<sup>(5)</sup>

### - علیقلی خلیفه ذوالقدر

همانطور که گذشت او فرزند شاه قلی سلطان مهرداد بود و همچون پدر به سمت مهرداری رسید. شاه طهماسب سوگند خورده بود که پس از شاه قلی، مهرداری را از فرزندان او نگیرد؛ از این رو پس از او پسر بزرگش را به این

ص:79

- 
- 1- (1) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، ص 142.
  - 2- (2) ترکمان، عالم آرای عباسی، ص 828.
  - 3- (3) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، ص 142.
  - 4- (4) ترکمان، عالم آرای عباسی، ج 1، صص 531 و 560 و 571 و ج 2، ص 851.
  - 5- (5) پیشین، ج 1، صص 531 و 593.

سمت گماشت و او را حاکم قم کرد؛ اما وی در تابستان 969 هجری قمری از حکومت قم برکنار شد.<sup>(1)</sup> او و پدرش بیش از سی سال حاکم قم بوده اند.<sup>(2)</sup>

### - ولی خلیفه شاملو

وی از سرداران سپاه صفوی بود. در فتح قندهار نقش بسیار مهمی داشت.<sup>(3)</sup> در سال 969 هجری قمری به جای علیقلی خلیفه، حاکم قم شد. وی در سال 972 از سوی شاه طهماسب صفوی مأمور شد که همراه گروه دیگری از سرداران دربار صفوی به هرات برود تا قزاق خان تکلورا که طغیان کرده بود سرکوب کند.<sup>(4)</sup> او در سال 975 برای سرکوب خان احمد، والی گیلان شد.<sup>(5)</sup> در این سال ها وی حاکم قم بوده است؛ اما در شوال سال 977 شاه طهماسب بر آن شد تا برای کاستن از ستمکاری و تعدی امرای خود، جابه جایی هایی در مناصب انجام دهد؛ از این رو، خلیفه شاملو را که حاکم قم و اردستان بود عزل کرد و بر مغانات حاکم نمود.<sup>(6)</sup>

ص:80

- 
- 1- (1) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 142.
  - 2- (2) پیشین، ص 394؛ مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، ص 396.
  - 3- (3) روملو، احسن التواریخ، ص 58؛ ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، ص 561.
  - 4- (4) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 448.
  - 5- (5) ترکمان، عالم آرای عباسی، ج 2، ص 561.
  - 6- (6) پیشین، ص 561؛ حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 563.

توجه پادشاهان صفوی به شهر قم

اشاره

ص: 81



قم در دوره صفوی یکی از کانون های مهم ساختار دینی ایران محسوب می شد و به صورت یک پایگاه مهم مذهبی درآمد. هر یک از پادشاهان این سلسله به نوعی توجه خود را به قم نشان می دادند. مثلاً شاه بیگی بیگم همسر شاه اسماعیل اول قبه قبلی حرم را برداشت و آن را تجدید بنا نمود و ایوان شمالی را بنیاد نهاد و املاک بسیاری را نیز وقف کرد. شاه طهماسب، دومین پادشاه صفوی نیز به قم و مزار حضرت معصومه علیها السلام توجه بسیار کرد. او علاوه بر موقوفاتی که بدان آستان مقدس اختصاص داد، در گسترش عمارات آن نیز کوشش زیادی نمود. (1) دیگر شاهان نیز هر کدام با خدماتی نظیر وقف، تعمیرات و ترویج عمارات آستانه آن حضرت توجه خود را نشان می دادند. مدفون بودن پادشاهانی چون شاه صفی، شاه عباس دوم، شاه سلیمان، و شاه سلطان حسین، یکی دیگر از دلایل علاقه صفویان به قم است که خود باعث افزایش اعتبار این شهر می باشد. قم به لحاظ پیشینه مذهبی که داشت، در این دوره به یکی از مهم ترین شهرهای روزگار صفویان تبدیل شد. (2)

قم در این دوره علاوه بر مرکزیت مذهبی به مکانی جهت تفریحات درباری هم تبدیل شده بود. شاه اسماعیل و شاه طهماسب، قم را قرارگاه

ص: 83

---

1- (1) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، صص 22-23.

2- (2) مسعود رنجبر، مجموعه مقالات کنگره حضرت معصومه علیها السلام، ج 2، صص 100 و 101.

زمستانی خود قرار دادند. صفویان قم را به شکلی بسیار باشکوه تر از آنچه بود در آوردند.

به طور کلی مهم ترین رخدادهای و دگرگونی های قم در دوره صفویان را می توان به شرح ذیل بیان کرد:

1. رونق حوزه های علمی شیعی در قم؛ گرچه از زمان اشعریان مرکز نشر علوم و معارف دینی بود؛ در دوران صفویه با اعلام تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور، این شهر از جایگاه ممتازی برخوردار شد و حوزه های درسی با حضور دانشمندان بزرگی، همچون: صدرالمتألهین شیرازی، ملاعبدالرزاق لاهیجی، ملامحمدطاهر قمی، سیدصدرالدین رضوی قمی، قاضی سعید قمی و ملامحسن فیض کاشانی رونقی بسیار گرفت. شمار روزافزون طلاب در دوران صفویه به طوری بود که حتی جهان گردان خارجی را به شگفتی وامی داشت. صفویان مدارس بسیاری در قم ساختند که نمونه آن مدرسه فیضیه قم است.

2. نوسازی و بازسازی آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام؛

3. ساخت بناهای دینی با معماری نمونه و ممتاز (بیشتر بناها و آثار تاریخی قم در این دوران ساخته شده اند).

4. رشد و تقویت بنیان اقتصادی شهر؛ صنایع جدید توپ سازی، صابون پزی و شیشه سازی قم، در این دوران راه اندازی و گسترش یافت.

5. تغییر مسیر رودخانه از مسیر غربی به مسیر شمالی - جنوبی که دگرگونی شکل بنیادین شهر را به دنبال داشت. (1)

ص: 84

---

1- (1) محمد یوسف کیانی، پژوهشی در شهرهای ایران، صص 95-97.

پس از ذکر اقدامات شاهان صفوی در ارتباط با شهر قم و بحث رجال سیاسی که در امور سیاسی نقش داشته اند، موارد مهم دیگر فرمان های شاهان صفوی است که برای برخی از اشخاص صادر می شده و به لحاظ اینکه صرفاً توسط پادشاه هر دوره صادر می شده، یک امر سیاسی است که در حکم اسناد معتبر هر دوره است؛ بدین جهت، برای شرح فرامین شاهان از واژه اسناد استفاده شده است که به شرح زیر است:

این فرمان ها شامل چهار سند ارزشمند است که از لحاظ تاریخی و شناخت جنبه های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و حاکمیت مهم است و در تأیید نقابت سادات و تولیت آستان حضرت معصومه علیها السلام که به عهده سید مرشدالدین رشید الاسلام بوده، هست. سه سند مربوط به احکام شاهان مبنی بر مناصب وی و یک سند متن وقف نامه ای است که متولی آن را به فرد مذکور واگذار کرده است. این وقف نامه توسط شاه بیگی بیگم همسر شاه اسماعیل اول صادر شده و بخش زیادی از املاک خود را وقف آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام کرده است (1) که شرح آن در جای خود خواهد آمد. شاه بیگی بیگم، زنی نیکوکار بوده و در سال 925 هجری قمری بنای گنبد و بارگاه حضرت معصومه علیها السلام را تجدید کرد و ایوان و صحن حرم آن حضرت نیز از بناهایی هستند که او دستور ساخت آنها را داد. (2)

سه سند دیگر مربوط به فرمان های شاهان است که شامل: فرمان شاه اسماعیل اول در سال 918 هجری قمری و فرمان دیگر او در بیستم ربیع الاول

ص: 85

---

1- (1) کمبریج، تاریخ ایران دوره صفویه، ص 411.

2- (2) پیشین.

920 مبنی بر بخشیدن مال خراج موقوفات آستان و فرمان شاه طهماسب اول در سال 913 که در همه آن نقابت سادات قم و تولیت آستان حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را به سیدمرشدالدین واگذار کرده اند.

## سند اول

فرمان مورخ جمادی الثانی سال 918 هجری قمری از شاه اسماعیل اول، در بخشیدن برخی از مال و خراج موقوفات آستانه مقدس و تنفیذ سنن و رسوم دیرین در مورد حقایق موقوفات این مزار و مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و املاک سیدرشیدالاسلام متولی است که شاه اسماعیل از او حمایت و در موقعیتش تقویت کرده است که متن آن چنین است:

«حکام، داروغگان و کلانتران مدینه [المؤمنین] قم بدانند که در این وقت مقرر فرمودیم که به علت ابتیاعی و طرح، مزاحم و معترض موقوفات سرکار [آستانه] مقدسه منوره معطره سنی فاطمه علیها التحیه و السلام و متولی آنجا، سیادت مآبی سیدرشیدالاسلام نشوند و پیرامون نگردند و در خانه های سید مشارالیه نزول ننمایند. امراء... و عسکر نصرت واجب و لازم شناسند و همچنین مقرر فرمودیم که حقایق باغ نقیب و باغ زکریا را و جمیع مواضع وقفی مزار و مسجد امام الهمام المعصوم الامام ابی محمد بن حسن العسکری علیه السلام و ملکی سید مشارالیه به دستور قدیم مقرر و خوب بوده به همان دستور رسانند و چیزی قاصد و منکسر نگردانند و خلاف شرع تشریف مطلقاً جایز ندارند. به عهده حاکم و داروغه آنجا که برین موجب مقرر دانند و امداد مقام به تقدیم رسانند و خلاف کننده را منع و اعزاز و احترام تمام به جای آورند و هر ساله به نشان و پرو آنچه مجدد محتاج ندانند. همچنین مقرر شد که هر کس املاک موقوفه مزار متبرک مذکور را به غصب و غیرحق متصرف شده باشند و نزد قضات الاسلام آنجا به ثبوت رسد، بلا تعلل به متولی مزار مذکور تسلیم نماید و اصلاً اهمال ننماید و از مخالفت محترز و مجتنب باشد. [هر کس] در این باب تقصیر بنماید، مقررست که حکام در موقوفات مزار و مسجد مذکورین اصلاً مدخل نسازند و از فرموده تخلف نورزند، در عهده دانند.»<sup>(1)</sup>

## سند دوم

فرمان مورخ 20 ربیع الاول 920 هجری قمری شاه اسماعیل در بخشودن مال و خراج موقوفات آستان و مسجد امام حسن عسکری علیه السلام که تیول بوده است و واگذاردن تولیت آنها به رشیدالاسلام چنین است:

«... [موقوفات] قدیم و جدید مزار پرانوار برکت آثار در... و مسجد امام بالحق... [و متولی]... [رشید الاسلام] [شرف] نفاذ یافته که مالا و خارجا معاف و مسلم و ترخان و مرفوع القلم باشد و مواضع مجده که بر آن مزار کثیرالانوار وقف نموده مال و جهات و وجوهات آن را دانسته و در بسته به موجب... از تیول باطل گردانیده بر آنجا ارزانی داشته ایم و تولیت آن به سیادت مآب مشارالیه مفوض و مرجوع شد که آنچه املاک... شده به جای آورده حسب مطاع سابق

ص: 86



به مصرف رسانند به همان دستور مقرر معین دانسته. تغییر و تبدیل به قواعد مستمره آن راه ندهند و به علت مال و جهات و اخراجات و تفاوت تسعیر و خارجیات حکمی و غیر حکمی به هر اسم و رسم که باشد مزاحمت نرسانند و پیرامون نگردند و به علت علفه و علوفه وقت لغا و بیگار تعرض نکنند و به قلیل و کثیر توقع ننمایند و به مرز و مساحت درنیاورند و شماره و تعداد نکنند و قلم و قدم از آن محال کوتاه کشیده داشته، رعایت و مراقبت به همه ابواب به

جای آورند و رعایا [ی] محال مسلمی چون جهات خود به محلی دیگر برده باشند حقوق دیوانی خود با اهتمام به متولی مذکور جواب گویند و کسی پیرامون رعایا [ی] آنجا نگردد و مدخل نسازد و گذارند که متولی مشارالیه و جهات و حقوق دیوانی بازیافت نماید و از احکام مجملی که به اسم ارباب سیورغات و مسلمیات و موقوفات صادر شود محال مسطوره را مستثنی دانسته، اصلاً بر متولی آنجا حوالی نکنند و در توجیهاات و تحصیصات (1) سهیم و شریک نسازند. قضات اسلام و محصصان موقوفات برین موجب مقرر دانسته، از مضمون صدور تجاوز نکنند و به جهت غله طرحی و کاه و هیمه بر مزارعان و کارکنان آنجا حوالتی ننمایند، به عهده حاکم و داروغه قم که درین ابواب امداد به تقدیم رسانیده مجال مخالفت احدی ندهند و از فرموده تخلف نوزند و از تمرد که موجب خطاب پادشاهی خواهد بود، محترز و مجتنب باشند. درین باب قدغن دانسته، هر ساله نشان مجدد نطلبند و به توقیع رفیع اشرف اعلی اعتماد نمایند. (2)

سند سوم

اشاره

فرمان مورخ 18 شوال 931 هجری قمری شاه طهماسب اول در واگذارن همه مناصب سیدمرشدالدین رشیدالاسلام رضوی که به موجب احکام و ارقام شاه اسماعیل در وی ممضی بوده است؛ به خصوص تولیت اوقاف قدیمه و جدیدة سلطانی و بیگمی آستان مقدس و مسجد امام بدو و بخشودن مال و

ص: 88

---

1- (1) احواله و اطلاق امین وظایف و اوقاف است که از طرف دیوان صدارت مأمور به ولایات می شده است.

2- (2) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، صص 218-219.

خراج دیوانی همه آنها با اشاره به وقف نامه بیگمی و احکام شاه اسماعیل و امثله دیوان الصداره به عمال و متصدیان امور دیوانی قم و سلطانیه. در این سند از موقوفات سیدسلطان احمدی و از سیادت مآبی سیدفخرالدین که مدعی تولیت آستان و برادر رشیدالاسلام بوده است یاد می شود که متن آن چنین است:

«احکام کرام سادات عظام و قضات اسلام و عمال و متصدیان امور و اشغال دیوانی و کلاتران و کدخدایان مدینه المؤمنین قم و خطه سلطانیه بالتواضع و اللواحق بدانند که در این وقت عنایت و شفقت بی نهایت [پاد] شاهی درباره سیادت مآب نقابت قبایی عمده السادات و الاشراف سید مرشدالدین رشیدالاسلام الرضوی فرموده، جمیع مناصب متعلقه به سیادت مآب مشارالیه به موجب احکام مالی حضرت خاقان جم جاده فردوس مکان و سلطان سلاطین سپاه علین آشیان، هادی الخلیق الی اشرف الادیان (شاه بابام انارا... مضجعه) خصوصاً تولیت اوقاف قدیمه و جدیده سلطانی و بیگمی به مزار کثیرالانوار حضرت معصومه مقدسه سیده النساء فی العالمین (ستی فاطمه علیها و علی آبائها التحیه و السلام) و مسجد حضرت امام معصوم (ابی محمد حسن العسکری علیه الصلاه و السلام) بلا مشارکت و مداخلت غیری بدو تفویض فرمودیم و ارزانی داشتیم و سیورغالات و مسلمیات و معافیات و مقرریات خودی (؟) و مفروزی قدیمی و جدید مزار مذکور و مسجد به نهج مسطور که در احکام عالی حضرت خاقان فردوس مکان مشارالیه مرقوم است مقرر داشتیم و ضبط و نسق و محصولات مالی و منالی آن محال را حسب الضمن منوط بر رأی متولی و مومی الیه گردانیدیم. باید که نقابت مآب مشارالیه را متولی و متصدی مزبور دانسته، دست تصدی او را در این امور قوی و مطلق دانند و حاصل و منافع موقوفات و مسلمیات و محصولات مزار شریف و مسجد منیف مذکور را به تصرف او گذارند تا به موجب شرع شریف و شرط واقف و حکم عالی حضرت

خاقان مشارالیه به مصارف معینه نمایند و عشر حق التولیه خود را تصرف کند. مستأجران موقوفات مذکروه و رعایای مواضع سیورغال و مسلمی مزار مسجد مذکورین او را متولی خود دانسته، وجوه اجاره و حقوق دیوانی خود را حسب الاستمرار تحویل وکلا و گماشتگان متولی مذکور نمایند و بی مهر و برات او یک دینار و یک من بار به کسی به خلاف شرع ندهند و هر قضیه و قضایای متعلقه به تولیت که در آن سرکار واقع شود بدو رفع نمایند که به فیصل رسانند و داروغگان در آن مدخل نساژند. مقرر است که هیچ آفریده در جهات آستانه مذکوره و مسجد مزبور به خلاف شرع شریف و شرط واقف و قیود احکام عالی حضرت خاقان جنت مکان و شروط مسطوره در وقفیه حضرت بلقیس مکانی تصرفی نکنند و هر سنتی که به خلاف این معنی حاصل نموده باشند، سند نساژند. عمال و متصدیان امور دیوانی قم و سلطانیه به علت مال و اخراجات حکمی و غیر حکمی از ساوری و سلامی پیشکش و کذلک و شیلان بها و صردو و مواشی و مراعی و ممیزانه و مباشرانه و عیدی و نوروزی و رسم الوزاره و رسم الصداره و رسم المهر همایون و خدمتانه و دست انداز و طرح و بیگار و علفه و علفه و قتلغا و ده نیم و داروغگی و آنچه اطلاق مال و خراج بر آن توان کرد به هر اسم و رسم که باشد مزاحمتی نرسانند و به قلیل و کثیر طمع و توقع نمایند و احکام مجملی که به اسم ارباب سیورغات و مسلمیات و موقوفات صادر شود محال مذکور را سری و مستثنی دانسته، اصلاً بر متولی آنجا حوالتی نکنند و در توجیهاات و تحصیلات شریک و سهیم ندانند و نساژند. قضات اسلام و محصصان از مضمون مسطور فی الصدر تجاوز نمایند و سایر قیودی را که در احکام عالی حضرت خاقانی جنت آشیانی و امثله دیوان الصدیره مسطور و مذکور باشد ممضی و منفذ دانند. سیادت مآبی سیدفخرالدین به علت نظارت و اشراف در سرکار مزبور و موقوفات سیدسلطان احمدی مدخل ننماید و تعرض به حال مزارعان آنجا نرسانند. از جوانب برین، جمله روند و از فرموده

عدول نجویند و هر ساله در این ابواب پرو آنچه و نشان مجدد نطلبند. در این باب قدغن دانسته از مخالفت محترز باشد و چون به توقیع رفیع منیع اشرف اعلی موشح و مزین و محلی گردد، اعتماد کنند.»(1)

در این نوشتار سعی کردیم متن هر سه سند ارایه شود تا در متن اسناد، هم شکل و صورت کلی فرمان ها نشان داده شود و هم به تنوع مشاغل و مناصب آن دوران اشاره شود.

در آن دوران فرمان های بسیار دیگری از طرف شاهان صفوی برای فرزندان و نوادگان سید مرشدالدین رشیدالاسلام صادر شده است که در ذیل به آنها می پردازیم:

### سید شجاع الدین سلطان محمود

فرمان مورخ 18 جمادی الاول سال 948 هجری قمری شاه طهماسب در واگذاردن تولیت موقوفات آستان مقدس و تولیت و امامت مسجد امام به سید شجاع الدین سلطان محمود، فرزند سید مرشدالدین رشیدالاسلام که در این تاریخ وفات کرده است. در این سند از سیدفخرالدین نقیب رضوی می خواهد که به خلافت شرع در امر تولیت آستان و مسجد و موقوفات نظام الدین احمد دخالت نکند. پیداست که دعاوی او در این موارد بر جای بوده است. از سوی دیگر به شجاع الدین محمود امر می شود حاصل موقوفات را با وقف زین الدین علی رضوی به مصارف خود رساند. این شخص همان میرسیدعلی قمی از سادات آستان منور(2) و قاضی قزوین(3) تا سال 971 هجری قمری و تولیت

ص: 91

---

1- (1) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، صص 220 و 224.

2- (2) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 127.

3- (3) پیشین، ص 170.

آستان قدس رضوی و وزیر خراسان(1) از این سال تا سال 974(2) و وزیر قزوین و متصدی خالصه جات سلطانی در 975(3) تا پایان عمر است که در قم وفات کرده و مدفون است.(4) متن آن بدین شرح است:

«در این وقت بنا بر وفور و امانت و رشد و کاردانی سیادت مآب ایاب عمده السادات و الاشراف سید شجاع الدین سلطان محمود الرضوی النقیب تولیت رقبات موقوفه آستانه مقدسه منوره حضرت معصومه مطهره سعیده سیده النساء فی العالمین (ستی فاطمه علیها التحیه و السلام) و مسجد متبرک منسوب به حضرت امام الجن و الانس (ابی محمد حسن العسکری علیه الصلاه و السلام) و امامت آنجا که به موجب شرع و شریف و شرط واقف و احکام مطاع همایون به والد مرحوم او سیادت و نقابت پناه سید مرشد الدین رشید الاسلام الرضوی النقیب متعلق بوده به همان دستور بلا مشارکت غیر بدو مفوض و مرجوع فرمودیم که در ترویج و تنسیق آستانه مقدسه و مسجد

ص: 92

---

1- (1) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 170.

2- (2) پیشین، ص 176.

3- (3) پیشین، ص 215؛ ترکمان، عالم آرا، ج 1، ص 166.

4- (4) ترکمان، عالم آرا، ج 1، ص 226.

متبرک کوشیده، به ضبط محصولات و تعمیر رقبات آنجا قیام نموده، نگذارند که قصوری در آنجا واقع شود و حاصل رقبات آنجا را به موجبی که در دستورالعمل مقرر شده به وقوف و اطلاع سیادت پناه افادت دستگاهی زیناً للسیاده و الدین علی الرضوی النقیب به نوعی که موافق شرع شریف باشد به مصرف وجوب رساند. مستأجران و عمله و کارکنان و رعایای محال متعلقه به آستانه مقدسه و مسجد متبرک اصلاً یک دینار و یک من بار بی وقوف و مهر برات متولی مشارالیه داد و ستد نمایند و هر قضیه و قضایا که در میانه ایشان واقع شود، بدو رفع نمایند و پوشیده و پنهان ندارند و متوجهات خود را به دستور معمول مملکت به متولی جواب گویند و هیچ آفریده به خلاف شرع و شرط واقف در موقوفات آستانه مقدسه و مسجد مذکور مدخل نمایند. سادات عظام و قضات اسلام و حکام کرام و اکابر و اهالی و کلاتران و کدخدایان مدینه المؤمنین قم سلطانیه حسب المسطور مقرر دانسته، اعانت و اسعاد سیادت مآب مشارالیه به جای آوردند و سرکار آستانه مقدسه را از جمیع توجیها و تخصیصات به دستور قدیم و نهج استمرار مفروز و مستثنی شناسند و حکم مجملی که به اسم ارباب سیورغال و مسلمیات و موقوفات صادر گردد. رقبات سرکار آستانه متبرکه را از آن موضوع شمرند. ارباب وظایف و عمله سرکار مذکور برخلاف شرع شریف و شرط واقف، طلبی از متولی مذکور نمایند و به طریقی که در دستورالعمل مقرر شده ستانند و زیاده تعرض نرسانند و احکام و امثله [بی] که نقیض این معنی حاصل نموده... سابقاً و لاحقاً اعتبار نکنند. عمله و فعله آنجا خود را به عزل او معزول و به نصب او منصوب شناسد و حق التولیه به دستور شرط واقف از قرار عشر رسانند. سیادت مآب امیرفخرالدین النقیب الرضوی برخلاف شرع شریف در تولیت آستانه مقدسه و مسجد مذکور و رقبات موقوفه به زاویه امیر نظام الدین سلطان احمد به علت اشراف و نظارت مدخل نمایند و پیرامون نگردد. در این ابواب قدغن عظیم لازم دانند و هر ساله نشان و پرو آنچه در حکم مجدد طلب ندارند. در عهده دانند.»(1)

ص: 93

فرمان مورخ دهه نخستین جمادی الثانی سال 972 هجری قمری، از شاه طهماسب در مورد تعیین شش نفر حافظ قرآن، جدای از حفاظ آستان مقدس برای تلاوت در سر قبر سلطانم،<sup>(1)</sup> خواهر تکی شاه طهماسب بوده تعیین کرده و فرمانی که خطاب به امیرسلطان احمد متولی و نقیب آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بوده و در آن تعابیر سیادت و نقابت او را او به کار برده است. متن فرمان به شرح ذیل است:

«آنکه چون شش نفر حافظ سوی حفاظ سرکار آستانه مقدسه مطهره (ستی فاطمه علیها و علی آبائها الصلاه و السلام) قبل از این مقرر شده بود که در سر قبر هم شیریه مرحوم مغفوره ام سلطانم به تلاوت کلام (ملک علام جل و جلاله) اشتغال نماید؛ بنابراین شش نفر حافظ مذکور به موجب ضمن در سر قبر هم شیریه مرحوم به تلاوت اشتغال نمایند و اگر از ایشان کسی ترک خدمت نماید سیادت و نقابت دستگاه امیرسلطان احمد متولی آستانه مقدسه، دیگری را به جای او تعیین نماید و حفاظ سرکار آستانه منوره را دخل ندهد و به حکم نقیص این مستند نگردد. در این باب قدغن دانند.»<sup>(2)</sup>

### میرشمس الدین نقیب رضوی

او از نوادگان سیدمرشدالدین رشیدالاسلام است که از دوره شاه محمد خدابنده رضوی تا سال 917 هجری قمری، متولی آستانه مقدس حضرت معصومه علیها السلام و نقیب سادات قم بوده و در همین سال وفات کرد. طی فرمان

ص:94

1- (1) مهین بانو که کوچکترین دختر شاه اسماعیل است.

2- (2) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، صص 226-227.



مورخ شوال سال 1017 هجری قمری شاه عباس اول سیورغال میرشمس الدین نقیب رضوی بابت مال و جهات قریه ابرین غارری را که به سیورغال فرزندان امیرشیدالاسلام رضوی مقرر بوده است به برادر او ظهیرالدین ابراهیم، تنها وارث وی واگذار کرد. متن آن به شرح زیر است:

«به سیورغال اولاد سیادت و مغفرت پناه امیرشیدالاسلام رضوی نقیب مقرر بود و در وقتی که به نفس نفیس تحقیق سیورغالات و استحقاق ارباب سیورغال می فرمودیم به حقیقت سیورغال مزبور رسیدیم و سیادت پناه مرحوم میرشمس الدین نقیب رضوی متولی سرکار قدیمی آستانه منوره متبرکه [حضرت سنی فاطمه علیها (و علی آبائها) التحیه و السلام] ظهور استحقاق سیادت پناه مشارالیه شفقت و مرحمت درباره او فرموده، به دستور مبلغ پنج هزار و پانزده دینار مذکور فوق را از بابت و جهات قریه مزبور به سیورغال ابدی و احسان سرمدی او عنایت و مرحمت فرموده، ارزانی داشتیم. کدخدایان و رعایای محل مذکوره سیادت پناه مومی الیه را و صاحب سیورغال او را سال به سال موافق دستورالعمل واصل و عاید ساخته، چیزی موقوف ندارند و اگر چیزی از وجه سیورغال مانده باشد به مشارالیه عاید گردانند و احدی از حکام و تیول داران و عمال الکا را دخل در سیورغال مومی الیه ننموده. مادام که از دیوان اعلی حوالتی بر سیورغالات نشود، در جزو به علت اخراجات و عوارضات خلاف حکم و حساب به هر اسم و رسم که بوده باشد، حواله و اطلاق ننموده، قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند. مستوفیان عظام دیوان اعلی حسب المسطور در دفاتر عمل نموده، تغییر و تبدیل به قواعد آن راه ندهند. در این باب قدغن دانسته، از فرموده درنگذرنند و هر ساله حکم مجدد طلب ندارند و چون به مهر آثار اشرف اعلی رسد اعتماد نمایند.»<sup>(1)</sup>

ص: 95

از دیگر اسناد در دوره صفوی که بسیار مهم است «احکام صدور» این عهد است که در اصطلاح دیوانی مثال می‌گفته‌اند. نشان این نوع احکام طغراهای بالای آنهاست که به سبکی خاص نقش می‌شده و در هر دوره شکلی متفاوت داشته و با گذشت زمان پیچیده تر و خواندن آن نیز دشوارتر می‌گردیده است. مثال‌ها از شایع‌ترین اسناد دیوانی دوره صفویه است؛ زیرا امور موقوفات آستانه‌ها و مزارها، همه به عهده دیوان صدارت بوده و برای مناصب بسیار آستانه‌های آن دوره صادر می‌شده است.

اصطلاح مثال در دوره صفوی اختصاص به احکام صدور نداشته و برای احکامی به کار می‌رفته است که عهده داران رسمی امور شرعی در موضوعات مربوط و به مقتضای حکومت شرعی صادر می‌کرده‌اند. بسیاری از مثال‌ها دورویه بودند؛ به این معنی که یک روی سند حکم صدور بوده و در روی دیگر، فرمان شاه در تنفیذ و ابرام آن نوشته می‌شده است. مشخصه کلی مثال‌ها توقیع «ثبت مهر همایون شد» است که عموماً پشت مثال‌های مربوط به مزارها و موقوفات ثبت می‌شده و در پایین و حاشیه فرمان شاه مرقوم می‌شده است. (1)

به چند مثال در ذیل اشاره می‌شود:

### میر محمدسعید رضوی

مثال رمضان سال 1036 هجری قمری میرزا رفیع الدین محمد شهرستانی، صدر شاه عباس اول و شاه صفی (2) که تولیت قدیمی آستان مقدس و مسجد

ص: 96

---

1- (1) مدرسی طباطبایی، مثال‌های صدور صفوی، ص 16.

2- (2) پیشین، صص 17 و 18.

امام و نقابت و پیشوایی مدینه المؤمنین قم و آستان را در دو مثال به میرمحمد سعید رضوی واگذار کرد.

مثال اول:

«چون از مضمون احکام مطاعه لازم الاطاعه سلاطین سابق و شاه جنت مکان علیین آشیان و وقیفه شرعیه مستفاد شد، [تولیت قدیمی] آستانه متبرکه منوره مقدسه عرش درجه (معصوم علی شرفها السلام) موافق شریف و شرط واقف و استمرار و تولیت مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و نقابت و پناه نجابت دستگاه سلاسه السادات والنقباء العظام میرمحمدسعید رضوی متعلق بوده و الیوم نوبت تولیت مزبور به سیادت و نقابت پناه منتهی شده و در این وقت به دیوان الصداره العلیه حاضر شده، حقیقت استعداد و استحقاق خود را منصبه ظهور رسانیده، طلب و استدعا امضای آنها به اسم خود نمود. لهذا از ابتدا توشقان نیل تولیت قدیمی و تولیت مزبور و نقابت و پیشوایی مدینه القم و آستانه به مشارالیه مرجوع شد که به واجبی به امور مزبوره و لوازم آنها از ترویج و تفسیق و آبادانی مساعی جمیله به تقدیم رسانیده، دقیقه [بی] از دقایق، فوت و فروگذاشت ننماید. سادات عظام و اکابر ذوی الاحترام و ارباب طریق و درویشان و مباشران و عمله و فعله و خدمه آستانه متبرکه سیادت پناه مشارالیه را متولی قدیمی آستانه و نقیب و پیشوا دانسته، دست تصدی و تکفل او را در امور مزبوره قوی و مطلق دانند و اعزاز و احترام مشارالیه را به جای آورند و آنچه لازمه امور مزبوره است به مشارالیه مخصوص و متعلق شناسند و از سخن و صلاح شرعی متولی شرعی مزبور بیرون نروند و موافق شرع شریف و شرط واقف و دستور العمل دیوان الصداره العلیه حاصل آن سرکار را وقوف و اطلاع ناظر به مصارف و وجوب صرف نمایند. مباشران و مستأجران و رعایا [ی] آن سرکار عشر حاصل آن سرکار را موافق شرع شریف و شرط واقف

ص: 97

و استمرار به علت حق التولیه قدیمی مختص متولی شرعی مومی الیه دانند. طریق سیادت و نقابت پناه متولی و نقیب مزبور آن که در رواج و رونق و نظم و نسق آن سرکار مساعی جمیله به عمل آورد و موافق شرع شریف میانه ارباب طریق عمل نماید و دقیقه [یی] از دقایق، فوت و فروگذاشت نماید و هر ساله در این باب خطاب و مثال مجدد نطلبند و از جوانب بری حمله بروند حکام آنجا در باب امر نقابت و پشیوایی تقویت و تمشیت و امداد و اعانت مشارالیه را به جای آورند.»<sup>(1)</sup>

مثال دوم:

«چون به موجب مثال لازم الامثال دیوان الصدارة سابق تولیت قدیمی آستانه (معصومه علی شرفها الف الف التحیه) و تولیت و پیش نمازی مسجد مبارک منسوب به حضرت امام الهمام (امام حسن نقاهت و کمالات دستگاه سلاله السادات و النقابیه شمساً للسیاده و النجابه و النقابه امیر محمد سعید الرضوی متعلق است و تغییری به قواعد آن راه نیافته؛ بنابراین مقرر شد که سادات عالی درجات و اکابر و اهالی و خدام و عمله و فعله سرکار فیض آثار و ارباب و اصحاب و کدخدایان و جمهور متوطنین مسجد مزبور و نقیب و پشوی آستانه و دارالمؤمنین مزبور دانسته، لوازم امور مزبوره را به او متعلق شناسند و دیگری را با او شریک و سهیم ندانند و التولیه سرکار قدیمی را مختص سیادت و نقابت پناه مشارالیه دانند و موافق معمول و استمرار سنوات سابقه، سال به سال واصل سازند. متولی جلیل القدر آن سرکار حسب المسطور مقرر دانسته تقویت و تمشیت و اعزاز و احترام سیادت و نجابت پناه مشارالیه به تقدیم رساند و حق الارض و نذورات آن سرکار فیض آثار را به وقوف و شعور و اطلاع

ص: 98

سیادت و نقابت پناه متولی شرعی قدیمی میانۀ سادات عظام و خدام کرام و عمله قسمت نمایند. سادات و عظام و قضات اسلام و عمله آن سرکار فیض آثار مشارالیه را متولی قدیمی آن سرکار دانسته از سخن و صلاح مشارالیه... نمایند.»<sup>(1)</sup>

مثال شعبان سال 1077 هجری قمری از میرزا ابوطالب رضوی صدر خاصۀ شاه سلیمان در مورد وظیفۀ سیادت و نجابت پناه میر محمدعلی رضوی قمی، از بابت موقوفات آستان مقدس. در این سند شغل و منصب سید مزبور در آستانۀ ذکر نشده، لیکن به هر حال از سلسلۀ نسبی متولیان قدیمی آستانه بوده است.

«چون به موجب مثال دیوان الصدارة سابق مبلغ پنج هزار دینار تبریزی نقد و مقدار سیصد من غله از بابت موقوفات سرکار آستانۀ منورۀ مطهره بدین موجب نقد: پنج هزار [دینار] جنس: 300 من، گندم: 250 من، جو: 50 من به وظیفۀ سیادت و نجابت پناه میر محمدعلی رضوی قمی مقرر بوده و در این وقت استدعای امضا [ی] دیوان الصدارة نمود. ایجاباً لمسوله مبلغ و مقدار مزبورین به قید آنکه هرگاه مستمر بوده باشد به وظیفۀ مشارالیه مقرر شد که هر ساله بازیافت و صرف معیشت خود نموده، مرفه الحال و فارغ البال به دعاگویی دوام دولت بی زوال ابدی الاتصال اشتغال نماید. مباشرین موقوفات مزبور حسب المسطور مقرر دانسته، سال به سال مبلغ و مقدار مزبورین بلاقصور و انکسار واصل و عاید مشارالیه ساخته، قبض بازیافت که از آن قرار به خرج مجری و محسوب است و در این باب اهتمام تمام لازم دانسته، هر ساله مثال و خطاب مجدد طلب ندارند و در عهده شناسند.»<sup>(2)</sup>

ص: 99

---

1- (1) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، صص 233 و 234.

2- (2) پیشین، صص 234 و 235.

مثال میرزا محمدباقر خلیفه سلطانی، صدر شاه سلطان حسین(1) که تکه ای از آن جزء بقایای اسناد خاندان متولی شرعی دیده شد و باقی آن هنوز یافت نشده است. در این تکه، نذورات و حق الارض سرکار آستانه منوره و عشر محصول موقوفات به عنوان حق التولیه سرکارات مزبوره موافق استمرار به متولی شرعی واگذار و از متصدیان امر درخواست شده دست تصدی و تکفل سیادت و نجابت پناه مومی الیه را در لوازم مزبوره قوی دانند.(2)

نکته جالب در مطالعه این نوع اسناد دیوانی تطور و دگرگونی طغرای صدور از آغاز تا انجام است. ابتدا، در آغازین متن طغرا نام صدر به شکلی خاص نقش می شد؛ لیکن پس از آن به تدریج با افزوده شدن وصف «خادم الشرع» و نام پدر و در هم نوشتن کلمات به صورتی پیچیده، تمیز و تشخیص مقررات متن طغرا دشوار شده است. این سبک از دوره شاه سلیمان آغاز شد و در طغراها «خلیفه سلطانی» ها به حد کمال خود رسید. از جمله اسناد فرمان های پادشاهان صفوی، واگذاری منصب استیفای موقوفات آستانه به برخی اشخاص است.

خدمت استیفای حساب داری آستان قم از دوره صفوی تا پایان دوره قاجار در دست خاندان مستوفی این شهر بوده است و این افراد از آن دوران به این امر اشتغال داشته اند:(3)

1. میرزا محمدجعفر قمی که از سال 1089 هجری قمری به موجب فرمانی از شاه سلیمان به جای پدر، عهده دار استیفای آستانه بوده و پس از سال 1114 درگذشته است.

ص: 100

---

1- (1) مدرسی طباطبایی، مثال های صدور صفوی، صص 21 و 22.

2- (2) پیشین.

3- (3) پیشین، ص 12.

2. میرزا محمدابراهیم مستوفی که فرزند محمدجعفر است و پیش از سال 1114 هجری قمری، به جای پدر خدمت استیفای آستان را به دست گرفته و از 26 شوال 1118 کلیدداری حرم را نیز عهده دار شده است. در جمادی الاول سال 1136 استیفای متفرقه دارالایمان قم نیز بدو واگذار شد. وی تا سال 1148 زنده بوده است. سه فرمان از پادشاهان صفوی و دو مثال از دیوان صدارت درباره او وجود دارد که در ذیل بدان ها می پردازیم.

1. فرمانی که در رمضان سال 1089 هجری قمری از شاه سلیمان در واگذاردن استیفای موقوفات آستانه و مواجب آن به میرزا محمدجعفر قمی با اشاره به تصدی پدر او نسبت به این منسب، صادر شد.

در این متن آمده است:

«حکم جهان مطاع شد که بنابر شفقت شاهانه درباره رفعت و معالی پناه قوماً میرزا محمدجعفر قمی از ابتدای ده ماهه ایت ائیل 1089 هجری قمری، استیفای موقوفات سرکار آستانه مقدسه متبرکه منوره (ستی فاطمه علیها و علی آبائها الف سلام و تحیه) را با مواجب و آنچه به هر جهت از دیوان الصداره خاصه در... مقرر شده بود و متوفی گشته در وجه مشارالیه مقرر فرمودیم که کما ینبغی به امر مزبور و لوازم آن قیام و اقدام نموده، دقیقه ای فوت و فروگذاشت ننماید و سال به سال نسخه منقحه مشخصه بر مداخل و مخارج آن سرکار درست داشته به دیوان الصداره فرستد که موافق معمول مستوفی ممالک محروسه در دفتر عمل نماید و با خلاق نوعی سلوک نماید که همگی از حسن سلوک او راضی و شاکره بوده، دعای خیر جهت ذات مقدس نواب کامیاب همایون ما حاصل شود. متولی و کتاب و خدمه و عمله و مؤظفین و رعایا و مستأجرین سرکار آستانه مقدسه مزبور مشارالیه را مستوفی سرکار مذکور دانسته، دیگری را در این امر با او شریک و سهیم ندانند و از سخن و

ص: 101

صلاح حسابی او که هر آینه مقرون به صرفه غبطه آن سرکار بوده باشد بیرون نرفته اطاعت و انقیاد او را از لوازم شمرند و بدون برات به مهر خط مشارالیه یک دینار و یک من بار داد و سند نمایند و هر ساله رقم مجدد طلب ندارند و در عهده شناسند.»(1)

2. فرمان ربیع الثانی 1114 هجری قمری از شاه سلطان حسین در مقرر داشتن ده تومان تبریزی از بابت وجوه تصدی مدفن شاه سلیمان در وجه وظیفه میرزا محمدابراهیم مستوفی، فرزند میرزا محمدجعفر مزبور که متن آن چنین است:

«حکم جهان مطاع شد آنکه از ابتدای یونت ئیل مبلغ ده تومان تبریزی از بابت وجوه تصدی سرکار مزبور نواب خاقان طوبی آشیان قدس مکانی (شاه بابام انارا... برهانه) که به جهت ارباب استحقاق مقرر بوده در وجه وظیفه نجابت و رفعت و معالی پناه... صداقت دستگاه میرزا محمد ابراهیم مستوفی ولد مرحوم... جعفر قمی عنایت و مرحمت فرمودیم. تحویل دار نقدی سرکار موهبت آثار مزبور سال به سال تنخواه مبلغ مزبور را مهم سازی و مشرف در روزنامهچه عمل مستوفی ارباب التحویل سرکار خاصه، شریفه به خرج اعتبار... هر ساله رقم مجدد طلب ندارد و در عهده شناسند.»(2)

ص: 102

---

1- (1) غلامحسین خان، افضل الملک، سفرنامه قم، صص 263 و 264؛ مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، ص 252.

2- (2) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، صص 252 و 253؛ افضل الملک، سفرنامه قم، ص 265.



3. فرمان ربیع الاول 1120 هجری قمری از شاه سلطان حسین در واگذاردن خدمت کلیدداری آستان مقدس از تاریخ 26 شوال 1118 به میرزا محمدابراهیم مستوفی که متن سند از این قرار است:

«حکم جهان مطاع شد که بنا بر شفقت بی غایت شاهانه درباره... النجباء العظام... و النجابه میرزا محمدابراهیم... خادم باشی سرکار... از تاریخ بیست و ششم شهر شوال سنه 1118 خدمت کلیدداری سرکار فیض آثار کثیرالانوار... آستانه منوره سنی (حضرت معصومه علیها و علی آبائها الف سلام و تحیه) را با مبلغ پانزده تومان تبریزی موجب و مصالح یک قاب جیره به دستور کلیددار سابق به علاوه خدمت استیفای آستانه به عالی جناب نجابت پناه مشارالیه عنایت و مرحمت فرمودیم که چنانچه باید و شاید به خدمت مزبور و لوازم آن قیام و اقدام نماید. متولی و ناظر و سایر عمله و فعله سرکار فیض آثار کثیرالانوار نجابت پناه مشارالیه را کلیددار با الاستقلال آن سرکار دانسته، لوازم امر مذکور را مخصوص او شناسد و دیگری را با او شریک و سهم ندانند و سال به سال وجه موجب و جیره او را روز به روز واصل ساخته، موقوف دارند و اعزاز و احترام او به جای آورند...» (1).

از دیگر اسنادی که در صفحات پیشین درباره واگذاری مقام استیفا برشمردیم، دو مثال ذیل است:

1. مثال مورخ 1134 هجری قمری از میرزا محمد باقر خلیفه سلطانی، صدر خاصه شاه سلطان حسین در واگذاری مجدد مقام استیفای آستان به میرزا محمد ابراهیم مزبور با اشاره به مثال مورخ جمادی الاول 1133 که به نام میرزا

ص: 103

رضی صادر شده بود و از آن برمی آید که این میرزا رضی در تاریخ مزبور به دیوان صدارت رفته و با اخذ مثال مزبور، عهده دار استیفای موقوفات آستان شده است. متن سند از این قرار است:

«... و از تصدیق کتاب موقوفات ممالک محروسه مستفاد شد که چون میرزا رضی مستوفی سابق موقوفات آستانه منوره مزبوره عرض نمود که خدمت مزبور با مشارالیه بوده و میرزا ابراهیم نامی به اسم خود نموده و استدعا نموده که خدمت مزبور به تغییر مشارالیه به او مفوض شود، از قرار مثال به تاریخ شهر جمادی الاولی 1133 به تغییر مشارالیه به میرزا رضی مزبور مفوض و آنچه به هر جهت در وجه مستوفیان مقرر بوده در وجه او مقرر شده...»(1)

2. سند دو رویه جمادی الاول 1136 هجری قمری که در یک روی آن مثال میرزا سید مرتضی خلیفه سلطانی در تقویض استیفا آستان مقدس که محمدرضی به نام خود گذارده بود به ضمیمه استیفای متفرقه دارالمؤمنین قم به میرزا محمدابراهیم مستوفی، فرزند میرزا محمدجعفر است و در روی دیگر فرمان شاه طهماسب دوم در تنفیذ آن که متنش چنین است:

«چون درین وقت نجابت رفعت و معالی پناه ظهیراً میرزا محمدابراهیم قمی مستوفی سابق سرکار فیض آثار (ستی فاطمه علیها التحیه و الثنا) به عرض رسانید که استیفای سرکار موهبت آثار مدت متمادی با مرحوم میرزا محمدجعفر والد و سایر آبا و اقربای او مفوض و بعده به مشارالیه مرجوع بوده و از روی راستی و درستی خدمت مزبور را به تقدیم می رسانید و محمدرضی نام شخصی که از شغل نویسندگی اطلاع کاملی ندارد و کمال تغلب دارد خدمت موروثی او را بدون قطع و به اسم خود گذرانیده. در این وقت نجابت و رفعت و

ص: 104

کمالات پناه میرزا محمد ابراهیم مومی الیه به دیوان الصداره [العلیه العالیه] آمده، استدعا نمود که خدمت استیفای سرکار مزبور به علاوه استیفای متفرقه دارالمؤمنین قم به او داده شد. بناءً علی ذلک حسب الاستدعا از ابتدا سنه مبارکه آتیه لوی نیل خدمت استیفای سرکار کثیر الانوار به تغییر محمدرضی نام مزبور کماکان به علاوه استیفای متفرقه دارالمؤمنین قم به مشارالیه مقرر و مرجوع شد...» (1).

اسنادی که در این نوشتار از آنها یاد شده است، نشان دهنده حیطة اختیارات شاهان، تقییان و متولیان دوره صفوی است که به شرح این فرمان ها در فصل اوضاع اجتماعی نیز می پردازیم.

### جغرافیای شهری قم

قبل از پرداختن به وضعیت قم که یک جامعه شهری است، لازم است درباره جغرافیا و چینش شهری آن مطالبی بیان شود تا نوع شهرسازی اش مشخص شود.

### شهر قم در دوره صفوی

این شهر در دوره صفوی، کنار رود اناربار و در مجاورت کوهستان قهرود، در ارتفاع 1064 متری از سطح دریا قرار داشته، (2) طول جغرافیایی آن 69 درجه، عرض جغرافیایی اش 35 درجه و محیط آن را حدوداً پانزده کیلومتر دانسته اند. (3)

ص: 105

---

1- (1) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، ص 259.

2- (2) ایون گرس، سفیر زیبا، ص 196.

3- (3) جملی کارری، سفرنامه کارری، ص 540؛ موسوی خلخالی، ذکر اخبار دار الایمان قم در سیاحت نامه ها، ص 132.

پیترو دلاواله ایتالیایی در سفرنامه خود، سال 1025 هجری قمری از قم دیدن کرده و این شهر را چنین توصیف کرده است:

«... قم از شهرهای متوسط ایران است و از لحاظ بزرگی به کاشان نمی رسد. جمعیتش هم از آن کمتر است؛ ولی در محفل مناسب تری واقع شده است و می توان گفت زیباتر است. جلوی شهر رودخانه کوچکی جاری است که در اثر باران و آب کوه های اطراف، بعضی اوقات خیلی بزرگ و پر آب می شود.»<sup>(1)</sup> اما دیگر سیاحان اروپایی، در بین سال های 1042 و 1052 هجری قمری، قم را یکی از شهرهای بزرگ ایران که در جلگه صافی واقع شده<sup>(2)</sup> و ارتفاعات الوند در شرق آن از فاصله دور دیده می شود<sup>(3)</sup> دانسته اند. آنان این شهر را در آن زمان به شکل مستطیلی که از شرق به غرب در طول رودخانه ای دامن کشیده است<sup>(4)</sup> و پانزده هزار خانه دارد و اطرافش را باغ هایی فرا گرفته توصیف کرده اند. همچنین قم را خندقی شهر بند کرده و بارویی نیمه ویران داشته که در فواصل معین، آثار برج هایی از آن دیده می شده؛<sup>(5)</sup> بنا به گفته

ص: 106

---

1- (1) پیترو دلاواله، سفرهای مشهور پیترو دلاواله، ج 2، ص 436.

2- (2) تاورنیه، سفرنامه، ص 114؛ شاردن، سفرنامه شاردن، ج 3، ص 521؛ کاتف آفاناس، سفرنامه، ص 60.

3- (3) آدام اولناریوس، اصفهان خونین شاه صفی، ص 115.

4- (4) شاردن، سفرنامه شاردن، ص 521.

5- (5) شاردن، سفرنامه شاردن، ص 521؛ محمد حسین ناصرالشریعه، تاریخ قم، ص 53؛ آفاناس، سفرنامه، ص 60؛ تاورنیه، سفرنامه،

ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیروانی، ص 112.

شاردن این شهر بزرگ، مساجد و کاروان سراهایی بزرگ داشته که باشکوه ترین و مجلل ترین آنها مسجد محل دفن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است. (1)

همچنین، شاردن طول جغرافیایی قم در سال 1053 هجری قمری را 85 درجه و 48 دقیقه و عرضش را 34 دقیقه دانسته است. (2)

### منظره شهر قم از دید سیاحان اروپایی

«پیترو دلاواله» ایتالیایی که در سال 1025 هجری قمری از قم دیدن کرده، در سفرنامه خود قم را چنین توصیف نموده است: «کوچه و بازارهای شهر نسبتاً خوب و تمیز، میدان شهر به حد کافی جا دارد و متناسب است و روی هم رفته تمام شهر زیبا و دل گشاست...». (3)

اما «جملی کارری» که او نیز ایتالیایی است در سال 1105 هجری قمری، در زمان شاه سلیمان از قم دیدن کرده و آن را چنین وصف کرده:

«... میدان شهر کثیف و زنده و مغازه های آن خالی و محقر است؛ اما چند مسجد زیبا دارد. اگر مخارج هنگفتی که برای بنای مساجد تازه صرف می شود، به تعمیر و نگهداری مساجد قدیمی برسد، آنها را از ویرانی نجات خواهد داد. متأسفانه به این نکته توجه نمی شود و هر ثروتمندی برای آموزش گناهان و زنده ماندن نامش، به ساختن مسجد تازه ای اقدام می کند؛ ولو چند سال پس از

ص: 107

---

1- (1) تاورنیه، سفرنامه، ص 112؛ شاردن، شاردن، سفرنامه شاردن، ص 523؛ آفاناس، سفرنامه، ص 60.

2- (2) شاردن، سفرنامه، ص 529.

3- (3) دلاواله، سفرنامه، ص 436.

مرگ او به خاک تبدیل شود؛ از این رو بر شمار مساجد ایران افزوده می شود...» (1).

«کنتارینی» نیز قم را «شهری زیبا میان دشت» وصف کرده است (2) و این شاید از آن نظر باشد که تاکستان ها و کشت زارها و باغ های فراوانی (3) که به نقل از «باربارو» در اطراف باروی آن وجود داشته، منظره دل کشی به قم می داده و دورنمای آن را برای یک مسافر تازه وارد، زیبا و جالب می ساخته است. (4) خانه های قم بیشتر ملک عامه مردم بوده تا خالصه دولتی (5) و از نظر اصول شهرسازی از خارج خشت و گل و از داخل پاکیزه و با آجر بوده است. (6) مردم قم از جنگاوران و بهترین سربازان امپراتوری بوده اند و در هر زمان جسارت خویش را در نظامی گری نشان داده اند؛ اگر چه این جسارت و جلادت برای شهرشان مشوم بوده است. (7)

### مسابقات در قم عهد صفوی

«تاورنیه» فرانسوی در سفر اول خود به قم، درباره مشاهدات خود از یک مسابقه گاوبازی نقل می کند:

ص: 108

1- (1) جملی کاری، سفرنامه، ص 540؛ موسوی خلخالی، ذکر اخبار دارالایمان قم، ص 132.

2- (2) سفرنامه ونیزیان، ترجمه منوچهر امیری، ص 139.

3- (3) پیشین، ص 84.

4- (4) شاردن، سفرنامه، ص 60.

5- (5) دسیلوا فیگوئروا، سفرنامه، ترجمه غلامرضا سمیعی، ص 249.

6- (6) ابن رضا، قم از نظر اجتماعی و اقتصادی، ص 140؛ تاورنیه، سفرنامه، ص 112.

7- (7) فیگوئروا، سفرنامه، ص 249.

«... چون در کاروان سرا منزل گزیدم، دیدم دسته دسته و تک تک با شتاب و عجله از برابر کاروان سرا دوان دوان از دیگران تبعیت کرده و چون از علت شتاب زدگی پرسان گشتم، جواب دادند الآن موقعی است که گاوهای حیدری و نعمتی را با یک دیگر به جنگ می اندازند. من هم که طالب دیدار این مناظر و علاقه مند به تماشای نمایش و ضمناً پی بردن به عادات و رسوم مردم بودم، به جانب میدان شتافتم. میدانی دیدم که اطرافش مردم ایستاده اند و در دو جانب محوطه مزبور، هر طرف گاوی را برابر یک دیگر نگاه داشته اند و پیرامون هر یک هوادارانی صف کشیده، یک نفر هم سر گاو را گرفته و ایستاده است. نام یکی از گاوها را حیدری و دیگری را نعمتی می گفتند و... حکمران اجازه آغاز عملیات داد و مریبان گاوها، آنها را محیای جنگ ساخته، شاخ بندشان را باز کرده و به ستیز واداشتند. آن دوزبان بسته در نهایت شدت و قدرت با شاخ به جانب حریف می تاختند و در حمله نخستین گاو حیدری بر نعمتی فایق آمده و گاو شکست خورده عقب زده و فرار را بر قرار بگزیده، راه گریزی می جست و از وسط کوچه ای که تماشاچیان باز گذاشتند بگریخت و صدای خنده و فریاد حاضرین بلند گشت و گروهی به نواختن نی و صرنا پرداختند. در این موقع، گاو حیدری را با وصفی خاص و شکوهی مخصوص به دالان کاروان سرایی که در نزدیکی میدان قرار داشت رهنمون گشته، روی به جمعیت تماشاچی و پشت به محوطه آن سرای نگاه برداشتند و تنی چند برای رفع خستگی و کوفتگی گاو، به مشتم و مال و نوازش و تدهین شاخ هایش پرداختند. پس حاضرین هر یک به قدر وسع و فراخور بنیه مالی خویش، هدیه ای برای مربی بردند و حکمران هم مبلغ 50 تومان برای او فرستاد و همراهان وی از رجال شهری هر یک به

تناسب شتون خود، مبلغ نیاز کردند و مردم عادی هم با اهدای میوه یا شیرینی های متنوعی او را بنواختند.»<sup>(1)</sup>

## طراوت و صفای قم

طراوت و صفای قم در عهد صفویه، با یاس های سفید پرعطر نشاط انگیز و فرح بخش و در ایران هم یک امر بدیع بوده است و بدین لحاظ، چندان شایان توجه بوده که شخصی چون تاورنیه سیاح درباره آن قلم فرسایی کرده است؛ وگرنه تعریف از گل و ریاحین معنی ندارد و بالجمله در شهری که آب نایاب باشد، چگونه ممکن است که آن را برای گل کاری صرف کنند، یا برای تربیت گل و ایجاد چنان گلستانی پرعرض و طول. خرم و شادابی در قم نیز حاکی از فراوانی آب و افزون بودن آن از احتیاجات عمومی است و هم می نویسد که در میان صحن چهارم (صحن عتیق) حوضی است که پیوسته آب از فواره های آن می جوشد و از سنگ های اطراف حوض در نهری می ریزد که تمام بناهای مسجد (آستان) و گل و گل کاری های آن را آبیاری می کند.

در سیاحت نامه خطی «ساروتقی» از وزیرای عصر صفویه، در تمجید از قم، در جایی از باغات سرسبز و شاداب ساحلی و یک رشته اشجار بیدی که در امتداد یک دیگر در جنبین نهرها وجود داشته اند یاد کرده و در جای دیگر که عمارت مسکونی خود در قم را توصیف کرده چنین می نویسد:

«که در این جا از مناظر زیبای گل ها و ریاحین بهره مند می شوم. این عمارت، بی نهایت مجلل و باشکوه و فوقانی آن بسیار باشکوه و خوش منظر

ص: 110

---

1- (1) تاورنیه، سفرنامه، ص 83؛ علی اکبر فیض، گنجینه آثار، ج 1، صص 133 و 134.



می باشد و مناظر باغات باطراوت در دور و نزدیک هم بر صفای آن افزوده است.»(1)

از مجموع سیاحت نامه ها و تذکره های خصوصی به خوبی برمی آید که در عهد صفویه، در این شهر آب فراوان بوده که در این گونه گل کاری ها به مصرف می رسیده است.(2)

### آب رودخانه قم در عهد صفویه

در عهد پادشاهان صفویه نیز، رسم کهن تقسیم آب رودخانه بین مالکین کمره و اهالی قم مجری و با اندک تفاوت که به سود قمی ها پا بر جا بود، معتبر شناخته می شد و به طور مسلم از ناحیه سرسلسله سلاطین، یعنی شاه اسماعیل، شاه طهماسب و فرزندان ایشان شاه عباس ثانی و شاه سلیمان هم نسبت به عمران این شهر از نظر تهیه آب قدم های بلندی برداشته شده است. ضمن تنقیح قنوات بایره، در جریان تقسیم آب رودخانه هم تجدیدنظری کرده اند. طرز توزیع زمانی آن هم از کیفیت ده و پنج به وضع پنج و شش تغییر پیدا کرده و بعدها، یکی پس از دیگری این تقسیم را تنفیذ و تحکیم کردند.(3)

### ماجرای سیل مهیب قم

در قرون گذشته، رودخانه قم که سیل آن از کوه های نواحی گلپایگان

ص: 111

---

1- (1) جغرافیای تاریخی، به نقل از ساروتقی، ص 137.

2- (2) عباس فیض، جدی فروزان، صص 277 و 288.

3- (3) پیشین، ص 277.

جاری می شد، در کنار شهر قرار داشته و از پشت حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام می گذشته است. سیل هایی که از این رودخانه می گذشته و به دریاچه قم می ریخته، گاهی زیان های بسیار بر شهر وارد کرده است. یک بار در سال 1044 هجری قمری، سیل بنیان کن و ویران گری به داخل قم سرازیر شد و هزار خانه را خراب کرد. (1) «ملاعبدالرزاق لاهیجی» حکیم و فیلسوف نامی که در آن موقع ساکن این شهر بوده در قطعه شعری آن را شرح داده است:

داد از دست سیل حادثه داد که از او شد گل بلا سیراب

سیلی از کوه غم فرود آمد که از او چشم فتنه شد پر خواب

وه چه سیلی؟ آسمان سیال برده از عمرها گرد ز شتاب

شهر قم کآبروی عالم بود شد ازو خشک لب چو موج سراب

مدرسه غسل ارتماسی کرد رفت در سجده مسجد و محراب

دوستی آه آتشین زد و گفت خاک قم را به باد داد این آب (2)

هنوز سه سال بیش نگذشته بود که سیل دیگری دو هزار خانه و بسیاری از عمارات قدیمی را ویران کرد و نزدیک بود همه شهر را بشوید. (3) پس از آن به

ص: 112

---

1- (1) شاردن، سفرنامه شاردن، ص 533؛ عباس فیض، جدی فروزان، ص 294.

2- (2) علی دوانی، مفاخر اسلام، ج 7، ص 131.

3- (3) شاردن، سفرنامه، ص 533.

امر شاه صفی، مجرای رودخانه را از قسمت شرقی قم به مجرای کنونی تغییر داده و سد محکمی هم به ارتفاع ده متر در جنبین رودخانه بالا بردند و شهر را از خطرهای بعدی نجات دادند. (1)

در نقشه «اولتاریوس» که در سال 1018 هجری قمری ترسیم شده است، مسیر رودخانه غربی - شرقی به شکل ماریچ در وسط شهر مشهود است و رشته فرعی آن هم که از جنوب به شمال کشیده شده و جای خیابان پشت باره تا برسد به کوچه ارک و بیمارستان در آن نقشه نمایان است. چنین به نظر می رسد که در پشت باروی حصار شهر، مجرای احتیاطی برای لحظات طغیان سیل ساخته بوده اند که جمر و سعدآباد و همچنین نهر دیر گچین (دیر کاچ) از میانه آن امتداد داشته و می توان گفت هنگام جریان سیل مهیب و بالا آمدن سطح آب، خود به خود قسمتی از آب سیل در این مجرا می ریخت تا شهر از خطر آن محفوظ بماند. معلوم نیست با وجود چنین مجرای با گنجایش کافی، چگونه سیل در سال 1044 هجری قمری، زمان سلطنت شاه صفی به شهر سرازیر شده و خانه های قم را منهدم ساخته است. مگر آنکه گفته شود در آن عصر مجرای مزبور از زیاله و آوار خرابی های شهر انباشته بوده که بعدها شاه عباس آن را تنقیه و لای روی کرده و به سدسازی پرداخته است. (2) احداث این مجرا را هم به شاه بیگی بیگم دختر شاه اسماعیل نسبت داده اند که برای رفع خطر از شهر و آستان حضرت معصومه علیها السلام، انجام داده که ماده تاریخ آن برابر 944 هجری قمری است؛ اما با تغییر مسیر رودخانه به مجرای جنوبی -

ص: 113

---

1- (1) عباس فیض، جدی فروزان، ص 249.

2- (2) فیض، گنجینه آثار، ج 1، ص 413.

شمالی در غرب آستان، از آثار شاه عباس ثانی است و با نظر مولانا محسن فیض، هم زمان با بنیان مدرسه فیضیه و مدرسه های شادقلی خان، ساروتقی و مقدم انجام گرفته است. (1)

## میدان میر

نام کامل آن میدان «میرسراج» است و او همان میرسراج الدین علی قمی، از اعظم این ولایت است که مدتی به نیابت امیرمعصوم صفوی، وزیر شاه طهماسب بود. او مزرعه قمرود قم را که از قدیم بایر بود آباد و قناتی چند در سر رودخانه احداث کرد. در کتابچه موقوفات و خالصه جات از مزرعه قمرود میرسراج مشهور به سرابی یاد شده است. در خلاصه البلدان از قنات فردوس که احداث عم زاده والده و والد مصنف امیر سراج الدین علی موسوی قمی بوده یاد می شود.

میرسراج دیگری در دوره صفوی نواده دختری میرسراج پیشین و فرزند میرصفی حسنی طباطبایی اردستانی بوده است. (2)

## محلات و کوی های قم

برای این شهر ده محله ذکر کرده اند:

محله اول

معروف ترین محله قم، محله «آستانه» است که شامل بقعه حضرت فاطمه

ص: 114

---

1- (1) پیشین، ص 414.

2- (2) محمد تقی بیگ ارباب، دارالایمان قم، ص 53؛ عالم آرای عباسی، ج 1، ص 161؛ خلاصه التواریخ، ج 1، ص 256؛ خلاصه البلدان، ص 194.

معصومه علیها السلام، قبرستان بزرگ، قبرستان شیخان، باغ ملی، عمارت فرمانداری و شهرداری، خیابان بالا (خیابان حضرتی) - که ابتدای آن دروازه خاک فرج و انتهای آن دارالشفاء است -، خیابان پایین - که ابتدای آن درب مسجد امام و انتهای آن آب انبار سیدعرب است -، کوچه حرم، کوچه ارک (خیابان ارم)، خانه هایی که در جهت مغرب قبرستان بزرگ واقع هستند و خانه های متولی باشی است. (1)

محلّه دوم

محلّه عشقعلی که ابتدای آن یخچال قاضی و انتهای آن مدرسه لک ها (رضویه) است، کوچه باغ قاضی و کوچه سنگ تراش ها، کوچه درویش ها، کوچه لب چال، حمام گلشن و کاروان سرای بزازها که در بازار بزرگ واقع است جزو محدوده این محله است. (2)

محلّه سوم

محلّه الوندیه که ابتدای آن کوچه باغ رییس کمال و آب انبار حاجی ملا محمد کزازی و انتهای آن کوچه لب چال است، کوچه میدان میر و محراب حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که جنب تکیه میدان میر است، گذر گنجی، گذر قاضی و مدرسه مرحوم حاجی ملا محمد صادق در محدوده این محله است. (3)

ص: 115

---

1- (1) علی اکبر فیض، گنجینه آثار، ج 2، ص 118.

2- (2) پیشین.

3- (3) پیشین، ص 119.

## محلۀ چهارم

محلۀ چهارمردان که ابتدای آن باغچه کلاه مال ها و گذر قلعه و انتهای آن بقعۀ امام زاده شاه حمزۀ میدان کهنه است. محلۀ پنجه علی، کوچۀ سلطان شریف، مسجد سیفی و بقعۀ شاه زید جزو آن است. (1)

## محلۀ پنجم

محلۀ میدان که ابتدای آن کوچۀ لب خندان (سلطان شریف) و انتهای آن آب انبار میرزا ابوطالب است. بقعۀ امام زاده حمزۀ بن موسی و میدان شاه زاده حمزه، میدان کهنه و دو مناره واقع در درب مدرسۀ غیاثیه جنب میدان کهنه در محدوده این محله است. (2)

## محلۀ ششم

محلۀ سنگ بند که ابتدای آن بقعۀ شاه احمد قاسم، کوچۀ تالار و باغ غیاث آباد و انتهای آن آب انبار حاجی حسن که نزدیک چهل اختران است، کوچۀ تالار و مسجد امام زین العابدین، مدرسۀ مؤمنیه و گذر سفیدآب جزو این محله است. (3)

## محلۀ هفتم

محلۀ موسویان است که ابتدای آن گذر سنگ سیاه و انتهای آن دروازه ری و بارۀ شهر است، کوچۀ سنگ سیاه و گذر سنگ سیاه، گذر تقی بیک، کوچۀ

ص: 116

---

1- (1) علی اکبر فیض، گنجینه آثار، ج 2، ص 119.

2- (2) پیشین.

3- (3) پیشین، ص 120.

پای درخت پیر، بقعه موسی مبرقع، بقعه چهل اختران، کوچه دولت خانه و کوچه رضاآباد در محدوده این محله است. (1)

محله هشتم

محله مسجد جامع است که ابتدای آن میدان کهنه در وسط شهر و انتهای آن در حدود دروازه ری است، بازار کهنه، گذر لاچین بیک، مسجد جامع و مدرسه ناصری (جانی خانی) جزء این محله است. (2)

محله نهم

محله باغ پنبه است که ابتدای آن چاله فردوس و باجک و انتهای آن باغ شاه خالصه است. (3)

محله دهم

محله اسحاقیه است که ابتدای آن دروازه خاک فرج و انتهای آن چاله فردوس و باجک است. گذر کولی خان، بازار مسگرها، حمام چاله و کوی جوی پاها در محدوده این محله است. (4)

### وضعیت اجتماعی قم در دوره صفوی

برای نشان دادن وضعیت یک جامعه، بررسی تاریخ و گذشته آن بسیار حایز اهمیت است. بیشتر منابع به تاریخ سیاسی جوامع پرداخته اند و تاریخ اجتماعی،

ص: 117

---

1- (1) علی اکبر فیض، گنجینه آثار، ج 2، ص 120.

2- (2) پیشین.

3- (3) پیشین.

4- (4) پیشین.

به خصوص برای زمان مورد نظر این پژوهش کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ بدین جهت، از لابه لای مباحث مربوط به تاریخ سیاسی، می توان مباحث مربوط به تاریخ اجتماعی را تا حدودی بیرون کشید. در تعریف جامعه انسانی گفته می شود که شامل عده ای یا گروه هایی از مردم است که در جایی ساکن هستند و دارای نهادها، سازمان ها، تأسیسات خاص اجتماعی، مقررات، قواعد، اعتقادات، ارزش ها و نیز روابطی هستند، امور و مسایل مشترک دارند، هدف یا هدف هایی را تعقیب می کنند و مشارکت آنها ارادی و آگاهانه است.

از مواردی که می توان در قسمت اوضاع اجتماعی شهر قم از آن یاد کرد، بحث اوقاف است که یکی از امور اجتماعی مردم آن سامان است.

## سیر تطور نهاد وقف در جامعه قم

### اشاره

مسئله وقف از نظر اجتماعی، از مظاهر خاص پیشرفت و رفاه جامعه است؛ زیرا طبق اصول و موازینی که برای موقوفات از قرن ها پیش در نظر گرفته شده، معمولاً ثروت ها بعد از هر چند سالی از خانواده ای به خانواده ای دیگر انتقال می یابد و تعدیل می شود، بدون اینکه عامل عدم رضایت یا خون ریزی و شورش را در پی داشته باشد. در واقع، وقف نامه ها از جمله اسناد و منابع دست اولی هستند که می توانند به روشنی بیانگر فرهنگ دینی، ملی و تاریخ اجتماعی ما باشند و چون گنجینه ای غنی مورد استفاده محققان در رشته های مختلف علمی قرار گیرند. از نکات مهم در مطالعه اسناد، توجه به زمان و مکان تحریر و تنظیم آنهاست. نوع انشای وقف نامه ها و تعبیرات متفاوت و اصطلاحات ویژه آن، حاکی از نوع تفکر و اندیشه های مذهبی، اجتماعی و فرهنگی مردم آن عصر است. نیات واقف و مصارف وقف، حکایت از نیازها و کمبودهای آن روزگار می کند و چگونگی تعیین تولیت موقوفه و شرایطی که برای متولی



تعیین کرده اند، در واقع بازتاب امنیت اجتماعی آن دوران بوده و میزان اعتماد واقف را به وضع موجود می رساند. فرهنگ وقف در دین مبین اسلام و مکتب اهل بیت پیامبر علیهم السلام تا به حال، آثار و برکات دینی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی - اقتصادی فراوانی را در پی داشته است. در ایران فرهنگ وقف از زمان ائمه علیهم السلام رونق گرفت و در اکثر بلاد ایران، املاک زیادی وقف شد و مساجد، مدارس، رباطها، کاروان سراها، آب انبارها، بیمارستان ها، پل ها و به ویژه مراکز مقدسی چون آستان مقدس فاطمه معصومه علیها السلام دارای موقوفات فراوانی شدند.<sup>(1)</sup>

در واقع نهاد وقف، نهادی بسیار موثر در تاریخ اقتصادی ایران و شاکله اقتصادی نهاد دینی بوده است و تحولات آن اثری عمیق بر ساختار دینی و دیگر نهادهای اجتماعی و سیاسی عصر صفوی گذاشته است. دولت صفوی، سرآغاز دوران جدیدی در تاریخ ایران بود که برجسته ترین ویژگی آن ظهور دولتی متمرکز بر بنیاد آموزه های شیعی است. پس از روی کار آمدن صفویان، تشیع، مبنای اعمال سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران شد. این امر حضور گسترده نهاد دینی و بنابراین تشکیل ساختار دینی شیعی را در پی داشت. گسترش نفوذ و اقتدار ساختار دینی، پاره ای ملاحظات دینی، سیاسی و اقتصادی فرمان روایان صفوی و دیگر افسار و از همه مهم تر، وجود یک پیشینه تاریخی چشم گیر که یک تجربه کهن را به صفویان منتقل کرد، سبب پیدایش ساختار وقفی شیعی در ساختار دینی و سیاسی ایران شد.

بنابراین، سنت وقف گرچه ریشه در تاریخ و فرهنگ ایران داشته است، به دلیل دگرگونی های چشم گیر سیاسی و مذهبی ایران در عهد صفوی، ساختار و

ص: 119

---

1- (1) حمید رضایی، تاریخ متولیان آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، ص 18.

کارکردهای نهاد وقف تا اندازه های زیاد با ادوار پیش از آن تفاوت یافت. مهم ترین جنبه این تفاوت را می توان در توسعه روزافزون وقف بر بنیاد سیاست مذهبی و شیوه کشورداری در داخل و سیاست خارجی دولت صفوی مشاهده کرد.<sup>(1)</sup>

از سوی دیگر در قلمرو صفویان، به ویژه در پی گسترش مدارس و مساجدی که در آنها اعضای ساختار دینی به تحصیل و تدریس می پرداختند، موقوفات مربوط به آنها گسترش چشم گیر یافت. هر مدرسه و مسجد، بسته به بانی آن، دارای موقوفاتی می شد که گاه بسیار زیاد بودند. از درآمد همین موقوفات بود که مواجب مدرسین، پیش نمازان، شهریه طلاب و هزینه های نگهداری ساختمان پرداخت می شد. همچنین در پی گسترش همین موقوفات بود، در صورتی که اعضای ساختار دینی متولی آن می شدند، یک عشر آن را برای تولید دریافت می کردند که بیش از اموال و املاک بخشیده، آنها را بی نیاز می کردند.<sup>(2)</sup> آنچه بیش از همه بر میزان درآمد کسب شده از راه گسترش موقوفات و جز آن میافزود، هنگامی بود که زمین های وقتی بسیار سود آور بودند و پس از چندی و به دلیل تغییرات و تحولاتی که صورت میگرفت گاه به صورت ملک شخصی بعضی از متولیان در می آمدند گرچه از صورت موقوفه خارج میشدند ولی در اختیار خاندان های علما باقی میماندند. بنابراین بررسی و پژوهش درباره موقوفات عصر صفوی و بویژه سالهای پایانی آن روشن میکند که چگونه شبکه عظیم و گسترده ساختار دینی در پایتخت و دیگر شهرها و مناطق قادر بود به حیات خویش به گونه ای موفق و فارغ البال ادامه دهد و شمار فراوانی آثار علمی و طلبه، پروراند.

ص: 120

---

1- (1) ابراهیم بیومی، ساختار نهاد وقف در جهان اسلام، ترجمه صادق عبادی، ص 232.

2- (2) پیشین، ص 232.

گسترش موارد وقف به حدی بود که ضبط موقوفات یکی از وظایف صدر شد و در نیمه دوم حکومت صفوی، گزارش گران اروپایی گاهی از وزیر موقوفات و گاهی از مستوفی موقوفات سخن گفته اند.<sup>(1)</sup>

آستانه مقدسه، ابتدا اوقافی نداشته جز باغ بابلان که موسی بن خزرج وقف مقبره حضرت معصومه علیها السلام کرده بود و طبعاً متولی هم نداشته است. بعدها در اواخر قرن دهم هجری قمری، علاوه بر تقدم و نقابت سادات قم و نواحی، تولیت و امامت مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و تولیت مزار علی بن باقر علیه السلام در اردهاال و تمامی مزارات موجود در قم، همگی بر عهده متولی آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام بوده است. متولی آستانه، تمامی صاحبان مشاغل و مناصب مختلف در آن را عزل و نصب می کرده و تعیین خادمان، مشرفان و مجاوران آستان، مسجد و مزارات دیگر قم با او بوده و هیچ حاکم، قاضی، والی و... حق دخالت و مزاحمت در امور او را نداشته است.<sup>(2)</sup>

اما در زمان حکومت صفویه، شیوه اداره آستان مقدس کاملاً متفاوت شد؛ به طوری که مشاغل و مناصب مختلف در آستان از طرف شاهان معین می شد و بعد از مقام تولیت، منصب استیفا بالاترین مقام در آستان بود. این مقام، مستقیماً با فرمان شاه به افرادی که توسط دیوان الصدارة خاصه مشخص می شد یا با مثال هایی که از طرف صدر خاصه شاهان نوشته می شد، واگذار میگردید؛ بنابراین بررسی و پژوهش درباره موقوفات عصر صفوی، به ویژه سال های پایانی آن روشن می کند که چگونه شبکه عظیم و گسترده دینی در پایتخت و دیگر شهرها و مناطق، قادر بود به حیات خویش به گونه ای موفق و فارغ البال ادامه دهد و شمار فراوانی از آثار علمی و طلبه پیوراند.

ص: 121

---

1- (1) مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، ص 73.

2- (2) حمید رضایی، تاریخ متولیان، ص 18.

سده دهم، زمان پیدایی و استقرار نهاد وقف صفوی است. دوران فرمان‌روایی شاه عباس یکم، دوره شکوفایی بخشی از این نهاد با کارکردهای مشخص داخلی و خارجی است. دوره پس از او تا روزگار شاه سلیمان نیز دوره استمرار وقف در شکل نهادینه آن بود که تا عصر شاه سلطان حسین استمرار یافت؛ اما دوره سقوط اصفهان و پس از آن دوره آشفتگی در نهاد وقف است.

در دوره شاه اسماعیل، نخستین فرمان‌روای صفوی به دلیل درگیری و جنگ‌های پی‌درپی، به نظر می‌رسد پرداختن به ایجاد بناهای بزرگ و استقرار مساجد و مدارس، هنوز میسر نبود. از این دوره اطلاعات چندانی درباره وقف مسجد یا مدرسه در دست نیست. طی دوران شاه طهماسب یکم، همراه با شکل‌گیری و تثبیت نهاد دینی در ایران، نهاد وقف به تدریج شکل گرفت. شاه طهماسب خود واقفی بزرگ بود. براساس آگاهی‌های موجود، او مقدار زیادی موقوفه برای آستان حضرت عبدالعظیم علیه السلام در ری معین کرد.<sup>(1)</sup> توجه ویژه وی به عراق که به دلایل مذهبی و سیاسی بود، باعث شد تا املاک بسیاری بر خاندان کرکی در عراق وقف کند.<sup>(2)</sup> وی به عتبات عالیات و قم نیز توجهی ویژه داشت؛ به طوری که در سال 949 هجری قمری، مدتی را در قم سپری کرد و طی همین مدت:

«همگی اوقات فرخنده ساعات عمارت و رواج و رونق و نظام و نسق هر یک از آن مزارات با برکات توجه فرمودند. مبلغ‌های کلی از خزانه عامره به جهت اخراجات آن شفقت کردند و بر بعضی امکنه و مزارات املاک وقف فرموده بر مابقی سیورغالات تعیین کردند.»<sup>(3)</sup>

ص: 122

---

1- (1) محمد علی، هدایتی، آستانه ری، صص 77-93.

2- (2) عبدالله افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج 3، صص 539-544.

3- (3) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 299.

دوره شاه سلیمان هم به لحاظ اقدامات وقفی اهمیت بسیار دارد. در این دوره، اقدامات وقفی و مذهبی صفویه متجلی بود. از نظر زمانی این دوران، تا سال 1148 را در بر می گیرد. دل بستگی این شهریار صفوی به کشورداری چندان زیاد نبود؛ بنابراین نوعی آشفستگی در امور سیاسی و اجتماعی وجود داشته است. مهم ترین موقوفات در این زمان زمین های وقف بود. به نظر می رسد، این املاک پس از زمین های سلطنتی و دولتی سومین دسته بزرگ املاک در ایران بودند. شاردن در این باره می گوید که زمین های وقفی جنبه قدسی داشت: «زمین های موقوفه را شاه یا افراد دیگر وقف کرده اند و در این جنبه تقدس دارد.»<sup>(1)</sup>

پس از زمین، دکان، کاروان سرا، قنات، آسیاب، حمام و مانند اینها از جمله موارد وقف بودند. در عصر شاه سلیمان، موقوفاتی که از او باقی مانده باشد زیاد نیست. برای روشن شدن موضوع یک دسته بندی از انواع موقوفات این دوران با توجه به خاستگاه واقف در سلسله مراتب اجتماعی ارائه می شود:

الف) اوقاف سلطنتی؛

ب) اوقاف درباری؛

ج) اوقاف دیگران.

در دوره مورد بررسی، ما با هر سه نوع وقف به تناسب دوره و شرایط مذهبی و سیاسی آن برخورد می کنیم.

زمین داری ایران عهد شاه عباس یکم، همراه با اوج اقتدار و نظارت دولت مرکزی و ایجاد نظام حقوقی شرعی متمرکز در دولت صفوی بود. زمین ها که از عمده ترین موارد برای وقف بودند، به مقدار زیادی خاصه و خالصه شدند. این

ص: 123

امر به معنای انحصار درآمد زمین در دست شاه و دولت صفوی بود. همراه با گسترش خاصه، بزرگ ترین مجموعه وقفی روزگار صفویان، یعنی موقوفات چهارده معصوم علیهم السلام شکل گرفت و به همراه آن، اوقاف درباریان و دیگر اقشار مردم گسترش یافت. در سال های پایانی فرمانروایی صفویان، اوقاف سلطنتی رونقی نداشت و شماری از وقف های موجود مربوط به آن دوران، شامل وقف نسخه هایی از قرآن (1) یا دیگر کتب به آستانه قم است که توسط شاه سلیمان انجام گرفته است. (2) بخش عمده ای از فعالیت سلطنتی در ایران، تأیید موارد وقفی و احکام و فرمان های مربوط به اداره آنها درباره موقوفات متعدد بود. (3) اعضای دیگر خانواده شاهی نیز موقوفاتی ایجاد کردند که بخشی از آنچه باقی مانده دربرگیرنده وقف قرآن و سایر کتاب ها بر آستانه قم است. (4)

از این بررسی مشخص می شود که ساختار نهاد وقف در دوره فرمانروایی صفویان از آغاز تا سال های نزدیک به سقوط، همواره رو به گسترش بود، هر چند گاهی با تحولات و نوساناتی همراه می شد. برافتادن صفویان و سقوط اصفهان، تمام ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دینی ایران را دچار آشفتگی کرد. (5)

حال در این قسمت به بررسی وقف نامه هایی که طی این دوران نوشته شدند میپردازیم. وقف نامه هایی که هر کدام دارای شرایط خاص بودند و رعایت این شروط باری متولیان آن واجب بود که به آنها خواهیم پرداخت.

ص: 124

---

1- (1) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، صص 161-164.

2- (2) پیشین، ص 162.

3- (3) پیشین.

4- (4) پیشین، صص 254-255.

5- (5) بیومی، ساختار نهاد وقف در جهان اسلام، پیشین، صص 328-333.

وقف نامه های استان قم، بیشتر وقف نامه های کتاب ها و قرآن هایی هستند که در کتابخانه، موزه و انبار آستان برجای مانده است. وقف نامه های مربوط به املاک و اموال آنان، بیشتر در طول سالیان دراز توسط موقوفه خواران شنهان شده یا از بین رفته است. وقف نامه هایی که در این پژوهش استناد می شود، سی وقف نامه است که بیشتر آنها متعلق به آستان مقدس است که تعدادی از آنها به زبان عربی است.

(1) وقف نامه قرآن ستاره 267 موزه آستانه که شاه طهماسب آن را وقف کرده است. (1)

(2) وقف نامه علی قلی بن شاه خلیفه در ذی القعدة 954 هجری قمری که ابتدا جزوی از قیآن کریم بود. علی قلی از امرای بزرگ شاه طهماسب صوفی است که خود و پدرش از اوایل عهد او تا سال 969 هجری قمری حکومت قم را داشتند و پس از سی و چند سال برکنار شدند. (2)

(3) وقف نامه قرآن شماره 154 موزه آستان، مورخ رجب 961 هجری قمری، مبنی بر وقف همین قرآن که محمد مهدی رضوی مشهدی به وکالت از جانب شاه طهماسب بر آستان حضرت معصومه انجام گرفته است. او که کودکی خود را در قم گذرانده و به هنگام جوانی همراه پدر خود میر رضی الدین محمد از قم به مشهد رفت و به تحصیل علوم حوزوی پرداخت. میر محمد مهدی، از اعظام سادات و علمای بزرگ روزگار خود بود که در قزوین

ص: 125

---

1- (1) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، پیشین، ج 1، ص 141.

2- (2) پیشین، ص 142، حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 109 و 127.

وفات یافت و جسدش را به قم نقل کرده در کنار آستان حضرت معصومه که به بقعه محمدیه معروف بود به خاک سپردند. (1)

4) وقف نامه مورخ 997 هجری قمری که ابتدای نسخه ای از مصحف شریف است و آن را دده بیک بر آستان مقدس وقف کرده است. متن آن بدین شرح است: «وقف نمود این کلام الله مجید را سعادت نصاب دده بیک بر مزار متبرک و روضه مطهر سدره مرتبه (ستی فاطمه - علیها السلام -) وقفی صحیح شرعی مشروط آنکه در روضه و حوالی بیرون نبرند و نفروشدند و نبخشند...» (2)

5) وقف نامه ای از قرن دهم بر نسخه ای از مصحف شریف که به زبان عربی است. (3)

6) وقف نامه ای مورخ ذی القعدة 1001 هجری قمری که ابتدای درباره از قرآن کریم دیده می شود. (4)

7) وقف نامه مورخ اول شوال 1023 هجری قمری که ابتدای پاره ای از مصحف شریف است و آن را حاجی سیف الدین عرب بر حرم مطهر وقف کرده است. (5)

8) وقف نامه مورخ اول ذی القعدة 1037 هجری قمری، از شاه عباس اول با مهر میرزا رفیع الدین محمد صدر شهرستانی که 110 مجلد کتاب را بر آستان مقدس و مدرسه آن وقف کرده است. (6)

ص: 126

---

1- (1) پیشین، ص 167، مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، ص 145.

2- (2) پیشین، ص 147.

3- (3) پیشین، ص 148.

4- (4) پیشین.

5- (5) پیشین، ص 149.

6- (6) پیشین، ص 150.



- 9) وقف نامه مورخ 15، 17 و 27 رجب 1052 هجری قمری در ابتدای سی جزء قرآن کریم که جدۀ ماجدۀ شاه صفی، بانی مسجد وزیر کاشان در سال 1055 هجری قمری بر آستان مقدس قم وقف کرده و ثواب آن را به روان نواده خویش هدیه کرده است. (1)
- 10) وقف نامه مورخ اول رجب 1053 هجری قمری بر نسخه ای از مصحف شریف که آن را مادر شاه صفی بر مضجع فرزند خود وقف کرده است با شهادت نظام الدین محمد حسینی در پایین سند. (2)
- 11) وقف نامه مورخ دهه سوم ذی القعدة 1053 هجری قمری بر یکی از قرآنهای موزه آستانه که آن را خسرو امیرشکار بر مزار شاه صفی وقف کرده است. (3)
- 12) وقف نامه مورخ 1064 هجری قمری، حاکی از وقف 75 مجلد کتاب، از جانب میر محمد هاشم گیلانی بر آستان مقدس و مدرسه آن با مهر محمد معصوم حسینی. (4)
- 13) وقف نامه قرآن شماره 127 موزه آستانه، مورخ اوایل جمادی الثانی 1062 هجری قمری مبنی بر وقف همین نسخه از طرف سید اجل امجد میر ابوالقاسم میر هاشم شیروانی نجفی بر آستان مقدس به گواهی حسین عاملی که نگارنده سند است. (5)

ص: 127

- 
- 1- (1) پیشین، ص 151، فلسفی، زندگی شاه عباس اول، ج 2، ص 170 و 18.
- 2- (2) پیشین، ص 184، مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، ص 152.
- 3- (3) پیشین، ص 153.
- 4- (4) پیشین، ص 155.
- 5- (5) پیشین، ص 154.

14) وقف نامه نسخه ای از مصحف شریف که آن را محمد مهدی حسینی در 28 ربیع الآخر 1077 هجری قمری بر تبر شاه عباس دوم وقف کرده است. (1)

15) وقف نامه مورخ جمای الثانی 1077 هجری قمری، بر نسخه ای از نهج البلاغه که عیناً در آغاز نسخه ای از «استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار» محمد بن حسن بن زید الدین عاملی جبعی، نواده شهید دوم نیز دیده می شود. با سجل محمد امین الحسینی در پایان. بنابر مفاد این وقف نامه، جمشید خان قولله آقاسی، رئیس غلامان شاهی در گذشته 1079 هجری قمری در قندهار، از جانب شاه سلیمان به تولیت مقبره شاه عباس دوم نصب شده و به قم آمده و انواع خیرات و مبرات به جا آورده است و از آن جمله، چندین مجلد کتاب از از قران، صحیفه، نهج البلاغه، کتب حدیث و... که به تفصیل آن در دفاتر آن سرکار ثبت بوده، بر طلاب و صلحای قم و زائرین وقف داشته و این دو نسخه از آن جمله بر جای مانده است. در این متن گفته است چنانکه طلاب مزار از مطالعه هر یک از کتب مذکور فارغ باشند، اهل مدارس خارج شهر و آنگاه طالبان علوم در مدارس شهر بهره خواهند برد. از این مطلب برمی آید که آستان مقدس و مدارس و بیوتات گرد آن، تا این دوره بیرون شهر شمرده می شده است چنانکه نام «پشت باره» در مورد کوچه شرقی محل پیشین گورستان آستانه (بابلان) تا این زمان، شاهی بر آن است. (2)

ص: 128

1- (1) پیشین.

2- (2) پیشین، ص 156 و 157 عبد الحسین خاتون آبادی، وقایع السنین و الاعوام، ص 530.

16) وقف نامه قرآنی که آن را همسر شاه عباس دوم (نادرشاه سلیمان) بر مزار او وقف کرده است از همین سالها. (1)

17) وقف نامه نسخه ای از مصحف شریف که آن را صفی قلیع حاکم دشتستان و وزیر فارس در همین سالها بر قبر شاه عباس وقف کرده است با مهر «انوض امری الی الله عبده صفی قلی» در پایان. (2)

18) وقف نامه مورخ 12 رجب 1085 هجری قمری، از نسخه ای از مصحف شریف آن را شاه سلیمان بر روضه منوره وقف کرده است با مهر «شاه بنده دین سلیمان است» دو جا پائین سند. (3)

19) وقف نامه مورخ 12 رجب 1085 هجری قمری بر برگ ابتدایی مجلد اول شرح فروع کافی ملا خلیل قزوینی - ش 6066 - ق 103. کتاب خانه آستان قم که نسخه اصل است با خط و مهر شارح در آغاز کتاب حاکی از وقف همین مجلد با سیزده مجلد دیگر در مزار شاه عباس دوم از طرف شاه سلیمان با مهر «اوفض امری الی الله، نجف قلی: 1083 ه. ق» پائین سند. (4)

20) وقف نامه مورخ ربیع الثانی 1088 هجری قمری از صفر قلی یوزباشی چگنی بر برگ ابتدایی نسخه ای از مصحف شریف که وقف مضجع شاه صفی شده است. (5)

ص: 129

1- (1) پیشین، ص 159.

2- (2) پیشین، ص 159.

3- (3) پیشین، ص 161.

4- (4) پیشین، ص 162.

5- (5) پیشین، ص 163.

21) وقف نامه مورخ رمضان 1089 هجری قمری در ابتدای نسخه ای از مصحف شریف که آن را شاه سلیمان وقف کرده است، به انشای آقا حسین خوانساری، دانشمند مشهور این دوره در گذشته 1098. (1)

22) وقف نامه مورخ رجب 1094 هجری قمری بر برگ ابتدایی نسخه ای از مصحف شریف (شماره 15 موزه) که آنرا آقا کافور صاحب جمع خزانه عامره بر روضه منوره حضرت فاطمه معصومه هدیه کرده است با سجل و مهر میرزا ابوطالب رضوی، صدر شاه سلیمان مورخ 29 رجب همین سال. (2)

23) وقف نامه مورخ 9 جمادی الاول 1098 هجری قمری بر نسخه ای از مصحف شریف که آن را مادر شاه سلیمان بر آتانه مقدس وقف کرده با گواهی و سجل مجلسی دوم، پائین سند و مهر مادر شاه بر بالای آن. (3)

24) دو وقف نامه از ساوه در ابتدای دو نسخه از مصحف شریف مربوط به همین قرن:

«وقوف آستانه متبرکه معصومه (ستی فاطمه) قم کرد به رضا و رغبت پری خواند، منبت خواجه پیر قلی شیرازی ساکن ساوه. صد هزار لعنت بر فروشنده و کسی که بر این طمع کند. آمین رب العالمین». (4)

25) وقف نامه مورخ 10 ذی الحجه 1105 هجری قمری از مادر شاه سلیمان با مهر او در بالای سند، به انشای مجلسی دوم و مهر او در پایان (قرآن شماره 153 موزه) برای مضجع شاه سلیمان. (5)

ص: 130

1- (1) پیشین، ص 164.

2- (2) پیشین، ص 165.

3- (3) پیشین، ص 166.

4- (4) پیشین، ص 169.

5- (5) پیشین، ص 168.

26) وقف نامه مورخ 12 شعبان 1118 هجری قمری از شاه سلطان حسین با مهر او در پایان نسخه ای از مصحف شریف (شماره 156 موزه) که آن را بر آستان مقدس وقف کرده است با سبج و گواهی میر محمد باقر ملا باشی خاتون آبادی، متوفای ربیع الاول 1127 هجری قمری در پائین سند. (1)

27) وقف نامه شماره 268 موزه از شاه سلطان حسین با مهر او به خط آقا جمال خوانساری، نامور این دوره. (2)

28) وقف نامه مورخ ربیع الاول 1139 هجری قمری بر نسخه ای از قرآن مجید (شماره 27 انبار) که آن را رفعت پناه محمد ابراهیم، خلف حاجی زین الدین اصفهانی بر آستان مقدس کرده است. (3)

29) وقف نامه مورخ اول صفر 1143، قرآن کریم (شماره 142 موزه) که بر مقبره شاه سلطان حسین وقف شد هاست. گویا از همسر او، مادر شاه طهماسب دوم او را خواهری بوده است بنام «بیکسی خانم» که در این سند یاد شده و در پشت سند شماره 57 همین مجموعه، در فهرست رقبات موقوفه و مسلمیات و سیور غالات آستانه قم از مسلمیات زاویه بیکسی خانم سخن رفته است. سنگ قبر یکی دیگر از افراد این خاندان (آقا شاه خاتون دختر حمزه بیک، عمه شاه بیگی بیگم) در تعمیرات اخیر مقبره شاه عباس دوم از زیر خاک بیرون آمد. (4)

ص: 131

---

1- (1) پیشین، ص 170.

2- (2) پیشین.

3- (3) پیشین، ص 173.

4- (4) پیشین، ص 174 و 175.

30) وقف نامه مشروح و مفصل شاه بیگی بیگم همسر شاه اسماعیل صفوی، مورخ 10 صفر 929 هجری قمری که طی آن املاکی را در قم و سلطانیه بر مزار منور حضرت معصومه واقع در بیرون دروازه ساوه مدینه المؤمنین قم وقف شده است. او تا جلو بیگم دختر مهماد بیک بن حمزه بیک بکتاش موصلو است که در سال 946 به دستور شاه طهماسب از تبریز به شیراز تبعید شد و آنجا درگذشت و در مزار «بی بی دختران» به خاک رفت. (1)

او املاک بسیاری که واقع در قم و سلطانیه بوده، به آستان قدس فاطمی وقف کرده است و از آثار خیر او وقف قریه حسن آباد ورامین ری است که بر مدینه مشرفه وقف نموده و محصول آن به سادات مستحق می رسیده، همچنین ساختن گنبد عالی، موسوم به جنت سرا در کنار قبه صفویه در اردبیل. (2)

او کسی است که در سفرنامه «هانری رنه دالمانی» دختر شخصی بنام حمزه معرفی شده که تجدید بنایی حرم حضرت معصومه را به او نسبت داده است. (3) هم او را دختر امیر تیمور گورکانی دانسته است.

در فرمان 18 شوال 031 هجری قمری ظاه طهماسب و برخی اسناد یاد شده، این سند موقوفات بیگمی نامیده شده البته باید گفت که اکنون جز یکی دو مورد از موارد موقوف این وقف نامه، همگی از اختیار تولیت آستانه خارج

ص: 132

---

1- (1) پیشین، ص 131، مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، ص 131؛ حسن حسینی فسایی، فارس نامه ناصری، ص 108.

2- (2) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 288، مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، ص 131.

3- (3) هانری رنه دالمانی، پیشین، ص 855.

شده و به تصرف مالکان خصوصی در آمده است. تولیت این وقف، بنابر متن حاضر، با سید مرشد الدین رشید الاسلام، تولیت شرعی آستان مقدس بوده. این متن به علت داشتن نام تعدادی از اماکن و محال قدیم قم، از رهگذر جغرافیای تاریخی، سندی بسیار مهم است.

متن سند به این شرح است:

«از 24 سهم، 20 سهم از جمیع باغی که لنجرود نامیده می شود، واقع در ناحیه وازکرو، از اعمال شهر قم محدود به اراضی مزرعه جنداب و به خیابان و باغ بزرگ از آن ثلث مزرعه که شریک آباد خوانده می شود و از مزارع روستای قاسم آباد از روستاهای قم که محدود به مزرعه فرج آباد و به اراضی مزرعه نجیب آباد مشهور به خاک سفید و به مزرعه زعل آباد و به کوه دانیان و به خیابان محدود می شود و از آن ثلث، دو سوم مزرعه خطیر آباد از مزارع قمرود از نواحی قم که محدود به اراضی شریف آباد و به اراضی مزرعه جمالاتو به خانه نهر دار و پشته و به اراضی مزرعه میان آباد با مثلش از قناتی که به آن تعلق دارد می شود. از آن یک ششم از جمیع روستای مشهور به کوارد از نواحی قم که محدود به اراضی مزرعه رفسنجان و به صحراهای عزیز آباد و کمال آباد و به دولاب لنجرود می شود و با دو ثلث از همه شاهونه که میانین خوانده می شود. از آن یک سوم مزرعه خزانجرد از توابع وازکرو از نواحی قم که محدود به اراضی قاسم آباد و زعل آباد، علی آباد، محمد آباد، حصار شمس آباد و صحاری قریه سراج به مثلش از قناتی که به آن تعلق دارد می شود. به همراه نصف همه باغ که به عین الزاد و همه باغی که شیرزاد خوانده شده و دو باغ ذکر شده در محدوده مذکور. از آن همه باغی که خارج از مدینه قم محاط بر آن شده و به باغ میان رود معروف است که محدود به اراضی روستای قلاور از دو طرف و به خیابان نهر صفی آباد از دو طرف. از آن همه باغی که به باغ

ص: 133

بیشه معروف است که در روستای کرمجگان از روستاهای قم واقع است و محدود به باغ چاله و به خانه رود روستا می شود و به باغ محمد و باغ شهاب و جمیع باغی که به باغچه معروف است که محدود به باغ بشیر و به باغ شیخ محمد میان ده و به اراضی معروف به درخت میانین با مجرای شربش از قنات روستای مذکور و باغ مذکور می شود. از آن نصف کامل از همه روستایی که پرجون خوانده می شود، واقع در ناحیه سجاس رود از نواحی سرزمین سلطانیه که محدود به اراضی روستای د شیر و به اراضی تپه تا ق و جنبد می شود. از آن نصف همه روستایی که به دلشیر معروف است که در ناحیه ای که محدود به اراضی روستای ذکر شده و به اراضی داود تپه و کهرازک و به مکانی که میل سربند خوانده می شود، محدود می شود. همه این ها را وقف آستانه مقدسه معصومه علیها السلام در قم کرد»(1).

## وقف نامه ها

### اشاره

از نمونه وقف ها، وقف بر مدارس است که در دوره صفوی بسیار رایج بوده که نمونه ای از آنها به قرار زیر است:

### الف) مدرسه نجف قلی بیک

نجف قلی بیک تنکابنی، غلام خاصه شریفه شاه عباس دوم(2) و ناظر بیوتات سرکار خاصه شریفه شاه سلیمان(3) که متوفای 10 ذی الحجه 1095 هجری

ص: 134

---

1- (1) پیشین، ص 175-177.

2- (2) محمد طاهر، وحید قزوینی، عباس نامه، ص 276.

3- (3) میرزا سمیعا، دستور الملوک، ص 27؛ عبدالحسین خاتون آبادی، وقایع السنین والاعوام، ص 545.



قمری، (1) یا اندکی پیش از آن است که مدرسه ای در قم بنا کرده و کتاب هایی بر آن وقف کرده است. (2)

در وقف نامه آن مدرسه چنین آورده است:

«وقف صحیح شرعی نمودم - قربه الی الله و طلباً لمرضاته - کم ترین خلق الله نجف قلی ناظر بیوتات (سرکار خاصه شریفه) این کتاب را با چند جلد دیگر بر مدرسه واقعه در دارالمؤمنین قم که از جمله مستحذات این بنده درگاه است که طلبه سکنه مدرسه مذکوره و سایر طلبه سکنه بلده مزبوره به اذن مدرس که نایب شرعی متولی آنجاست، منتفع شوند. به شرط آنکه از بلده قم بیرون نبرند و مادامی که اهل مدرسه محتاج به کتب مذکوره بوده باشند به غیری ندهند و هرگاه به طلبه خارج از مدرسه بدهند، شرط آن است که در هر یک ماه، اذن جدید از نایب متولی بطلبند و بی اذن جدید نگاه ندارند و نفروشدند و رهن نکنند و خلاف شرایط مزبوره را نامشروع دانند.» (3)

### ب) مدرسه مؤمنیه

بنای اصلی مدرسه مؤمنیه قم از آثار میرزا محمد مؤمن خان اعتمادالدوله، وزیر اعظم شاه سلطان حسین است که آن را در سال 1113 هجری قمری، با 42 حجره بنیاد نموده و املاک و مستغلاتی چند بر آن وقف کرده است. میرزا محمد مؤمن خان اعتمادالدوله، فرزند حیدرخان، فرزند زینل خان شاملو است که

ص: 135

1- (1) پیشین، ص 545.

2- (2) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، ص 244.

3- (3) پیشین، ص 243.

پیشتر ایشک آقاسی باشی دیوان بوده و در نوروز سال 1110 پس از عزل میرزا طاهر واقعه نویس به وزارت شاه سلطان حسین رسید و در اواخر جمادی الثانی 1160 در مشهد درگذشت. (1) در سند آن چنین آمده است:

«وقف نامه موقوفات مدرسه مؤمنیه، مورخ رمضان 1118 هجری قمری از میرزا محمد مؤمن خان اعتمادالدوله که طی آن یک دانگ و نیم از دیه قمرود و دو خان و یک بازار (مشمول بر 22 دکان) را بر مدرسه مزبور وقف داشته است.» (2)

و در همین سند آمده است:

«محمد مؤمن خان ابدالله تعالی ایام وزارت العظمی الی انقضاء الارض و السماء تقرباً الی الله العظیم و ابتغا لوجه الکریم یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم. وقف شرعی و حبس مؤبد ملی نمود مقامی و همگی دو بند گاو از جمله پنج بند گاو ملک مطلق نواب مستطاب واقف از کل هشت بند گاو مزرعه قمرود من محال قم که از عنایت شهرت مستغنی از تعریف و توصیف است با جمیع توابع شرعیه و لواحق ملیه و ما یتعلق بها و ینسب الیها و تمامی شش دانگ خان و بازار متصل به آن که مبنی است بر بیست و دو باب دکان واقعه در سر چاه حسن من محلات قم با جمیع توابع و لواحق بالتمام و جملگی خان واقعه در کنار میدان مشهور به کاروان سرای حاجی نظر را بالتمام به مدرسه مبارکه مؤمنیه مشتمل بر چهل و دو حجره واقعه در دارالمؤمنین قم که از جمله و قضیات و بناهای خیر نواب مستطاب ایران مآب

ص: 136

---

1- (1) عبدالحسین، خاتون آبادی، وقایع السنین، ص 547.

2- (2) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، ص 243.

است به شرطی که سکنه آن از فرقه محقه امامیه اثنی عشریه کثرالله امثالهم و بلغهم فی الدارین امامهم باشند.»(1)

### ج) مدرسه خان

از مدارس دوره صفوی شهر قم است و آن را مهدی قلی خان، فرزند قرچقای خان در سال 1123 هجری قمری، بنا کرده است. قرچقای خان، سپهسالار شاه عباس اول و از مشهورترین امرای دوره پادشاهی اوست.(2) دو فرزند او منوچهرخان و علی قلی خان، هر دو اهل فضل و کمال و صاحب متأثر و آثار بوده اند. علی قلی خان فرزند کوچک او مدتی متولی قم بوده است.(3) وقف نامه مورخ 1123-14 هجری قمری، روی برگ نسخه خزاین جواهرالقرآن کتاب خانه آستان قم، مبنی بر وقف نسخه مذکور با 29 نسخه دیگر بر مدرسه ای که خود در قم ساخته، در این سند آمده است:

«بناء علیه در این وقت به جهت ترویج روح کثیر الفتوح والد ماجد خود اطاب الله ثراه، این جلد کتاب را با بیست [و] نه جلد دیگر وقف صحیح شرعی و حبس مخلد ملی جبلی نمود و تولیت کتب مذکور را به عالی قدر والاتباری نتیجه الامرا العظام حیدرقلی بیگ، فرزند ارجمند خویش مفوض و مرجوع داشته اند به شرط آنکه نظارت کتب مذکوره به مدرسین مدرسه مزبوره بوده باشد و متولی معزی الیه هرکه را از طلبه و غیره که مناسب داند کتاب دار نماید. توضیح آنکه وقف مزبور مشروط است به اینکه تولیت کتب مزبوره بعد از

ص: 137

1- (1) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، ص 231.

2- (2) ترکمان، عالم آرای عباسی، ج 2، صص 1039 و 1040.

3- (3) محمد طاهر، نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص 310.

متولی معزی الیه به اعلم و اصلح اولاد ذکور او متعلق باشد و هرگاه العیاذ با... اولاد ذکور او بالکلیه منقرض شوند، تولیت تعلق ذکور اناث اولاد او دارد، بطناً بعد بطن و عقباً بعد عقب، الاعلم فالاعلم و الاصلح فالاصح. به شرط آنکه کتب موقوفه را از دارالمؤمنین قم و حوالی و نواحی تابعه آن بیرون نبرند. وفقاً صحیحاً شرعياً دائماً بدوام السموات و الارض.»<sup>(1)</sup>

این مدرسه در مرکز محله مسجد جامع قم واقع شده است.

#### (د) مدرسه فیضیه

مدرسه آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام که از بنای پیشین آن در وقف نامه 110 مجلد کتابی که شاه عباس اول در سال 1037 هجری قمری بر آستان مقدس و این مدرسه وقف کرده<sup>(2)</sup> و وقف نامه 75 جلدی که میر محمد هاشم گیلانی در سال 1064 بر این دو جا وقف کرد.<sup>(3)</sup> از آن با نام مدرسه آستانه یاد می شود. در خلاصه التواریخ نیز از آن با همین نام یاد شده است.<sup>(4)</sup> اروپایانی که در دوره شاه عباس دوم و شاه سلیمان از قم بازدید کرده اند، بنای آن روزگار این مدرسه را وصف نموده اند.<sup>(5)</sup> که در فصل اوضاع فرهنگی به توصیف آن می پردازیم.

ص: 138

---

1- (1) مدرسی طباطبایی، ج 1، صص 242 و 243.

2- (2) پیشین، ص 149.

3- (3) پیشین، ص 155.

4- (4) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 320.

5- (5) ژان شاردن، ج 3، ص 65؛ تاورنیه، سفرنامه، ص 138؛ جملی کاری، سفرنامه کاری، ص 55.

یک طغرا مربوط به وقف نامه این مدرسه از آن دوره موجود است. وقف نامه نسخ کتب اربعه حدیث که مولانا محمدکاظم مدرس سلطانی قزوین به وکالت نواب دانشمند خان وقف مدرسه آستان مقدس حضرت در قم کرده، گوشه ای از متن آن به قرار ذیل است:

«... و در ضبط و جمع آثار ائمه از علمای دین دار مساعی رسیده و هر یک به ترتیبی، آن لثالی بی قیمت بحر بی کران طهارت و عصمت را با سرانگشت قلم صدق، رقم به رشته تالیف کشیده اند و متن آن مؤلفات و اتقن آن مصنفات کتب اربعه حدیث است... نواب دانشمند خان قره الی الله و طلباً لمرضاته، این چهار کتاب شریف را به تفصیل ذیل که از جمله ای مجلد است به حسن اهتمام و الامقام افادت و افاضت پناه فضایل و کمالات دستگاه حقایق معارف آگاه علامی فهامی مولانا محمدکاظم مدرس مدرسه آستانه مقدسه منوره متبرک حضرت معصومه علیها الف الف ثناء و تحیه که در دارالمؤمنین قم واقع است نمود. حضرت افادت و افاضت پناه مومی الیه به وکالت آن عالی جناب صیغه و قضیت بر قانون مذهب حق اثنی عشری گفته، تولیت آنها را به مدرس آن مدرسه و اگر مدرس متعدد باشد، مابین ایشان تفویض نمود.»<sup>(1)</sup>

مسئله وقف در دوره صفوی یکی از کارهایی است که در تاریخ اسلام و ایران ریشه ای عمیق دارد و به طور معمول برای حضرات چهارده معصوم علیهم السلام، زیرین عتبات عالیات، مساجد و مدارس بوده است. هیچ مدرسه یا مسجدی بدون موقوفه ساخته نمی شد؛ زیرا در غیر این صورت، امکان اداره مالی آن وجود نداشت.

ص: 139

### وقف مزرعه

مزرعه ای در یک فرسخی روستای فردو، بر مزار کوه های جنوب شرقی آن است. (1) این مزرعه و مزرعه خواه در سوی دیگر فردو، در سال 1092 هجری قمری که زبیده بیگم دختر شاه سلیمان صفوی بر آستان مقدس حسینی وقف کرده است. (2) نیمی از آن خالصه دینی و نیم دیگر وقف امام زاده آنجا شده است.

### وقف قنات

قناتی در سال 936 هجری قمری بر محله میدان قم، بناهای خیر دیگر، منار چهارسو و مسجدی که واقف آن را در مجاورت منار ساخته بود، وقف شد. (3) در خلاصه البلدان از دو قنات خواجه ابوالقاسم و قاضی شرف الدین که قسمتی از آن دو در نیمه نخستین دوره صفوی بر شهر قم وقف شد نیز یاد می شود. (4)

در سنگ نوشته مورخ 936 هجری قمری که بر دیوار مسجدی نزدیک منار مسجد نصب است، از منار چهارسو یاد می شود که گویا مقصود همین مناره باشد. در نزدیک مناره میدان و سر در گیائیه، مسجدی است در کنار یک چهارراه که بنای آن اخیراً تجدید شده است، بر بیرون پایه شرقی سنگ

ص: 140

- 
- 1- (1) قمی، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی، صص 121 و 136.
  - 2- (2) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، ص 118؛ رسول، جعفریان، صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، ج 2، ص 905.
  - 3- (3) جعفریان، صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، ج 2، ص 152.
  - 4- (4) پیشین، ص 152؛ حسینی قمی، خلاصه البلدان، صص 194 و 195.

نباشته ای با یازده بیت به خط ثلث زیبا و برجسته نصب است که گویای وقف قناتی در آن سال بر محله میدان قم و یاد از بناهای خیر دیگر واقف است. (1)

هر کدام از وقف نامه ها، شرایط ویژه ای داشتند که واقف آنها را برشمرده و متولی، مسئول رعایت شان بوده است. نظارت بر موقوفات، مستلزم توجه خاص به این امر است. به همین دلیل، علما و بزرگان شیعه کسانی را وکیل وقف از سوی خود برای نظارت بر موقوفات تعیین می کردند. وکالت موقوفات، به مرور زمان به تولیت تغییر یافت و متولیان که بعدها دارای اختیارات وسیع شدند، از سوی امیران و فرمان روایان تعیین می شدند. (2)

خدمت مزبور بسیار خطیر و معتبر بوده، خصوصاً در زمان شاه عباس اول به حدی بود که وزیر موقوفات با وزیر اعظم برابری می کرد. (3) در مطالعه اسناد با الفاضلی چون نقیب و متولی روبه رو می شویم که به نظر می رسد نقش اصلی را در این امور بر عهده داشته اند و از مناصب مهم اجتماعی می باشند که برای روشن شدن ابهامات متن اسناد به شرح آنها می پردازیم.

## نقابت

## اشاره

نقیب به معنای کسی است که به امور آل ابی طالب و حفظ انساب آنها می پرداخت. عامل عمده تأسیس نقابت این بود که در زمان عباسیان تعداد اولاد امام علی علیه السلام افزایش یافته بود. آنان که در بین مردم نفوذ داشتند و زیر

ص: 141

---

1- (1) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، ص 151.

2- (2) رسول، خامه یار، قم دیروز و امروز، رهپویان، قم، 1384، صص 89 و 90.

3- (3) نصیری اردوبادی، القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، ص 49.

بار خلافت عباسی نمی رفتند و این باعث به وجود آمدن درگیری بین علویان و خلفا می شد که تدابیری برای راضی نگه داشتن آنان اندیشیدند. یکی از آنها تأسیس نقابت علویان بود. آنان مشهورترین و فاضل ترین شخص را از خاندان حضرت علی علیه السلام که مورد قبول علویان باشد برای نقابت انتخاب می کردند. این نقیب در صورتی رسمیت پیدا می کرد که فرمان خلیفه درباره او صادر شده باشد.

## انتخاب نقیبان

به طور کلی نقبا از سه راه ذیل برگزیده می شدند.

1. سلطان یا خلیفه، شخصاً نقیب را برمی گزید و با حکم مستقیم و رسمی. نقیب عام الولاية، منصبی مهم تر و به لحاظ شخصیت از نقیب ممتازتر بود و با حکم مستقیم خود خلیفه یا سلطان انتخاب و برای منطقه مهمی منصوب می شد.
2. وزیر که نماینده تام الاختیار خلفا و سلاطین بود و یا صدر اعظم و یا هر منصبی که این امور به او واگذار می شد، نقیب را انتخاب می کرد.
3. نقیب النقباء، نقیب خاص الولاية را انتخاب می کرد و این کار باید به مهر و امضای سلطان یا خلیفه مزین می شد. گاهی نیز نقیب عام الولاية، نقیب خاص را انتخاب می کرد یا برای خود نایب انتخاب می کرد، نقبای مهم معمولاً نایب النقباء نام داشتند. [\(1\)](#)

ص: 142

---

1- (1) حمید رضایی، به نقل از احکام السلطانیة ماوردی، صص 96 و 97؛ همان به نقل از موارد الاتحاف، ج 1، ص 45.



انتخاب نقیب، از طرف خلیفه یا سلطان و یا کسی که وظیفه انتخاب نقیب را داشت، بنا به شرایطی بود که در ذیل می آید:

1. نقیب باید به حسب موقعیت و مقام خود از بزرگ ترین و محترم ترین خاندان از نظر اعتبار اجتماعی باشد؛

2. به لحاظ فضل، بزرگی و رتبه خانوادگی، در بزرگ ترین مقام و منزلت باشد؛

3. نظر و رأی آنان نافذترین در میان سادات باشد.

4. نقیب عام الولایه علاوه بر شرایط فوق باید، عالم و مجتهد باشد تا حکم و قضاوت او از نظر شرع اشکال نداشته باشد. البته نقیب النقباء هم باید همین شرط را داشته باشد. [\(1\)](#)

البته پس از گذشت زمان، این شرایط کمتر رعایت می شد و این منصب به صورت موروثی درآمد، در زمان صفویان و حتی بعد از آن نیز موروثی بود. نقباء و آیین و منصب نقابت در قرن دهم جایگاه ویژه ای در دربار حکومت ها و در میان مردم و سادات داشته اند. دیدگاه مسلمانان و جامعه اسلامی، نسبت به نقباء، به خصوص نقیب النقباء و نقیب الطالبین و سادات علوی بسیار بالا بود و پس از خلیفه او را بالاترین مقام می دانسته اند، جایگاه نقیب در ادوار مختلف متفاوت بوده است. گاهی شخصیت خود نقیب و در بسیاری از اوقات عوامل دیگر، در این ارتقا و تنزل جایگاه مؤثر بوده است. تا قبل از روی کار آمدن صفویه، این جایگاه تا حدودی حفظ شد؛ اما به تدریج جایگاه معنوی، اعتقادی

ص: 143

---

1- (1) حمید رضایی، تاریخ نقبای قم، به نقل از موارد الاتحاف، ص 45.

و دینی نقبا به موقعیتی اجتماعی و منصبی صرف تبدیل شد و بعد هم جز اسمی از آن باقی نماند. (1)

## تولیت

متولی در لغت به معنای، سرپرست، جانشین و مباشری که اداره امور مؤسسه، سازمان یا کاری را به عهده گیرد می باشد؛ اما در معنای خاص کلمه، به کسی که اداره امور بقعه ای از بقاع متبرکه را به عهده می گیرد یا کسی که امور املاک موقوفه را بر عهده دارد و سرپرستی و ذمه داری آن را به او واگذار نموده اند و او قبول کرده متولی می گویند. (2) در امور اوقاف، دو نوع متولی وجود دارد: متولی مخصوص و متولی منصوب یا متصدی.

## متولی منصوب

متولی منصوب کسی بود که در وقف نامه اسم و مشخصاتش معین می شد. (3)

در اوقاف آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام متولی آن بدین صورت بوده است که واقفین املاک فردی را از سادات رضوی قم نام برده یا مشخصاتی را برای اولاد و نسل آنها ذکر کرده و واگذار می کرده اند. در وقف نامه شاه بیگی بیگم، در سال 929 هجری قمری که طی آن املاک زیادی در قم و سلطانیه

ص: 144

---

1- (1) حمید رضایی، تاریخ نقبای قم، زائر، قم 1384، ص 78.

2- (2) علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج 40، ص 567.

3- (3) علی اکبر شهابی، تاریخچه وقف در اسلام، ص 3.

به آستان مقدس وقف شد، تولیت به سیدمرشدالدین رشیدالاسلام واگذار کرده و بعد از او به اکفی، ارشد و اصلح اولاد ذکور او و پس از او نیز با همان صفات به اولاد او واگذار کرده است.<sup>(1)</sup>

### متولی منصوب یا متصدی

چنانچه سند وقف نامه از بین رفته باشد یا واقف برای موقوفه متولی ای معین نکرده باشد و یا موافق صفاتی که در وقف نامه برای متولی ذکر شده، کسی پیدا نشود و یا متولی ذکر شده باشد، اما توان اداره موقوفه را نداشته باشد، موقوفه مجهول التولیه خوانده می شود و چون متولی منصوص ندارد، باید شخصی برای تولیت منصوب شود که این تا قبل از وضع قانون اوقاف از طرف حاکم شرع بوده که بعد از تدوین قانون تولیت با اداره اوقاف بوده است.<sup>(2)</sup>

### تولیت در آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

در آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام سه دسته متولی عهده دار امور بوده اند که میزان اختیارات آنها متفاوت بوده است. الف) دسته اول متولیان بوده اند که همه امور آستانه را بر عهده داشته اند و از آنها به اوقاف مزار یا تولیت اوقاف روضه منوره یاد می شده است و آنها مستقیماً از طرف پادشاه منصوب می شدند که تا اواخر قرن دهم بدین شیوه بوده است. معمولاً آنان متولیان شناخته شده ای از سادات رضوی قم بوده اند که

ص: 145

---

1- (1) حمید رضایی، تاریخ متولیان آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، ص 150.  
2- (2) پیشین.

تمام امور اوقاف، مدیریت حرم، نظام و انتظام آن و انصاب مشاغل مختلف به دست آنها بوده است.

ب و ج) دسته دوم و سوم متولی قدیمی (شرعی) و متولی جدیدی (تفویض) بودند که از ربع آخر قرن دهم در آستان حضرت فاطمه معصومه علیها السلام پدید آمدند و در کنار تولیت قدیمی اداره امور آن را در دست گرفتند و پس از چندی سرپرست مطلق و بی منازع آستانه شدند. (1)

تا پایان قرن یازدهم، این مقام به تناوب به بعضی از امرا و بزرگان وقت واگذار می شد و مقامی موروثی نبود. حتی بسیاری اوقات، متصدیان از سادات و علویان نبودند تا دوره شاه سلطان حسین که عهده داران مقامات مذهبی معمولاً مناصب خود را حفظ می کردند و تغییر و تحول و عزل و نصب اصولی نسبت به پیش کمتر روی می داد. به ویژه تنی چند از یکی از خاندان های سادات حسینی اصفهان (نوادگان میرسیدحسین کرکی) که همواره مورد توجه دربار صفوی و عهده دار مشاغلی مهم بودند. (2) پیش تر نیای آنان میرزا مهدی اعتمادالدوله و فرزند وی میرزا معصوم چندی در دوره شاه صفی و شاه عباس دوم متصدی مقام تولیت تفویض قم بودند. بیشتر سال ها این منصب را عهده دار بودند تا آنکه اندک اندک به حکم استمرار مقام تولیت آستان قم در آن خاندان به شکل موروثی درآمد. فهرست چند تن از متولیان تفویض آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که از خاندان نبوده اند به قرار زیر است:

ص: 146

---

1- (1) دلیلو راند، سفرنامه شاردن، ج 3، ص 77؛ مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفویان، ص 261.

2- (2) نورالدین موسوی خوانساری، روضات الجنات، ج 2، ص 323.

1. مولانا آقاجانی تبریزی که از افاضل زمان بود. خدمت و تولیت آستان مقدس قم متعلق به او بود تا در ذی الحجه سال 999 هجری قمری، موقع تشریف به حج در مکه درگذشت و همانجا مدفون شد. (1)
2. قورچی باشی؛ در اواخر دهه هشتم قرن یازده که شاردن به قم آمده، متولی آستانه و حاکم قم بوده که پیرمردی عالی مقام و پیش قورچی باشی (فرمانده) نیروهای نظامی شهر نیز بوده است. (2)
3. علی قلی خان خلجی قمی، فرزند قرچقای خان، دانشمند و حکیم بزرگ قم که در دوره صفوی مدتی در زمان شاه عباس دوم یا شاه سلیمان متولی آستانه مقدس بوده است. (3)
4. مهدی قلی خان، فرزند علی قلی خان مزبور، شاعر، ادیب و دانشمند متخلص به صفا، (4) بانی مدرسه خان قم در سال 1123 هجری قمری و نگارنده «سماءالاسماء» در لغت عربی به فارسی. (5) او نیز مدتی در دوره شاه سلطان حسین یا شاه سلیمان متولی آستان بوده است.
5. نظرعلی بیگ، او باید فرزند نجف قلی بیگ، ناظر بیوتات سرکار خاصه شریفه باشد که پدرش مدرسه ای در قم بنا کرده و خود وی در 8 ذی القعدة 1115 هجری قمری در اطراف شهر کشته شد و در جایی که به جهت مرقد شاه سلیمان در آستان حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ساخته بودند به خاک رفت. (6)

ص: 147

- 
- 1- (1) حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، صص 99.
  - 2- (2) دلبلیو راند، سفرنامه شاردن، ج 2، ص 72.
  - 3- (3) محمد نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص 31.
  - 4- (4) محمد نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص 31.
  - 5- (5) آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ج 12، ص 228.
  - 6- (6) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، صص 242 و 243.

بعد از شرح مناصب نقابت و تولیت، به شرح محتوای اسناد می پردازیم، هرچند بعضی از مواردی که در اسناد ذکر شده در ضمن این دو بحث آمد. از ابتدا آنچه در این اسناد دیده می شود واگذاری نقابت سادات رضوی است و همان گونه که در بحث شرایط رسیدن به مقام نقابت بیان شد، نقابت سادات به کسی داده می شد که دارای چهار شرط باشد و سادات رضوی دارای تمام این شرایط بودند و به طوری که در متن اسناد آمده، پادشاهان وقت، آنها را با القاب فراوان مورد تمجید قرار داده اند.

نکته دیگر اینکه نقیبان، بدون واسطه از طرف پادشاهان وقت انتخاب شده و سلاطین وظایفی را برای آنها واجب می کردند، مانند: محصل موقوفات براساس شرع و شرطی که واقف آن گذاشته به مصارف لازم برسانند که یکی از آن مصارف، تعیین بودجه ای برای رونق دادن به امور مساجد بوده است. از وظایف دیگر آنها، عزل و نصب خادمان و تمامی مشاغل و مناصب در آستان مقدس و مسجد و مزارات دیگر قم بوده است. نکته دیگر اینکه آنها اختیارات بسیاری داشتند و هیچ کس حق دخالت در امورشان را نداشته است. واقفین املاک به مزارات و آستانه ها و اماکن مقدس، برای متولیان حق التولیه قرار می دادند که معمولاً عبارت بود از یک دهم در آمد حاصل از آن. هرچند طبق قانون اوقاف، اگر واقف حق التولیه را برای متولی تعیین ننماید، اجرة المثل را به متولی آن می دهند.<sup>(1)</sup>

در آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام این سنت از ابتدای پدید آمدن تولیت، مرسوم بوده است و شاهان و حکام از این حقوق در فرمان های خود برای متولیان، یاد کرده اند. در بیش از هفت تا هشت قرنی که سادات رضوی

ص:148

---

1- (1) حمید رضایی، تاریخ متولیان آستانه مقدسه فاطمه معصومه علیها السلام، ص 151.

متولی این آستان بوده اند، علاوه بر حق التولیه، حق النقبه نیز دریافت می کرده اند. این متولیان، از قدرت مندترین و ثروت مندترین طبقات جامعه آن روز بودند و در دستگاه زمان خودشان نفوذ داشتند و از هر جهت مورد حمایت بودند. حکومت ها نیز از املاک و درآمدهای آستان و متولیان حرم هیچ گونه مالیات، اخراجات و حقوق دیوانی نمی گرفتند؛ حتی از املاک شخصی متولیان که بسیار ثروت مند بوده اند هم مالیات دریافت نمی شد. به علاوه، از سایر سادات رضوی و مجاورین آستان هم مالیات گرفته نمی شد. این مطلب را با مراجعه به متن اسناد میتوان دید.

«و به دستوری که در فرامین سلاطین مذکور مسطور است، از موقوفات مشهدين منورين و املاک و اسباب ایشان و سایر سادات رضويه و مجاوران مزارات مذکوره که در شهر و ولایت قم دارند؛ ارثاً و اکتساباً مال و اخراجات و حقوق دیوانی نمی گرفته اند و برای شان معاف و مسلم بوده و تا غایت استمرار یافته، به همین دستور معاف و مسلم و ترخان(1) و مرفوع القلم دانند و تغییر و تبدیل به قواعد مستمره راه ندهند و کسی را در خانه های شان فرود نیاورند و چهارپایان ایشان را به الاغ نگیرند(2) و مواشی(3) و مراعی(4) و تمغلا(5) نستانند و

ص: 149

- 
- 1- (1) لقبی که در قدیم از طرف پادشاهان ترک به یکی از رجال و درباریان داده می شد و او را از ادای باج و خراج معاف می کرده و اختیاری هم به او می داده اند و هر وقت می خواسته می توانسته بی اجازه به حضور شاه برود: (فارسی عمید).
  - 2- (2) کار بی مزد.
  - 3- (3) مالیات چهارپا.
  - 4- (4) مالیات مرتع.
  - 5- (5) مالیات بر مال و سرمایه.

برزیگران ایشان را بیگار و شکار نفرمایند و قبچور(1) و امیرانی نطلبند و احکام سابق ایشان را شمرده، در کل، ابواب رعایت و مراقبت واجب دانند و شرایط اعزاز و لوازم احترام به جای آورند.»(2)

این احکام و فرمان های شاهان و امتیازات زیادی که به متولیان داده می شد، باعث گردید که آنها دارای ثروت های کلان، املاک، اموال، مزارع، باغات، مواشی و حشم بسیاری شوند.

در دوره صفویه، یک دگرگونی در نحوه اداره امور اوقاف به وجود آمد. از جمله تحولات این بود که تولیت مشاهد، مزارات و مقابر که معمولاً اوقاف زیادی داشتند، به کسانی سپرده شد که از جانب دیوان صدارت برگزیده می شدند و همه امور بر عهده آنها بود، به استثنای موقوفاتی که اماکن مقدس در گذشته داشته اند و تولیت وقف به عهده خاندان متولی آن زمان واگذار شده بود. در اینجا حاکمیت ناچار شد تولیت را به موجب شرع و شرط واقف، در دست متولیان آن باقی گذارد و منصب تولیت موقوفات قدیمی را به وجود آورد. خاندان رضوی در این دگرگونی و تحول در اواخر قرن دهم، تولیت مطلق را از دست دادند و تنها منصب تولیت قدیمی آستانه را عهده دار شدند.(3)

### وضعیت اقتصادی قم

قم در نیمه دوم قرن نهم از نظر وضع اقتصادی تا حد زیادی پیشرفت کرده و سر و سامان یافته بود. «کنتارینی» در «سفرنامه ونیزیان» درباره قم نوشته

ص: 150

1- (1) مالیات متعلق به چارپایان و حیوانات.

2- (2) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، صص 211 و 212؛

3- (3) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، ص 212.



است که در آن همه چیز به حد وافر یافته می شود (1) و سپس از بازارهای قم و رواج و رونق آنها یاد کرده و می نویسد: «بازارهای خوبی دارد و بازار صنعت گران و فروشندگان قماش پر رونق است.» (2) البته این پیشرفت اقتصادی به میزان زیادی مرهون موقعیت و اهمیت قم در آن دوران است؛ ولی بی تردید یکی از علل مهم و اساسی آن، رفت و آمدها و اقامت های زمستانی پادشاهان و امیران این قرن در قم بوده است؛ (3) زیرا در قشلاق، دربار سلطنتی و اردوی شاهی که گروه کثیری از امرای لشکری و کشوری و سپاهیان در آن بودند، با گروه هایی از مردم شهرهای بین راه که همراه اردو به راه می افتادند، به قم آمده و اقامت می کردند و طبعاً در رواج، رونق و شکوفایی این منطقه نقش بسیار مهم داشتند. (4)

شاهان صفوی برای اینکه امنیت بالایی را ایجاد کنند، روش های متعددی در پیش می گرفتند که یکی از روش ها مرکزیت شدید بود.

## مرکزیت

یکی از عواملی که اقتصاد ایران را در زمان شاه عباس اول شکوفا کرده بود، مرکزیت شدیدی بود که او به وجود آورد. این مرکزیت از زمان شاه اسماعیل اول شروع شده و تا اواخر دوره صفوی ادامه داشت. آنها در این مورد سخت گیری زیاد داشتند، به طوری که در زمان صفی شاه:

ص: 151

---

1- (1) سفرنامه ونیزیان، ترجمه منوچهر امیری، ص 142.

2- (2) پیشین، ص 139.

3- (3) ابن رضا، قم از نظر اجتماعی اقتصادی، ص 22.

4- (4) حسن بیگ روملو، احسن التواریخ، ج 11، ص 508.

«وقتی حاکم قم که مرد نجیبی بود، برای تعمیرات قلعه قم که همه از خاک و گل بود و مرمت پل رودخانه و بعضی مخارج دیگر از همین قبیل، بدون اینکه به شاه بنویسد و اجازه بخواهد به حکم شخصی خود مالیات مختصری به سبدهای میوه بسته بود، افرادی این خبر را به شاه دادند که حاکم بدون اجازه شاه مالیاتی به میوه ها بسته است، شاه به قدری متغیر شد که حکم کرد حاکم را با زنجیر به اصفهان بردند و او را عزل کرد. پس آن خان که جوان متشخصی بود و از مقربین پادشاه و همیشه در حضور بود و چپق و توتون شاه را بایستی با دست خود به او بدهد و این از مشاغل خیلی محترم و مهم دربار ایران است، همین که خان را وارد اصفهان کردند، شاه او را آورد به درب عمارت سلطنتی و با حضور تمام مردم به پسرش حکم کرد که اول سبیل های پدرش را بکند، بعد بینی و گوش هایش را ببرد و پس از آن چشم هایش را بترکاند و بالاخره سرش را از تن جدا کند. همه این احکام که اجرا شد، شاه پسر را به جای پدر حاکم کرد و پیرمرد عاقلی را به نیابت او مقرر داشت و او را با حکمی به این مضمون به قم فرستاد: اگر تو از آن سگی که به درک رفت بهتر حکومت نکنی، تو را به سخت ترین قسم از اقسام به قتل خواهم رسانید...» (1).

در واقع این کار شاه صافی باعث عدم نافرمانی حاکمان و امرا، در نتیجه امنیت بسیار بالای اقتصادی و موجب رشد بالای تجارت و بازرگانی شد. در تمام ادوار تاریخی، هرگاه امنیت و آسایش در این کشور پدید آمده، تجارت و بازرگانی رونق یافته و سطح درآمد مردم بالا رفته است.

ص: 152

---

1- (1) تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، صص 84-86؛ باستانی پاریزی، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، ص 142.

اقتصاد قم همیشه بر پایه کشاورزی بوده است. در کتاب «مسالک و ممالک» همه جا از کشت زارهای وسیع و انواع محصولات کشاورزی آن سخن به میان آمده است. (1)

«بار بارو» درباره کشاورزی قرن نهم قم نوشته است که «این شهر جای پیشه وران نیست؛ زیرا مردم قم با کشاورزی گذران می کنند.» (2) سپس از باغ ها و تاکستان های فراوان قم یاد کرده است. (3)

همچنین سیاحان دیگر بیان کرده اند که در داخل و خارج شهر باغ های زیادی وجود دارند که مملو از درختان میوه هستند (4) و این خود می رساند کشاورزی این شهر در آن دوره رواج و رونق به سزایی داشته است؛ بر این اساس، غلات دیوانی از قم تهیه می شد. و هنگام لشکرکشی ها در میان سپاهیان تقسیم و توزیع می شد. (5) این وضع همچنان ادامه داشت و در دوره های بعد تا اواخر دوره صفویان، مهم ترین و مطمئن ترین منابع اقتصادی و مملکتی، زمین و کشاورزی بود و این محصولات پیوسته رونق داشت. شاه عباس یکم مشهورترین و مقتدرترین پادشاه صفوی بود که به آبادانی شهر قم پرداخت و حاکمانی خدمت گزار برای آن تعیین کرد. او شهر قم را از نظر

ص: 153

---

1- (1) ناشناخته، حدود العالم من المشرق الى المغرب، ص 142.

2- (2) سفرنامه ونیزیان، ترجمه منوچهر امیری، ص 81.

3- (3) پیشین.

4- (4) دبلیوراند، سفرنامه شاردن، ص 533؛ اولناریوس، اصفهان خونین شاه صفی، ص 528؛ جملی کاری، سفرنامه کاری، ص 54.

5- (5) حسن بیک روملو، احسن التواریخ، ج 11، ص 376.

اقتصادی و تجاری رونق داد. در زمان او، شهر قم یکی از مراکز تولید ابریشم بود. شاردن در تعریف و توصیف قم آن زمان می گوید:

«قم شهر بزرگی است در دشت وسیعی در طول یک رودخانه...،... مردم محلی می گویند این شهر دارای 15 هزار باب خانه است. اطراف قم را باغ ها و بساتین احاطه کرده اند؛ به علاوه باغات بزرگی نیز در آن طرف رودخانه دیده می شود. مردم برای تهیه آب آشامیدنی از منابع تحت الارضی که با چهل یا پنجاه پله بزرگ به اعماق زمین هدایت می شود، استفاده می کنند».(1)

دیولافوا از باغ های زیبا که حرم حضرت معصومه علیها السلام را احاطه کرده است حکایت می کند.(2) به گفته شاردن آبادی حقیقی قم از زمانی که شاه صفی در قم دفن شد آغاز گشت.(3) به دلیل این که مقابر شاهان صفوی دارای متولی مخصوص بودند و متولیان در آبادانی نقش مؤثری ایفا می کردند. شاه عباس دوم نیز به علت علاقه ای که به قم داشت مدتی از سال را در قم می زیست و علاوه بر بنای مدارس و مساجد، به تقویت بنیه اقتصادی قم همت گماشت. وی صنایع شیشه سازی، صابون سازی و توپ سازی را در قم ایجاد کرد و از معادن آهن و سرب بهره برداری کرد.(4)

ص:154

---

1- (1) راند دبلیو، سفرنامه شاردن، ج 3، ص 533.

2- (2) پیشین، ص 184.

3- (3) پیشین، ص 78.

4- (4) منصور صفت گل، ساختار نهاد و اندیشه دینی در عصر صفوی، ص 330؛ فیض، گنجینه آثار، ج 1، ص 170.

از محصولات مهم کشاورزی قم زعفران بوده که تا قرن نهم نیز در این منطقه به میزان بسیار زیادی کشت می شده. (1) زعفران قم از مرغوب ترین نوع بوده است. (2) محصول مهم دیگر قم پسته و فندق بوده است. (3) خربزه قم نیز از مرغوب ترین این نوع میوه و در شمار محصولات عمده قم در قرن دهم بوده است. باربارو نوشته: «قم دارای خربزه های بسیار خوب است و خربزه ها چنان بزرگ است که وزن پاره ای از آنها به 30 پاوند می رسد. از بیرون سبز و از درون سپید و از شیرینی چون قند است.» (4) پیش از این مستوفی هم خربزه قم را ستوده است. (5)

در دوره صفویه هم از خربزه های قم یاد شده است؛ ولی این گونه که از سخن سفرنامه نویسانی چون آدام اولناریوس برمی آید در قم:

«خربزه جالبی به عمل می آید که برخلاف خربزه های دیگر کروی شکل است و بوی زیادی دارد و به همین جهت به آن شمامه می گویند؛ ولی مزه و طعم این خربزه ها خوب نیست و باید آنها را با شکر خورد.» (6)

ص: 155

- 
- 1- (1) احمد مقدسی، احسن التقاسیم، ص 296.
  - 2- (2) ابو منصور ثعالبی، غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم، ص 709.
  - 3- (3) یاقوت حموی، معجم البلدان، ج 3، ص 397؛ قزوینی، آثار العباد، ص 442؛ قمی، تاریخ قم، صص 108، 112 و 120؛ مستوفی، نزه القلوب، ص 74.
  - 4- (4) آدام اولناریوس، سفرنامه، اصفهان خونین شاه صفی، ص 528.
  - 5- (5) حمدالله مستوفی، نزه القلوب، صص 49 و 67.
  - 6- (6) آدام اولناریوس، اصفهان خونین شاه صفی، ص 528.

محصول دیگر انگور بوده که پیش از قرن نهم به دست می آمده است. (1) در دوره صفوی ظاهراً بیشتر از قرن های پیش کشت می شده است؛ زیرا سفرنامه نویس و نیز از تاکستان های فراوان این شهر یاد می کند. (2) انار و انجیر سرخ نیز در قرن های نهم و دهم ستایش شده. (3) همچنین در طی قرون مزبور از غله و پنبه فراوان قم در ارتفاعات آن یاد شده است. (4) نوعی خیار خمیده، منحنی و بزرگ به نام خیار چنبر نیز در قم فراوان بوده است و این خیارها را در سرکه انداخته و در فصل زمستان مصرف می کرده اند. خود خیار را هم با نمک می خورده اند. (5) برنج نیز در قم به وفور به عمل می آید. (6) مستوفی از غلات فراوان و نان ارزان قم یاد کرده است. (7) در جای دیگر از گندم و اقسام میوه های فراوان این شهر یاد شده است. (8) درخت سرو از درختان فراوان بوده و در هوای قم رشد بسیار خوبی داشته که مستوفی از آن نام برده است. (9)

ص: 156

- 
- 1- (1) پطروشفسکی، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ص 414؛ قمی، تاریخ قم، صص 108 و 120.
  - 2- (2) سفرنامه ونیزیان، ترجمه منوچهر امیری، ص 81.
  - 3- (3) حمدالله مستوفی، نزهه القلوب، به اهتمام محمود دبیر سیاقی، ص 54؛ تاورنیه، سفرنامه، ص 81.
  - 4- (4) پطروشفسکی، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ص 342.
  - 5- (5) آدام اولناریوس، اصفهان خونین شاه صفی، ص 529.
  - 6- (6) تاورنیه، سفرنامه، ص 81.
  - 7- (7) حمدالله مستوفی، نزهه القلوب، ص 340.
  - 8- (8) پیشین، ص 54؛ جملی کارری، سفرنامه، ص 54.
  - 9- (9) مستوفی، نزهه القلوب، ص 74.

با توجه به گفتارهای سفرنامه نویسان اروپایی، فعالیت اقتصادی در قم فقط به کشاورزی محدود نمی شده است، بلکه رشته های دیگر کار همچون فعالیت صنعتی و پارچه بافی در این شهر رواج داشته است. (1) طبق گزارش آنان، از جمله کنتارینی، بازار صنعت گران و فروشندگان قماش پروتوق است. (2) کارخانه حریر بافی که حریر آن بسیار ممتاز بوده نیز وجود داشته است. (3) درباره زری بافی و ابریشم بافی که قم و تبریز مرکز شکفتگی آن بود (4) به درستی می توان دوره صفوی (907-1135 ه. ق) را عصر طلایی در ایران نامید.

در این دوره طیفی از پارچه های ابریشم، مخمل، بافت فلزی، ترمه، قلمکار و انواع پارچه های نقش بافت در کارگاه های مختلف شهرهای قم، اصفهان، کاشان و... تولید می شده است. (5) چکمه های ساغری و اشیای چرمی رنگارنگ نیز در قم ساخته می شده (6) و چاقو، شمشیر و خنجر آن هم شهرت بسیار داشته (7) به طوری که تیغه های شمشیر قم در سراسر ایران از نظر جوهر و جنس مشهور است. (8)

ص: 157

- 
- 1- (1) سفرنامه ونیزیان، ترجمه منوچهر امیری، ص 139.
  - 2- (2) پیشین.
  - 3- (3) سرجان ملکم، ص 276.
  - 4- (4) سفرنامه ونیزیان، ترجمه منوچهر امیری، ص 91.
  - 5- (5) شیلا کنبی، هنر و معماری صفویه، ص 155.
  - 6- (6) جملی کارری، سفرنامه کلهری، ص 54؛ محمد تقی بیگ، اخبار دارالایمان قم، ص 133.
  - 7- (7) پیشین، ص 133.
  - 8- (8) پیشین، ص 140؛ دبلیوراند، سفرنامه شاردن، ص 530؛ اولناریوس، اصفهان خونین شاه

کوزه های آب قم که بعضی از انواع آن سنگی است نیز در ایران شهرت داشته است. این کوزه ها در گرمای تابستان آب را خنک می کرده. (1)

شاهکاری های حجاری و مجسمه تراشی قم هم شایان توجه بوده است. همچنین فن بلورسازی و شیشه گری بسیار معروفی داشته است و فرآورده های آن به صورت چراغ، لامپ، غلیان، میوه خوری، شربت خوری و تنگ بوده.

کارخانه چینی سازی هم که کاسه، قدح و بشقاب در آن تولید می شده، محصولاتش را به دیگر شهرها صادر می کرده اند. (2) دیگر محصولات صادراتی قم، میوه های تازه و خشک مخصوصاً انار، مقادیر زیادی صابون، سفال های سفید و لعاب دار و تیغه های شمشیر بوده است. (3)

از دیگر آثار هنری قم مثبت کاری است؛ مخصوصاً تخت سازی آن قدر شهرت داشته که پادشاهان جز بر فراز سریر کار قم جلوس نمی کردند و این سریرها به ممالک خارجی هم صادر می شده است. درب، صندوق و سقف با آلت سازی و گروه چینی قم نظیر نداشته است. ده ها منبر و درهای قدیمی از آثار این هنرمندان در مشاهد متبرکه قم باقی است که معرف نبوغ هنری استادان قمی است؛ چنانکه همدانی در «مختصر البلدان» ضمن تحسین از جهان گردی و مزایای آن چنین آورده:

ص: 158

---

1- (1) اولناریوس، اصفهان خونین شاه صفی، ص 528؛ دلبلیو شاردن، سفرنامه شاردن، ص 526.

2- (2) ادیب کرمانی، سفرنامه قم، پیشین، ص 77.

3- (3) دلبلیو راند، سفرنامه شاردن، ص 526.



«اگر سیاحت سیاحان نبود، شناخته نمی شد آنچه میانه اندلس تا چین است و نه پادشاهان می توانستند اشیای زبده ای که در شهرها تهیه می گردد جمع آوری کنند که در شمار این چیزها، از بردهای یمانی و حریرهای هندی و سریرهای قمی و نقره کاری های نهاوند و جامه های ری و گلیم های قزوینی و دیباهای شوشتر یاد کرده است.»<sup>(1)</sup>

نمونه هایی از منبت کاری هنرمندان قم را روی ضریح ها، صندوق ها، منبرها و درهای مشاهد مشرفه از جمله آستان امام زاده معصومه کهک و شاهزاده اسماعیل و شنوه می توان دید.<sup>(2)</sup>

«ماری لکودپوتی» سفرنامه نویس فرانسوی که معروف به لابرولاندریز زیبا و از زنان ماجراجو و اسرارآمیز تاریخ فرانسه است، در سفری که به شهر قم داشته به توصیف تجارت قم می پردازد و آنها را در زمره مراکز تجارتهای مهم می شمارد. ماری در کوچه های پرپیچ و خم و در بازارهای پررفت و آمد آن گردش کرده و با آدم های عجیب و غریب که لباس های گوناگون داشتند و بعضی خوش لباس و عده ای ژنده پوش بودند، مواجه شده است. طبق گفته او، لباس بعضی از مردم تنها بالاپوشی کهنه یا پوستین پاره ای بوده؛ اما بعضی هم لباس فاخر داشته اند که حتی به طلا و مروارید آراسته بوده است. طبق گفته او، قم در آن زمان مرکز تجارتهای مهمی بوده و بازرگانانی از سراسر آسیا در این شهر با هم ملاقات و معامله می کردند؛ به همین دلیل، انواع و اقسام آدم ها از چهار گوشه جهان، از جمله تازیانی که برنس بر خود پیچیده بودند، هندوهای که رنگ مسی و چینی هایی که چشم های تنگ داشتند در آنجا دیده می شدند.

ص: 159

---

1- (1) همدانی، معروف به ابن فقیه، مختصر البلدان، ص 50.

2- (2) عباس فیض، گنجینه آثار، ج 1، صص 106-108.

همچنین مردمان سرزمین های شمالی، روس ها، ترک ها و رومی ها در این شهر به چشم می خوردند. قم مرکز تجمع نژادها و قوم هایی بوده که هر کدام به زبان خاص خود صحبت می کردند و کسی زبان آنها را نمی فهمید، مگر آنکه سخن درباره چانه زدن بر سر قیمت کالایی بوده باشد. (1)

### ضرب سکه

در دوره صفویه، تنها ضرب سکه های طلا و گران قیمت در انحصار پایتخت و یکی دو شهر عمده قرار داشت و ضرب سکه های کم ارزش تر در ولایات مرسوم بوده است. (2) جملی کارری، از ضراب خانه قم یاد می کند که کسی در آن مشغول به کار نبوده است. (3) سکه نقره ای از دوره صفویه در قم و دو سکه مسین، یکی بدون تاریخ و دیگری با تاریخ 1204 هجری قمری در قم ضرب شده است. (4)

### وضعیت مذهبی قم در دوره صفوی

شهر قم از نخستین شهرهای شیعی در ایران بوده است. در زمان صفویان ایران کشوری شیعی شناخته شد و بسیاری چیزها تغییر کرد. از رهگذر شعار

ص: 160

---

1- (1) ایوان گروس، سفرنامه سفیر زیبا، صص 196 و 197؛ موسوی خلخالی، ذکر اخبار دارالایمان قم در سیاحتنامه ها، صص 158 و 159.

2- (2) مدرسی طباطبایی، قم در قرن نهم، ص 63.

3- (3) جملی کارری، سفرنامه کارری، ص 56؛ ابن رضا، قم از نظر اجتماعی و اقتصادی، ص 63؛ مدرسی طباطبایی، قم نامه، ص 42.

4- (4) ابن رضا، قم از نظر اجتماعی اقتصادی، ص 63.

تشیع، قم نیز که مرکز دیرین شیعیان بود، ارزشی ویژه یافت. با تثبیت قدرت صفویان در سال 907 هجری قمری، حاکمان صفوی بر مذهب شیعه و رسمی کردن و رواج آن تکیه کردند. رسمیت مذهب شیعه و گرایش عمومی مردم به تشیع، بی حضور دین‌آشنایان آگاه ممکن نبود. حضور دانشمندان شیعی در صحنه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور در راهنمایی مردم و حاکمان، بسیار مؤثر بود. همکاری عالمان پرتلاش شیعه با دولت صفوی، آثار و برکات فراوانی در پی داشت. شکل‌گیری فرهنگ اصیل اسلامی و هماهنگی فرهنگ ایرانی با فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، زیباترین اثر حضور روحانیت شیعه است. در تجربه موفق حکومت صفویان، امکان هماهنگی سیاست و دین به ظهور نشست و فصل جدیدی از تعامل و همکاری در نهاد دولت و دین رقم خورد و عالمان دین در گستره‌ای وسیع، با توجه به نیازهای حکومت و براساس مباحث فقهی گذشته، مسایل نو را طرح کردند و مطالعات و کتاب‌های عامی را جهت پاسخ‌گویی به مسایل جدید سمت و سو بخشیدند.

موضوعات مهمی چون ولایت فقیه، حدود اختیارات حاکم، برپایی نماز جمعه، امر به معروف و نهی از منکر و ده‌ها موضوع دیگر، از مسایل مطرح در حوزه اندیشه سیاسی شیعه بود. شهر مقدس قم در آن دوره، از تحولات پایتخت نشینان دور بود؛ اما اندیشمندان دینی و سیاسی بسیاری را در خود جای داده بود. (1)

### تعصب مذهبی مردم قم

قمی‌ها در مذهب خود بسیار متعصب بودند و هیچ‌گاه از حاکم و والی سنی

ص: 161

---

1- (1) محمدباقر پورامینی، مکتب سیاسی قم، ص 12.

اطاعت نمی کردند. حتی والیان غیرشیعی را که به این شهر فرستاده می شدند راه نمی دادند و با آنها جنگ می کردند. این موجب شد که خلیفه مجبور شود برخلاف میل باطنی خود و با آنکه برای او خطرهایی داشت، حسین بن حمدان را به حکومت قم بگمارد. در وقت ورود او به این شهر اهالی قم از وی استقبال بسیاری کردند.<sup>(1)</sup>

شهرت قم بیشتر مذهبی است.<sup>(2)</sup> مردمان آن از روزگاران قدیم به اعتقادات مذهبی خود مؤمن و وفادار بودند و در نگرهبانی از آن حتی از باختن جان دریغ نمی کرده اند.<sup>(3)</sup> به طوری که قزوینی در «آثار البلاد و اخبار العباد» آورده است:

«مذهب سکنه قم تشیع است. دوازده امامی هستند و در مذهب غلو می کنند».<sup>(4)</sup>

### مسکرات در قم

دیولافوا، سیاح اروپایی می گوید: «شرب خمر در قم ممنوع است و هر کس بنوشد حاکم او را چوب می زند».<sup>(5)</sup>

در زمان صفویه، اگر کسی شرب خمر می کرد او را در آب انبار یا حوض انداخته و سپس بر بدن او چوب می زدند تا به حالت اغما درآید یا اینکه او را در طویله با چهارپایان محبوس و محشور می کردند.<sup>(6)</sup>

ص: 162

---

1- (1) ابی الفتح اربی، کشف الغمه، ج 3، ص 409.

2- (2) فدت آفاناس، سفرنامه، ص 60.

3- (3) شاردن، سفرنامه، ج 3، ص 533.

4- (4) قزوینی، آثار العباد، ص 211؛ مستوفی، نزهة القلوب، ص 110.

5- (5) دیولافوا، سفرنامه، ص 414.

6- (6) ناصر الشریعه، تاریخ قم، ص 221.

## توجه مردم قم به امور مذهبی

توجه به قبور امام زادگان از مواردی است که شیعیان قم در امور مذهبی از قرون گذشته به آن اهمیت می داده اند. مردم این شهر از زمان های بسیار دور، به علت ارادتی که به ائمه طاهرین داشتند، درباره فرزندان و نوادگان آن پیشوایان حداکثر احترام و توجه را به جا آورده و علویان را بیش از هر نقطه دیگر محترم می داشتند. به همین دلیل، عده زیادی از سادات در طی قرون سوم و چهارم هجری به قم آمده و در این شهر اقامت می گزیدند و در همین جا وفات یافته و دفن می شدند. (1) در قرن های بعد، مردم این شهر نسبت به قبور امام زادگان توجه داشته و به تجدید بنا و تزیین بقاع و مقابر مزبور اقدام می کرده اند. (2)

## توجه به شعایر مذهبی

### برگزاری مراسم عاشورا

از جمله مراسمی که سابقه طولانی در میان شیعه دارد مراسم عاشورا است. نخستین تعزیت رسمی را توایین در کنار مدفن امام حسین علیه السلام بر پا کردند. بعدها مراسم تعزیت با شعر و محافل شعرخوانی که توسط ائمه اطهار بر پا می شد توسعه یافت. کم کم به موازات شکل گیری سنتهای رسمی، شیعیان روز عاشورا را روز تعزیت اعلام کردند و در ایران مراکز شیعی، روز عاشورا را بزرگ می داشتند. در این زمینه صاحب «النقض» می نویسد:

ص: 163

- 
- 1- (1) تعداد 444 امام زاده در شهر قم دفن هستند که حاکی از علاقه مردم شیعه قم به اهل بیت و فرزندان آنهاست.
  - 2- (2) ناصر الشریعه، تاریخ قم، ص 52.

«این طایفه، روز عاشورا اظهار جزع و فزع کنند و رسم تعزیت را اقامت کنند و مصیبت شهدای کربلا، تازه گردانند بر منبرها و قصه گویند و علما سر برهنه کنند و عوام جامه چاک کنند و زنان روی خراشند و مویه کنند.»<sup>(1)</sup>

در واقع سوگواری عاشورا از عصر صفویه به بعد در قم با تفصیل تمام اقامه می شده است. گواه اینکه در زمان صفویه دسته جات عزاداری در قم معمول بوده، این است که امروز در تکایا و محله های قدیمی قم و نیز در موزه آستان حضرت فاطمه معصومه علیها السلام توغ هایی وجود دارد که از آن زمان و اوایل قاجار مانده و در همان زمان ساخته شده اند. توغ در قم از قرن ها قبل، از وسایل مهم سوگواری عاشورا بوده و اکنون هم به همان کیفیت سابق باقی است.<sup>(2)</sup> از این گذشته در عصر صفویه، عصری که در عموم شهرهای ایران مراسم عاشورا به پا می شده، مسلم است که در قم با سوابق ممتد و عمیقی که در تشیع و اقامه شعارهای شیعه دارا بوده، این مراسم بیشتر و مفصل تر انجام می یافته است.<sup>(3)</sup>

### وضعیت علمی مردم قم

یکی از مؤلفه های بحث فرهنگ در هر جامعه ای وضعیت علمی آن است. در این بخش به چگونگی وضعیت علمی مردم قم در این دوره می پردازیم.

قم در قرن نهم به علت اقامت عده ای از علما و فقها، در میان شهرهای شیعه نشین دیگر امتیاز داشته و از همین نظر مدارس آن نیز معمور و دایر بوده

ص: 164

1- (1) عبدالجلیل رازی قزوینی، النقص، ص 370.

2- (2) پیشین، ص 370.

3- (3) علی اصغر فقیهی، تاریخ مذهبی قم، ج 1، ص 240.

است. از جمله مدرسه محله سورانیک قم که صاحب کتاب «عمده الطالب»<sup>(1)</sup> و دیگری را خواندمیر در دستورالوزرا یاد می کند.<sup>(2)</sup> در واقع، در همین قرن بود که با تجمع عده ای از دانشمندان فنون مختلف، در قم یک مجمع علمی جلوه نمود.

شخصیت های برجسته دیگری در زمینه علمی بوده اند که شرح آنها در جای خود آمده است. غیر از این، شخصیت ها و بیوت علمی شیعه ای در طی این قرون تا دوره صفویه شخصیت های دیگری را نمی شناسیم. در دوره صفوی، علمای برجسته ای ظهور کردند و آثار بسیاری از خود به جا گذاشتند که جزء میراث مکتوب شیعه شد.

## علمای قم

### 1) ملا محمد طاهر قمی

او فرزند محمدحسین شیرازی قمی، یکی از بزرگان علمای امامیه در قرن یازدهم هجری است. سال تولد او دقیقاً معلوم نیست. زادگاهش شیراز بوده و در اصل شیرازی است. در اوان جوانی به نجف اشرف کوچ کرد و در آنجا نشو و نما یافت.<sup>(3)</sup> وی در نجف تحصیلات خود را به اتمام رسانید و معارف الهی را

ص: 165

- 
- 1- (1) ابن عنبه، عمده الطالب، ص 72.
  - 2- (2) خواندمیر، دستورالوزراء، ص 308.
  - 3- (3) انتساب به نجف و قم به خاطر حضور و اقامت وی در این دو شهر مقدس بوده است (موسوی خوانساری، روضات الجنات، ج 2، ص 262؛ لغت نامه دهخدا، ج 2، ص 481).

کسب نمود و در علوم مختلف صاحب نظر شد. بعد از اتمام تحصیل به شهر مقدس قم آمد و در آنجا به مقام مرجعیت و مرتبه شیخ الاسلام رسید و امامت جمعه و جماعت را در این شهر عهده دار شد. وی در میان مردم محبوبیت فراوانی یافت و دستورهایش را همگان پیروی می کردند. (1)

این عالم با ملا محمدباقر مجلسی، شیخ حر عاملی و شیخ بهایی معاصر بوده است. صراحت در گفتار، استدلال قوی، وسعت اطلاعات و دقت در بحث و تحقیق از ویژگی های اوست. (2) دوران ملا محمدطاهر هم زمان با اوج گیری جنگ صفویه و دولت عثمانی بود. این جنگ طولانی که گاهی رنگ مذهبی به خود گرفته و به صورت جنگ دو دولت شیعه و سنی درآمده بود، خساراتی فراوان به مسلمانان، به ویژه شیعیان وارد آورد. در چنان شرایطی شیعیان برای نجات خود و در امان ماندن از حملات عثمانی ها، به طرف مرزهای ایران روی آوردند. ملا محمدطاهر و عده ای دیگر نیز در سال 1048 هجری قمری، عراق را به مقصد قم ترک کردند. در قم به درخواست شاه سلیمان صفوی به لقب شیخ الاسلام ملقب و به منصب قاضی القضاة و همچنین امامت جمعه این شهر منصوب شد و تا پایان عمر در این سمت ماند. (3)

ص: 166

- 
- 1- (1) پیشین، ج 4، ص 262؛ مدرسی تبریزی، ریحانه الادب، ج 3 و 4، ص 489؛ گنجینه آثار، ج 2، ص 307.
  - 2- (2) تهرانی، الذریعه، ج 1، ص 200؛ مدرسی تبریزی، ریحانه الادب، ج 3 و 4، ص 489.
  - 3- (3) موسوعه، طبقات فقها، ج 11، ص 3540؛ محمدحسین الحسینی جلالی، فهرس التراث، ج 1، ص 893.



برخی از تألیفات با ارزش این فقیه به قرار ذیل است:

1. عطیه ربانی و هدیه سلیمانی؛ شرحی است بر لامیه، در این شرح بخشی از تألیفات خود را نام می برد.
2. تحفه الاخبار و کشف الاسرار که در شرح قصیده رایبه ای که به فارسی در مدح امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام سروده نگاشته است. این قصیده به مونس الابرار موسوم است و حدود هزار بیت دارد. (1)
3. بهجه الواردین در حکمت، صاحب روضات می گوید.
4. رساله السلامیه؛ در ترک (السلام علیک ایها النبی) در تشهد.
5. الاربعین در فضایل امیرالمؤمنان و امامت امام معصوم؛ در این کتاب چهل دلیل از کتاب اهل سنت بر امامت ائمه اطهار گردآوری شده و بعضی از عقاید اهل سنت در فروع و اصول دین ذکر شده است.
6. الجامع در اصول فقه و دین که آن را حجه الاسلام نامیده است.
7. الفوائد الدینیة؛ در رد فلاسفه و صوفیه. (2)

از تألیفات ملا محمد طاهر قمی، 31 اثر را در کتب گوناگون بیان کرده اند که به چند مورد آن اشاره شد. (3)

شعر

برای این شخصیت بزرگوار علاوه بر مقام علمی، اشعار و رباعیاتی در

ص: 167

---

1- (1) موسوی خوانساری، روضات الجنات، ص 263.

2- (2) مدرسی تبریزی، ریحانه الادب، ج 3، ص 320.

3- (3) پیشین.

موعظه و مدح اهل بیت به دوزبان فارسی و عربی وجود دارد که نشان از جنبه ادبی و اخلاص او نسبت به خاندان عصمت و طهارت است. (1)

گفتار بزرگان

اصحاب رجال، نام این دانشمند را در کتاب های خود آورده اند و او را تمجید و ستایش کرده اند.

علامه مجلسی نیز عباراتی در مورد وی دارد. (2)

صاحب ریحانه الادب در مورد مولانا محمدطاهر قمی چنین نوشته است:

«از مشاهیر علمای امامیه عهد شاه اسماعیل صفوی و از مشایخ اجازه شیخ حر عاملی و ملا محمدباقر مجلسی و از وجوه و اعیان علمای عهد خود می باشد که فقیه، متکلم، محقق، محدث و واعظ متبحر جلیل القدر و عظیم الشأن ما در قم، شیخ الاسلام و نافذ الامر و مطالع تمامی طبقات بود. نماز جمعه می خوانده و به تارکین آن انکار شدید داشت. معاند فلاسفه و صوفیه بوده و بین او و ملاخلیل قزوینی که نماز جمعه را در زمان غیبت حرام می دانسته جریاناتی واقع شد و همچنین در مسئله تصوف نیز مکاتباتی بین او و یکی از علمای نامی وقت به عمل آمد و رساله ای در رد صوفیه نوشته و جمعی از علما و عرفا را رد کرده است.» (3)

صاحب روضات الجنات نیز چنین نوشته است:

«ملا محمد طاهر، فاضلی دانا و محقق متکلم و جلیل القدر و نیکوکار و

ص: 168

---

1- (1) عبدالحسین شبستری، مشاهیر شعرای شیعه، ج 4، ص 299.

2- (2) مجلسی، بحار الانوار، ج 102، صص 80 و 82.

3- (3) مدرسی تبریزی، ریحانه الادب، صص 489 و 490.

واعظی متبحر و از اقران علامه مجلسی و دانشمندان بنام روزگار او بوده است و از کرامات وی نقل می کند. موقعی که شاه سلیمان بر او متغیر شده و دستور قتل او را صادر کرده و فرمان داد تا او را بکشند و جلاد حسب الامر به طرف قم حرکت کرد. در آن موقع یکی از امرا حضور داشت. از وی شفاعت کرد، شاه شفاعت او را پذیرفت و کسی را فرستاد تا او را زنده به حضور بیاورد. بدیهی است پیش از رسیدن قاصد، جلاد به قم وارد شده و او را برای کشتن آماده کرده بود. ملا طاهر از جلاد خواست تا پایان نماز در مسجد به وی مهلت دهد. جلاد بنا به تقاضای وی، او را مهلت داد. پایان نماز او ساوی با ورود قاصد بود که امریه شاه را به منظور سالم گذاردن او به جلاد ابلاغ کرد و بدین وسیله به اراده او رب العزه، از کشتن نجات یافت.»<sup>(1)</sup>

شیخ عباس قمی در فوائد الرضویه درباره او می نویسد:

«عالم جلیل، جلیل نبیل، عین الطائفه و وجهها، محقق مدقق، متکلم محدث، ثقه، فقیه بنیه جلیل القدر، عظیم الشأن، از جمله مشایخ اجازة علامه مجلسی و شیخ حر عاملی بوده، امام جمعه و جماعت و شیخ الاسلام بلدة طيبة قم بوده.»<sup>(2)</sup>

وفات

مولانا محمد طاهر قمی، پس از عمری تلاش در راه خدمت به دین و فرهنگ دینی مردم، در سال 1098 هجری وفات کرد و در کنار مرقد زکریا بن آدم قمی صحابی امام رضا علیه السلام در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.<sup>(3)</sup>

ص: 169

---

1- (1) موسوی خوانساری، روضات الجنات، ج 4، صص 262 و 264.

2- (2) شیخ عباس قمی، فوائد الرضویه، ص 548.

3- (3) مدرسی تبریزی، ریحانه الادب، ج 3، ص 320؛ علیرضا هزار، دانشوران قم، ص 114.

اشاره

محمد سعید بن محمد مفید قمی، معروف به قاضی سعید از حکما و عرفای عصر صفویه و نیمه دوم قرن یازدهم هجری قمری است که بسیار مورد احترام حکومت وقت بود تا جایی که شاه عباس ثانی و درباریانش به زیارت وی می رفتند. (1) قاضی سعید در سال 1043 هجری قمری در قم به دنیا آمد. وی در نوجوانی علم طب را نزد پدر خود آموخت. در جوانی به اصفهان رفت و در درس ملارجبعلی تبریزی و ملا محمد محسن فیض شرکت کرد. او پس از مدتی، در شهر قم به قضاوت و تدریس پرداخت. (2)

در مقدمه کتاب کلید بهشت، آمده است:

«حکیم کوچک، برادر کوچک تر میرزا محمد حسین، نویسنده تفسیر کبیر به زبان فارسی، از شاگردان ملارجبعلی تبریزی است. وی در خدمت شاه عباس دوم صفوی، در سلک اطبای حاذق بود. قاضی سعید نیز به درجه و مقام برادر خود نایل و طبیب رسمی دربار صفوی گردید و ظاهراً به مناسبت اینکه در جوانی بر فنون طب و حکمت دست یافته و مدتی قبل از 28 سالگی به مقام مذکور رسیده بود، وی را در مقابل برادر بزرگ ترش، حکیم کوچک لقب داده اند.» (3)

در حدود سال 1068 هجری قمری، که تکیه فیض را می ساختند، در اصفهان بود و بر حسب مأموریتی که از طرف شاه عباس دوم پیدا کرد، از

ص: 170

1- (1) حمید عنایت، تفکر نوین سیاسی اسلام، ص 12.

2- (2) هانری کربن، تاریخ فلسفه اسلامی؛ مدرسی تبریزی، ریحانه الادب، ج 4، صص 412 و 413.

3- (3) قاضی سعید، کلید بهشت، ص 9.

وجوهی که حلال و بی شبهه بود، املاک و آبادی های مرغوبی را خریداری و بر تکیه مزبور وقف کرد. حکیم کوچک از طرف شاه عباس دوم مدتی به قضاوت قم مشغول بوده و از آن تاریخ به بعد به قاضی سعید مشهور شده است. (1)

قاضی سعید در اوایل بلوغ فکری اش، درصدد بحث و جست و جو در احادیث و اخبار نبود و ظاهراً در حدود سی سالگی، به دلیل خوابی که دیده بود، درصدد آن برآمد و با تفکر در اخبار مشکله به دنبال کردن مسلک استاد خود ملامحسن فیض کاشانی (تطبیق شریعت با فلسفه و تصوف) پرداخت. قاضی سعید به عربی و فارسی نیز شعر می گفته و دیوان شعر فارسی او معروف است؛ اما از دیوان او اطلاعی در دست نیست. (2) از قاضی سعید یک فرزند فاضل متکلم ماند به نام مولی صدرالدین. وی در مدرسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام اصول کافی درس می داد و بعدها به منصب پدر (ظاهراً قضا) در آذربایجان منصوب شد. (3)

### خدمات اجتماعی قاضی سعید

قاضی سعید برخلاف دو استادش فیض و فیاض، از حکیمان و فیلسوفانی است که منافاتی بین عرفان و فلسفه با مشاغل اجتماعی، نمی دیده؛ بنابراین با کمال مهارت در این فن در مسئولیت های اجتماعی عصر خود صاحب نقش

ص: 171

1- (1) پیشین.

2- (2) پیشین، ص 11.

3- (3) پیشین.

بوده و تا آخر عمر، مسؤلیت هایی را عهده دار بوده است. فعالیت های اجتماعی او را در چند محور می توان بیان کرد.

## 1. پزشکی

اولین مسؤلیت اجتماعی وی، شرکت در تیم پزشکی شاه عباس صفوی است. سرپرستی این تیم را برادر بزرگ محمد سعید برعهده داشت که امتیاز مهمی برای او و برادرش فراهم آورده بود. او سمت حکیم باشی شاه عباس را برعهده داشت. حکیم باشی از موقعیت ویژه ای نزد شاه برخوردار بود. او ریش سفید پزشکان دربار و در مجالس عمومی و خصوصی همراه شاه بود. گرفتن نبض شاه در هر روز به دست او انجام می شد و حقوق، پاداش و عضویت پزشکان یا اخراج آنان به دست وی انجام می گرفته است. او عطاری باشی دربار را هم نصب می کرد و اگر طبیبی غیروارد به این شغل اقدام می کرد، او را از آن کار باز می داشت. همچنین اگر بیگلربیگیان ایالات از دربار طبیب درخواست می کردند، انتخاب و اعزام پزشک به عهده حکیم باشی بوده است. (1)

## 2. قضاوت

محمدسعید، مدت ها سمت قضاوت را در شهر قم عهده دار بود و به همین

دلیل به قاضی سعید مشهور شده است. انتصاب او به این سمت، از سوی دربار در سال 1099 هجری قمری، در پنجاه سالگی صورت گرفت و این همان سالی است که قاضی سعید تدوین اربعینات خود را در اصفهان آغاز کرده است و در سال 1105 به سمت شیخ الاسلامی شهر قم منصوب شد و اینکه او با این

ص: 172

سمت، سمت قبلی خود را حفظ کرده یا نه، معلوم نیست؛ به هر حال، محمدسعید حدافل مدت شش سال در این سمت باقی بود.<sup>(1)</sup>

### 3. تدریس

از دیگر خدمات اجتماعی قاضی سعید قمی، تدریس علوم دینی بود. بازماندگان قاضی سعید نیز در قم منصب تدریس آستان حضرت معصومه علیها السلام را عهده دار بوده اند، فرزند او صدرالدین سال ها در آن مکان مقدس به تدریس اصول کافی مشغول بود.<sup>(2)</sup>

### 4. شیخ الاسلامی

منصبی که قاضی سعید در آخرین سال های عمر خود متصدی آن شده بود، شیخ الاسلامی شهر قم بوده است. این منصب در سال 1105 هجری قمری به او داده شد. تا سال 1107 که قاضی جلد سوم شرح توحید خود را به پایان رسانیده، در آخر آن تصریح نموده که این دومین سال شیخ الاسلامی وی بوده است.<sup>(3)</sup>

### 5. ساختن یخچال

از دیگر اقدامات اجتماعی قاضی سعید، تأسیس یخچال در قم بود. روزی او شخصی را فرستاده بود نزد صاحبان یخچال که یخ باقی مانده را برایش کنار

ص: 173

---

1- (1) فیض، گنجینه آثار، ج 1، ص 309.

2- (2) پیشین.

3- (3) رسول جعفریان، دین و سیاست در دوره صفوی، ص 412؛ افندی اصفهانی، ریاض العلماء، ج 2، ص 284.

بگذارند. آنها در جواب گفته بودند کسی که چنین حکمی می کند، باید خود یخچال بسازد. چون به گوش قاضی رسید، دستور داد به مدت دو ماه یخچالی ساخته شود که بی نظیر باشد. (1)

6. ساختن تکیه

در سال 1068 هجری قمری که به امر شاه عباس تکیه فیض در اصفهان ساخته می شد، قاضی سعید از طرف شاه مأمور شد که از وجوه حلال و بی شبهه، املاک و آبادی های مرغوب خریداری و بر تکیه مزبور وقف نماید. (2)

قاضی سعید قمی، در سال 1104 هجری قمری دار فانی را وداع گفت و به سرای باقی شتافت. پیکرش در قم نزدیک مقبره ابن بابویه در کنار خیابان ارم دفن شد. (3)

### 3) شیخ احمد قمی

در سال 922 هجری قمری، در محل قدیمی چهارمردان قم در خانواده ای متدین، کودکی به دنیا آمد که نامش را احمد گذاشتند. (4) به رغم آنکه خانواده اش از راه تجارت روزگار می گذراندند، او وقتی به سنین جوانی گام نهاد، تصمیم گرفت در علوم دینی تحصیل کند. وی در این راه آن چنان موفقیتی کسب کرد که پس از زمانی کوتاه به مدارج علمی، دست یافت. این توفیق

ص: 174

---

1- (1) فیض، گنجینه آثار، ج 1، ص 308.

2- (2) قاضی سعید، کلید بهشت، ص 9.

3- (3) علیرضا هزار، دانشوران قمی، ص 112؛ مدرسی تبریزی، ریحانه الادب، ص 269.

4- (4) محمد تمهیدی، تایلند سرزمین طلایی، ص 55.



علمی، موجب شد که در دوران جوانی به لقب شیخ مفتخر شود. شیخ احمد از طریق پدر، آشنایان و همکارانش، اطلاعاتی در مورد سرزمین های دیگر به دست آورد. او از بازرگانان شنید که مسافرت با کشتی از طریق بنادر خلیج فارس و دریای عمان و روی آوردن به نواحی جنوب شرقی آسیا بسیار مفید است. شیخ احمد به همراه برادرش در سال 1062 میلادی و در دوران زمامداری نارسوان با یک کشتی بزرگ ایرانی و از طریق سواحل جنوب شرقی وارد تایلند شد. او با توان مندی علمی و تسلط به چندین زبان خارجی، در تایلند به نشر عقاید شیعه پرداخت. منش و رفتار او به گونه ای بود که حتی افراد بودایی که به صورت افراطی از آیین خود دفاع می کردند، به مذهبی که شیخ احمد مبلغ آن بود، روی آوردند.

وی عاشقانه خود را وقف جامعه مسلمانان تایلند کرد و رهبر و راهنمای آنان در تبیین احکام و فرمان های دینی شد و در ترویج باورهای شیعه بسیار تلاش کرد. او پس از یک دهه تلاش مستمر، توانست گروه چائوسن (چائومن) را تشکیل دهد تا به امر تبلیغ دین اسلام در جنوب شرقی آسیا کمک کنند. با تلاش وی و دوستان وفادارش، جامعه مسلمانان به شهرت فرهنگی و سیاسی بالایی دست یافت. حتی در حال حاضر هم هر روز بر تعداد شیفتگان آن افزوده می شود. حضور پر قدرت او در دربار سیام (تایلند)، سبب مسافرت تاجران مسلمان به این منطقه شد و توافق نامه های تجاری پرسودی منعقد گردید. فرمانروای وقت، مسلمانان را به عنوان یک اقلیت به رسمیت شناخت؛ زیرا توسعه کمی و کیفی آنان در سیام افزایش یافته و شیخ احمد قمی رییس این جامعه برگزیده شد. (1)

ص: 175

شیخ احمد با دختری از خانواده ای مشخص به نام اب چولی ازدواج کرد که نتیجه این وصلت یک دختر و دو پسر بود. پسر بزرگ چوئن نامیده شد و پسر کوچک تر قبل از اینکه به ده سالگی برسد، بر اثر بیماری آبله درگذشت. دخترش شی نام داشت؛ به این ترتیب، یک خانواده تایلندی از نسل شیخ احمد قمی شکل گرفت.

موفقیت فرهنگی و نفوذ اجتماعی شیخ احمد، موجب شد تا مدیریت توسعه بندر و گمرک آیودیا را به دست آورد. او پس از چندی در جایگاه دومین فرد، بعد از وزیر خارجه و بازرگانی، در تصمیم گیری های مهم تایلند قرار گرفت. پس از درگذشت او، دوستش چائومن به جانشینی او منصوب شد. شیخ احمد در زمانی که قائم مقام ریاست وزارت امور خارجه تایلند بود، به گسترش روابط سیاسی این کشور با سایر سرزمین ها اقدام ورزید؛ از این رو، گروهی از نمایندگان حکومتی را به ژاپن فرستاد تا روابط دوستانه ایجاد کنند. شیخ احمد، اولین شیخ الاسلام تایلند است که لیاقت خود را در امور فرهنگی و سیاسی نشان داد و موفق شد از سوی پادشاه به مقام «چائوخایاراج نایوک (وزیر اعظم)» دست یابد. در مورد تاریخ دقیق رحلت شیخ احمد قمی مدرک مستندی یافت نشد. البته در دهه های اخیر، برخی محققان تلاش کردند جای دقیق مقبره اش را بیابند. در سال 1950 میلادی «آرجان پرم احمد» کوشید تا جای دفن وی را مشخص کند، اگر چه نتایجی به دست آورد؛ ولی تحقیقاتش به علت فوت او ناتمام ماند.

«خو آن سری تنگترومی» همراه با همسرش «خان جوئن چیل» و تعدادی از دوستانش در چهارم آگوست 1967 میلادی دنباله پژوهش های آرجان را ادامه دادند و سرانجام مقبره شیخ احمد را کشف کردند. آنها دریافتند که مردم

بومی به مزارش می روند و آن را قبر شیخ احمد فقیه می نامند. سپس، مؤسسه ای به نام شیخ احمد قمی (چائوپایا بورن راج نایوک) تأسیس شد. (1)

#### 4) ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی قمی

عبدالرزاق بن علی بن حسین لاهیجی قمی، از فیلسوفان دوره صفویه است. وی در لاهیجان به دنیا آمد و در قم اقامت کرد و به همین دلیل به قمی نیز مشهور است. عبدالرزاق لاهیجی، از شاگردان ممتاز ملاصدرا و از محققان بزرگ عصر خود در حکمت مشاء و اشراق بود. وی از بزرگ ترین متکلمان دوره اسلامی است. (2) حکمت را از صدرالمتألهین شیرازی آموخت و به افتخار دامادی استاد نایل شد. وی در مدرسه معصومیه قم به تدریس معقولات پرداخت (3) و از جانب استاد ملقب به فیاض گردید. حکیم لاهیجی در مقطع زمانی از قرن یازدهم، رییس حوزه علمیه قم شد و شاگردی مانند قاضی سعید قمی را تربیت کرد. گوهر مراد، سرمایه ایمان، شوارق الالهام، شرح الهیاکل و دیوان شعر از جمله آثار اوست. (4) محققین، کتاب گوهر مراد را در تحقیق مسایل دینی و معارف الهی، بی مانند دانسته اند. (5) در این کتاب گران سنگ و همچنین سرمایه ایمان که گزیده گوهر مراد است، اندیشه سیاسی این عالم را می توان یافت. به

ص: 177

- 1- (1) علیرضا هزار، دانشوران قمی، ص 103؛ علی اصغر فقیهی، تاریخ مذهبی قم، ص 153.
- 2- (2) سیدجلال الدین آشتیانی، منتخباتی از آثار حکمای الهی، ج 1، ص 282.
- 3- (3) عبدالرزاق لاهیجی، مقدمه گزیده گوهر مراد، ص 12؛ ناصرالشریعه، تاریخ قم، ص 73.
- 4- (4) مدرسی تبریزی، ریحانه الادب، ج 4، ص 197؛ افندی، ریاض العلماء، ج 3، ص 114.
- 5- (5) هزار، دانشوران قم، ص 105.

اعتقاد لاهیجی، عقلاً بر مردم واجب است که فردی را برای رهبری حکومت برگزینند. (1)

برخی محققان و مورخان، با در نظر گرفتن تاریخ جلوس شاه عباس به تخت سلطنت و این که محقق لاهیجی کتاب گوهر مراد خود را به نام سلطان وقت نوشته و کتاب سرمایه ایمان را پس از آن تألیف کرده، تاریخ دوم مورد تأیید است. (2) ملا عبدالرزاق لاهیجی در سال 1072 هجری قمری، در شهر قم دار فانی را وداع گفت و در همانجا دفن شد. (3)

## 5) میرزا حسن لاهیجی

او فرزند ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی است. پسر بزرگ او و نوه دختری صدرالمتألهین شیرازی است. میرزا حسن از دانشمندان نامی عصر خود بوده و در شهر قم می زیسته است. (4) میرزا تحصیلات خود را در نزد پدر و بعد نزد شاگردان وی تلمذ کرد و به ظن قوی، نزد حکیم قاضی سعید قمی و همچنین فیض کاشانی که شوهرخاله اش بود، تحصیل کرده است. پس از آنکه مدتی را در عتبات عالیات به سر برد و نزد اساتید بزرگ حوزه های علمیه نجف و کربلا استفاده شایان نمود، به قم بازگشت و به مطالعه، تحقیق و تألیف پرداخت و همانند پدر، در معصومیه تکیه بر کرسی تدریس زده، شاگردان فاضلی را تربیت کرد که نام چند تن از آنان به قرار ذیل است:

ص: 178

---

1- (1) لاهیجی، مقدمه گزیده گوهر مراد، ص 339.

2- (2) مدرسی تبریزی، ریحانه الادب، ج 3، ص 234.

3- (3) ناصر الشریعه، تاریخ قم، ص 75.

4- (4) موسوی خوانساری، ریحانه الادب، ج 3، ص 234.

1. میرعبدالرحمن فرزند سیدکمال؛

2. مرتضی فرزند روح الامین حسینی؛

3. محمد فرزند صفی الدین سیدمحمد حسینی؛

4. میرزا محمدتقی شریف رضوی.

میرزا حسن مانند پدرش در کلام، فلسفه، حدیث، فقه و عرفان صاحب نظر بود و در هر کدام از این علوم آثاری از خود به یادگار گذاشته است. از جمله آثار او: آیینة حکمت به فارسی در اصول دین، الفه الفرقة در کلام و روایع الکم در حکمت نگاشته است. او در سال 1121 هجری قمری وفات یافت و مرقدش امروز در قم، کنار خیابان ارم نزدیک گذر خان است. (1)

### 6) میرزا محمد قمی مشهدی

شیخ محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، دانشمندی جامع نگر، ادیبی کوشا، فقیهی پارسا، محدثی مورد اعتماد و از همه مهم تر، یکی از برجسته ترین مفسران دنیای تشیع در اوایل قرن دوازدهم است.

او که در دوران شکوفایی تشیع، یعنی عصر صفویه زندگی می کرد، با بزرگ ترین دانشمندان، محدثان، فقیهان و فیلسوفان سده یازدهم و دوازدهم هم نشین بود. برخی از آنها عبارت اند از: ملا محمد محسن فیض کاشانی، علامه محقق ملا محمدباقر سبزواری، صاحب ذخیره المعاد فی شرح الرشاد، علامه محمدباقر مجلسی، شیخ محمد بن حسن حر عاملی، صاحب وسایل الشیعه و ملاخلیل بن غازی قزوینی، نویسنده شرح عده الاصول و الصافی فی

ص: 179

---

1- (1) موسوی خوانساری، ریحانه الادب، ص 235؛ افندی، ریاض العلماء، ج 1، ص 207؛ ناصر الشریعه، تاریخ قم، ص 80.

شرح الکافی. تفسیر کنزالدقائق از آثار اوست. در این تفسیر، او احادیثی که از اهل بیت عصمت علیهم السلام رسیده، ذیل هر آیه ای نقل کرده است و به گفته خود او، به سبکی تألیف شده که هیچ یک از گذشتگان به آن موفق شدند. (1)

این تفسیر، محصول سال ها تلاش و مطالعه مرحوم میرزا محمد قمی در آثار قرآنی به جای مانده از گذشتگان است.

تألیفات او

انجام المطالب فی الفوز بالمآرب، التحفه الحسنيه، حاشیه بر کشف زمخری، حاشیه شیخ بهایی بر تفسیر بیضاوی، جواب اعتراضات و شبهات علمای ماوراءالنهر در مورد شیعه، تبیان سلیمانی، سته ضروریه، سلم درجات المنبه فی معرفه فضائل ابی الائمه علیهم السلام، الفوائد الشارحه، شرح زیارت رجبیه، شرح صحیفه سجادیه، کتاب صید و ذباحت، کاشف الغمه، مراد العصمه و الضلاله، معاد و حشر و نشر اجساد و رساله ای در وجود تصحیح شواهد ابن ناظم.

میرزا محمد مشهدی قمی، در نیمه اول قرن دوازدهم و در حدود سال 1125 هجری قمری، دار فانی را وداع گفت. (2)

ص: 180

---

1- (1) علیرضا هزار، دانشوران قمی، ص 113؛ موسوی خوانساری، روضات الجنات، ج 7، ص 355.

2- (2) هزار، دانشوران قم، ص 365.

## 7) سیدصدرالدین رضوی قمی

سیدصدرالدین، از فقیهان و علمای بزرگ عصر شاه سلطان حسین صفوی است. (1) او در سال 1095 هجری قمری در خانواده ای اصیل به دنیا آمد. پدرش محمدباقر رضوی است که در شرح حال او در کتاب های تراجم مطلبی به دست نیامد. از زادگاهش نشانی درستی در دست نیست؛ ولی چون مدتی در قم اقامت داشته به قمی مشهور است. سیدصدر در حوزه علمی اصفهان که در آن دوره از رونق به سزایی برخوردار بود، نزد جمعی از نخبگان علم، حکمت و فقه حاضر شد و با همت بلند و رنج فراوان به درجات بالایی از دانش و فضل دست یافت.

از معروف ترین اساتید او آقا جمال الدین خوانساری، شیخ جعفر قاضی و علامه شیروانی بود. از شاگردان وی در منابع، غیر از وحید بهبهانی، مؤسس علم اصول به کسان دیگر اشاره ای نشده است. از تألیفات او چند اثر را ذکر کرده اند که عبارت است از:

حاشیه بر مختلف علامه حلی و کتاب طهارت و مشهورترین و معتبرترین کتاب به جا مانده از او، شرح وافیه در علم اصول فقه است. وی در سال 1160 هجری قمری، در 65 سالگی وفات یافت که محل دفنش معلوم نیست. (2)

## 8) قاضی احمد قمی

### اشاره

ادیب دیگر و بسیار معروف دوره صفوی، قاضی احمد قمی است که در زمره مورخان و تذکره نگاران برجسته دوره صفوی است و آثار برجسته ای از

ص: 181

---

1- (1) فیض، گنجینه آثار، ج 1، ص 302.

2- (2) علیرضا هزار، دانشوران قم، ص 356؛ مدرسی طباطبایی، گنجینه آثار، ج 1، ص 302.

خود به یادگار گذاشته است. شرح حال قاضی احمد قمری در بحث اوضاع اجتماعی و خاندان های قم گذشت. در اینجا از آثار و نگاهشته های او سخن به میان می آید.

آثار این ادیب مورخ از این قرار است:

## 1. خلاصه التواریخ

قاضی احمد در سال 984 هجری قمری، از سوی شاه اسماعیل به تدوین خلاصه التواریخ مأمور شد و پس از دوازده سال از نگارش مجلد پنجم آن، که تاریخ فرمان روایی صفویان از آغاز قرن دهم تا همین سال (984 ه. ق) است، فراغت یافت. این مجلد را او به منزله تکمله ای برای مطلع سعدین سمرقندی دانسته است. او در نظر داشت وقایع دوران سلطنت شاه عباس را در مجلدی دیگر گرد آورد. در گلستان هنر در دو جا (1) از مجلد سادس خلاصه التواریخ یاد می شود. در عبارت دیباچه کتاب می خواهد بگوید که دیگر مجلدات نگاشته شده است. نسخه های کتاب نیز با یک دیگر جدایی ها و کمی افزودگی دارد و گویا مؤلف خود پس از تدوین نخست، تصرفاتی در آن داشته است. (2)

## 2. گلستان هنر

زندگی نامه خوش نویسان و نقاشان را با دو تحریر که یکی را در اواخر سال 1004 هجری قمری به پایان برده و تاریخ صفر 1005 هم در آن است و دیگری با تاریخ 1015 هجری قمری است که می تواند افزوده های بعدی مؤلف

ص: 182

---

1- (1) قاضی احمد قمری، گلستان هنر، ص 108.

2- (2) احمد گلچین معانی، تاریخ تذکره های فارسی، ج 1، ص 708.



باشد. ماجرای برکنار شدن خود را از دیوان و در جایی با تاریخ 1007 آورده که آن قسمت، به شهادت تعبیر آمدن در قم نگاشته شده است.<sup>(1)</sup>

### 3. تذکره مجمع الشعرا

این تذکره، اثری بزرگ بوده و قاضی خود در گلستان هنر<sup>(2)</sup> و خلاصه التواریخ<sup>(3)</sup> از جمله سرگذشت مولانا پناهی،<sup>(4)</sup> اهلی شیرازی،<sup>(5)</sup> میرزا شرف جهان قزوینی،<sup>(6)</sup> پدر خویش،<sup>(7)</sup> هلالی،<sup>(8)</sup> حیرتی<sup>(9)</sup> و صدقی استرآبادی<sup>(10)</sup> به کرات یاد می کند. در کتاب، نخست از سرگذشت شاهان، شاهزادگان، امرا و وزرا نیز سخن می گوید.<sup>(11)</sup>

### 4. منتخب الوزراء

در سرگذشت وزیران و منشیان است که سرگذشت وزیران از آصف بن

ص: 183

---

1- (1) احمد گلچین معانی، تاریخ تذکره های فارسی، صص 708-732.

2- (2) قاضی احمد قمی، گلستان هنر، صص 82، 89، 97، 99، 102، 108 و 122.

3- (3) قاضی احمد قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 99.

4- (4) پیشین، ص 46.

5- (5) پیشین، ص 99.

6- (6) پیشین، 146.

7- (7) پیشین، ص 287.

8- (8) پیشین.

9- (9) پیشین، ص 365.

10- (10) پیشین.

11- (11) پیشین، ص 108.

برخیا تا نظام الملک را بیان کرده و کتاب در میانه سرگذشت نظام الملک ناتمام می ماند. (1)

## 5. جمع الاخبار

تذکره شاعران و نویسندگان آذربایجان، عراق و خوزستان در شش مجلد کوچک که گویا نسخه آن در دست است. (2)

## 6. دیوان ابراهیم میرزا صفوی

نزدیک سه هزار بیت که آن را قاضی گردآورده و دیباچه ای بر آن نگاشته است. (3)

## 7. دیوان اشعار

از آنجا که قاضی شعر می سروده (4) دور نیست که به رسم شاعران، دیوانی هم داشته است. او برخی سروده های خویش را در دو اثر مشهور خود آورده است. از جمله قصیده ای در وصف هجوم ازبکان و کشتارهای آنان در مشهد طوس. (5)

ص: 184

---

1- (1) گلچین معانی، تاریخ تذکره های فارسی، ص 416.

2- (2) پیشین.

3- (3) قاضی احمد قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 110.

4- (4) گلچین معانی، تاریخ تذکره های فارسی، ج 2، ص 728.

5- (5) قاضی احمد قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 54.

مرحوم افندی این کتاب را در دست داشته و تا آنجا که برخورده ایم در سه جای کتاب ریاض العلماء از آن نقل می کند:

الف) ذیل سرگذشت حسن بن محمد بن حسن قمی، نگارنده کتاب قم به همین نام؛(1)

ب) ذیل سخن از رساله الدائل البرهانیة از آثار منسوب به علامه حلی با نام تاریخ قم؛(2)

ج) ذیل سرگذشت افضل الدین حسن بن فاذاق قمی از پیشوایان فن لغت با نام رساله مفاخر قم.(3)

### وضعیت هنر و ادب در قم

ادیبی چون حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، مترجم تاریخ قم که مردی دانشمند بوده و در علوم ادبی و عربی تبحر بسیاری داشته است، در قرن نهم در قم زندگی می کرده است. او فرزندی هم داشته به نام بهاءالدین که قدیم ترین نسخه موجود تاریخ قم به خط اوست. به جز آن، مجموعه ای به خط نستعلیق، مرکب از چند رساله ادبی و عرفانی از او موجود است.(4)

ص: 185

---

1- (1) افندی، ریاض العلماء، ج 2، ص 26؛ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج 16، ص 271.

2- (2) پیشین، ج 8، صص 248 و 249؛ افندی، ریاض العلماء، ج 3، صص 278 و 279.

3- (3) پیشین، ج 2، ص 26؛ آقا بزرگ تهران، طبقات اعلام شیعه، ص 99.

4- (4) مدرسی طباطبایی، قم در قرن نهم، ص 196.

ادبیات عصر صفوی دو دوره خاص سبک شناسی را در بر می گیرد. سبک شعر در قرن دهم که حد میانه سبک عراقی و سبک هندی است و تا اوایل قرن یازدهم و حدود صد سال جریان دارد و دیگر شعر سبک هندی است و تا اواسط قرن دوازدهم، به مدت 150 سال در ادبیات فارسی رواج دارد. درباره این که ادبیات شهر قم را در بر می گیرد، نظریات و دیدگاه های فراوان و گاه متناقضی دیده می شود. برخی همچون «ادوارد براون» و «ریبکا» شرق شناسان اروپایی و «علامه قزوینی»، «ملک الشعراى بهار» و «رضاقلى خان هدایت» بر این باورند که ادبیات این دوره نسبت به دوره های پیش چشم گیر و شایان توجه نیست و برخی چون «راجر سوری» و «احسان یارشاطر» ضمن تجزیه و تحلیل نقادانه، ساختار شعری این دوره را نقطه عطفی در تاریخ ادبیات فارسی دانسته اند.<sup>(1)</sup>

دولت صفویه که به ترویج ایدئولوژی مذهب شیعه می پرداخت، به شعر مدحی و درباری توجه نداشت؛ از این رو، آن دسته از شاعرانی که پیشه آنان شاعری بود، ناگزیر برای امرار معاش به دربار هند روی آوردند. آن گروه از شاعرانی هم که موفق به سفر نشدند، خود را با شرایط جدید وفق دادند. برای نمونه «محتشم کاشانی» بعد از بر تخت نشستن شاه طهماسب، قصیده ای در مدح او و پریخان خانم گفت؛ اما از آنجا که شاه بیشتر میل به شنیدن اشعار در مدح ائمه علیهم السلام داشت، صله ای به او نداد. محتشم پس از اطلاع از این موضوع، در قالب هفت بند مولانا حسن کاشی، هفت بند معروف خود را برای شاه طهماسب فرستاد و صله درخوری دریافت کرد.

ص: 186

1- (1) راجر سیوری، ایران عصر صفویه، ص 188.

پس از محتشم، آغاز هفت بندگویی شعرای پایتخت شروع شد که نزدیک به پنجاه تا شصت هفت بند تقدیم شاه گردید و همگی صله دریافت کردند. (1)

از سوی دیگر خارج شدن شعر از حالت رسمی و درباری خویش، سبب کشیده شدن شعر به میان مردم کوچه و بازار شد؛ بنابراین، ادبیات عصر صفوی عرصه حضور شاعرانی بود که پیشه اولیه بیشتر آنها چیزی غیر از شعر بود و شعر برای آنها حالت ذوقی داشت و شخص به علت طبع لطیف و حضور در محافل شعر توانسته بود شعری موزون بسراید و مردم کوچه و بازار مصرف کنندگان شعر بودند و هنر شاعری خود را نه در دربار و خانقاه، بلکه در کوچه و بازار می یافت. ساختار شعری این دوره با توجه به سبک و شیوه غالب، سبک هندی تک بیت است نه غزل؛ البته این ادبیات با قافیه و ردیف به هم وصل شده و شکل غزل یافته اند.

شهر قم که از دیرباز مسکن بسیاری از ادبا و شعرای ایرانی شده بود، سهم به سزایی در پیشبرد این جریان شعری داشت. ادبیات قم در عصر صفوی، به ویژه در شعر که الگوی غالب و ساختار بیانی تمام ادوار ادبی ایران است، ادبیات غنی و مستعدی بود که ضمن برخورداری از تمام ویژگی های شعری و زبانی شعر عصر صفوی (وقوع و هندی) به شکل گیری و استوارسازی ارکان این جریان و تعالی آن کمک کرده است. دو سبک رایج شاعران قم عبارت اند از:

### الف) مکتب وقوع و شاعران وقوع گوی قمی

مسئله مهم و شایان توجه در ابتدای قرن دهم، توجه ادبا و شعرای ایرانی به واقعیت بیرونی است که می تواند به مثابه رنسانس بزرگی در جریان های

ص: 187

ادبی و فکری ایرانیان باشد. در این عصر معشوق اثیری و آسمانی، جای خود را به معشوق زمینی و شعر وقوعی می دهد(1) و شاعر براساس واقعیت، وقایع بین خود و معشوق را بیان می کند و حجاب سنتی بین عاشق و معشوق برداشته می شود. در این گونه شعر، اولاً عاشق می تواند از معشوق اعراض کند و ثانیاً معشوق و رابطه های عاشقانه او، باید جنبه حقیقی بیابد.(2)

از شاعران وقوع گوی قمی عصر صفویه، می توان به میرعزیزالله حضوری قمی(3) و دوست و همراه او، میریوسف والهی قمی(4) اشاره کرد که در این سبک طبع آزمایی های فراوان کرده اند.

## ب) سبک هندی و شاعران قم

سبک هندی که برخی آن را سبک اصفهانی هم نامیده اند، موجب خیزش ادبیات به جلو شده است. شاعران طرف دار این سبک، عمدتاً طرفدار معنی و مضمون بوده و توجه به مضمون و کشف معانی تازه و مضامین نو از مهم ترین مشغله های ذهنی ایشان بوده است. به نحوی که در این عصر، کمتر شعری دیده می شود که صاحب آن از توجه برای یافتن مضمون تازه و معنی جدید فارغ باشد؛ بنابراین در بررسی دو حوزه لفظ و معنا، می توان نتیجه گرفت که در عین پیوستگی، در سبک هندی مضمون و محتوا بر شکل و صورت غلبه دارد.

ص: 188

---

1- (1) محمود فتوحی، نقد خیال، ص 51.

2- (2) گروهی از نویسندگان، مجموعه مقالات، ج 3، ص 10.

3- (3) محمد علی حزین، تذکره حزین، ص 101؛ محمد علی مجاهدی، تذکره سخنوران قم، صص 104-107.

4- (4) حسین صبا، تذکره روز روشن، ص 888.

تبلیغ و گسترش اندیشه های مذهب جعفری از سوی حکومت صفوی، خیلی سریع در شعر شاعران این عصر، به خصوص شاعران قمی که دوست دار امامان معصوم علیهم السلام بودند پذیرفته شد. در این دوره، به اشعار فراوان که در منقبت ائمه اطهار علیهم السلام سروده شده است، بر می خوریم که به علت تک بیتی بودن قالب شعری، آنها را مفردات تشکیل می دهد. (1)

## شعرا و سخنوران قم در دوره صفوی

آصف قمی

محمدقلی آصف قمی، در اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری قمری می زیسته و با شاه سلیمان اول معاصر بوده است. مؤلف تذکره نصرآبادی در شرح حال وی می نویسد:

«آصف، محمدقلی نام داشت از ایل بهارلو است؛ اما چون در قم بسیار بوده به قمی مشهور است. مدتی در اصفهان نویسنده میرزا حبیب الله صدر بود. به هندوستان رفته و از آنجا به کعبه رفته، باز به هند مراجعت نموده، الحال در آنجاست.» (2)

با توجه به اینکه میرزا محمدطاهر نصرآبادی اصفهانی، تذکره مذکور را تا سال 1090 هجری قمری در دست تألیف داشته و پس از فراغت آن وفيات را نیز تا سال 1115 ثبت کرده است، (3) آصف قمی تا این سال در قید حیات بوده

ص: 189

---

1- (1) مجموعه مقالات، ج 3، صص 7، 8، 9، 10، 12، 16، 20 و 21.

2- (2) محمدطاهر نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص 325.

3- (3) احمد گلچین معانی، تاریخ تذکره های فارسی، ج 1، ص 399.

است؛ ولی از تاریخ تولد و وفات او اطلاعی در دست نیست. از این شاعر فقط سه بیت در دست است:

شعله ایم اما ز سوز دل سیه پوشیم ما چون چراغ لاله می سوزیم و خاموشیم ما

عمر دو روزه قابل سوز و گداز نیست این رشته را مسوز که چندان دراز نیست

می مالم از خجالت عصیان به خاک رو مطلب مرا ز ناصیه سایه نماز نیست(1)

اشکی قمی

او از شعرای قرن دهم و برادر حضوری قمی است؛ هرچند حضوری این رابطه را انکار کرده است.(2) از تاریخ تولد و میزان عمر او اطلاعی در دست نیست؛ ولی فوت او به سال 972 هجری قمری، در آگره هند اتفاق افتاده است.(3)

او برای دیدار غزالی مشهدی که آوازه اش همه جا را گرفته بود راهی دیار هند می شود؛ ولی بی آنکه به دیدار او نائل گردد به علت بیماری در بستر مرگ می افتد و چهار دیوان شعر خود را به میرجلدایی، مصور ترمذی می سپارد تا به ترتیب آنها پردازد. او پس از مرگ در امانت خیانت کرده، اشعار نابش را به نام خود کرده و باقی را به آب می سپارد. تعداد ابیات او را دوازده هزار بیت نوشته اند

ص:190

---

1- (1) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 11.

2- (2) گلچین معانی، مکتب وقوع، ص 86.

3- (3) گلچین معانی، تاریخ تذکره های فارسی، ج 1، ص 531.



و او را از شعرایی دانسته اند که در سبک وقوع، طبع آزمایی می کرده است. (1) در تذکره خلاصه الاشعار و زبده الافکار، شام غریبان و خرابات نیز شرح حال و آثار این شاعر آمده است که متأسفانه به علت عدم دسترسی به آنها، بررسی زندگی او امکان پذیر نبود؛ ولی با توجه به تاریخ تألیف تذکره هفت اقلیم (-- 996-1002 ه. ق) که فقط 24 سال با تاریخ فوت او فاصله دارد، گمان نمی رود که مطلب قابل ذکر و مشخصی از زندگی اش را به دست فراموشی سپرده شده باشد. (2) ابیات زیر از اوست:

اشک من «اشکی» نمی دانم رقیب من شده تا نظر کردم به روی او به روی من دوید

بسی سنگ از غمت بر سر، من دلتنگ خواهم زد اگر دستم رود از کار، سر بر سنگ خواهم زد (3)

اصلی قمی

میرجلال الدین محمود اصلی قمی از شعرای نیمه دوم قرن دهم هجری قمری است و در آغاز قرن یازدهم یعنی سال 1003 از دنیا رفته است. وی با تقی الدین کاشانی متخلص به ذکری، مؤلف تذکره خلاصه الاشعار و زبده الافکار معاصر بود. تاریخ نگارش این تذکره (975-1016 ه. ق) گویای این

ص: 191

---

1- (1) گلچین معانی، تاریخ تذکره های فارسی، صص 474 و 531؛ مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 228.

2- (2) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 228.

3- (3) پیشین، ص 34.

مطلب است. (1) تقی الدین کاشانی با وی دشمنی ورزیده و خود را استاد او می خواند و دوازده صفحه 25 سطری در ذم او نگاشت و درگذشت وی را با ماده تاریخی که از نزاکت ادبی به دور است مشخص نمود. (2) آذر بیگدلی درباره او نوشته است که اصلی نامش محمود و از سادات بلوک جاسب است. (3)

در تذکره آتشکده آذر چاپ بمبئی، نام این شاعر میراصلی ذکر شده؛ اما شمع انجمن نامش را اصیلی قمی دانسته است. (4) جای تعجب است که تقی الدین کاشانی با اینکه در اصل سوم تذکره مذکور که به شعرای قم و نواحی آن اختصاص دارد، نام او را میرجعل الدین محمود اصلی قمی ذکر کرده، در رکن چهارم که مشتمل است بر ذکر خلافت شعرای زمان سلطان حسین میرزا تا زمان تألیف تذکره، نام وی را مولانا اصلی قمی آورده است. (5)

مؤلف تذکره تحفه سامی نیز او را امیر اصیلی از سادات شهر قم دانسته است. (6) ابیات زیر از اوست:

نیاز عاشقان معشوق را بر ناز می دارد تو سر تا پا وفا بودی، تو را من بی وفا کردم

ص: 192

- 
- 1- (1) گلچین معانی، تاریخ تذکره های فارسی، ج 1، صص 524 و 531.
  - 2- (2) آذر بیگدلی، تذکره آتشکده، ج 3، ص 1222، پاورقی.
  - 3- (3) پیشین، ص 1122.
  - 4- (4) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 36.
  - 5- (5) گلچین معانی، تاریخ تذکره های فارسی، ج 1، صص 527 و 531؛ گلچین معانی، مکتب وقوع، ص 643.
  - 6- (6) سام میرزا، تذکره تحفه سامی، ص 60.

زمن مرنج اگر بی طلب به سوی تو آیم که من در آمدن و رفتن اختیار ندارم(1)

## الوانی قمی

نامش استاد شاه قلی، نقاش و شاعر قمی متخلص به الوانی است. از سبک نوشته سام میرزای صفوی در تحفه سامی برمی آید که با وی معاصر بوده است و اگر این احتمال صحت داشته باشد، بایستی وی را تا سال 975 هجری قمری در قید حیات و در شمار شعرای قرن دهم دانست. بر این اساس، الوانی قمی در زمان شاه طهماسب اول (930-984 ه ق) می زیسته است. همان طوری که از تخلص وی برمی آید، با نقاشی سروکار داشته و به تصریح مؤلف تحفه سامی در نقاشی و رمالی وقوفی تمام داشته است. او را از شاگردان استاد کمال الدین بهزاد، میرک و سلطان محمد معرفی می نمایند.

«... بعد از مرگ شاه اسماعیل در سال 930 هجری قمری و جلوس شاه طهماسب که خود ذوق و شوق بسیاری به نقاشی داشت، بازار نقاشی گرم شد و نقاشان و مذهببان مذکور، شاه کارهای گران بها از خود باقی گذاشتند...»(2)

بنابراین الوانی قمی را باید معاصر شاه اسماعیل اول صفوی (905-930 ه ق) نیز دانست. از تاریخ تولد و فوت او اطلاعی در دست نیست.(3) مؤلف تحفه سامی در شرح حال وی نوشته است: «استاد شاه قلی نقاش قمی (الوانی) از

ص: 193

---

1- (1) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 37.

2- (2) نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص 325.

3- (3) گلچین معانی، تاریخ تذکره های فارسی، ص 399؛ قاضی احمد قمی، گلستان هنر، ص 40.

شهر قم است و در نقاشی و رمالی وقوف تمام دارد و در شعر خود را یگانه آفاق می داند و تخلص او الوانی است.» (1)

مطلع زیر از اوست:

ماهی که او نظر به من خسته داشت، رفت ما را به دست ظلم رقیبان گذاشت، رفت (2)

امین قمی

میر محمد امین قمی از شعرای نیمه دوم قرن یازدهم هجری قمری است. در زمان شاه سلیمان اول صفوی (1017-1105 ه ق) می زیسته و با میرزا محمد طاهر نصرآبادی اصفهانی معاصر بوده است. در تذکره نصرآبادی آمده است: «میر محمد امین، ولد میر ابوالفتح بزاز قمی خوش طبیعت است و سخنش خالی از لطف نیست. میر ابوالفتح فوت شد و مشارالیه به امر بزازی مشغول است.» (3)

از تاریخ تولد این شاعر اطلاعی در دست نیست. (4)

بیت زیر از اوست:

کسی که تلخی هجران کشیده می داند ز جوی دیده چرا آب شور می آید (5)

ص: 194

- 
- 1- (1) سام میرزا صفوی، تحفه سامی، ص 372؛ مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 40.
  - 2- (2) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 41.
  - 3- (3) نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص 115.
  - 4- (4) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 42.
  - 5- (5) پیشین، ص 43.

میرزا محمد قمی متخلص به بسم‌ل، از شعرای گمنام شهر قم است. جز نام، تخلص و یک بیت شعر، مطلب دیگری از او در تذکره‌ها نیست. در تذکره شمع انجمن بیت زیر به نام او درج شده است:

از خویش رفته اند و به هم گرم الفت اند کیفیتی به صحبت مستان نمی رسد

در دیوان صائب تبریزی هم به بیتی برمی خوریم که مصراع دوم آن عیناً مصراع دوم بیت زیر است:

در هیچ نشئه نیست که سیری نکرده ایم کیفیتی به صحبت مستان نمی رسد

اگر تصور کنیم که بسم‌ل قمی در زمان صائب تبریزی می زیسته و آگاهانه مصراع او را به کار گرفته باشد یا اینکه صائب همان گونه که خصلت مردمی او بوده گاهی در شعر خود از اشعار شعرای معاصر خود برای شاهد مثال یا استقبال استفاده می کرده، این مصراع را در بیت فوق آورده باشد، باید او را از شعرای نیمه دوم قرن یازدهم دانست. (1)

تابع قمی

نامش میر محمدباقر قمی، تخلصش تابع و از شعرای نیمه اول قرن یازدهم هجری است. فرزند میرغیاث الدین قمی است. مانند پدر محتسب قم بوده و به

ص: 195

امر احتساب اشتغال داشته است. در نزد ملا محمدباقر به تحصیل علم پرداخته، خط شکسته را خوب می نوشته و سلسله نسب او به امام حسن عسکری علیه السلام می رسد. با میرزا محمدطاهر نصرآبادی اصفهانی، معاصر بوده است. اگر سال تولد مؤلف مذکور را 1027 هجری قمری بدانیم، به هنگام وفات، تابع قمی 1050، 23 ساله بوده و تذکره مذکور را 33 سال پس از فوت شروع به تألیف کرده است؛ ولی قرائنی که در شرح حال این شاعر وجود دارد، خلاف این نظر را اثبات می کند. وی در ترجمه تابع قمی می نویسد:

«آقا میر محمدباقر، خلف میرغیاث الدین محتسب قم است. ایشان هم از نجبای قم اند. در اثبات نجابت خود شاهد عادلانی دارند که آن غلام زادگی امام الجن و الانس امام حسن عسکری علیه السلام است. با این نسب تجمیع نجبا را جحدند. مجملاً مشارالیه در کمال آدمیت و مردمی اند، مدتی تحصیل نموده، در خدمت بندگان علامی ملا محمدطاهر درس می خوانده. الحال چون احتساب قم به ایشان مرجوع است و مشغول آن امرند، ترک مباحثه کرده خط شکسته را درست و نمکین می نویسد. طبعش در تربیت شعر قادر و لطیف است و تابع تخلص دارد. او در سال 1050 هجری قمری وفات یافت.» (1)

ابیات زیر از اوست:

بی عشق دل شکسته سودی نکند بی درد، لب ناله سودی نکند

از سوختگان او نشان پیدا نیست سوزنده آفتاب دودی نکند (2)

ص: 196

---

1- (1) نصر آبادی، تذکره نصرآبادی، ص 114؛ حسین صبا، تذکره روز روشن، ص 142.

2- (2) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 54.

حکیم تقی الدین قمی، شاعری حکمت اندیشه و حکیمی شاعرپیشه بوده است. امین احمد رازی او را از مشهوران عراق و در فضل و کمال شهرة آفاق معرفی می کند و مولوی محمد مظفر حسین صبا او را طیبی موزون طبع می داند. از تاریخ تولد و فوت او اطلاعی در دست نیست و زوایای زندگی او از نظر تیزبین تذکره نویسان به دور مانده است.

از سیاق نوشته «هفت اقلیم» برمی آید که وی هنگام تألیف تذکره مذکور (996-1002 ه. ق) در قید حیات نبوده است؛ بنابراین، حکیم تقی الدین قمی را باید از شعرای قرن دهم یا پیش از آن دانست. (1)

#### تنهای قمی

حکیم میرزا محمدسعیدخان قمی، متخلص به تنها، فرزند محمدباقر قمی و از شعرای نیمه دوم قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم است. وی از اطبای حاذق دربار شاه عباس ثانی (1052-1077 ه. ق) بوده و با شاه سلیمان صفوی (1077-1106 ه. ق) نیز معاصر بوده است. وی به قاضی سعید و حکیم کوچک نیز معروف بوده است و مدتی از عمر خود را در قم به قضاوت گذرانیده است. در زمان شاه سلیمان صفوی به علت سعایت و دشمنی بدگویان در قلعه الموت محبوس شد و پس از اینکه مورد عفو قرار گرفت به قم رفت و به طاعت و بندگی خداوند مشغول شد. از تاریخ تولد وی اطلاعی در دست نیست؛ ولی سال فوتش را 1103 هجری قمری ثبت کرده اند.

ص: 197

ابیات زیر از اوست:

به هر جا می برد شوقم نمی بینم تو را آنجا کجایی ای رفیق کنج تنهایی، خوشا آنجا

دوش خود را سر به دامان تو می دیدم به خواب کاش می مردم، چرا بیدار کردم خویش را

ثابت قمی

وی از اهالی تفرش است. نامش فخرالدین(1) و تخلص ثابت است.(2) سفری به هند کرده و در آنجا با شخصی به نام ملا فرج الله مشاعره کرده و فوت او نیز در همانجا اتفاق افتاده است.(3)

جاسبی قمی

از او هیچ مطلبی نقل نشده، فقط او را در زمره شعرا یاد کرده اند.(4)

جزوی قمی

او از شعرای نیمه اول و اوایل نیمه دوم قرن دهم هجری است. در نسخه های تذکره تحفه سامی، به تصحیح آقای رکن الدین همایون فرخ نام

ص: 198

---

1- (1) نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص 260.

2- (2) پیشین، ص 61.

3- (3) پیشین.

4- (4) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 75.



وی، حرزی و جزوی آمده است؛ ولی در متن تذکره نام وی مولانا خردی ثبت شده است و روشن است که این اختلاف ها ناشی از اشتباهات کاتبین نسخ خطی مذکور است. (1)

در تحفه سامی آمده است:

«مولانا خردی از دارالمؤمنین قم است. مردی بی تعیین و تکلف است؛ اما در شعر خصوصاً غزل، معانی خاص عاشقانه دارد.» (2)

حامدی قمی

او در زمان شاه طهماسب اول صفوی (930-984 ه. ق) می زیسته و از شعرای قرن دهم هجری است. گویند برادر شاه میر تقی قمی است که با تقی الدین اوحدی معاصر و معاشر بوده است. از خصوصیات زندگی و تاریخ تولد او اطلاعی در دست نیست.

ابیات زیر از اوست:

به قتل داد مرا وعده یار و من مردم ز بیم آنکه مبادا شود فراموشش

ز دل رشک آیدم گر بگذرد در دل خیال تو چه سان بینم که افتد چشم غیری بر جمال تو؟ (3)

ص: 199

---

1- (1) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 76.

2- (2) پیشین.

3- (3) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 87؛ ناصر الشریعه، تاریخ قم، ص 399.

میرزا ابوالحسن از سادات حسینی فراهان و شعرای دانشمند و بنام سده یازدهم هجری است. وی در فراهان به سن رشد و تمیز رسید و در تحصیل دانش های متداول آن روزگار کوشید و در سرآغاز جوانی برای کسب کمال از آنجا مهاجرت کرد و به عزم شیراز و اصفهان روی آورد و به نصرآباد درآمد. میرزا حسنعلی، دایی میرزا محمدطاهر نصرآبادی او را دید و دانش او را پسندید و به معلمی فرزندان خود انتخاب کرد. میرزا ابوالحسن دو سال در نصرآباد ماند و به آنها شرح تجرید و دیگر کتب را آموخت. سپس به شیراز رفت و در مدرسه میرزا لطفی بر مولانا شیخ علی گیلانی شاگردی کرد و در دانش های گوناگون مهارت یافت. (1)

ابوالحسن فراهانی، نثری پخته و متکلف و شعری لطیف، پر معنی و شیرین داشت. مؤلف آتشکده آذر، او را بدین دلیل از شاعران قم دانسته که فراهان مانند تفرش، از توابع قم بوده است. (2)

ابیات زیر از اوست:

نامیدم گرچه دارد گوش بر فریاد من زآنکه می دانم، نمی داند که فریاد من است

من چراغم، کشتتم را حاجت شمشیر نیست می توان افشانند دامانی که پس باشد مرا (3)

ص: 200

---

1- (1) نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص 267؛ مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 91.

2- (2) آذر بیگدلی، آتشکده آذر، ج 3، ص 1235.

3- (3) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 90.

نامش عزیزالله، تخلصش حضور و فرزند میرسیدعلی محتسب بود و از شعرای قرن دهم هجری است. با شاه طهماسب اول و شاه اسماعیل دوم، سلطان محمد خدابنده و شاه عباس بزرگ معاصر بوده است. وی از شعرای وظیفه بگیر دربار شاه طهماسب اول بوده است و هر ساله قریب ده تومان تبریزی، ممالک زی برای امرار معاش دریافت می کرده و پس از فوت شاه طهماسب اول، فرمان مقرر مذكور توسط شاه اسماعیل دوم تنفیذ می شود و از کثرت زهد و تقوی، اقامت در نجف اشرف را بر سکونت در سایر امکنه برمی گزیند و هر چند گاه برای اخذ مقرر یا تجدید فرمان های صادره به ایران مسافرت می کرده است. از سال تولدش اطلاعی نیست؛ ولی فوتش را سال 1000 هجری قمری ثبت کرده اند. اشعارش بالغ بر سه هزار بیت می شود. (1)

ابیات زیر از اوست:

به جرم آنکه مفردم ز ذوق روز وصال فراق آنچه به من می کند سزای من است

گفت قاصد یار را پروای این بیمار نیست این زمان در مرگ تقصیر از من است از یار نیست (2)

ص: 201

---

1- (1) پیشین، ص 102؛ ترکمان، عالم آرای عباسی، ج 1، ص 287؛ ناصرالشریعه، تاریخ قم، ص 383.

2- (2) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 108.

بنا به نوشته سام میرزای صفوی در تذکره تحفه سامی، وی اکثر اوقات را در گورستان ها به سر می برده و مردی عاشق پیشه و لوند مشرب بوده است. (1) در برخی از نسخ تحفه سامی، نام این شاعر مولانا خزانی قمی ثبت شده است که احتمالاً خطای کاتب است. (2)

مطلع زیر از اوست:

بهار و چشم جهان بین جدا ز دیدن یار خزان عمر من است این بهار، این چه بهاری است؟ (3)

داعی انجدانی

داعی انجدانی قمی، برادر بزرگ ملک و هر دو از شعرای نیمه دوم قرن دهم و اول قرن یازدهم هجری قمری هستند. او با شاه طهماسب اول و شاه عباس بزرگ معاصر بوده است. ابیات زیر از اوست:

عرصه عالم به پیش پای دل گامی بود بس که راه وادی هجر تو را پیموده است

تورا که آخر حُسن است در اوایل عشق چه لازم است که ما را ز خود برنجانی (4)

ص: 202

---

1- (1) سام میرزای صفوی، تذکره تحفه سامی، ص 164.

2- (2) پیشین، ص 298.

3- (3) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 132.

4- (4) پیشین، ص 125.

مولانا میر محمد مؤمن، متخلص به داعی از شعرای نیمه دوم قرن یازدهم و نیمه اول قرن دوازدهم هجری است و از شعرای معاصر شاه سلیمان صفوی، شاه سلطان حسین، شاه طهماسب دوم (1135-1145 ه - ق) و نادرشاه افشار (1148-1160 ه - ق) هجری قمری است. از تاریخ تولد او اطلاعی در دست نیست و در سال فوتش اختلاف نظر است. مؤلف تذکره روز روشن، سال وفاتش را 1155 هجری قمری در نود سالگی ثبت کرده است. (1)

ابیات زیر از اوست:

شبی ز نشئه صهبای بی خودی سرشار کشیده ساغر وحدت به طاق ابروی یار

چو عشق گرد زوایای درد می گشتم که سوی خلوت خالص ویم فتاد گلزار

تبارک الله از آن بزم وحی، از آن شب چه بزم؟ بزم وصال و چه شب؟ شب دیدار (2)

درکی قمی

محمدامین متخلص به درکی، از شعرای قرن یازدهم هجری و از معاصرین شاه عباس دوم است. از تاریخ تولد و فوت او اطلاعی در دست نیست و تعداد ابیات وی را قریب بیست هزار بیت نوشته اند.

ص: 203

---

1- (1) حسین صبا، تذکره روز روشن، ص 253.

2- (2) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 131.

ابیات زیر از اوست:

سرمست بزم ساخته چشمت پیاله را ناسوز کرده شور لبث داغ لاله را

بر سر خالت میان هر دو چشمم کوشش است همچو موری کز دهان مور گیرد دانه را(1)

سدید قمی

حکیم سدید قمی، فرزند حکیم رکن الدین قمی از شعرای نیمه دوم قرن یازدهم هجری است. او از اطبای دربار شاه سلیمان صفوی نیز بوده است.(2)

بیت زیر از اوست:

شده زیب چهره دانم ز سجود آستانت خط بندگی بر آمد ز سجود آستانت(3)

سلطان قمی

نامش سلطان محمد رییس و تخلصش سلطان بود، از شعرای قرن دهم و یازدهم هجری قمری است. از تاریخ تولد و فوت او اطلاعی در دست نیست. وی علاوه بر مقام شاعری، به جمال ظاهر و کمال باطن آراسته بود و در سخاوت و مناعت طبع در بین همگنان خود مانندی نداشت. در سنین جوانی در

ص: 204

---

1- (1) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 133.

2- (2) پیشین، ص 151.

3- (3) پیشین، ص 152.

دارالسلطنه قزوین می زیسته و از ملازمان سراج الدین محمد تقی بوده و در آنجا به شغل عطاری اشتغال داشته است. در سال 986 که سید ساج الدین محمد قمی به شهادت می رسد، وی و نزدیکانش به علت تهمت شرکت در این حادثه ناگوار، ناگزیر به ترک وطن می شوند. او از این تاریخ به بعد زندگی آرامی نداشته است. گاهی در کاشان و زمانی در اصفهان اقامت می گزیند تا خود را از خطرهای احتمالی به دور دارد.

عاقبت در سال 990 هجری قمری آرامش از دست رفته را باز می یابد و در وطن پیشه معماری را در پیش می گیرد و در سمت کلانتر آنجا به رتق و فتق امور می پردازد. وی با شاه طهماسب اول (930-984 ه. ق)، شاه اسماعیل دوم (984-985 ه. ق)، سلطان محمد خدابنده (985-996 ه. ق) و بالأخره شاه عباس بزرگ (996-1038 ه. ق) معاصر بوده است.

ابیات زیر از اوست:

عشق در صید گهی ساخت جدا سر ز تنم کن نبندد سر از ننگ به فتراک آنجا

سلطان بیا که بر سر لطف آمده است یار دیگر مگو که ناله ما را اثر نبود(1)

ساکنی قمی

او از احفاد خواجه عبدالله انصاری و با سام میرزای صفوی معاصر بوده است. از شعرای نیمه اول قرن دهم هجری است که از تاریخ تولد و وفات وی اطلاعی در دست نیست.(2)

ص: 205

---

1- (1) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 156.

2- (2) پیشین، ص 161.

مطلع زیر از اوست:

اگر نظر سوی غمخواره ای کنی چه شود؟ به لطف، چاره بی چاره ای کنی چه شود؟<sup>(1)</sup>

شاه میر تقی قمی

او از شعرای نیمه اول قرن یازدهم و با تقی محمد اوحدی مؤلف عرفات العاشقین معاصر بوده است. امیرحامد قمی برادر اوست. تذکره ای در شرح حال و آثار جمعی نوشته بود که از آن اطلاعی نیست و در برابر تحفه العراقین خاقانی، به سرودن یک مثنوی پرداخته که دو بیت از آن را در تذکره ها ذکر کرده اند.<sup>(2)</sup>

شعف قمی

نامش عبدالله، تخلصش شعف و از شعرای نیمه اول قرن دوازدهم است. معاصر شاه سلطان حسین صفوی (1106-1125 ه. ق) است که از راه کفاشی امرار معاش می کرده که آثار منظوم او در فتنه محمود افغان در همدان از بین رفت. او قسمتی از عمر خود را در همدان و اصفهان به سر برده و از زندگی اش بیش از این اطلاعی نیست.<sup>(3)</sup>

ص: 206

---

1- (1) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 162.

2- (2) پیشین، ص 168.

3- (3) پیشین، ص 170.



بیت زیر از اوست:

به وصل یار رساندی مرا و حیرانم که این کار به تو ای آسمان نمی آید(1)

شکیبی قمی

مؤلف «خلاصه الاشعار و زبده الافکار» از وی به نام «مولانا شکیبی» نام می برد. او از شعرای ثلث آخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری است. مؤلف تذکره روز روشن، به نام شکیبی عطار از او نام می برد.(2)

صافی قمی

او را با نام باباصافی قمی یاد می کنند. از تاریخ تولد و فوت او اطلاعی در دست نیست. در قدیمی ترین متنی که به نام این شاعر است (تحفه سامی سام میرزای صفوی) به ما نشان می دهد که باباصافی قمی در نیمه دوم قرن دهم یا پیش از آن می زیسته است.(3)

مطلع زیر از اوست:

به گشت باغ تو را خون چو از جبین چکد گلاب گردد و از شرم بر زمین چکد(4)

ص: 207

---

1- (1) پیشین، ص 171.

2- (2) پیشین، ص 185.

3- (3) سام میرزا صفوی، تحفه سامی، ص 130.

4- (4) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 208.

آقا شمسای قمی متخلص به سفیر، از شعرای نیمه دوم قرن یازدهم و احتمالاً اوایل قرن دوازده است. از معاصرین شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی بوده و در نقاشی و موسیقی ید طولایی داشته است. از تاریخ تولد و وفات او اطلاعی در دست نیست. (1)

بیت زیر از اوست:

چرا به پای خود ای کعبه در نمی افتی همان تویی که به فرسنگ می ستایندت (2)

عارض قمی

از شعرای نیمه دوم قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری است و با شاعر نامدار، میروالهی قمی معاصر بوده است. از تاریخ تولد و فوت او اطلاعی در دست نیست. براساس گفته مؤلف خلاصه الأشعار که با وی معاصر بوده، وی از مرض طاعون که در سال 989 هجری قمری در قم شیوع پیدا کرده بود جان سالم به در برده و تا سال 1000 در قید حیات بوده و در سیاق و حساب ید طولایی داشته است. (3)

عبدالحق قمی

میرعبدالحق قمی را باید از شعرای نیمه دوم قرن یازدهم هجری دانست؛

ص: 208

---

1- (1) نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص 365.

2- (2) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 212.

3- (3) پیشین، ص 224.

زیرا وی با ملامحمدرضا شفق قمی سابقه‌آشنایی و دوستی داشته و مشفق قمی هم با میرزا محمدطاهر نصرآبادی اصفهانی معاصر بوده است. نصرآبادی درباره او می نویسد: «میرعبدالحق، از سادات نجیب قم است. در کمال پاکیزه وضعی و مردمی بوده، طبعش خالی از لطفی نبوده، ملاشفق قمی با مشارالیه مطرح بوده.»<sup>(1)</sup>

عبدالمناف قمی

میرزا عبدمناف قمی از شعرای قرن یازدهم هجری است. در زمان شاه عباس کبیر، شاه صفی، شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی می زیسته است. از سادات کرام قم بوده، مدتی از عمر خود را در اصفهان گذرانیده و صرف نظر از مقام ادبی، مردی خالق و خوش محضر بوده است. از تاریخ تولد و فوت او اطلاعی در دست نیست.

بیت زیر از اوست:

مرا دل گیری پنهان او بی تاب می دارد از آن آتش که در سنگ است می سوزد سپند من<sup>(2)</sup>

علی قمی

ملاعلی قمی از شعرای قرن یازدهم هجری است. بنا به نوشته مؤلف تذکره نصرآبادی، اصلش از شهریار بوده؛ ولی برخی به علت سکونت گزیدن در

ص: 209

- 
- 1- (1) نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص 113؛ مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 229.  
2- (2) گلچین معانی، مکتب وقوع در شعر فارسی، ص 112؛ مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 235.

قم او را قمی دانسته اند. از دوستان حکیم رکنی بوده و از راه سوداگری امرار معاش می کرده است. (1)

#### غضنفر گلجاری قمی

وی از شعرای نیمه دوم قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری است. تذکره نویسان از موطن او به اشکال مختلف یاد کرده اند. از جمله گلجار، کلجار، کره جار و کله جار. در خلاصه الاشعار، اصل وی از ولایت قم آمده است. با شعرایی چون: محتشم کاشانی، ملا فهیمی کاشی، وحشی بافقی، حاتم کاشی و شجاع معاصر و معاشر بوده و بیشتر عمر خود را در کاشان سپری کرده است. از تاریخ تولد او اطلاعی در دست نیست؛ اما سال فوتش را 1003 هجری قمری نوشته اند. (2)

#### فارغ قمی

ناظم خان قمی متخلص به فارغ و معروف به ناظم شاه فارغا از شعرای نیمه اول قرن دوازدهم است. به هند رفته و با دختر ملاحی از آن دیار ازدواج کرده است. با کمک میرعبدالجلیل بلگرامی از زندگی نسبتاً مرفهی برخوردار شده و به دربار فرخ سیر از امپراتوران مغول هند بار یافته و به لقب ناظم خانی مفتخر گردیده است. (3)

ص: 210

---

1- (1) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 242.

2- (2) پیشین، ص 244.

3- (3) حسین صبا، روز روشن، ص 796.

علی بن محمد، ملقب به میرزا افضل، متخلص به فسونی از شعرای قرن دهم هجری قمری است. (1)

قاضی علایی کره رودی (2) قمی

قاضی علایی کره رودی، از قضات شاعرپیشه نیمه اول قرن دهم هجری است. او در سال 936 وفات یافته است. به نظر مؤلفین تذکره های سامی (3) و روز روشن (4) کره رود از توابع و مضافات قم است و صاحب هفت اقلیم (5) ذیل عنوان قاضی زاده های کره رودی، از او به نام قاضی علا یاد می کند و در زمره شعرای قم می آورد. در تذکره تحفه سامی آمده است:

«مولانا قاضی علایی از قضات کره رود ولایتی از قم است. ملا، دانشمند و در شعر و انشایی مانند بود. بر افاضش در فنون فضایل رتبه اولایی و بر اعالی و امامی اش در صفوف خصایل، مرتبه اعلائی، در اوایل حال مناصب انشای بعضی از سلاطین ترکمان تعلق بدو داشت. بعد از آن، گاهی در اصفهان و گاهی در تبریز به سر می برد و آخر در تبریز داعی حق را لیبیک گفته به رحمت خدای واصل شد.» (6) سال فوت او 936 هجری قمری است. (7)

ص: 211

- 
- 1- (1) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 248.
  - 2- (2) یا کوه رودی (حسین صبا، روز روشن، ص 795).
  - 3- (3) سام میرزای صفوی؛ تحفه سامی، ص 258.
  - 4- (4) حسین صبا، روز روشن، ص 597.
  - 5- (5) احمد رازی، تذکره هفت اقلیم، صص 505-507.
  - 6- (6) سام میرزای صفوی، تحفه سامی، ص 258.
  - 7- (7) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، صص 258-261.

قاضی عبدالخالق کره رودی قمی از قضات و دانشمندان شاعرپیشه نیمه دوم قرن دهم و نیمه اول قرن یازدهم هجری است و از معاصرین شاه عباس بزرگ است. مناظره او با قاضی زاده خوارزمی در باب مسئله ولایت معروف است. به دستور شاه عباس بزرگ، کتابی در این زمینه تألیف کرده که مشتمل بر حدود ده هزار بیت شعر است و بهترین کتاب در مسئله امامت است. وی از شاگردان بنام شیخ بهایی است. در تحفه سامی آمده است:

«قاضی عبدالخالق کره رودی از طبقات قضات بلده المؤمنین قم است و از زمره غوایب مآب الشعراء یتبعهم الغاوون؛ زیرا که با وجود تمکن در مسند خیرالبریا، اکثر اوقات زبان به فحش و هجو می گشوده و غایتش خالی از فضایل و خوش طبعی نبود.»<sup>(1)</sup>

بیت زیر از اوست:

چو به گشت کویت آیم به بهانه رخ پیوشی چوروم ملول از آن در، ز در دگر درآیی<sup>(2)</sup>

کاظم قمی

محمدکاظم قمی از شعرای نیمه دوم قرن یازدهم هجری است و با شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی معاصر بوده است. پدرش آقا محمد صادق نام داشته و در شعر صدقی تخلص می نموده و در محضر حکیم سعیدخان قمی به تحصیل علم اشتغال داشته است. حکیم سعیدخان قمی از دانشمندان بنام زمان

ص: 212

---

1- (1) سام میرزا صفوی، تحفه سامی، ص 84.

2- (2) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 263.

خود بوده و در دربار به امر طبابت اشتغال داشته و به سال 1103 هجری قمری فوت کرده است. از تاریخ تولد او اطلاعی در دست نیست. (1) در تذکره نصرآبادی آمده است:

«محمد کاظم ولد آقا محمد صادق از نجبای قم است. در کمال اهلیت در تحصیل، فی الجمله سعی کرده بود. از شاگردان عالی حضرت میرزا محمد سعید است.» (2) ابیات زیر از اوست:

به جست و جوی تو از بس برون ز خویش شدم چو عمر رفته امیدم به بازگشتن نیست

یک ناله مستانه ز جایی نشنیدیم ویران شود این شهر که میخانه ندارد (3)

کاملی قمی

کاملی از شعرای قرن دهم هجری است. صاحب تذکره نگارستان سخن، او را کلامی قمی دانسته و در شرح حالش می نویسد: «در جوانی به هند رسیده، طبعش خالی از شوخی نبود.» (4)

مخلص نراقی قمی

او از شعرای نیمه اول قرن دوازدهم هجری است. در نام وی اختلاف است. در آتشکده آذر و تذکره حزین، نامش میرزا محمد و در شمع انجمن میرزا تقی

ص: 213

---

1- (1) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 265.

2- (2) نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص 363.

3- (3) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 266.

4- (4) پیشین، ص 267.

آمده است. بیشتر تذکره نویسان او را کاشی دانسته اند. مخلص قمی همان مخلص کاشانی و مخلص نراقی است.<sup>(1)</sup>

#### مشربی قمی

میرمشربی قمی، فرزند میرحسین شیشه گر قمی است که گاهی به ضرورت شعری، از تخلص مشرب نیز استفاده می کرده است. در عهد شاه طهماسب اول، شاه اسماعیل دوم، سلطان محمد خدابنده و شاه عباس بزرگ زندگی می کرده و با تقی الدین کاشانی مؤلف خلاصه الاشعار و صادقی کتاب دار، مؤلف مجمع الخواص و تقی الدین اوحدی بلیلی مؤلف عرفات العاشقین معاصر بوده است و هر سه او را قمی می دانند. او ابتدا از راه اطوکشی امرار معاش می کرده و بعدها به شعر و شاعری روی آورده. و از آن پیشه روی گردان شده است. خط نستعلیق و شکسته را خوب می نوشته و از لحاظ به کار گرفتن کلمات در شعر موفق بوده و تک بیتهای جالبی در این زمینه دارد. از تاریخ تولد و فوت او اطلاعی در دست نیست. ابیات زیر از اوست:

قطره اشک تو می آرد گل حسرت ببار گر به جنت می فشانی «مشربی» این دانه را؟

من آن نیم که ز عهد تو بگسلم پیوند میان ما و تو تا حشر عهد و پیمان است<sup>(2)</sup>

#### مشفق قمی

محمدرضا ملامشفق قمی از شعرای نیمه دوم قرن یازدهم هجری است و

ص: 214

---

1- (1) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 282.

2- (2) پیشین، ص 290.



با میرزا محمدطاهر نصرآبادی اصفهانی معاصر و معاصر بوده است. در تذکره نصرآبادی آمده است:

«ملا مشفق محمدرضا نام دارد. او هم قمی است، پدرش از کدخدایان بزازخانه قم بوده، بعد از فوت پدر، او هم مدتی به آن امر قیام نموده، آخر ترک کرده، مرد درویشی است در کمال آرامی تتبع بسیاری از متأخرین کرده...»<sup>(1)</sup>

مفرد قمی

از شعرای نیمه دوم قرن یازدهم هجری بوده است و در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی می زیسته است. از تاریخ تولد و فوت او اطلاعی در دست نیست. مؤلف تذکره نصرآبادی آورده است: «مفرد قمی مرد فقیری بود [که] خیاطی می کرد. در مجموعه اخوی سراجای نقاش، شعر خود را نوشته...»<sup>(2)</sup>

ابیات زیر از اوست:

خون بلبل را نه تنها در چمن گل می خورد هر کجا خاریست آب از چشم بلبل می خورد

بس که کردم گریه، خون دیده تا ابرو رسید آب این سرچشمه طغیان کرده، بر پل می خورد<sup>(3)</sup>

ملک طیفور انجدانی

ملک طیفور انجدانی متخلص به ملک، برادر داعی قمی است. مؤلف

ص: 215

---

1- (1) نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، صص 13، 366 و 367.

2- (2) نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص 367.

3- (3) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 297.

آتشکده آذر در ترجمه داعی می نویسد: «اصل وی از قریه انجدان است که از توابع بلده مذکور (قم) است.»<sup>(1)</sup> مؤلف ریاض الشعرا وی را از معاصرین شاه عباس دوم دانسته است و اسکندربیک ترکمان، مؤلف عالم آرای عباسی او را معاصر شاه عباس اول می داند. از تاریخ تولد و فوت او اطلاعی در دست نیست.

ابیات زیر از اوست:

تو آبی در نظر هر سو که بینم نمی بینم به جز تو دیگری را

بیا در جانم از هر در که خواهی که ویرانه نشین را در زدن نیست<sup>(2)</sup>

موسوی قمی

میرزا معزالدین محمد موسوی خان قمی از شعرای نیمه دوم قرن یازدهم هجری است و از دو تخلص فطرت و موسوی در اشعارش استفاده می کرده است. در زمان شاه سلیمان صفوی (1077-1106 ه. ق) زندگی می کرده و با میرزا محمدطاهر نصرآبادی معاصر بوده است. وی از سادات موسوی قم است و سلسله نسبش به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منتهی می شود.

مدت دو سال در اصفهان از محضر آقا حسین خوانساری استفاده کرد و در 32 سالگی راهی هند شد. دختر شاهنوازی خان صفوی را به عقد خود درآورده و به دیوانی دکن منصوب می شود. وی فرزند میرزا فخرالدین و نوه دختری عالم زمان خود، میر محمد زمان مشهدی است و در علوم عقلی و نقلی ید

ص: 216

---

1- (1) بیگدلی، آتشکده آذر، ج 3، ص 1248.

2- (2) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 304.

طولایی داشته و به روایت تذکره نصرآبادی: «چون در این ولایت (اصفهان) فضیلت و نجابت قدری ندارد، یک سال قبل از تحریر (1082 ه ق) روانه هندوستان شد.»<sup>(1)</sup>

وی در سال 1050 هجری قمری متولد و در 51 سالگی در سال 1101 بدرود حیات گفته است. ابیات زیر از اوست:

چنان بی مهری ایام دارد تیره احوالم که در دامان شب خاموش می گردد چراغ من

نظر بر گریه مستانه بی گر دوش می کردی شراب جلوه بی در ساغر آغوش می کردی<sup>(2)</sup>

نافع قمی

او از شعرای ثلث آخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم است و با شاه سلیمان صفوی و میرزا محمدطاهر نصرآبادی معاصر بوده است. از راه طباشی امرار معاش می کرده است. در تذکره نصرآبادی آمده است: «نافع قمی به طباشی مشغول بوده، همتش به آن راضی شده از تتبع بسیار خود را در سلک موزونان آورده، معانی عالی به زبانش می آید...»<sup>(3)</sup> مطلع زیر از اوست:

یک سر رشته وجود و سر دیگر عدم است نیست فرقی به میان، این چه حدوث و قدم است؟<sup>(4)</sup>

ص: 217

---

1- (1) نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، صص 176 و 177.

2- (2) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 311.

3- (3) نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص 366.

4- (4) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 351.

از نقاشان شاعر پیشه نیمه دوم قرن دهم هجری است و با شاه طهماسب اول معاصر بوده است. مؤلف تحفه سامی که خود از شاهزادگان صفوی است، او را قصه خوان و شاعر معرفی کرده است که چند روزی به خدمت شاه طهماسب اول می رسید (1) قاضی احمد میرمنشی قمی او را نقاش بی بدیل توصیف کرده که در خدمت کاتبان و نقاشان شاه طهماسب اول در کتابخانه همایونی انجام وظیفه می کرده است و سرانجام، کلیدداری کتابخانه عامره سرافراز و به مصاحبت شاه یزدان پناه مفتخر گردیده و با پادشاه مذکور مشق تصویر می نموده و شعر را هم خوب می سروده است. (2)

بیت زیر از اوست:

شاهها به دولت تو حیثیتم بسی هست هم شاعر ظریفم، هم قصه خوان کامل (3)

نعیمای قمی

نعیمای قمی فرزند درویش بهشتی قلندر قمی از شعرا نیمه دوم قرن یازدهم هجری است و از معاصرین میرزا محمد طاهر نصرآبادی است. نصرآبادی می نویسد: «نعیما ولد درویش بهشتی قلندر قمی، مشرب وسیعی داشت. چنانچه دست رد به هیچ یک از مغیرات نمی گذاشت. گاهی از قم به

ص: 218

---

1- (1) سام میرزا صفوی، تذکره تحفه سامی، ص 310.

2- (2) قاضی احمد، گلستان هنر، ص 139.

3- (3) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 318؛ سام میرزا صفوی، تذکره تحفه سامی، ص 310.

اصفهان می آمد. گویا فوت شد.»(1) از تاریخ تولد و فوت او اطلاعی در دست نیست.

#### واحد قمی

ملا محمدعلی قمی متخلص به واحد از شعرای نیمه دوم قرن یازدهم هجری است و در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان می زیسته و با میرزا محمد طاهر نصرآبادی معاصر بوده است. قسمتی از عمر خود را در اصفهان سپری کرده است. از مشرب و سیعی برخوردار بوده و از شاگردان ملا عبدالرزاق کاشی است. خط نستعلیق را خوب می نوشته و در شعر و معما دست داشته است. از تاریخ تولد و فوت او اطلاعی در دست نیست.(2)

مؤلف تذکره نصرآبادی در شرح حال او نوشته است: «ملا محمد علی واحد تخلص قمی، مدت هاست که در اصفهان است. وسعت مشربش به مرتبه ای است که با مؤمن و کافر جوشیده و باده یک رنگی نوشیده، مدتی از شاگردان علامی میرعبدالرزاق کاشی بود و در ترتیب نظم و حل معما هم دستی دارد. خط نسخ تعلیق را خوب می نویسد، چنانچه به آن علت موجب از سرکار پادشاه دارد. مثنوی گفته و از بس خوب گفته، اکثر یاران می گویند که از او نیست...»(3) ابیات زیر از اوست:

کند روشن ز سوز عشق هر کس شمع جانش را هما پروانه گردد بعد مردن استخوانش را

ص: 219

---

1- (1) نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، صص 420 و 421.

2- (2) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 322.

3- (3) نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص 366.

دهد خاصیت آب بقا لعل شکرخایش نگهدارد ز رفتن عمر را مژگان گیرایش (1)

والهی

میریوسف والهی قمی از شعرای نامدار نیمه دوم قرن دهم و ربع اول قرن یازدهم هجری است. شاعری توانا، عاشق پیشه، موسیقی دان و شعرشناس بوده و تذکره نویسان عموماً از انسجام کلام و روانی طبعش سخن رانده اند. (2) از تاریخ تولد او اطلاعی در دست نیست؛ ولی تاریخ فوتش را به تقریب می توان با استفاده از ترجمه وی در عرفات العاشقین مشخص کرد. او با سام میرزای صفوی معاصر بوده است. (3)

میروالهی را از شعرای سبک وقوع می دانند. (4)

بیت زیر از اوست:

به ظاهر از نبود یار هم نفس ما را نهان به گوشه چشم، آن نگاه بس ما را (5)

وحدت قمی

حکیم عبدالله، فرزند اسماعیل در ابتدای شاعری راغب و عاقبت وحدت

ص: 220

---

1- (1) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 322.

2- (2) ترکمان، عالم آرای عباسی، ج 1، ص 284.

3- (3) سام میرزا صفوی، تذکره تحفه سامی، ص 15؛ حسین صبا، روز روشن، ص 888.

4- (4) گلچین معانی، مکتب وقوع، ص 535.

5- (5) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 329.

تخلص کرده و تا آخر عمر نیز از آن استفاده می کرده است. وی از شعرای قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری است که با شاه سلیمان صفوی و میرزا محمد طاهر نصرآبادی معاصر بوده است. نصرآبادی و مؤلف ریحانه الادب اصل وی را از کاشان می دانند. (1)

مولوی محمدحسین صبا مؤلف تذکره روز روشن، اصل وی را از گیلان دانسته است (2) که به علت نشو و نما و سکونت ممتد در قم به قمی مشهور شده است.

شاعری دانشمند و خوش خط بوده است. در زمان شاه سلیمان صفوی، مبادرت به سرودن قصیده ای می کند که هر مصراع نمایان گر تاریخ جلوس شاه بوده است و به علت اینکه صله مطلوبی دریافت نمی کند، ترک دیار کرده و روانه هند می شود. از تاریخ تولد و فوت او اطلاعی در دست نیست. (3)

دو بیت زیر از قصیده ای است که در جلوس شاه صفی صفوی معروف به شاه سلیمان سروده است:

مژده ها از گلشن ایمان چو سر زد صفی دم چو صبح از نور رأی اهل حیدر زد صفی

سنج ها گردون ز شادی زد به مهر و مه بهم از دوال کام یا طبل سکندر زد صفی

که حساب ابجدی تمام مصراع های بالا تاریخ «1077 ه. ق» سال جلوس شاه سلیمان را نشان می دهد. (4)

ص: 221

---

1- (1) نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص 364؛ مدرسی تبریزی، ریحانه الادب، ج 2، صص 294 و 295.

2- (2) حسین صبا، روز روشن، ص 893.

3- (3) پیشین، ص 893؛ مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 340.

4- (4) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 341.

از شعرای نیمه اول قرن دهم هجری است. در زمان شاه اسماعیل صفوی و شاه طهماسب اول می زیسته و با شعرایی چون: حیران قمی، قاضی علایی کره رودی، هجری قمی و میرقبول قمی شهید قمی معاصر بوده است. از تاریخ تولدش اطلاعی نیست؛ ولی فوتش به سال 942 هجری قمری در گیلان اتفاق افتاده است. (1)

بیت زیر از اوست:

شادم من غم دیده به جور و ستم او خو کرده غم او به من و من به غم او (2)

هاشمی قمی

میرهاشمی قمی از شعرای نیمه دوم قرن دهم و احتمالاً اوایل قرن یازدهم هجری است و با شاه طهماسب اول، شاه اسماعیل دوم، سلطان محمد خدابنده و احتمالاً شاه عباس بزرگ معاصر بوده است. از تاریخ تولد و فوت او اطلاعی در دست نیست. از ماده تاریخی که برای تولد نورالدین محمد فرزند میرمخدوم قاضی قم سروده است برمی آید که قطعاً تا سال 993 هجری قمری سال تولد نورالدین محمد، در قید حیات بوده است. (3)

مؤلف آتشکده آذر می نویسد: «هاشمی از سادات آن دیار (قم) و به شیوه زهد و تقوی معروف، و در محکمه شرع شریف محرز بوده.» (4)

ص: 222

---

1- (1) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 342.

2- (2) پیشین، ص 343.

3- (3) پیشین، ص 350.

4- (4) بیگدلی، آتشکده آذر، ج 3، ص 1349.



ابیات زیر از اوست:

ای مُلک دل تنگ دلان کشور تو جان های عزیز سر به سر لشکر تو

خواهم که ز چشم غیر پنهان یک شب گردم به مراد خویش گرد سر تو(1)

یعقوبی قمی

میریعقوبی قمی کاشانی از شعرای قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری است و با شاه طهماسب اول، شاه اسماعیل دوم و سلطان محمد خدابنده معاصر بوده است. از تاریخ تولد و وفات او اطلاعی در دست نیست.

ابیات زیر از اوست:

دوشینه یکی وصف جمال تو ادا کرد نادیده رخت مهر تو جا در دل ما کرد

از شرم ابروی تو، مه نو به شام عید خود را چنان نمود که کس دید و کس ندید(2)

در عهد صفوی، شاهد مهاجرت شاعران بسیاری از ایران به هند هستیم. این مهاجرت ها علل و عوامل متعددی دارد که برخی از آنها عبارت اند از: خروج شاه اسماعیل اول، سخت گیری های مذهبی شاه طهماسب، فتور ارباب مناصب در زمان شاه اسماعیل ثانی، قتل عام شاهزادگان که مروج شعر و مریبی

ص: 223

---

1- (1) مجاهدی، تذکره سخنوران قم، ص 350.

2- (2) پیشین، ص 363.

شاعران بودند، فتنه های پیاپی ازبکان، هجوم عساکر روم به دفعات، دعوت شاهان به هند از ایشان، همراهی سفیران ایران، رنجش و ناخرسندی، گریز از تهمت بدمذهبی، قلع و قمع سران طایفه خود در عهد شاه عباس اول، آزدگی از خویشان یا هم شهریان، درویشی و قلندری، پیوستن به آشنایان و بستگان خود که در آن سامان مقام و منصبی داشتند، سفارت، سیاحت، تجارت خوش گذرانی، ناسازگاری روزگار، پیدا کردن کار، راه یافتن به دربار و ارج نهادن مردم هند به ویژه هم مذهبان و هم زبانان به شاعران ایرانی. (1)

## آثار تاریخی و فرهنگی قم در دوره صفوی

### مدارس

مدارس از نهادهای فرهنگی طی دوره صفوی هستند. در منابع از ده مدرسه قم یاد شده است.

#### 1. مدرسه رضویه

این مدرسه در میان شهر قدیم قم، از کهن ترین مدارس قم است. سیدعبدالکریم بن طاووس در قرن هفتم از این مدرسه یاد کرده است. (2) این مدرسه در عصر صفویه مخروبه و غیر مسکونی بود و حاکم قم از ناحیه شاه سلیمان بنام ابدال بیک، در سال 1094 هجری قمری به عمران آن همت گماشت؛ چرا که شادقلی خان حاکم قبلی قم مدرسه ای در مجاورت مدرسه فیضیه بنیاد کرده بود. اقدام حکام به احداث مسجد یا مدرسه در هر شهر،

ص: 224

---

1- (1) احمد گلچین، کاروان هند، ج 1، ص 5.

2- (2) عبدالکریم بن طاووس، فرحه الغری، ص 46.

موجب ادامه و امتداد مأموریت آنان می شد. (1) به این دلیل حکام به این امر توجه خاصی نشان می دادند.

کهن ترین قسمت موجود مدرسه سردر شمالی آن است که از دوره صفوی به جای مانده و کاشی های پیشانی و کتیبه کمربندی آن جز چند خشتی، فرو ریخته است. در دو جانب این سردر دو طاق نماست که در جبهه طاق نمای شرقی، سنگ نوشته ای کوچک با متنی موجود است که گویای تعمیر این مدرسه در سال 1094 هجری قمری است. (2) این مدرسه، اکنون در خیابان آذر و بنای آن در زمان کنونی مرمت شده است.

## 2. مدرسه غیاثیه

این مدرسه در سال 730 هجری قمری به دستور خواجه غیاث الدین محمد، فرزند خواجه رشیدالدین فضل الله ساخته شد که به نام غیاثیه شهرت یافت. (3)

در برابر این مدرسه، حمامی بود که فردی به نام غیاث الدین رضوی سرکشیک آستان مقدس رضوی در زمان شاه اسماعیل صفوی آن را وقف آستان حضرت معصومه علیها السلام کرده بود. برخی این محوطه را به نام واقف آن نامیدند و پس از آن، مدرسه به نام غیاثیه معروف شد. این مدرسه را شرفیه نیز نامیده اند؛ زیرا گویند این مدرسه به دستور شرف الدین ابوطاهر بن علی قمی، وزیر سلطان سنجر سلجوقی که برای اداره امور عراق به قم آمده بود، در سال 547 بنا کرده است. این مدرسه که دارای مسجدی نیز بوده، یکی از

ص: 225

---

1- (1) فیض، گنجینه آثار، ج 2، ص 639.

2- (2) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 2، ص 38.

3- (3) خواندمیر، دستور الوزراء، ص 328.

بزرگ ترین مدارس قم بوده و در زیر صحن آن برای رفاه حال طلاب و اهل علم در فصل تابستان، سردابی مجلل و وسیع احداث شده بوده است.

در طی زمان در اطراف این مدرسه، قیصریه و چهارسوق نو بنیان قم ساخته شد و به این ترتیب، سردر ورودی مدرسه در بازار شرقی قرار گرفت. این مدرسه از مقصوره مسجد نیز دری به طرف قیصریه داشت و قسمتی از محوطه جنوبی آن جزء خیابان آذر شده بود. مدرسه غیاثیه بر اثر سیل در سال 1045 هجری قمری ویران شد و تنها سردر ورودی و مناره های آن به جای ماند. (1) هم اکنون فقط سردر و مناره ها باقی است و غیر از این چیز دیگری از مدرسه نمانده است.

### 3. مدرسه فیضیه

این مدرسه که از بناهای قبل از دوره صفویه است، به نام مدرسه آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بود. (2) در خلاصه التواریخ هم از آن با نام مدرسه آستانه یاد شده است. (3) این مدرسه در دوره صفوی تعمیر شد. (4)

اروپاییانی که در دوره شاه عباس دوم و شاه سلیمان از قم بازدید کرده اند، بنای آن روزگار این مدرسه را وصف کرده اند. (5) به طوری که نوشته اند بنای

ص: 226

- 
- 1- (1) مهرالزمان نوبان، سیمای میراث فرهنگی قم، صص 132 و 133؛ فیض، گنجینه آثار، ج 2، ص 240.
  - 2- (2) عبدالجلیل رازی قزوینی، النقض، ص 164؛ افندی، ریاض العلماء، ج 3، ص 3.
  - 3- (3) قاضی احمد قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 320.
  - 4- (4) فیض، گنجینه آثار، ج 1، ص 255.
  - 5- (5) شاردن، سفرنامه، ج 3، ص 65؛ تاورنیه، سفرنامه، ص 138؛ جملی کارری، سفرنامه، ص 54.

ابنیه تا حدود حوض وسط مدرسه بوده و وجه تسمیه آن را چنین می گویند که چندی محدث حکیم و فقیه عالم ربانی مولا محسن فیض کاشانی در این مدرسه سکونت داشته؛ ولی ظاهراً چون در کنار آستان فیض آثار است، بدین نام مشهور شده است. (1)

بنای کنونی مدرسه فیضیه در شمال صحن عتیق آستان قم، سازه نیمه نخستین قرن سیزدهم هجری و جایگزین بنای مدرسه آستان است. (2)

4. مدرسه شادقلی

شادقلی خان حکمران قم، در سال 1054 هجری قمری، بنا به پیشنهاد مولانا در جانب شمالی آستان، مدرسه دیگری بنا نهاد که این عمارت نیز مربع و همانند مدرسه فیضیه بود. (3) اکنون از این مدرسه بنایی موجود نیست.

5. مدرسه جانی خان

مدرسه جانی خان در برابر درگاه مسجد جامع از مدارس دوره صفوی قم است که در دوره ناصری تعمیر و مرمت یافت که پس از آن گاهی به نام مدرسه ناصری یاد می شود. سردری بلند دارد با مقرنسی لطیف در سقف و آرایش کاشی گرهی در لچکی های پیشانی. (4)

ص: 227

---

1- (1) ناصر الشریعه، تاریخ قم، ص 245.

2- (2) پیشین، ص 83؛ فیض، گنجینه آثار، ج 1، ص 639.

3- (3) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 2، ص 132.

4- (4) پیشین، ص 131.

در سال 1055 هجری قمری، مرحوم اعتمادالدوله میرزا تقی خان، مشهور به ساروتقی نخست وزیر شاه عباس ثانی، مدرسه سومی را وسیع تر از دو مدرسه سابق در شمال مدرسه شادقلی بنا نهاد و در زاویه شرقی آن هم برکه آبی بنیان کرد که تنها همین آب انبار با ایوان جلو راه پله اش مزین به کاشی های خشتی و کتیبه های متعدد ثلثی و نستعلیق از کاشی معرق آن عصر هنوز باقی است و چنین به نظر می رسد که بین این مدرسه با مدرسه شادقلی هم شارعی عمود بر خیابان ساحلی و بلوار وجود داشته است که درب مدرسه از جنوب به شارع مزبور و از شمال به محوطه میدان شمالی (اراضی گورستان) گشوده می شده است. بنا بر آثار منقول، درب آن با مدرسه شادقلی در موازات یک دیگر و در زیر پوششی کرباس مانند بین مدرسه باز می شده است. [\(1\)](#) ولی اکنون از آن اثری نمانده است.

7. مدرسه مؤمنیه یا تحویل خانه

از مدارس باستانی قم است که میر محمد مؤمن از ادبا و شعرای عصر شاه طهماسب صفوی در اوایل قرن دهم برای ساختن آن اقدام کرد؛ اما چون نام برده معلم شاهزاده حیدر میرزا ولیعهد بود و زمانی که شاهزاده به دست طرفداران اسماعیل میرزا در قلعه قهقهه محبوس بود و در عمارت دولت خانه به قتل رسید، اسماعیل میرزا به سلطنت رسید و در مقام شکنجه طرفداران حیدر میرزا برآمد تا جایی که محمد مؤمن شبانه از قزوین گریخته و به

ص: 228

---

1- (1) فیض، گنجینه آثار، ج 1، ص 419؛ ناصر الشریعه، تاریخ قم، ص 254.

هندوستان رفت. پس از مدتی، امیرمحمد مؤمن شاملو از امرای شاه سلطان حسین صفوی در سال 1113 به تکمیل بنای آن همت گماشت (1) و آن را با کتب خطی بسیاری بیاراست؛ ولی در سال 1135 هجری قمری در فتنه افغانه، این مدرسه تهی از سکنه و انبار آذوقه و علوفه شد و به نام تحویل خانه مشهور گردید. (2)

از آثار قدیم آن مدرسه، ایوانی در غرب است که در دو طبقه محل کتابخانه و قرائت خانه شده است و سردر شرقی آن باقی است و پوشش آن رسمی بندی و دارای کتیبه ای از کاشی های خشتی به کمربندی است با زمینه لاجوردی و خط سفید نستعلیق. (3)

8. مدرسه مهدی قلی خان

از مدارس دوره صفوی شهر قم است و آن را مهدی قلی خان، فرزند علیقلی خان، فرزند قرچقای خان در سال 1123 هجری قمری بنیاد کرده است. قرچقای خان سپهسالار شاه عباس اول از مشهورترین امرای دوره پادشاهی اوست.

قبر مهدی قلی در دالان مدرسه است و دری هم در زیر گذر عبدالله خان داشته که فعلا مسدود است. (4)

ص: 229

---

1- (1) خاتون آبادی، وقایع السنین و الاعوام، ص 547.

2- (2) ناصر الشریعه، تاریخ قم، ص 254.

3- (3) فیض، گنجینه آثار، ج 2، ص 653؛ مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 2، ص 227.

4- (4) ناصر الشریعه، تاریخ قم، ص 246.

این مدرسه در جانب شرقی دروازه ری، در مرکز محله مسجد جامع واقع است. این بنا از نظر قدمت متعلق به دوره صفوی است و در مجاورت مسجد جامع بنا شده است. (1)

عباس فیض در گنجینه آثار تاریخی قم، این مجموعه را از آثار پادشاه تاتار ترکستان، جانی بیک می داند؛ اما نقل تاریخی که در این رابطه وجود دارد این است که در عصر صفوی جهانگیرخان، مدرس مسجد شاه اصفهان به قم آمد و در این مکان مدرسه ای را با بیست حجره و یک طبقه تأسیس کرد که به نام ایشان (جهانگیرخان) نامیده شد. این مدرسه در عین کوچکی از مدارس پرسابقه و پربرکت قم بوده است؛ زیرا اکثر فضایی قم در عصر صفوی از تربیت یافتگان این مدرسه بودند. صحن مدرسه از شرق به غرب، بیست متر طول دارد و عرض آن حدود هجده متر است. (2) اکنون بنای این مدرسه در خیابان ارم است.

#### 10. مدرسه دارالشفاء

این مدرسه، مطابق کتیبه ایوان شمالی آن در دوره صفویه، به سال 1055

هجری قمری ساخته شده است. زمین این مدرسه به آستان حضرت معصومه سلام الله علیها تعلق دارد. ساختمان اولیه آن در عصر شاه صفی، نه برای مدرسه، بلکه برای سکونت مستضعفان و بیچارگان تأسیس شده بود که از محل خیرات آستان اطعام می شدند. تا اینکه میرزا تقی خان اعتمادالدوله، صدر

ص: 230

---

1- (1) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 2، ص 131.

2- (2) عباس فیض، گنجینه آثار، ج 1، ص 484.



اعظم شاه عباس دوم، آن را به مدرسه بدل کرد. (1) هم اکنون این مدرسه در خیابان ساحلی قم پا بر جاست. (2)

از نمادهای دیگر فرهنگ یک جامعه، هنر و معماری است. در این بخش به بررسی وضعیت معماری حرم امامزادگان و مساجد قم می پردازیم.

## مساجد

هنر معماری عصر صفوی، نوآوری خاصی را به ارمغان آورد؛ بدین معنا که از این دوره به بعد، پوشش عمارت ها کاشی های بسیار کوچک بود که تقریباً تمام بناهای تاریخی و مهم این دوره را در بر می گیرد. این پوشش ها عموماً توسط لعاب های درخشان و شفاف صورت می گیرد که اشکال متفاوت را به طور وضوح نشان می دادند، خطوط زیبا را به نمایش می گذاشتند و امکان توصیف طرح ها را فراهم می کردند. صفویان توانستند قسمت های رنگ آمیزی شده عمارت ها را با سطوح منحنی شکل و آویزهای بسیار پیچیده گسترش دهند. در زمان صفویان گنبدها پوشیده از نوشته های بسیار وسیعی هستند که با نقوش شاخ و برگ دار تزیین یافته اند. (3)

مسجد امام حسن عسکری علیه السلام

این مسجد، یکی از مهم ترین مساجد قم است که اکنون مسجد جامع شده

ص: 231

- 
- 1- (1) حسن بن حسن، قمی، تاریخ قم، ص 161.
  - 2- (2) ناصر الشریعه، تاریخ قم، ص 161.
  - 3- (3) هنر و معماری مساجد، ج 1، صص 117 و 118.

است. این مسجد نزدیک پل علی خانی و کنار بلوار و خیابان حضرتی سابق و در حاشیه خیابان آذر واقع و دارای سه در ورودی از بلوار، خیابان آستانه است.

در علت نام گذاری مسجد به این نام، چند قول بیان شده است که در این جا فقط به یک قول اکتفا می شود و آن قول محدث نوری است که در کتاب «نجم الثاقب» بیان کرده است: احمد بن اسحاق اشعری، وکیل امام حسن عسکری علیه السلام با کسب اجازه از امام به بنای آن اقدام کرد. در زمان شاه سلیمان صفوی، مهدعلیا مادر آن پادشاه، ایوان بزرگی متصل به مسجد بنیان کرد و صحن وسیعی هم بر آن افزود و در اطراف آن هم مرافقی (1) بنیاد کرد که آن مرافق به مرور زمان از بین رفت. (2)

این مسجد در دوران صفوی، از مهم ترین مساجد قم و دارای تولیت مخصوص به خود بوده که از طریق شاهان تعیین می شده است و معمولاً کسانی که مقام تولیت حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را داشته اند، مسئولیت تولیت مسجد امام حسن عسکری علیه السلام را هم به عهده داشته اند. در این دوره، این مقام بر عهده خاندان رضوی بوده است. این مسجد دارای چهار شبستان، یک ایوان و یک سرداب زیباست. ایوان آن را مهدعلیا در سال 1129 بنا کرد. این ایوان به دهانه 11، طول 12 و ارتفاع 14 متر با جدار و جرزهای آجری و محرابی زیبا به گچ بری و کتیبه ای کمربندی و پوششی رسمی بندی در سه قسمت با نه غرفه یا صفه های فوقانی است که با درگاه های چندی از طرفین به دو شبستان غربی و شرقی مرتبط است. جرزهای طرفین ایوان به قطر 4 متر و روی هم جرز سه صفه، محرابی ساخته شده است که صفه اولی و دومی

ص: 232

---

1- (1) املاک و چیزهایی که منبع درآمد باشد.

2- (2) فیض، گنجینه آثار، ج 2، ص 676.

دارای پوشش مقرنس گچی هستند و از صفت دوم دری به غرفه های ایوان گشوده می شده است که جلو آن را مسدود کرده اند و از غرفه فرازین یا مرتبه سوم درگاهی بدون بنا باز است. در کمر بند ایوان زیر صفت ها، کتیبه ای گچ بری به خط برجسته ثلث است که روی آن سوره مبارکه جمعه و دنباله آن بنا و سپس هفت آیه سوره تبارک نوشته شده است.

از دیگر آثار ارزنده هنری این ایوان، محراب زیبایی است به شکل مضلع هفت ترکی، مزین به گچ بری های اصیل مستندی است که تاریخ ساخت خود را حفظ کرده است. دهانه محراب و ارتفاعش 3 متر به ازاره ای به ارتفاع یک متر و 20 سانتی متر مزین به کاشی های منقش هفت رنگ قدیمی و بالای آن گچ بری با نقشه ملاط سازی آجری است که در کمرگاه آن مقرنس ریزی است. کمر بندی به عرض سی سانتی متر و روی آن در سینه هر یک از اضلاع هفت گانه، ترنجی اعم از فلکه ای و بیضی متضمن، کتیبه ای به خط برجسته ثلثی ریحانی گچ بری، توأم با کنده کاری است و در میان هر ترنج عباراتی آمده است. (1)

مسجد جمعه (جامع)

بنای این مسجد در نزدیک دروازه ری قم است. در گلستان هنر، ذیل سرگذشت حافظ قنبر شرفی می نویسد: «خط ثلث را خوش می نوشته و کتابه درگاه مسجد جامع دارالمؤمنین قم و محراب... به خط اوست.» (2) از این برمی آید

ص: 233

---

1- (1) فیض، گنجینه آثار، ج 2، صص 677 و 678؛ محمدرضا کوچک زاده، تاریخچه قم و مساجد تاریخی آن، صص 179-181.

2- (2) قاضی احمد قمی، گلستان هنر، ص 32.

که در نیمه نخستین قرن دهم، این مسجد مرمتی شده است. شاه عباس دوم در سفرش به قم در همین مسجد پشت سر ملا محسن فیض دانشمند نامور آن دوره نماز گزارد. (1) اصل بنای گوشوار شرقی و غربی آن و ایوان رفیع جنوبی هم گویا برای دوره صفوی است (2) مسجدی که اکنون برجاست و به نام مسجد جمعه قم شناخته می شود، همان است که در محله مسجد جامع، در خیابان آذر و نزدیک دروازه ری واقع شده است.

#### مسجد عشقعلی

بنای این مسجد در نزدیک آستان مقدس، کهن است و باید از حدود قرن دهم باشد. درباره بانی و تاریخ دقیق بنای آن آگاهی درستی در دست نیست؛ جز آنکه در کتابچه سند ثبت موقوفات و خالصه جات کشور در دوره ناصری، براساس دفاتر قدیم از موقوفات سرکار سید عشقعلی یاد می شود. (3)

ایوان مسجد مربوط به دوره صفوی است. در جهت شمالی مقصوره آن ایوانی است از الحاقات عصر صفوی به دهانه 7، عرض 5 و ارتفاع 9 متر که دارای ازاره ای از سنگ تراش و جداری سفیدکاری و پوششی رسمی بندی بدون تزیین است. (4)

ص: 234

---

1- (1) وحید قزوینی، عباس نامه، ص 186.

2- (2) محمد تقی بیک ارباب، تاریخ دارالایمان قم، ص 51.

3- (3) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 2، ص 123.

4- (4) فیض، گنجینه آثار، ج 2، ص 160.

قدمت و استخوان بندی بنا مربوط به دوره صفوی است که در دوره های بعد نیز الحاقاتی به آن افزوده اند. یک رواق در جنوب و یک رواق سرپوشیده در سمت غرب آن قرار دارد. نقشه اصلی بنا از یک چهارطاقی بزرگ تشکیل شده است که با چرخش تقریباً چهل و پنج درجه، نسبت به قبله نمایان است. گنبدخانه مسجد از قسمت های اصلی بنا بوده است. (1)

#### مسجد بالاسر

در سمت مغرب روضه مطهره واقع است که از بناهای شاه اسماعیل صفوی است. (2)

#### مسجد صرم

این بنا نیز از آثار دوره صفوی است که دارای شبستانی به ابعاد 9 و ارتفاع 12 متر است. در چهار گوشه فوقانی آن، با زدن نیم طاقی مربع شکل به هشت ضلعی تبدیل کرده و با زدن چند رسمی بندی به شکل کثیرالاضلاع درآورده و با طاق پوشش عرق چینی و رسمی بندی آجری آن را بر پا داشته اند. (3)

پوشش بیرونی گنبد، نیمه بیضوی و آجری است. در اضلاع شمالی و غربی شبستان هر سه طرف، سه صفاه زیبا و بر بالای آنها غرفه هایی با پوشش مسطح ساخته شده که از هر یک، دری به خارج گشوده می شود. مدخل مسجد

ص: 235

---

1- (1) فیض، گنجینه آثار، ج 2، ص 583.

2- (2) ناصر الشریعه، تاریخ قم، ص 179.

3- (3) حسین زمرشیدی، مساجد و معماری ایران، ص 191.

از صفت وسطی و در ضلع شمالی قرار دارد و جلوی آن مهتابی بزرگ، به وسعت 8/7 در 12/5 متر است که در زیر آن شبستانی زمستانی بر شش چشمه در دو ردیف با دو پایه مصلح آجری قرار دارد. در دو طرف ورودی مسجد لوحی از سنگ نصب شده که بر آن عباراتی به شعر و به خط ثلث برجسته حجاری شده است. (1)

## کاروان سراها

ساخت کاروان سراها با توجه به اوضاع اجتماعی، اقتصادی و مذهبی، از روزگاران قدیم در ایران مورد توجه خاص بوده است. به طور کلی، کشور ایران در طول حیات چند هزار ساله خود به دفعات شاهد اوج گیری تمدن و ایجاد امپراطوری های وسیع بوده است. ارتباطات وسیع و پررونق تجارت و امنیت راه ها و وجود کاروان سراها لازمه بقا و گسترش چنین تمدن هایی بوده است؛ بنابراین یا حکمرانان خود اقدام به ساخت کاروان سرا و پل ها می کردند و یا با ایجاد تمهیداتی تجار و متمکنان را تشویق به ساخت چنین ابنیه ای می نمودند. (2) بنیان کاروان سراها در دوره صفویه به دلیل وجود امنیت سیاسی و اقتصادی، تجارت و داد و ستد رونق گرفت؛ از این رو، کاروان سراهایی پدید آمد. عصر طلایی و شکوفایی احداث کاروان سراها در ایران، دوره صفویه است و دلیل عمده آن، رونق تجارت داخلی و خارجی و اهمیت دادن به راه ها، به ویژه راه های زیارتی است. (3)

ص: 236

---

1- (1) فیض، گنجینه آثار، ج 2، ص 587.

2- (2) ماهنامه معمار، مرمت و احیای کاروانسراها، ش 2، ص 84.

3- (3) محمد یوسف کیانی، فهرست کاروانسراهای ایران، ج 1، ص 3.

منطقه قم نیز به دلیل قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی خاص، از قبل از اسلام تا عصر قاجار مورد توجه حکم رانان ایران واقع شده و کاروان سراهای متعدد در آن شکل گرفته است.

### کاروان سرای طلاب

این کاروان سرا در 30 کیلومتری جاده قم به طرف اراک واقع شده و بنایی است به طول 87 و عرض 280 متر. کاروان سرای طلاب از دو بنای چهارایوانی تشکیل شده و ساختار آن به عصر سلجوقی و صفوی می رسد. محور کاروان سرا بر شمال غربی و جنوب شرقی واقع است. ورودی آن از سمت جنوب شرقی به دهانه 3/60 متر است که محل ورود به حیاط و فضای اول متعلق به دوره صفوی است. در این بنا، تا ارتفاع 1/30 سنگ شده و هسته مرکزی دیواره ها خشت و بنایی از آجر به رنگ قرمز است. در چهار گوشه و ضلع شمالی بنا، پنج فضای چهارطاقی با پوشش گنبدی به شکل عرق چین وجود دارد. (1)

### کاروان سرای سنگی کوه نمک

این کاروان سرا در کنار جاده قم به گازران قرار گرفته است. سبک معماری آن سلجوقی - صفوی است؛ ولی قدمت آن به دوره صفوی می رسد. کاروان سرای سنگی از نوع چهارایوانی با نقشه مربع است. اضلاع این کاروان سرای مربع، حدود 60 متر است. در میان هر یک از اضلاع، ایوانی با یک فرورفتگی محراب مانند قرار دارد که حجره های کوچکی کنار آن واقع است. مصالح

ص: 237

ساختمانی، در دیواره ها سنگ و در پوشش سقف آجری است. هم اکنون کاروان سرا دچار فرسایش شدید شده است. (1)

### کاروان سرای آجری پل دلاک

این کاروان سرا از نوع بناهای چهارایوانی است که 55 متر طول دارد و 45 متر عرض. از آجر و ملاط ساروج ساخته شده و سقف آن قوسی و گنبدی است. قدمت آن به دوره صفوی می رسد. سالم ترین قسمت های باقی مانده از بنا، حجره ها و بدنه جنوبی آن است که سه ورودی اصلی ساختمان نیز در آن واقع شده. بدنه جنوبی دارای ده حجره و یک در ورودی در وسط آن است. (2)

### کاروان سرای پاسنگان

این کاروان سرا در کنار جاده قدیم قم - کاشان قرار گرفته و به شکل مربع 50 در 50 متر و از بناهای چهارایوانی است. در چهار گوشه بنا، چهار برج نیم دایره و در طرفین ورودی ساختمان ده طاق نمای تزئینی وجود دارد. (3) کاروان سرا با تزئینات آجرکاری از آثار صفوی است. به علت اینکه این ناحیه نسبتاً خشک است، دو آب انبار، یکی در میان حیاط مرکزی و دیگری در خارج کاروان سرا ساخته شده است که مصالح ساختمان آن از سنگ و آجر است. (4)

ص: 238

---

1- (1) محمد یوسف کیانی، فهرست کاروانسراهای ایران، ج 1، ص 427.

2- (2) پیشین، ص 415.

3- (3) پیشین، ج 2، ص 123.

4- (4) پیشین، ص 175؛ کامبیز حاجی میرزا، گنج نامه، ص 90.



این کاروان سرا در بخش مرکزی و شرق چشمه شور و شمال دریاچه حوض سلطان واقع است. نقشه کاروان سرا به شکل مستطیل و دارای چهار حیاط است. در داخل حیاط مرکزی آن ایوان های متعددی وجود دارد و در گوشه های حیاط، اتاق هایی کوچک دیده می شود. مصالح ساختمان آن را از بیست کیلومتری آورده اند. و چون آب فراوانی نیاز داشتند، در کنارش آب انبار دایره ای شکل به قطر 16/5 متر بر پا کرده اند. مصالح به کار رفته در کاروان سرا آجر، سنگ و لاشه ملاط گچ است. این کاروان سرا، از نظر قدمت متعلق به دوره صفوی است. (1)

از جمله کاروان سراهای محدوده قم می توان به موارد دیگری نیز اشاره کرد:

1. کاروان سرای الله قلی خان و تاج خاتون با قدمت دوره صفوی - قاجار؛

2. کاروان سرای کنارگرد در شمال سلفجگان با قدمت دوره صفوی؛

3. کاروان سرای دهکده ابوطالب در جاده قم - اراک با قدمت دوره صفوی. (2)

### پل های قم در دوره صفوی

پل کاج

بقایای این پل در 5 کیلومتری غرب دهکده کاج و در مسیر کاروان روی قم - ورامین واقع شده که از نظر قدمت به دوره صفوی می رسد.

پل کاج بر روی

ص: 239

---

1- (1) محمد یوسف کیانی، فهرست کاروانسراهای ایران، ص 424.

2- (2) پیشین، ص 440.

رودخانه مسیله زده شده است و به ظاهر، نوعی پل بند بوده که امروز به علت بالا آمدن رسوبات و دفن شدن بخش زیرین پل، اطلاع دقیقی از آن در دست نیست. پل کاج به طول 24/5 متر و حداقل 13 دهانه به ابعاد و اندازه های مختلف است که در یک خط مستقیم بنا شده، البته انحنایی در جهت مخالف جریان رودخانه دارد. پل کاج از نظر نقشه و ساختمان با پل دلاک دوره صفویه قابل مقایسه است. (1)

### پل دلاک

در مسیر جاده تهران - قم دوره صفوی بر روی رودخانه ساوه واقع شده است. این پل در دامنه جنوبی کوه های دریاچه حوض سلطان قرار دارد. آثار بر جا مانده از پل، دارای دو محور است:

الف) عمود بر مسیر رودخانه قوه چای و کاروان سرای آجری دلاک که این محور دارای یک دهانه سالم و چهار جرز قابل تشخیص و پایه های پل است؛

ب) با چرخشی نسبت به محور اول که به نظر می رسد عمود بر محور حرکت آب باشد، دارای سه دهانه سالم و سه عدد چاله قابل تشخیص است.

پایه های اصلی پل از سنگ، با پوشش آجری بنا شده است. از آنجا که مسیر حرکت آب در سالیان متمادی تغییرات فراوانی کرده، باعث آسیب های زیادی در ساختمان پل شده است. (2)

ص: 240

---

1- (1) محمدعلی مخلصی، پل های قدیمی ایران، ص 166؛ کلایس والفرام، پل های دوره صفوی و قاجاریه در ایران، ص 971؛ مریم محمدی ملاکاظم زاده، دائرة المعارف بناهای تاریخی ایران دوره اسلامی، ص 166.

2- (2) ملاکاظم زاده، دائرة المعارف بناهای تاریخی ایران دوره اسلامی، ص 165.

پل دلاک شامل سه قسمت با هجده دهانه است که با آب بره‌های متفاوت نیم دایره ای شکل گرفته است. (1)

### پل طینوج

این پل در غرب کاروان سرای طینوج و بر رودخانه فصلی جهرود احداث شده و قدمت آن به دوره صفویه می‌رسد. پل دارای 27/5 متر طول و 4/30 متر عرض است. بلندای آن 6/60 متر، دارای یک چشمه بزرگ و دو چشمه کوچک با طاق جناقی است. پل در گذشته، مسیر کاروان رو به عتبات عالیات بوده است. (2)

### پل علیخانی

این پل داخل شهر، متصل به دروازه خاک فرج و ابتدای بازار و محدوده میدان مطهری است. اصل بنای آن از دوره صفوی است که در دوره قاجار و پهلوی بازسازی و گسترش یافته است. (3) گویا پل در عصر صفوی یازده دهانه داشته و در حدود 1292 هجری قمری، از سوی علی خان سنقری نایب الحکومه قم بازسازی شده است. در این هنگام، طاق و دهانه های قبلی را برداشته و در حد فاصل پایه های قدیمی، طاق های مرتفع تری بر پا کردند. (4)

ص: 241

- 
- 1- (1) میرعابدین کابلی، باستان شناسی قمرو، ص 122؛ والفرام کلایس، پل ها، ص 974.
  - 2- (2) پرونده ثبتی میراث فرهنگی، عمار کاووسی، ش 8638.
  - 3- (3) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 2، ص 155.
  - 4- (4) حسین قاسمی نژاد، راهنمای قم، ص 158.

### محل دفن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در داخل روضه

مرقد شریف آن حضرت در میان بقعه ای با بلندی 1/20 و درازا و پهنای 2/95 در 1/20 متر قرار گرفته و با کاشی های نفیس و زیبای زرفام پوشیده شده است. کاشی های روی مرقد که لوح مزار شمرده می شود، مرکب از پانزده قطعه خشت بزرگ در پنج ردیف است که متن آن به نقش و نگارهای ظریف و کتاب های قرآنی مزین است. گرداگرد مرقد، دیواره ای به بلندی دو متر و درازا و پهنای تقریبی 4/80 در 440 متر قرار دارد که آن را اعتمادالدوله قاضی جهان حسینی، (1) در سال 950 هجری قمری بنیاد نهاده و با کاشی معرق آراسته است. این دیواره، اکنون با ضریح سیمین پوشیده است. زمینه کاشی های مزبور لاجوردی و نقش و نگارین است و در قسمت بالای دیواره، کتیبه ای به خط ثلث سفید با پهنای تقریبی بیست سانتی متری وجود دارد.

در هر یک از سه ضلع شمالی، جنوبی و شرقی، چهارگوشه ای مستطیلی برای دیده شدن مرقد منور تعبیه شده و در قسمت پایین پا (شرقی) یک در برای ورود به داخل روضه مقدسه هست. و مرقد شریف به درستی و کمال نمودار است. در جانب راست این درگاه، در آغاز بدنه شرقی میان تزئینات نقش و نگار کاشی، ترنجی است چهارگوشه که در میان آن «امر دهنده به ساخت این بنا قاضی جهان حسینی» دیده می شود. مدخل ورودی روضه مقدسه پیش تر از سوی شمال بوده است. دیواره کاشی با ضریح سیمین پوشیده شده

ص: 242

است. در پایه ضریح مزبور بر سنگ های مرمر، قصیده ای از صبا با تاریخ 1240 هجری قمری، و بر بالای ضریح قصیده ای از شاعری قمی کتیبه است.

بقعه کنونی که بر فراز تربت منور استوار است، از آغاز دوره صفوی است و آن را شاه بیگی بیگم، دختر مهمادبیک بکتاش موصولو، همسر شاه اسماعیل به سال 925 در جای ساختمان پیشین حرم بنیاد نهاده است و مقرنس کاری سقف آن هم در میانه قرن دوازدهم تجدید شده است. نمای عمومی بنا، از سطح بقعه تا بالای نخستین کتیبه سراسری - که ساخت تقریبی آن به شش متر و اندی می رسد - هشت گوشه با هشت صغه در اضلاع بقعه است و پس از آن، قاعده گنبد و سقف با مقرنس های تزینی به تعداد زیاد قرار دارد. ازاره بنا تا نزدیک 1/5 متر از سنگ مرمر است و پس از آن کتیبه ای سراسری از کاشی معرق به خط ثلث طلایی و سفید در زمینه لاجوردی با پهنای سی و چند سانتی متر میان دو حاشیه از کاشی فیروزه ای دیده می شود. این کتیبه در درگاه های هشت گانه بریده می شود و آغاز آن کنار در ورودی از ایوان طلا و انجام آن در جانب دیگر همین در است. با این تذکر که پیش تر میان حرم و رواق جنوبی (مدفن شاه صفی) با دیواره ای گویا مشبک بسته بوده و قسمتی از کتیبه بر این دیوار قرار داشته است که پس از تغییر شکل بقعه شاه صفی و برداشته شدن دیواره، و در ردیف آن، باقی کتیبه بر دیواره غربی بنای مقبره که کتیبه اصلی آن فرو ریخته بود نصب و در ردیف آن باقی کتیبه با استفاده از متن و خط کتیبه حرم تکمیل شده است. (1)

متن این کتیبه چند حدیث نبوی است. پس از آن بدنه بقعه تا زیر کتیبه سراسری، نخستین آینه کاری است که در دو صفحه زیرین پنج سطری با یک

ص: 243

متن که میان آئینه کاری های دو سوی درگاه ورود شمالی (از سوی ایوان طلا) بر پایه ها نصب است. متن کتیبه سراسری یادشده، به خط ثلث برجسته با پهنای بیش از نیم مترگچ بری شده است. پس از این کتیبه، پوشش سقف و پایه های آن یا نقطه مرکزی مقرنس کاری است که با آئینه تزیین شده و گرداگرد قاعده درونی گنبد، هشت مشبک با آرایش های ظریف کاشی از پیش برجاست. (1)

## ضریح

قرن ها تربت فاطمیه را یک بقعه و قبه بدون ابنیه و بیوتات تابعه و در وسط حرم هم مرقدی مزین به کاشی های بدون ضریح بود. چون پادشاهان شیعی و نیک اعتقاد صفویه روی کار آمدند، ضمن تقویت مبانی دینی برای تعظیم شعایر مذهبی، به تزیین و مرمت مشاهد متبرکه امامان و امامزادگان پرداختند. شاه اسماعیل به تجدید روضه امامین کاظمین در بغداد همت گماشت و شاه بیگم دختر نیکوکار وی، بقعه و قبه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را به صورت کنونی ساخت. ایوان، صحن و گل دسته هایی بر آن افزود و دیوار آن را با کاشی های معرق بیاراست. وقتی که شاه طهماسب به سلطنت رسید، نخست بنای مرقد شریف را مسامت کرد و چون انحراف آن درون حرم از حسن منظر روضه می کاست، فرمان داد تا در اطراف آن ضریحی مزین به کاشی به تبع روضه شمالی و جنوبی بالا آوردند و برای آن منافذی باز گذاشت تا مرقد قابل رؤیت باشد و بعداً هم ضریحی از فولاد شفاف و مشبک در جلو آن نصب کرد. (2)

ص: 244

---

1- (1) ناصر الشریعه، تاریخ قم، ص 54.

2- (2) فیض، گنجینه آثار، ج 1، ص 470.

ایوان طلا و ایوان های طرفینش که در جهت شمالی روضه واقع هستند، از ساخته های شاه بیگم دختر شاه اسماعیل در سال 925 هجری قمری است که با حرم مطهر، گنبد و گل دسته های دو طرف آن، هم زمان ساخته شده اند. این شاه ایوان تاریخی که ایوان شاه نیز نامیده می شود، به دهانه 9، عرض 6 و ارتفاع 14/80 متر و ازاره اش به ارتفاع 1/80 متر، مزین به کاشی های کوچک قالب ساده و هشت ترکی فیروزه فام عصر صفوی است که تقریباً ارتفاع شان 12، عرض شان 2 و دهانه شان 5 متر می شود. ازاره با سنگ مرمر ماشین تراش صیقلی است. (1)

### گل دسته ها

گل دسته های طلا و متوسط از آثار شاه بیگم در همان سال بود که هم زمان با ایوان ساخته شد به طوری که از نقشه های ترسیمی سیاحت نامه های خارجی به دست می آید، گل دسته های سابق بدون تالارچه بوده است و چنین به نظر می رسد که در جنوب روضه ایوان و دیگری به جای حرم زنانه به قرینه ایوان شمالی وجود داشته است. (2)

### رواق جنوبی

این عمارت در سال 1053 هجری قمری، به نام آب دارخانه برای مقبره شاه صفی از ناحیه سلیمان خان ساخته شده است. (3)

ص: 245

---

1- (1) پیشین، ص 492.

2- (2) پیشین، ص 587.

3- (3) پیشین، ص 588.

نخستین پادشاهی که از خاندان صفوی در قم به خاک سپرده شد، شاه صفی بود که در 12 صفر 1052 هجری قمری در کاشان درگذشت. جسد او به قم منتقل و در رواق جنوبی حرم دفن شد. (1) بر فراز قبه شاه صفی، بنایی شکوه مند بر پا بوده که تزیینات سقف و بدنه آن از میان رفته است. (2) بقایای کتابه سراسری پایین مقبره که متن آن سوره جمعه (3) و به خط ثلث محمدرضا امامی اصفهانی بوده هنوز هست. (4)

در حال حاضر از مقبره شاه صفی جز صندوق خاتم که در موزه آستان نگهداری می شود، هیچ اثری بر جای نیست. این صندوق اثری است بس نفیس از هنر خاتم کاری و منبت دوره صفوی که گرداگرد هر یک از چهار بدنه آن آیاتی از سوره یس را تا پایان برآورده اند. (5)

## مقبره شاه عباس دوم

شاه عباس دوم در زاویه جنوب غربی حرم در بقعه ای باشکوه به بلندی 12، طول و پهنای 8 متر به خاک رفته است. (6) این بقعه دوازده ضلعی است که چهار

ص: 246

- 
- 1- (1) ترکمان، ذیل عالم آراء، پیشین، ص 257.
  - 2- (2) شاردن، سفرنامه، ج 1، پیشین، ص 48.
  - 3- (3) پیشین، ج 3، ص 74.
  - 4- (4) قمی، تاریخ قم، پیشین، ص 116.
  - 5- (5) ناصر الشریعه، تاریخ قم، پیشین، ص 63؛ فیض، گنجینه آثار، ج 1، پیشین، ص 600.
  - 6- (6) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، پیشین، ص 113؛ شاردن، ج 2، پیشین، ص 472.



ضلع آن درگاه ورود به حرم و مسجد موزه و رواق جنوبی و غربی حرم و هشت ضلع دیگر صفا هائی است به بلندی 3 و دهانه و پهنای 2 در 0/600 متر ازاره بقعه تا بالای کتیبه کمربندی به بلندی 3/70 متر از قطعات بزرگ مرمر است که در پایه ها (فواصل صفا ها) به شکل ستون حجاری شده و در نقوشی رنگین از طلا و لاجورد به شکل گل و بوته آراسته شده که در مجموع از زیبایی بسیاری برخوردار است. این قطعات با همان نقش های رنگین و زیبا، راهرو بقعه به حرم و رواق جنوبی را نیز زینت داده است. بالای ازاره، کتیبه ای است بر سنگ مرمر به خط ثلث برجسته مشتمل بر سوره جمعه.

قبر در میان بقعه قرار گرفته و صندوق مسین فراز آن را به موزه آستان منتقل کرده اند. پایه آن مرکب از چند قطعه مرمر سفید با بلندی چند سانتی متر اکنون باقی است. در کناره این سنگ ها، به طور مایل گرداگرد به پهنای ده سانتی متر ابیاتی به خط نستعلیق ثبت است. (1)

### مقبره شاه سلیمان و شاه سلطان حسین

شاه سلیمان در بقعه ای واقع در سمت جنوب غربی بقعه شاه عباس دوم به خاک رفته است. جسد شاه سلطان حسین نیز در راهرو ورود همین بقعه در شرق بنا که با خود بقعه از نظر تزیین همانند است، دفن است. ازاره بقعه و راهرو به بلندی 1/30 متر از سنگ مرمر که با نقش و نگارهای رنگین از گل و بوته و با ستون هایی ظریف و کوچک در دو سوی شاه نشین های بنا آراسته شده

ص: 247

و بالای آن تا 72 سانتی متر دیگر گچ بری نقش رنگارنگ آمیزی شده، سپس کتیبه ای سراسری و گچ بری است. صندوق قبر شاه سلیمان در میان بقعه قرار دارد و در کنار آن اکنون سنگ قبری است با خطوط و نقوش ظریف که بیشتر در راهرو و میان دو صحن آستان بوده است. در بقعه مدفن شاه سلطان حسین، بالای کتیبه سراسری گچ بری، کتیبه ای دیگر به خط نستعلیق بر کاشی دیده می شود. این کتیبه پیش از سال 1376 در جانب خارجی همین بقعه بر سردر ورودی نصب بوده و پس از تغییرات صحن زنانه و تبدیل آن به مسجد موزه، با تکمیل و تعمیر کامل، قطعات شکسته و فرسوده آن منتقل شده و آن مرکب از دو قسمت است که قسمتی مربوط به مقبره شاه عباس بوده است. (1)

### دو مقبره از خاندان صفویه

در شاه نشین شمالی گنبد شاه سلیمان، یک لوح قبری است که هرگاه وارونه قرار گیرد، سنگاب بزرگی تجلی می کند، به طوری که هیچ کس نمی تواند تشخیص دهد لوح قبر است. مزین به کتابت های متعدد از کوفی، ثلث و نستعلیق اعم از آیه و روایه از نظم و نثر، مخصوصاً کتیبه های ثلثی آن بسیار خوش خط و جالب است. (2)

ص: 248

---

1- (1) پیشین، ج 1، صص 616-618؛ مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، پیشین، ص 118.

2- (2) فیض، گنجینه آثار، پیشین، ص 618.

در سال 1140 هجری قمری، وقتی که 31 تن از شاهزادگان صفوی را در عمارت چهل ستون به فرمان اشرف افغان مسموم کردند، اجساد کشتگان را به قم آورده و در جوار مقبره شاه سلیمان در دوردیف و یک سردابه به خاک سپردند. در همان روز 140 تن از امرای صفوی را در میدان شاه جهان آورده و به فرمان اشرف افغان از دم تیغ گذرانیدند که اجساد عده ای از آنان را هم به قم آورده و در سردابی دیگر مجاور آن دفن کردند. در سال 1142 هجری قمری، شاه سلیمان پس از شکست اشرف در برابر نادرقلی افشار و تسخیر اصفهان، عازم آن شهر بود که سر راه خود فرمان داد تا به روی این قبور دو سالن بزرگ بنا کردند و اکنون موزه آستان شده است. هنگامی که برای تعمیر آن درب سردابه را گشودند، اجساد شاهزادگان در یک سرداب، در دوردیف کنار یک دیگر در لحدهای جداگانه نمودار شد. (1)

## مهمانخانه آستانه

در سال 950 هجری قمری، شاه طهماسب برای آستانه، مضیف خانه ای (مهمان خانه) بنا و برای آن رقباتی هم وقف کرد تا درآمد آنها به صرف طعام زوار و خدام برسد و چنین به نظر می رسد که این مهمان سرا را با اوقاف آن از محل ثلث خواهر خود، شاه بیگم ساخته و خریده باشد. سطح آن مرتفع تر از کف حرم بوده زیرا کانال آب حوض از زیر آن می گذشت، حوضی که فاضلاب آن مدارس مجاور محله آستان را مشروب می کرد. (2)

ص: 249

---

1- (1) پیشین، صص 419 و 420.

2- (2) پیشین، ص 417.

## اشاره

از دیگر آثار وجود مبارک حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در قم، وجود امام زادگان بسیاری است که به قم آمده اند و در این شهر وفات یافته و به خاک سپرده شدند. تعداد این امام زادگان 444 عدد است که بعضی از آنها دارای بقعه و ضریح هستند.

### 1. شاهزاده ابواحمد بن محمد حنفیه

## اشاره

در بیرون دروازه ری و در یکی از گورستان های قدیمی شهر به نام مقبره مالک آباد که امروز گورستان از آن استفاده می شود، قرار دارد. این قسمت در شمال شرقی شهر قرار داشته و امروزه داخل شهر و کنار بلوار شهید عراقی است. گنبد ابواحمد بن محمد حنفیه، چون میان بقاع چهار امام زاده و شاه زاده سیدعلی قرار دارد، امام زاده میانی خوانده می شود. این بنا در حال حاضر به تنهایی در محیطی باز قرار گرفته است. گنبد مزار ابواحمد بن محمد حنفیه از آثار تاریخی اصیل شهر قم است که در سال 932 هجری قمری، تجدید بنا و تزیین یافته است. (1)

نوع نقشه، نمای خارجی و داخلی، گنبد و تزیینات آن مانند بقاع قبلی است. ورودی آن هم در سمت جنوب واقع شده که با پله ای کوچک با داخل بنا، ارتباط پیدا می کند. این ورودی ایوانچه ای است دارای مقرنس کاری گچی و در زیر مقرنس ها با کاشی جدید، شاه زاده احمد بن محمد حنفیه نوشته شده و از آنجا به پایین را با سنگ مرمر جدید پوشانده اند. این ایوانچه و مقرنس کاری آن

ص: 250

از الحاقات دوره قاجار و شاید صفوی باشد؛ زیرا این بنا در دوره صفویه بازسازی و مرمت شده است.

## تاریخ بنا

در این بنا، کتیبه ای که نشان دهنده ساخت آن باشد وجود ندارد و اگر وجود داشته از میان رفته است؛ لیکن شواهدی موجود است که از طریق آنها می توان تاریخ نسبی بنا را مشخص کرد. از آن جمله ویژگی های معماری آن از قبیل فرم، پلان و نوع گنبد، همگی از مواردی است که در اثنیه قرن نهم مورد استفاده بوده است. همچنین نوع تزینات آن، کتیبه و زمینه تزینی آن، به خصوص برگ های منقوش، حروف برجسته و نوع خط آن از مواردی است که شدیداً در این دوره شایع بوده است.

درباره مدفون یا مدفونین در این بقعه، تاریخ قم بیان می کند که دیگر از اعقاب محمد حنفیه که به قم آمدند، ابواحمد عبیدالله بن احمد بن جعفر بن عبدالله بن محمد حنفیه بن امام علی علیه السلام بوده است و از ابوالقاسم محمدی روایت است که ابواحمد مزبور از کوفه به قم آمد، در این شهر ساکن شد و همچنان بود تا وفات یافت و او را به مقبره مالک آباد در قبه آجری ای که نزدیک آن بر مردگان نماز می خواندند به خاک سپردند و او از عقبی باقی نماند. (1)

## 2. مجموعه چهل اختران

### اشاره

این مجموعه مرکب از سه بنا است که قبلاً در دو صحن جداگانه قرار داشته اند، ولی در قرن گذشته این سه بنا را گرداگرد یک دیگر قرار داده اند. این

ص: 251

مجموعه از آثار قرن نهم و دهم هجری است که به ترتیب قدمت به شرح ذیل است:

### الف) شاه زاده زید

بقعه شاه زاده زید در ضلع غربی صحن چهل اختران واقع است. در این بارگاه، شاه زاده زید بن علی از نوادگان امام سجاد علیه السلام دفن است. گنبد این امام زاده در ضلع غربی صحن چهل اختران واقع است؛ اما این صحن نوینان است و صحن قدیم در جانب شرقی بقعه بوده است که اکنون مخروبه منهدم شده است. بقعه، قبه، ایوان و کفش کن شاه زاده زید از آثار تاریخی قرن نهم و دهم است. (1)

### ب) مرقد موسی مبرقع

بقعه منسوب به موسی مبرقع در ضلع شرقی صحن چهل اختران واقع است که مدفن موسی فرزند امام جواد علیه السلام است. (2) این بقعه، بنایی ساده و کوتاه از تزیینات هنری است؛ لیکن دهلیز و راهروی آن به درازی 21 متر از آثار هنری قرن نهم است. (3) بالای درگاه ورودی بقعه موسی مبرقع، کتیبه ای به خط نستعلیق سفید بر کاشی خشتی، مشتمل بر ابیاتی افزوده شده که نگارنده آن میرزا عباس قلی، متولی مقبره مستوفی الممالک است. (4)

ص: 252

---

1- (1) عباس فیض، گنجینه آثار، ج 2، ص 529؛ محمد مهدی عقابی، دائرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره های اسلامی، ص 269.

2- (2) ابن رضا، قم از نظر اجتماعی و اقتصادی، ص 471.

3- (3) مهرالزمان، مردم نگاری زیارتگاه های استان قم، ص 43.

4- (4) محمد مهدی فقیه محمدی، انوار پراکنده، ص 420.

## ج) بقعهٔ چهل اختران

این بقعه، مدفن نوادگان و وابستگان به خاندان موسی مبرقع علیه السلام و فرزندان امام جواد علیه السلام است. در این بقعه، چهل تن از سادات رضویه به خاک سپرده شده اند. این بقعه از ساخته های عصر صفوی و بنای آن به سال 950 هجری قمری است. نام بانی آن شاه طهماسب صفوی و با هنرمندی استاد سلطان قمی شکل گرفت. (1)

## 3. علی بن بابویه قمی

بقعهٔ مورد نظر از آثار صفویه است. این بنا در ابتدای چهارمردان، پشت پاساژ ملت در کوچهٔ ابن بابویه واقع است. (2)

## 4. سکینه خاتون

بنای مزار سکینه خاتون مربوط به دورهٔ صفوی است و باید از نیمهٔ نخستین این دورهٔ باشد. نمای درونی بنا چهارگوشه با صدفه ای در هر سو است. (3)

## 5. بابا مسافر

بنای بقعهٔ بابامسافر در باغ شاه قدیم، در شمال شرقی شهر، نزدیک دروازه ری است. از بناهای کهن است و از نیمهٔ نخستین دورهٔ صفوی فزوتتر نیست.

ص: 253

---

1- (1) فیض، گنجینه آثار، ج 2، ص 561.

2- (2) پیشین، ص 641؛ مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، ص 78.

3- (3) پیشین، ص 173.

درون بنا با بلندی اطراف شش متر، نخست چهارگوشه و سپس در بالا هشت ضلعی است. نمای خارجی، هشت گوشه است با بقایایی از تزیینات نقش و نگار گچی. در لچکی های بالای اضلاع خارجی بنا و کنده کاری های گچ بری بر بدنه هر یک، میان بقعه قبری است که اکنون لوحی ندارد؛ لیکن پیش تر لوحی سنگی داشته که بر آن احادیثی در سیر و سلوک به خط نسخ بوده است. (1)

## 6. سلطان محمد شریف

او فرزند ابوالقاسم علی، نقیب قم از نوادگان امام چهارم است. بنای این بقعه به همین نام، نزدیک دروازه قلعه شهر از نمونه های خوب و پاکیزه سبک معماری و تزیین قرن نهم و دهم بود که چند سال قبل آن را ویران و به جای آن گنبدی مرتفع بنا کردند. (2) اکنون تنها اثر قدیم در این مزار، لوح کاشی فیروزه ای رنگ روی مرقد است که در قرن های هفتم و هشتم بازمانده است. (3)

## 7. بقعه مجاور صحن مزار در بهشت

نزدیک مزار علی بن جعفر از سمت شمال، کنار باغی که میان صحن این مزار و باغ گنبد سبز فاصل است، بنایی چهار گوشه با سقف گنبدی قرار دارد که از آثار نیمه نخستین دوره صفوی و خاکجای یک یا چند تن از بزرگان آن دوره قم است. نمای درون بنا نخست چهارگوشه با صفا ای در هر ضلع و دو

ص: 254

---

1- (1) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 1، ص 97.

2- (2) پیشین، ص 101؛ محمد معصوم شیرازی، طرائق الحقایق، ج 3، ص 270.

3- (3) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 2، ص 101.



درگاه در شمال و جنوب است که در بالا- با پیش آمدن گوشوارها به هشت گوشه دگرگون شده و سقف بنا، بی فاصله فراز آن قرار گرفته است. (1) بدنه بقعه و صفتها در حال حاضر ساده و گچ و خاکی است، تهی از هرگونه تزیین. (2)

### (8) شاهزاده احمد

بقعه منسوب به شاهزاده احمد که امامزاده خاک فرج خوانده می شود. اساس بنای آن گویا مربوط به پیش از دوره صفوی است که در این دوره مرمت شده است. (3)

### (9) شاه حمزه

اصل بنای بقعه شاهزاده حمزه از نیمه نخستین قرن دهم است. سبک بنای آن مانند سبک بنای حرم مقدس حضرت معصومه علیها السلام است؛ به عبارت دیگر، بنا نمونه کوچک تر کتیبه و سه طاقچه گچ بری رنگین که بی تردید از سال 851 هجری است. نمای درون بنا هشت گوشه است به دهانه 7/5 متر و بلندی اطراف 11 متر با صفت ای در هر ضلع به دهانه 2 و پهنای 1 متر که دو صفت شرقی و غربی، درگاه ورود است. قسمت نزدیک بقعه به شکل رواق مرکب از سه طاق چشمه پوش به سبکی زیبا با شاه نشین هایی در شمال و جنوب و درگاهی به بقعه چهل اختران است. (4)

ص: 255

---

1- (1) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 2، ص 104.

2- (2) پیشین.

3- (3) پیشین، ص 88.

4- (4) عمار کاووسی، معماری امام زادگان در قرن هشتم، ص 84.

بنای این مزار در دامنه کوهی در شمال غربی کهک، از آثار دوره صفوی است. نمای داخلی بقعه با بلندی حدود هفت متر، چهارگوشه و گرداگرد آن جز در سمت جنوب، ایوان ها، حجره ها و تالارهاست. گنبد هرمی - برجی مزار به سبکی خاص تزیین شده است. قاعده بنا از خارج به صورت هشت ضلعی مختلف الاضلاع با مصالح سنگ و گچ است که به هنگام تعمیر، تغییراتی در آن شده است. بنا از داخل متساوی الاضلاع است و در هر ضلع آن شاه نشینی تعبیه شده و از هر کدام دری به خارج گشوده می شود و در جلوی در تالاری ساخته اند. (1) گنبد بیرونی، از نوع هرمی شانزده ترکی کوتاه است که دارای عنقی آجری با نمایی از کاشی های فیروزه فام آراسته است. در سه جانب بقعه، تالارهایی وجود دارد که با غلاف گردشی به یک دیگر مرتبط می شود و در دو جانب تالار شمالی، در هر طرف دو غرفه مصفا با چشم اندازهای زیبا ساخته شده که در عصر صفویه بر بنای بقعه افزوده شده است. برجسته ترین اثر هنری از بقعه، منبت کاری آن به تاریخ 979 هجری قمری است. این امام زاده معروف به سید معصوم، یکی از نوادگان امام موسی کاظم علیه السلام است. (2) این مکان مشتمل بر بیوتاتی مصفا و مدرسه کوچکی در جانب غربی و غرفاتی مروح با چشم اندازی خوش منظر در جانب شمالی است. جلو آنها، آبی روان و اشجاری تنومند است که مقر تابستانی اعظام علما و سلاطین عصر صفویه بوده است.

ص: 256

1- (1) مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 2، ص 182.

2- (2) پیشین، ص 87.

تعمیر قبه این بارگاه از محل ثلث ماترک شاه بیگم، دختر شاه اسماعیل انجام شده است. این بنا در سال 970 هجری قمری، از ناحیه برادر او شاه طهماسب صفوی ساخته شد که بنا به وصیت خود شاه بیگم بوده است. (1)

### 11. شاه زاده ابراهیم

این بنا متعلق به عصر صفوی است. گنبد آن با بلندای هفت متر، هرمی شکل و برجی است که به کاشی فیروزه ای آراسته است. درگاه ورودی بقعه از سوی غرب در ایوان باز می شود که برابر آن رواقی است و سپس صحن قرار دارد. نمای داخلی بنا چهار ضلعی متساوی الاضلاع با دیواری سفیدکاری است. گنبد بیرونی این بنا به صورت خودی بوده که بعدها گنبدی مخروطی به شکل کلاه درویش بدان افزوده اند. از جمله آثار قدیمی این بنا درب منبت کاری آن است که متعلق به سال 1015 است. این بقعه متعلق به یکی از فرزندان امام محمدباقر علیه السلام است. (2)

### 12. شاه زاده محسن

بقعه مزبور از آثار قرن دهم است که در روستای قبادبزن واقع است. قاعده گنبد آن از خارج چهار ضلعی با جدار سنگ و گچی و از داخل نیز چهار ضلعی متساوی به دهانه 5/50 و ارتفاع 7 متر است که در هر ضلعی، شاه نشین است و از هر یک به خارج گشوده می شود. جدار داخلی آن سفیدکاری و تهی از

ص: 257

---

1- (1) فیض، گنجینه آثار، ج 2، ص 619؛ مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج 2، ص 182.

2- (2) پیشین، ص 190.

تزیینات هنری است و در چهار گوشه بقعه، نیم طاقی بالا آمده که صورت مربع را به مثنی تبدیل کرده که با زدن چند رسمی بند به صورت فلکه ای در آورده است. جانب جنوبی آن تالاری است به دهانه 6 و عرض 2 متر با یک ستون لوله و پوشش خفته رسته تیر آهنی که نوبنیاد است و گنبد آن عرق چینی است که روی آن را کاهگل مالی کرده اند. (1)

### 13. شاه زاده ابراهیم دستجرد

ایوان های این امام زاده به شهادت لوح سنگی در سال 1074 هجری قمری بر آن افزوده شده اند. در چهار سوی بقعه، ایوانی است الحاقی از عصر صفویه که همگی یک نواخت با جدار سفیدکاری و پوششی دوقوسی هستند و از آن میانه، ایوان شمالی در مدخل رسمی بقعه واقع و سطح آن از سطح بقعه یک متر پایین است. به طوری که با بالا رفتن از سر پله، به ایوانچه ای که جلو درگاه قرار دارد، به نام دارالحفاظ می رسند. دهانه هر ایوان 3 متر و طولش 4 متر است. دیوارش سفیدکاری و پوشش آن رومی و در مدخل بقعه، ایوانچه ای به دهانه 2/30 و عرض یک متر از بناهای قدیم واقع است. (2)

### 14. شاه زاده اسماعیل

این امام زاده در دامنه کوه بیدقان، از مزارات مشهور و قدیم قم که آنجا قبر اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام و موسی بن کاظم علیه السلام است. اصل بنا مربوط

ص: 258

- 
- 1- (1) فیض، گنجینه آثار، ج 2، ص 655؛ عقابی، دائرة المعارف تاریخی در دوره های اسلامی، ص 166.
  - 2- (2) فیض، گنجینه آثار، ج 2، ص 657.

به دوره قبل از صفوی است؛ اما در این دوره الحاقاتی بدان افزوده شده که یکی منبری از آثار عهد صفویه است و دیگر دو لنگه در منبت است که از آنها با عنوان درب پنجم و ششم یاد می شود. درب پنجم که هر لنگه اش از یک تخته چوب ساخته شده، بسیار مقاوم و از درهای دوره صفوی است که در سال 922 هجری قمری، ساخته و نصب شده است. (1)

### 15. امام زاده ابراهیم

این بنا در شهر دستجرد، مرکز خلیجستان واقع است. در این بنا دو تن از سادات سجدی به نام های ابراهیم و ابوطالب دفن هستند. با توجه به سبک معماری، به نظر می رسد که این بنا به قرن دهم تعلق دارد. بقعه مورد نظر از درون هشت ضلعی و از بیرون به شکل نعل اسب است. نمای بیرونی با لاشه سنگ و ملاط گچ کاری شده و نمای درون با خشت و اندود کاهگل و سپس اندود گچ نازک کاری شده و دارای دو ردیف طاقچه تزئینی کم عمق است. (2)

### 16. امام زاده زکریا

بین روستای عیسی آباد و میدانک، رود کوچکی است که در کنار آن از عمق پنج متری سطح زمین، سدی آجری به صورت برجی از سنگ و گچ بنا شده که ساختمان امام زاده زکریا بر روی این سد بنا شده است. (3)

ص: 259

---

1- (1) فیض، گنجینه آثار، ج 2، ص 307؛ عمار کاووسی، معماری امام زادگان قم در قرن هشتم، ص 84.

2- (2) عمار کاووسی، معماری امام زادگان قم در قرن هشتم، ص 86.

3- (3) پیشین.

در این بقعه، یکی از نوادگان امام موسی کاظم علیه السلام دفن شده است. (1) این بقعه بیش از یک متر از سطح زمین ارتفاع دارد. در جهت شمال بقعه، ایوانی کوچک قرار دارد. فراز بقعه گنبدی با ارتفاع ده متر شلجمی شکل و زیبا آراسته به کاشی دیده می شود و دو گل دسته در کنار آن بر پا شده است. این بنا از نظر قدمت مربوط به عصر صفویه است. (2)

### 17. امام زاده وشنوه

در بقعه این امام زاده از آثار نفیس باستانی مربوط به صفوی، منبری است که کلیه پل ها و پایه های آن منبت و مزین به کتیبه های گوناگون افقی و عمودی به خط برجسته ثلثی، متضمن سوره های کوچک قرآنی، صلوات کبیره، نام شاه اسماعیل صفوی و تاریخ (عشرین و تسع ماه هجری) است و تمام جدار آن از چهار جانب، تنکه پوش است که روی آنها گره چینی، در دل خانچه بندی توأم با قاب سازی شده و روی هر گروهی، گل و بوته های برجسته منبت گردیده است. (3)

### 18. شاه زاده محمد افسطی در ترخوران

بقعه شاه زاده از بناهای باستانی مزین به کاشی، گچ بری، نقاشی و منبت کاری است که مجموعاً از آثار برجسته هنری بوده، حفاظت از آنها در

ص: 260

---

1- (1) فیض، گنجینه آثار، ج 2، ص 433.

2- (2) پیشین.

3- (3) پیشین، ص 596؛ عقابی، دائرة المعارف تاریخی در دوره های اسلامی، ص 215.

درجهٔ یکم حایز اهمیت است. چنین به نظر می‌رسد بنای گنبد در سال 950 هجری قمری، از آثار دورهٔ شاه طهماسب یا خواجه مؤمن تفرشی است که در سال 956 خاتمه یافته است و قسمتی از تزیینات آن، هم زمان با بنیان ایوان سردرب ورودی صحن، در سال 1050 انجام شده است.<sup>(1)</sup>

## نتیجه

نوشتار حاضر با عنوان وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی قم در دورهٔ صفویه است که به دنبال بررسی وضعیت سیاست، اجتماع، اقتصاد، فرهنگ و مذهب مردم شهر قم در طی حکومت پادشاهان صفویه می‌باشد. بنا بر نقل بسیاری از منابع، قم در سال‌های قبل از حکومت صفویان، مورد تهاجم و قتل و غارت سپاه مغول واقع شده بود؛ به طوری که بسیاری از مردم قتل عام شدند و باقی آنها هم به مناطق دیگر رفتند و شهر در حال رکود قرار گرفت، تا اینکه در اوایل قرن دهم بر اهمیت سیاسی این شهر بسیار افزوده شد؛ زیرا در طی این مدت، قم پایگاه زمستانی پادشاهان و مدتی هم پایتخت عراق عجم خوانده می‌شد؛ اما در دورهٔ صفویان که از سال 905 تا 1139 هجری قمری (اوایل قرن دهم تا دههٔ پنجم قرن دوازدهم) را در بر می‌گیرد، شهر قم به رشد، نشاط و رونق بسیاری دست یافت؛ چرا که پادشاهان صفوی به دلیل اینکه خود عقاید شیعی داشتند، از شهرهای شیعه نشین و مذهبی که در رأس آنها قم بود، حمایت بسیاری می‌کردند. آنها به علت علاقه به خاندان عصمت و طهارت و مسایل سیاسی و برای تشویق مردم ایران به زیارت و جلوگیری از خروج ارز، هنگام سفر به عتبات عالیات که آن زمان تابع

ص: 261

دولت سنی مذهب عثمانی بود، سالی چند بار به آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می رفتند. به دلیل حضور این شاهان و اقدامات آنها در زمینه آبادانی قم، تعمیر و مرمت بسیاری از مشاهد مشرفه، ساخت ابنیه مذهبی و بنای مساجد و مدارس آغاز شد؛ به خصوص از زمانی که شاه صفی در قم به خاک رفت، بر رونق و رشد شهر نیز افزوده شد.

در زمینه اجتماعی هم در این زمان و با ورود علما به قم، پیش رفت علمی این شهر بازگشت و مناصبی چون نقابت و تولیت حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مسجد امام حسن عسکری علیه السلام بود که به صورت موروثی به خاندان ها می رسید، سر و سامان یافت. املاک و اموالی که توسط مردم قم وقف حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام می کردند در رشد و رونق موقعیت اجتماعی و علمی مردم قم تأثیر بسزایی داشت. به علاوه بسیاری از مساجد قم هم موقوفه داشتند و از درآمد همین موقوفات بود که موجب پیش نمازان، مدرسین، شهریه طلاب و هزینه نگهداری ساختمان ها پرداخت می شد و همین املاک و اموال وقفی، توانست موقعیت علمی و مذهبی شهر را هم به رشد و ترقی برساند.

از لحاظ فرهنگی هم با توجهی که شاهان به علما و ادبا داشتند، بر شمار شخصیت های علمی و ادبی افزوده شد تا جایی که این افراد توانستند باعث رونق و نشاط ادبی قم شوند. همچنین مرمت و ساختن مدارس و مساجد در این دوره، تأییدی بر رشد و رونق علم و فرهنگ این شهر است.

در زمینه اقتصادی هم به نوشته سیاحان خارجی، در این دوره نعمت به وفور در قم مشاهده می شود و شهر به علت قرار داشتن بر سر راه کاروان های تجاری، از موقعیت خوبی برخوردار بوده است و صنایع شهر و صادرات آنها به دیگر شهرها نیز، خود باعث رونق اقتصادی قم می شده است. به طور کلی



وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قم در زمان صفویان پیشرفت قابل توجهی داشته است و این شهر در آن روزگار یکی از شهرهای مطرح ایران شد.

ص: 263



1. افندی اصفهانی، عبدالله، ریاض العلماء و حیات الفضلاء، به اهتمام سید محمود مرعشی، قم: نشر خيام، 1301.
2. افواشته ای نطنزی، محمود بن هدایت، نقاوه الآثار فی ذکر الاخيار در تاریخ صفویه، به اهتمام احسان اشراقی، تهران: علمی و فرهنگی، 1350.
3. امینی هروی، امیرصدرالدین، فتوحات شاهی، تصحیح دکتر محمد رضا نصیری، انتشارات دانشگاه تهران، 1383.
4. اولناریوس، آدام، اصفهان خونین شاه صفی، ترجمه حسین کردبچه، تهران: نشر هیرمند، 1279.
5. بیگدلی، آذر، تذکره آشکده، تهران: نشر روزنه، 1378.
6. تاورنیه، ژان باسیت، سفرنامه، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیروانی، تهران: کتابخانه سنایی، 1371.
7. ترکمان، اسکندر بیک، تاریخ عالم آرا عباسی، 3 جلدی، تصحیح شاهرودی، بی جا، طلوع، 1364.

8. همو، ذیل عالم آراء، تصحیح خوانساری، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، 1371.
9. تهرانی، آقابرگ، الذریعه، 26 جلدی، قم: نشر اسماعیلیان، 1408 ق.
10. جنابدی، امیرییک، روضه الصفویه، به کوشش غلامرضا طباطبایی، تهران: نشر علمی و فرهنگی، 1378.
11. حزین، شیخ محمدعلی، تذکره حزین، چاپ دوم، کتاب فروشی تأیید اصفهان.
12. حسین صبا، محمد مظفر، تذکره روز روشن، ماه جهانی، هند، 1295.
13. حسینی خاتون آبادی، عبدالحسین، وقایع السنین و الاعوام، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، 1352.
14. حسینی قمی، قاضی احمد، خلاصه التواریخ، 2 جلدی، تصحیح احسان اشراقی، دانشگاه تهران، 1359.
15. همو، گلستان هنر، مصحح احمد خوانساری، کتاب خانه منوچهری، تهران.
16. حسینی قمی، صفی الدین محمدهاشم، خلاصه البلدان، به کوشش مدرسی طباطبایی، قم: نشر حکمت، 1396 ق.
17. حموی، شهاب الدین، معجم البلدان، بیروت: دارالکتاب العلمیه، 1379.
18. خواندمیر، امیر محمود، ایران روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب، به کوشش غلامرضا طباطبایی، تهران، 1370.
19. همو. دستور الوزراء، تصحیح سعید نفیسی، تهران: نشر اقبال، 1317.

20. همو، حبيب السیر، 4 جلد، خیام، تهران، 1333.
21. دالمانی، هانری رنه، از خراسان تا بختیاری، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: طاووس، 1378.
22. دسیوا، فیگوئرا گارسیا، سفرنامه، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو، 1363.
23. دلاواله، پیتر، سفرهای مشهور پیتر و دلاواله، 2 جلد، ترجمه دکتر شجاع الدین ثنا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
24. دیولافوا، مادام ژان، ایران کلد و شوش، به کوشش بهرام فرهوشی، ترجمه همایون، چاپ ششم، دانشگاه تهران، 1874 م.
25. روملو، حسن بیک، احسن التواریخ، 3 جلدی، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: اساطیر، 1384.
26. سفرنامه ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی، 1349.
27. سمرقندی، دولتشاه، تذکره الشعرا، تصحیح محمد عباسی، تهران: بارانی، 1337.
28. سمیعا، میرزا، تذکره الملوک، به کوشش محمد دبیر سیاقی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، 1367.
29. شاردن، ژان، سفرنامه ژان شاردن، 5 جلدی، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس، 1374.
30. شاملو، ولی قلی بن داوود قلی، قصص الخاقانی، 2 جلد، تصحیح سادات ناصری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1374.

31. شیرازی، عبدی بیک، تکمله الاخبار، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: نشر نی، 1369.
32. شیرازی، محمد معصوم، طرائق الحقایق، 3 جلد، تصحیح محمد جعفر محبوب، تهران: سنایی.
33. صفوی، سام میرزا، تذکره تحفه سامی، تصحیح رکن الدین همایون فرخ، علمی، بی تا.
34. فلاندن، اوژن، سفرنامه، ترجمه حسین نورصادقی، چاپ دوم، تهران: اشراقی، 2536 م.
35. قاضی سعید، کلید بهشت، تصحیح محمود مشکات، انتشارات الزهراء، 1362.
36. قزوینی، ابوالحسن، فوائد الصفویه، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: بابک، 1357.
37. قزوینی، محمود، آثار العباد و اخبار البلاد، بیروت، 1380.
38. قزوینی، بوداق منشی، جواهر الاخبار، تصحیح محسن بهرام نژاد، تهران، 1378.
39. قزوینی، عبدالجلیل، النقص، تصحیح جلال الدین محدث ارموی، تهران، 1371.
40. قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی، توس، 1361.
41. کاتف فدت، آفاناس یویچ، سفرنامه، ترجمه محمدصادق همایون فرد، تهران: کتابخانه ملی ایران، 1356.

42. کارری، جملی، سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی ارنگ، تبریز: فراکلین، 1348.
43. کیاگیلانی، سیداحمد بن محمد، سراج الانساب، قم: مرعشی نجفی، 1409 ق.
44. گرس، ایوان، سفرنامه سفیر زیبا، ترجمه علی اصغر سعیدی، انتشارات تهران، 1372.
45. لاهیجی، عبدالرزاق، مقدمه گزیده گوهر مراد، به اهتمام صمد موحد، کتابخانه طهوری.
46. مستوفی، حمدالله، نزهه القلوب، به کوشش محمود دبیر سیاقی، قزوین: حدیث امروز، 1381.
47. مستوفی، محمدحسن، زبده التواریخ، به کوشش بهروز گودرزی، دانشگاه تهران، 1375.
48. مقدسی، احمد، احسن التقاسیم، مصحح علی نقی منزوی، شرکت مؤلفان، 1361.
49. میرخواند، محمد خداوند شاه، روضه الصفای ناصری، 10 جلدی، مرکزی، 1339.
50. موسوی خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
51. ناشناخته، حدود العالم فی المشرق الی المغرب، تهران: مجلس، 1352.
52. نصرآبادی، محمدطاهر، تذکره نصرآبادی، تصحیح وحید دستگردی، تهران: ارمغان.

53. نطنزی، معین الدوله، منتخب التواریخ، تصحیح ژان اوین، تهران: خیام، 1336.
54. واله اصفهانی، محمدیوسف، خلد برین، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: میراث مکتوب، 1379.
55. وحید قزوینی، میرزا محمدطاهر، عباس نامه، تصحیح ابراهیم دهگان، اراک: کتابفروشی داوودی، 1329.
56. همدانی، ابن الفقیه، مختصر البلدان، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، 1302 ق.
57. یزدی، شرف الدین، ظفرنامه، ترجمه عبدالقادر هاشمی، تصحیح سعید میرصادق، 2 جلد، تهران: امیرکبیر، 1336.
58. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1356.



1. آشتیانی، سیدجلال الدین، منتخباتی از آثار حکمای ایران، 2 جلدی، دفتر تبلیغ اسلام.
2. آوردی، حسین، دیدنی های قم، نشر برگزیده، 1372.
3. ابن رضا، سیدحسین، قم از نظر اجتماعی و اقتصادی، چاپخانه مهر، 1335.
4. ابن طاووس، سیدعبدالکریم، فرحة الغری، مرکز الغدیر، للدرسات الاسلامیه، 1419 ق.
5. ابن عنبه، عمده الطالب، تصحیح محمدحسن آل طالقانی، نجف: مطبعه حیدری، 1381.
6. ابی الفتح اربیلی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، بیروت: دارالکتاب الاسلامی، بی تا.
7. ادیب کرمانی، غلامحسین، سفرنامه قم، تصحیح زهرا اردستانی، قم: زائر، 1384.
8. ارباب، محمدتقی بیگ، تاریخ دارالایمان قم، قم، 1395 ق.

9. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1374.
10. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید، مصحح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر، 1363.
11. افضل الملک، غلامحسین خان، سفرنامه قم، تصحیح زهرا اردستانی، قم، 1384.
12. امینی، محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالمتعارف للمطبوعات، 1403 ق.
13. امینی، محمدحسین، فهرست نسخه های خطی، 4 جلد، قم: گنجینه جهانی، 1385.
14. انوار، سیدعبدالله، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، چاپ دوم، تهران، بی تا.
15. ایزدپور، محمدرضا، چشم اندازی به مکتب فلسفی قم، قم: زائر، 1384.
16. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، سیاست و اقتصاد در عصر صفوی، چاپ سوم، تهران: صفی علی شاه، 1362.
17. بُرن ارهر، نظام ایالات در دوره صفویه، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1349.
18. بیانی، خان بابا، تاریخ نظامی ایران جنگ های دوره صفوی، تهران: چاپخانه ارتش.
19. بیات، عزیزالله، کلیات تاریخ بیات، انتشارات تاریخی میراث ملل، بی تا.
20. بیومی، ابراهیم، ساختار نهاد وقف در جهان اسلام، قم: اسوه، 1386.

21. بناهای عام المنفعه، پژوهشگاه هنر و فرهنگ اسلامی، تهران، 1379.
22. پارسا دوست، منوچهر، شاه طهماسب اول، تهران: شرکت سهامی، انتشار، 1377.
23. پطروشفسکی، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، بی تا، بی جا.
24. پورامینی، محمداقبر، مکتب سیاسی قم، قم: زائر، 1384.
25. تاریخ ایران دوره صفوی، دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جانی، 1380.
26. تمهیدی، محمد، تایلند سرزمین طلایی، الهدی، 1379.
27. تهرانی، آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعه، قم: اسماعیلیان، 1372.
28. ثابتیان، اسناد و روزنامه های تاریخی اجتماعی دوره صفویه، تهران: کتابخانه ابن سینا، 1346.
29. ثامنی، جعفر، فرهنگ القاب و عناوین شهرها، جهان اندیشه کودکان، 1372.
30. ثعالبی، ابومنصور، غرر اخبار الملوک الفرس و سیرهم، تهران: مکتبه الاسدی، 1963 م.
31. جعفریان، رسول، دین و سیاست در دوره صفویه، قم: انصاریان، 1370.
32. همو، صفویه در عرصه دین، فرهنگ، سیاست، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بی تا.

33. حسینی، احمد، فهرست نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، بی تا.
34. حسینی فسایی، حسن، فارسنامه ناصری، 2 جلد، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر، 1367.
35. حسینی جلالی، محمدحسین، فهرس التراث، 2 جلد، مصحح محمدجواد حسینی جلالی، قم: دلیل ما، 1380.
36. خامه یار، رسول، قم دیروز و امروز، ماه رهپویان، 1384.
37. دائرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، بناهای آرامگاهی، ویرایش محمدعقابی، تهران، 1376.
38. دوانی، علی، مفاخر اسلام، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 13 جلد، تهران، 1386.
39. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: مؤسسه دهخدا، بی تا.
40. رازی، امین احمد، تذکره هفت اقلیم، تصحیح محمدرضا طاهری، تهران: سروش، 1378.
41. رازی، محمد شریف، گنجینه دانشمندان، 8 جلد، قم: پیروز، 1354.
42. راهنمای قم با 64 گرادور و یک نقشه، قم: آستان قم، 1327.
43. رحمانی، مختار، قم از عصر باستان تا عصر حاضر، قم: ترمینکا، 1384.
44. رضایی، حمید، تاریخ متولیان آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام، قم: زائر، 1384.
45. همو، تاریخ نقبای قم، قم: زائر، 1384.
46. رضوان پور، مهدی، کتاب شناسی آثار قم، قم: زائر، 1384.

47. رنجبر، مسعود، مجموعه مقالات کنگره آستان حضرت معصومه علیها السلام، قم: زائر، 1284.
48. زمرشیدی، حسین، معماری و شهرسازی ایران، تهران: کیهان، 1374.
49. سعیدنیا، احمد، قم خاستگاه شهرهای ایران، 6 جلد، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی، 1366.
50. سلطان زاده، حسین، روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی ایران، تهران: آگاه، 1362.
51. همو، معماری و شهرسازی ایران، تهران: دفتر پژوهش فرهنگی، بی تا.
52. سیوری، راجر، ایران عصر صفویه، ترجمه احمد صبا، تهران، 1363.
53. شبستری، عبدالحسین، مشاهیر شعرای شیعه، 5 جلد، قم: مکتبه الادبیه، 1421 ق.
54. شهابی، علی اکبر، تاریخچه وقف در اسلام، دانشگاه تهران، 1343.
55. شیرازی، عبدی بیک، تکمله الاخبار، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: نشر نی، 1369.
56. صادقی، مقصود، چکیده مقالات همایش صفویه در گستره تاریخ ایران زمین، تبریز، 1383.
57. صدرایی خویی، علی، فاطمه معصومه و تاریخ و فرهنگ قم، قم: زائر، 1384.
58. صفت گل، منصور، ساختار نهاد و اندیشه دینی در عصر صفوی، تهران: رفا، 1381.
59. عطاری، عباس، تاریخ شهرهای ایران، تهران: نشر نسیم، 1386.

60. عنایت، حمید، تفکر نوین سیاسی اسلام، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: امیرکبیر.
61. غلامعلی، همایون، اسنادمصور اروپائیان از ایران، 3 جلد، تهران: دانشگاه تهران، 1348.
62. فتوحی، محمود، نقد خیال، تهران: روزگار، 1372.
63. فقیه محمدی جلالی، محمدمهدی، انوار پراکنده، قم: مسجد جمکران، 1376.
64. فقیهی، علی اصغر، تاریخ مذهبی قم، چاپ سوم، قم: زائر، 1378.
65. فلسفی، نصرالله، شاه عباس اول، 5 جلدی، تهران: علمی، 1371.
66. فیض، عباس، انجم فروزان، تهران، 1322.
67. فیض، علی اکبر، گنجینه آثار، 2 جلد، قم: مهر استوار، 1350.
68. قاسمی نژاد، حسین، راهنمای قم، بی جا، 1354.
69. کابلی، میرعابدین، بررسی های باستان شناسی قمرو، 2 جلد، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، 1348.
70. کاووسی، عمار، معماری امام زادگان قم در قرن هشتم، آستان مقدس قم، 1384.
71. کلایس، والفرام، دایره المعارف بناهای ایران، پل ها، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی، 1366.
72. همو، پل های دوره صفوی وقاجار، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: فروهر، 1379.

73. کنبی، شیلا، هنر و معماری صفویه، مترجم مزدا موحد، تهران: فرهنگستان هنر، 1385.
74. کوچک زاده، محمدرضا، تاریخچه قم و مساجد آن، انشراح، 1384.
75. کیانی، محمدیوسف، فهرست کاروان سراهای ایران، 2 جلد، تهران: حفاظت آثار باستانی، 1362.
76. گروهی از نویسندگان، مجموعه مقالات، قم: زائر، بی تا.
77. گروهی از نویسندگان، طبقات فقها موسوعه، 11 جلد، مصحح جعفر سبحانی، قم: مؤسسه امام صادق، 1418 ق.
78. گلچین معانی، احمد، تاریخ تذکره های فارسی، تهران: کتابخانه سنایی، 1363.
79. همو، کاروان هند، 2 جلد، مشهد: آستان قدس رضوی، 1369.
80. همو، مکتب وقوع در شعر فارسی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
81. گنج نامه، کاروان سراها، مرکز اسناد و تحقیقات، دانشکده معماری و شهرسازی، زیر نظر کامبیز حاجی میرزا، مترجم جورابچی، 17 جلد، تهران: کتابخانه ملی ایران، 1383.
82. گیریشمن، ر. ک، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چاپ هفتم، تهران: علمی و فرهنگی، 1368.
83. حزین لاهیجی، محمدعلی، تاریخ و سفرنامه حزین، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1357.

84. مجاهدی، محمدعلی، تذکره سخنوران قم، قم: هجرت، 1370.
85. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، 110 جلد، بیروت: مؤسسه الوفاء، 1983 م.
86. مجیدزاده، یوسف، آغاز شهرنشینی در ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1368.
87. مخلصی، محمدعلی، پل های قدیمی ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی، 1368.
88. مدرسی خلخالی، نورالدین، ذکر اخبار دارالایمان قم در سیاحت نامه ها، قم: آیت الله مرعشی نجفی، 1386.
89. مدرسی طباطبایی، سید حسین، راهنمای جغرافیای تاریخی قم، قم: حکمت، 1396 ق.
90. همو، تربت پاکان، 2 جلد، قم، 1335.
91. همو، قم در قرن نهم، قم: چاپخانه حکمت، 1350.
92. همو، قم نامه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1364.
93. همو، قمیات، مجموعه مقالات، زاگرس، 1383.
94. همو، مثال های صدور صفوی، قم: چاپخانه حکمت، 1353.
95. مرعشی، میرظهیرالدین، تاریخ گیلان و دیلمستان، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1347.
96. محمدی ملازاده کاظم، محمدی، مریم، بناهای عام المنفعه، دایره المعارف بناهای تاریخی ایران دوره اسلامی، تهران: حوزه هنری، 1379.



97. مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه مسعود رجب نیا، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: انجمن کتاب تهران، 1349.
98. عرب زاده، ابوالفضل، جغرافیای تاریخی قم، قم: زائر، 1383.
99. ناصرالشریعه، محمدحسین، تاریخ قم، تصحیح علی دوانی، قم: رهنمون، 1383.
100. نقیبی، سیدحسن، فهرست نسخه های خطی کتابخانه آستانه حضرت معصومه علیها السلام، قم: زائر، 1375.
101. نصیری اردوبادی، القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، تصحیح یوسف رحیم لو، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، 1371.
102. نوبان، مهرالزمان، سیمای میراث فرهنگی قم، تهران: اداره کل آموزش انتشارات و تولیدات فرهنگی، بی تا.
103. واندنبرگ، لویی، باستان شناسی ایران، ترجمه عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران، 1348.
104. وهرام، غلامرضا، منابع تاریخی ایران در دوره اسلامی، تهران: امیرکبیر، 1371.
105. هانری، کرین، تاریخ فلاسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی، تهران: کویر، 1378.
106. هدایتی، محمدعلی، آستانه ری، تهران: افست، 1344.
107. هزار، علی رضا، دانشوران قم، قم: زائر، 1384.

108. همایون فرد، محمدصادق، فهرست توصیف نامه سفرنامه ها و کتاب های تاریخی روسی موجود در کتابخانه ملی، تهران: کتابخانه ملی ایران، 1362.

109. هنر و معماری مساجد، کانون های فرهنگی هنری مساجد، 2 جلد، تهران: رسانش، 1384.

## مقالات

1. دانش پژوه، محمدتقی، نامه آستان قدس رضوی، مشهد: 1380.

2. فصل نامه قم، شورای پژوهشی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، قم: 1377.

3. مجله ماه و جغرافیا، ویژه مطالعات صفوی، وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران: 1379.

4. مجله هنر و مردم، وزارت فرهنگ و هنر، تهران: 1353.

5. نشریه آستانه قم، راهنمای قم، قم: 1317.

6. مجله وحید، آثار باستانی، تهران: 1347.

ص: 280

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

